مکتب شهید سلیمانی

(الگوی تربیتی مدیران جهادی و تمدن‌ساز)

پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه‌السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

مکتب شهیدسلیمانی

(الگوی مدیران جهادی و تمدن‌ساز)

پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه‌السلام

مکتب شهید سلیمانی

(الگوی مدیران جهادی و تمدن‌ساز)

تهیه‌کننده: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق(ع)

نویسندگان:	اسدالله کرد فیروزجائی محمدتقی رکنی لموکی
ناظر علمی:	نعمت‌الله یوسفیان
ناظر نهایی:	حمید نگارش
سرویراستار:	حسین قاسم‌حمزه
ویراستار:	زهره استادحسین
واپایش نهایی:	عبدالرحمن حیاتی اصل
ناشر:	زمزم هدایت
صفحه‌آرا:	هادی جعفری
ناظر چاپ:	ابراهیم اسماعیل‌زاده
چاپ:	بلاغ
قطع:	رقعی
نوبت:	اول / ۱۴۰۱
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۲۴۶-۷۶۲-۴
شمارگان:	۲۰۰
قیمت:	۸۴۰۰۰ تومان

آدرس: قم، خیابان شهیدان فاطمی(دورشهر)، نبش کوچهٔ ۳، پلاک ۸۱
تلفن: ۳۷۷۳۰۷۳۵ ـ ۰۲۵ / همراه: ۸۷ ۲۸ ۲۵۳ ۰۹۱۲

حقوق مادی و معنوی چاپ و نشر
برای انتشارات زمزم هدایت محفوظ است.

ISBN:978-964-246-762-4

فهرست منابع

مقدمه ۹

فصل اول: پیش‌درآمد/ ۱۳

۱-۲. اهمیت مکتب شهیدسلیمانی ۱۸
۱-۳. اهداف مکتب شهیدسلیمانی ۲۰
۱-۳-۱. رسیدن به تمدن نوین اسلامی ۲۱
۱-۳-۲. زمینه‌سازی ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ۲۲
۱-۴. منابع مکتب شهیدسلیمانی ۲۴
۱-۴-۱. گفتار شهیدسلیمانی ۲۴
۱-۴-۲. سیره و سلوک رفتاری شهیدسلیمانی ۲۷
۱-۴-۳. نوشتار شهیدسلیمانی ۲۸

فصل دوم:ویژگی‌های شخصیتی شهیدسلیمانی/ ۳۱

۲-۱. ویژگی‌های فردی ۳۱
۲-۱-۱. تدین و تقوا ۳۱
۲-۱-۲. زهد و پارسایی ۳۳
۲-۱-۳. بصیرت ۳۶
۲-۱-۴. خستگی‌ناپذیری ۳۷

۲-۱-۵. اخلاص ۴۰
۲-۱-۶. توسل به اهل بیت ﷺ ۴۲
۲-۱-۷. عشق به شهادت ۴۳
۲-۲. ویژگی‌های اجتماعی ٤٤
۲-۲-۱. ولایی بودن ۴۵
۲-۲-۲. انقلابی بودن ۴۷
۲-۲-۳. مردمی بودن ۵۰
۲-۲-۴. عدالت‌خواهی ۵۳
۲-۲-۵. فراجناحی بودن ۵۴
۲-۳. ویژگی‌های فرماندهی و مدیریتی ۵۵
۲-۳-۱. تدبیر در فرماندهی ۵۵
۲-۳-۲. فرمانده میدانی و عملیاتی ۵۸
۲-۳-۳. فرماندهی و مدیریت جهادی ۶۳
۲-۳-۴. جاذبهٔ مدیریتی ۶۶

فصل سوم: مبانی فکری شهید سلیمانی/ ۷۱

۳-۱. مبانی هستی‌شناختی ۷۱
۳-۱-۱. خداشناسی ۷۲
۳-۱-۲. راهنماشناسی ۷۶
۳-۲. مبانی انسان‌شناختی ۷۷
۳-۳. مبانی دین‌شناختی ۷۹
۳-۴. مبانی ارزش‌شناختی ۸۱
۳-۴-۱. درد قرب الهی ۸۱
۳-۴-۲. عبادت و بندگی خدا ۸۴
۳-۴-۳. خدمت به خلق خدا ۸۵

۳-۴-۴. شجاعت ۸۶
۳-۴-۵. نعمت ولایت و رهبری ۸۷
۳-۴-۶. مصاحبت با خوبان و بهترین بندگان خدا ۸۹
۳-۴-۷. امیدواری به عفو الهی ۹۰
۳-۴-۸. دفاع از مظلومان و یتیمان ۹۲
۳-۴-۹. دفاع از دین ۹۳

فصل چهارم: مکتب، راه و خط‌مشی شهیدسلیمانی/۹۵

۴-۱. راه و خط‌مشی شهیدسلیمانی ۹۵
۴-۱-۱. مکتب شهیدسلیمانی برگرفته از مکتب امامین انقلاب ۹۶
۴-۱-۲. ماهیت مکتب امامین انقلاب ۹۷
۴-۱-۳. مکتب اسلام منظومه‌ای تحول‌پذیر ۱۰۰
۴-۲. مؤلفه‌های مکتب شهیدسلیمانی ۱۰۵
۴-۲-۱. اسلام ناب ۱۰۵
۴-۲-۲. انقلاب اسلامی ۱۰۹
۴-۲-۳. ولایت ۱۱۰
۴-۳. شاخص‌های مکتب شهیدسلیمانی ۱۱۱
۴-۳-۱. جامعیت ۱۱۱
۴-۳- ۲. عقلانیت ۱۱۱
۴-۳- ۳. معنویت ۱۱۴
۴-۳-۴. عدالت ۱۱۶
۴-۳-۵. اطاعت ۱۱۹
۴-۳-۶. مردم‌دار بودن ۱۲۳
۴-۳-۷. حمایت از مظلومان و مستضعفان ۱۲۷

فصل پنجم: تبیین نقش‌های مکتب شهیدسلیمانی/۱۳۱

۵-۱.نقش مکتب شهید سلیمانی در معرفی الگوی سبک زندگی اسلامی .. ۱۳۱
۵-۱-۱. حوزۀ فردی..... ۱۳۴
۵-۱-۲. حوزۀ خانواده ۱۴۰
۵-۱-۳. حوزۀ اجتماعی ۱۴۶
۵-۲.نقش مکتب شهید سلیمانی در سلوک جهادی و عرفانی ۱۵۲
۵-۲-۱. مظاهر سلوک جهادی شهیدسلیمانی ۱۵۲
۵-۲-۲. مظاهر سلوک عرفانی شهیدسلیمانی ۱۵۸
۵-۳.نقش مکتب شهید سلیمانی در تربیت مدیران جهادی تمدن‌ساز ۱۶۶
۵-۳-۱. ویژگی‌های ارزشی مدیر جهادی..... ۱۶۷
۵-۳-۲. ویژگی‌های‌شخصیتی مدیر جهادی ۱۶۹
۵-۳-۳. ویژگی‌های رفتاری مدیر جهادی ۱۷۱
۵-۴.نقش مکتی شهید سلیمانی در ارتقای قدرت بازدارندگی جبهۀ مقاومت... ۱۷۵
۵-۵.نقش مکتب شهید سلیمانی در ایجاد وحدت در جبهۀ مقاومت اسلامی... ۱۸۰
۵-۶.نقش مکتب شهید سلیمانی در تغییر موازنۀ قدرت در منطقه و جهان اسلام. ۱۸۲
۵-۷.نقش مکتب شهید سلیمانی در ناکامی طرح‌های امریکایی و اسرائیلی در منطقۀ غرب آسیا ۱۸۶

فصل ششم: دستاوردهای مکتب شهیدسلیمانی/ ۱۹۳

۶-۱. دستاوردهای داخلی ۱۹۳
۶-۲. دستاوردهای منطقه‌ای ۱۹۸
۶-۳. دستاوردهای بین‌المللی ۲۰۲
کتابنامه ۲۰۷

مقدمه

انتساب مکتب به هر شخصیتی بیانگر جهان‌بینی، نظام فکری، اعتقادی و عملی او در عرصه‌های مختلف زندگی است. اگر مجاهدت‌های شهیدسلیمانی در عرصه‌های مختلف، به‌خصوص عرصهٔ مقاومت اسلامی، با خیر و برکت عظیم همراه بوده، و به الگوی جهانی تبدیل شده، و او را به قهرمان و سیدالشهدای جبههٔ مقاومت اسلامی تبدیل کرده، به‌سبب داشتن مبانی فکری، اعتقادی ـ عملی محکم، منسجم و برگرفته از مبانی امامین انقلاب اسلامی، و خستگی‌ناپذیری و همت والای او در تهذیب نفس و ازخودگذشتگی است.

باور شهیدسلیمانی به توحید و مراتب آن، کرامت انسانی و ارزش‌های الهی و عینی و ملموس‌کردن هریک از اینها در زندگی مؤمنانه و مجاهدانهٔ سرشار از اخلاصش، موجب محبوبیت وی نزد خدا و بندگان او شده و به دستاوردهایش در مسیر پاسداری از اسلام و انقلاب و نظام اسلامی برکت داده است. اما اکنون با چنین دغدغه‌ای درگیریم که شاید تفکر هم‌تراز با تفکر و مکتب شهیدسلیمانی میان مجاهدان جبههٔ مقاومت و آزادی‌خواهان عالم کم‌رنگ یا احتمالاً حتی نایاب باشد و یا موجب تحریف طمعکاران گردد. بنابراین، برای برون‌رفت از این احتمالات، لازم است نخست، این مکتب به‌خوبی تبیین شود. دوم، چون شهیدسلیمانی الگویی جهانی، به‌ویژه در جبههٔ مقاومت است؛ برای

شناساندن این الگو، لازم است ابعاد گوناگون زندگی ایشان، به‌ویژه مدیریت جهادی و تمدن‌ساز او، واکاوی شود. سوم، نباید از تحریفِ تحریف‌گران غافل شد؛ زیرا اگر امروز مکتب شهیدسلیمانی به‌صورت علمی و متقن تبیین نشود، ممکن است تحریف‌گران، مکتب شهیدسلیمانی را برای نسل‌های آینده وارونه جلوه دهند و گونه‌ای دیگر معرفی کنند و نکته دیگر اینکه مکتب شهید سلیمانی برگرفته از مکتب امامین انقلاب است؛ زیرا او تربیت‌یافته دو امام انقلاب اسلامی یعنی امام‌خمینی و امام‌خامنه‌ای است. بنابراین، برای معرفی علمی و متقن مکتب شهید و کوتاه‌کردن دست تحریف‌گران و گفتمان‌سازی مکتب شهید در سطوح مختلف نیروهای مسلح، کشور و نیز در سطح بین‌الملل باید به پرسش‌هایی مانند چیستی مکتب شهید سلیمانی، و مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و نقش آن در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و دستاوردهایش پاسخ گفت. پژوهش پیش رو بر آن است تا محققانه و علمی به چنین پرسش‌هایی، در شش فصل پاسخ دهد:

فصل اول با عنوان «پیش‌درآمد»، به مباحث کلی مربوط به تحقیق اختصاص دارد. در این فصل مفهوم مکتب، اهمیت، اهداف و نیز منابع شناخت مکتب شهیدسلیمانی بیان شده است.

فصل دوم دربارهٔ «ویژگی‌های شخصیتی شهیدسلیمانی» است. در این فصل ویژگی‌های فردی، اجتماعی و مدیریتی شهیدسلیمانی بررسی شده است.

فصل سوم دربارهٔ «مبانی فکری شهیدسلیمانی» بحث می‌کند. در این فصل مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، دین‌شناختی و ارزش‌شناختی مکتب شهیدسلیمانی کنکاش شده است.

فصل چهارم به موضوع «مکتب، راه و خط‌مشی شهیدسلیمانی» اختصاص

دارد. ماهیت مکتب امامین انقلاب، نسبت‌سنجی مکتب شهیدسلیمانی با مکتب امامین انقلاب، تحول‌پذیری مکتب اسلام، مؤلفه‌های مکتب شهیدسلیمانی و شاخصه‌های آن، از مباحث مطرح در این فصل است.

فصل پنجم با عنوان «تبیین نقش‌های مکتب شهیدسلیمانی» سبک زندگی اسلامی، سلوک جهادی و عرفانی، تربیت مدیران جهادی، ایجاد وحدت در جبهه مقاومت اسلامی و ... را مطرح می‌کند.

فصل ششم «دستاوردهای مکتب شهیدسلیمانی» را بررسی می‌کند. در این فصل دربارهٔ دستاورهای مکتب شهیدسلیمانی در سه محور داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بحث می‌شود.

در پایان جا دارد از نویسندگان این اثر، حجج اسلام آقایان اسدالله کردفیروزجائی و محمدتقی رکنی لموکی و همچنین، ناظر محترم علمی حجت‌الاسلام والمسلمین نعمت‌الله یوسفیان تقدیر و تشکر کنیم. بی‌گمان، دیدگاه‌های اصلاحی اندیشمندان می‌تواند راهگشای نویسندگان در فعالیت‌های علمی آینده باشد.

پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادقﷺ

زمستان ۱۴۰۰

فصل اول
پیش‌درآمد

در این فصل تلاش می‌شود بـه برخـی از کلیـات مکتـب شـهید سـلیمانی پرداخته شود و آنها عبارتند از:

۱-۱. معنای مکتب شهیدسلیمانی

«مکتب» در لغت عبارت است از مدرسـه و محـل درس‌خوانـدن.[۱] امـا در اصطلاح به مجموعهٔ جهان بینی و ایدئولوژی انسان که می‌تواند الگـویی بـرای دستیابی سعادت و کمال دیگر انسان‌ها شود، مکتب می‌گویند؛ شهید مطهـری در تعریف آن می‌نویسد:

> [مکتب] یک تئوری کلـی و یـک طـرح جـامع و هماهنـگ و منسـجم است که هدف اصلی آن کمال انسان و تأمین سعادت همگانی اسـت و در آن، خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌هـا و بـدها، هـدف‌هـا و وسـیله‌هـا، نیازهـا و دردهـا و درمـان‌هـا، مسـئولیت‌هـا و تکلیف‌ها مشخص است و مکتب، منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد می‌باشد.[۲]

---

۱. حسن عمید، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷، ج۲، ص۱۳۷۷.
۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، قم، صدرا، ۱۳۷۲، ج۲، ص۵۷.

با این نگاه، هرگونه نظام منسجم از باورداشت‌ها در حوزه‌ای معین مانند جهان‌بینی یا نظام منسجم رفتاری در حوزه‌ای معین مانند اقتصاد را مکتب می‌گویند؛ ازاین‌رو می‌توان دریافت که درمجموع، چه در عرصهٔ باور، و چه رفتار، مکاتب مختلفی را می‌توان برشمرد؛ مانند مکتب فلسفی، مکتب فقهی، مکتب کلامی، مکتب عرفانی و یا مکتب اقتصادی، مکتب سیاسی و هریک از این مکاتب نظام فکری خاص خود را دارد. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که مکتب شهیدسلیمانی کدام‌یک از این مکاتب است؟

در پاسخ باید گفت که مکتب شهیدسلیمانی هیچ‌یک از آنها نخواهد بود؛ زیرا اگرچه عمل و رفتار شهیدسلیمانی حکیمانه بود، مکتب او از سنخ مکتب فلسفی نیست یا اگرچه شهیدسلیمانی در سیروسلوک و عرفان عملی از عرفای واقعی بود، مکتب او از سنخ مکاتب مصطلح عرفانی نیز نمی‌باشد و همچنین از نوع مکتب فقهی، سیاسی، اقتصادی و ... نیز نخواهد بود؛ بلکه صحیح آن است که گفته شود: مکتب شهیدسلیمانی، مکتبی است که می‌تواند انسان‌ساز و کمال‌آفرین باشد. در این مکتب استعدادهای مختلف انسان برای دستیابی به کمال پرورش می‌یابد؛[1] ازاین‌رو پژوهش پیش رو درصدد تبیین مکتب انسان‌سازشهیدسلیمانی است و در پی آن است که نقش مکتب شهیدسلیمانی در تربیت نسل‌های آینده را بررسی کند.

نکتهٔ دیگر آنکه مکتب شهیدسلیمانی مکتبی بسیط و تک‌بُعدی نیست تا فقط در یک بُعد بتوان از آن بهره‌برداری کرد؛ بلکه مرکب است و ابعاد گوناگونی دارد؛ به این معنا که در این مکتب انسان متربی می‌تواند از جهات مختلف خود را

---

۱. گروه نویسندگان، تربیت دینی در جامعهٔ اسلامی معاصر، قم، مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۲۸.

بسازد و پرورش دهد. بنابراین، در مکتب شهیدسلیمانی، هم تربیت مدیران جهادی امکان‌پذیر است، و هم تربیت در سیروسلوک معنوی، و هم راه و رسم ایثارگری، شهادت‌طلبی و ... . در این مکتب می‌توان فراگرفت که در زمان تحریم‌اقتصادی و سیاسی، چگونه باید کشور را اداره کرد. براین‌اساس در این تحقیق، منظور از مکتب، مدرسهٔ انسان‌ساز است که در شخصیت شهیدحاج‌قاسم سلیمانی شکل یافته است و همهٔ جزئیات چگونه زیستن و چگونه مردن را می‌توان از آن آموخت و همهٔ بایدها و نبایدهای تربیتی ـ اعم از مدیریتی، سیروسلوکی، دفاعی، جهادی، شهادت‌طلبی و... ـ در آن مشهود است.

مکتب شهیدسلیمانی برآیند و برونداد نرم‌افزاری جهان‌بینی شهیدسلیمانی، و برگرفته از مکتب امامین انقلاب است که به آن باور داشت. جهان‌بینی یعنی نگرش کلی انسان از جهان و هستی که با آن نگرش، جهان و هستی را تفسیر می‌کند.[۱] بنابراین، هرمکتب پیش‌فرض، پیش‌انگاره و تکیه‌گاه فکری دارد که به آن جهان‌بینی گفته می‌شود.[۲] اکنون اگر جهان‌بینی بر این معنا باشد که جهان، موجودی مرکب از ماده و غیرماده، و دارای هدف، و همراه با طرح و نقشه است که به پدید آورنده نیاز دارد و آن پدید آورنده نیز غیر از خداکسی نیست، یا جهان‌بینی بر این مبنا باشد که جهان، آغاز و انجام مشخص و روشنی ندارد و در پیدایش آن، طرح و نقشه‌ای در کار نبوده است. از حیث نام‌گذاری به نخستین جهان‌بینی، جهان‌بینی الهی و به دومی، جهان‌بینی مادی گفته می‌شود.[۳]

---

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، همان، ج۲، ص۷۷.
۲. مرتضی مطهری، یادداشت‌های شهید مطهری، تهران، صدرا، ج۲، ص۳۵۷.
۳. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، همان، ج۳، ص۳۶.

با این اوصاف، می‌توان گفت مکتب شهیدسلیمانی ـ از حیثی که جامع صفات و ویژگی‌های الهی است ـ خروجی و برونداد جهان‌بینی الهی است. یعنی شهیدسلیمانی با نگاه و نگرش الهی به جهان و انسان، مکتب و مدرسه‌ای بنا نهاده است که همه شئون زندگی دنیوی و اخروی را می‌توان از آن استخراج نمود. ازاین‌رو، می‌توان گفت مکتب شهیدسلیمانی، هم از حیث سلوک فردی غنی است، و هم از حیث سلوک اجتماعی؛ یعنی با جست‌وجو در حالات فردی و اجتماعی شهیدسلیمانی می‌توان به موارد فراوانی از خوبی‌ها دست یافت که همگی درس‌آموزند؛ به عبارت روشن‌تر می‌توان گفت شهیدسلیمانی جهاد و شهادت، عرفان و حماسه و سلوک و سیاست را جمع، و میان درد خدا و درد خلق خدا و همچنین میان درون و بیرون نیز هماهنگی‌های لازم را برقرار کرده است؛[1] مثلاً، وقتی انسان رابطهٔ معنوی شهیدسلیمانی مانند توسل وی به اهل‌بیت علیهم‌السلام یا عبادت و بندگی‌اش را در برابر خدا می‌بیند، به یاد عارفان و اولیای بزرگی می‌افتد که در سیر و سلوک معنوی زبانزد و الگوی همگان‌اند. همچنین وقتی به سلوک اجتماعی و ارتباط وی با مردم و ملت‌های مستضعف نگریسته شود، فرد دلسوزی است که در اندیشه و عمل، خود را همراه و همسان با مردم می‌داند؛ ازاین‌رو می‌توان گفت در مکتب شهیدسلیمانی اگرچه همهٔ تصمیم‌گیری‌های کلان براساس عقل و تدبیر است، در میدان دوستی با انسان‌ها، زیردستان و اطرافیان، قلب و دل نیز ضمیمه عقل می‌شود و رفتار با مردم با روش بسیار عاطفی است. گره‌زدن میان عقل و دل، هنر مردان بزرگ است و از همگان برنمی‌آید و میسر نیست. سلوک شهیدسلیمانی در عرصهٔ

---

۱. محمدجواد رودگر، سلوک در مکتب شهیدسلیمانی، تهران، مؤسسهٔ فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۹۹، ص۷۷.

مدیریت نیز مانند دیگر ویژگی‌های او جزء مکتب اوست و می‌تواند برای دیگران الگو و درس‌آموز باشد. با این نگاه، مکتب شهیدسلیمانی، مدرسه‌ای است که همهٔ شئون زندگی اعم از شئون معنوی مانند توسل به اهل‌بیت‌ﷺ، تضرع به درگاه خدا و... و همچنین شئون دیگری مانند؛ مدیریت، اخلاق حسنه، ولایت‌مداری، تدبیر نظامی و... مانند آن را می‌توان در آن آموخت. تعبیر مکتب و مدرسه از طرف امام‌خامنه‌ای‌دام‌ظله برای شخصی همچون شهیدسلیمانی[1] دربردارندهٔ ظرافت‌هایی است؛ ازجمله:

۱. این تعبیر، وی را از فردانگاری یا شخص‌انگاری خارج، و به مرام، عقیده و مسلک تبدیل می‌کند؛

۲. فلسفهٔ تعبیر از شهیدسلیمانی به مکتب آن است که اندیشه و عمل وی حامل پیام و نظریه‌ای است که جنبهٔ نظری و تئوریک دارد و با واکاوی و تحلیل و الگوگیری از آن می‌توان آن را عملیاتی، و براساس آن آیندهٔ جهان را اداره کرد؛

۳. مکتب از سنخ اندیشه و فرهنگ بالنده و ماندگار است که در گذر تاریخ استمرار می‌یابد و مهم آن است که آیندگان چگونه از این فرهنگ و اندیشه ناب استفاده کنند؛

۴. مکتب شهیدسلیمانی، از سنخ فرهنگ انقلابی، ایثار، شهادت و محبت است که در دایرهٔ عشق، اتحاد، دلدادگی و عرفان می‌گنجد، و در محدودهٔ گروه‌ها و جریان‌های سیاسی منحصر و محصور نمی‌شود؛

۵. این مکتب، فرامرزی است، مرزهای جغرافیایی را در نوردیده، در اعماق افکار و اندیشهٔ انسان‌های آزادی‌خواه و حق‌طلب رسوخ، و آنان را متحول می‌کند؛

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در خطبه‌های نمازجمعهٔ تهران، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷، دسترسی در: https://www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44695.

۶. مکتب شهیدسلیمانی، هم روش‌مند و همراه با رویش و زایش است؛ روشی که در آن خودسازی و دیگرسازی وجود دارد، و هم تحول‌گراست؛ تحولی از فردیت به جمعیت، از تک‌روی به جمع‌گرایی، از مادیت به معنویت و... . این مکتب از درونش پیام‌های ناشنیدهٔ فراوانی دارد که همگان باید خود را برای شنیدنش آماده کنند.[۱]

درمجموع می‌توان دریافت مکتب شهیدسلیمانی از عناصر و اجزایی تشکیل شده است که هرکدام از آنها می‌تواند در پرورش و رشد مجاهدان در راه خدا یا هر جویندهٔ حقیقت در تراز اسلام، نقش داشته باشد؛ ازاین‌رو در توصیف آن می‌توان گفت: مکتب شهیدسلیمانی مکتبی است که در آن نمی‌توان به پست و مقام اندیشید؛ بلکه باید مسئولیت‌ها راپذیرفت و همواره زندگی را با خدمت و جهاد در راه خدا سپری کرد. اگر شهیدسلیمانی این‌گونه زندگی نمی‌کرد، مکتب وی شکل نمی‌گرفت و مردم دنیا عاشقش نمی‌شدند و در تشییع جنازه‌اش میلیون‌ها نفر شرکت نمی‌کردند.

۱-۲. اهمیت مکتب شهیدسلیمانی

باید جایگاه شهیدسلیمانی را به جایگاه مالک اشتر در عصر امام علی﵇ تشبیه کرد. با اندک مقایسه میان این دو سردار بزرگ اسلام می‌توان دریافت که شخصیت و جایگاه شهیدسلیمانی در دفاع از ولایت و مبارزه با دشمنان و تکفیری‌های وابسته، در رکاب ولایت فقیه، مانند شخصیت مالک اشتر در رکاب امیرمؤمنان﵇ است؛ در تاریخ زندگی مالک نوشته شده: «صدای مالک

---

۱. محمدمهدی رشادتی، «حاج‌قاسم و مکتب مقاومت»، روزنامه کیهان، دسترسی در: https://kayhan.ir/fa/news/182890، ۱۳ شهریور ۱۳۹۹.

در دعوت به بیعت با امام علی﵇ از همه رساتر بود.»[۱] در نقلی دیگر آمده: «به سعی و تلاش مالک اشتر بود که خلافت بر امام علی﵇ مقرر شد.»[۲] آیا از میان زنان روزگار کسی هست که طفلی چون مالک بزاید و در دامن خود بپروراند؟! و آیا مانند مالک کسی یافت می‌شود؟![۳] و آیا روزگار مانند شهیدسلیمانی را به خود می‌بیند؟!

شهیدسلیمانی نیز همچون مالک دوران برای یاری رهبر و ولی فقیه زمان به میدان آمد: «... همهٔ عمر خود را به جهاد در راه خدا گذرانید. شهادت پاداش تلاش بی‌وقفهٔ او در همهٔ این سالیان بود.»[٤]

حال این پرسش مطرح می‌شود که چرا باید به مکتب شهید سلیمانی اهمیت داد؟

فلسفهٔ اهمیت مکتب شهیدسلیمانی آن است که به پشتوانهٔ این مکتب مردم منطقه ـ اعم از عراق و سوریه و... ـ از شر تکفیری‌های داعشی در امان قرار گرفتند و این امنیت مرهون فداکاری‌های مجاهدانی است که در مکتب شهیدسلیمانی تربیت شدند. شهیدسلیمانی همچون خورشیدی بود که بر ملت‌های منطقه تابید و اهمیت نمی‌داد که مردم منطقه چه مذهب و آیینی دارند

---

۱. احمد بن ابی‌یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ترجمهٔ محمدابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸، ج۲، ص۱۵۵.

۲. حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده، تصحیح عبدالحسین نوائی، تهران، امیرکبیر، ۱۳٦۳، ص۱۹۲.

۳. امام‌علی﵇ شهادت مالک را جبران‌ناپذیر دانست و دربارهٔ او فرمود: «هَلْ قَامَتِ النِّسَاءُ عَنْ مِثْلِ مَالِک وَ هَلْ مَوْجُودٌ کَمَالِک» (محمد بن محمد بن نعمان مفید، الاختصاص، قم، المؤتمرالعالمی لالفیه‌الشیخ المفید، ۱٤۱۳ق، ص۸۱).

٤. پیام تسلیت امام خامنه‌ای﵀ در پی شهادت سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی و شهدای همراه او، ۱۳۹۸/۱۰/۱۳، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=44554.

و برکات وجودش همچون بارانی بود که بر همهٔ اقشار مردم منطقه می‌بارید و همه از آن سیراب می‌شدند.

از نوع تفکر و اندیشهٔ داعشی‌ها و عزم جاهلانهٔ آنها در آدم‌کشی، ظلم و تخریب اموال عمومی در منطقه برمی‌آید که ایستادگی در مقابل آنها جز در سایهٔ مکتب شهیدسلیمانی، که برگرفته از مکتب امامین انقلاب اسلامی است، میسر نخواهد بود؛ ازاین‌رو شهیدسلیمانی باتوجه به ویژگی‌هایش توانست جوانان منطقه را علیه تکفیری‌های تا دندان مسلح بسیج کند و آنها را به نابودی بکشاند که بخشی از اهمیت این مکتب را به نمایش می‌گذارد.

بخش دیگر، اهمیت آن در الگو شدن این مکتب برای آیندهٔ وسیع انقلاب اسلامی است؛ زیرا وقتی انقلاب اسلامی ایران گام نخست خود را با موفقیت پشت‌سر گذاشت و وارد گام دوم شد، به‌طور طبیعی برای پیشبرد گام دوم و تحقق تمدن نوین اسلامی به الگو نیاز دارد؛ ازاین‌رو مکتب شهیدسلیمانی می‌تواند الگویی مناسب برای همهٔ مدیران، راهبران و دست‌اندرکاران گام دوم انقلاب اسلامی باشد؛ زیرا الگوپذیری از مکتب شهید ما را در پیشبرد گام دوم کمک خواهد کرد و به تحقق تمدن نوین اسلامی سرعت بیشتری خواهد بخشید؛ ازاین‌رو امام خامنه‌ای‌دام‌ظله فرمود: «شهیدحاج‌قاسم سلیمانی را به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به چشم یک مکتب، یک راه و یک مدرسه درس‌آموز نگاه کنیم».[۱]

۱-۳. اهداف مکتب شهیدسلیمانی

مکتب حاج‌قاسم سلیمانی دارای اهدافی است که در اینجا به برخی از آنها پرداخته می‌شود:

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در خطبه‌های نماز جمعهٔ تهران، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44695.

۱-۳-۱. رسیدن به تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی عبارت است از ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفت‌های هدفمند و جدید امت اسلامی.

تحقق تمدن نوین اسلامی از وعده‌های تخلف‌ناپذیر الهی است؛ زیرا خداوند متعال وعده داده است که خوبان و فرهیختگان را حاکم بر زمین قرار دهد.[۱] امام خامنه‌ای‌دام‌ظله نیز منظور از وعدهٔ تخلف‌ناپذیر الهی را، تحقق تمدن نوین اسلامی می‌داند و می‌فرماید: «تحقق کامل وعدهٔ الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی [که] در راه است»[۲] و همه باید برای تحقق آن بکوشند.

هدف‌انگاری تحقق تمدن نوین اسلامی برای مکتب شهیدسلیمانی را از کلام مقام معظم رهبری‌دام‌ظله می‌توان دریافت. امام خامنه‌ای‌دام‌ظله معتقد است تمدن نوین اسلامی دو بخش دارد: بخش نخست، ابزاری است؛ مانند علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ که همه بخش ابزاری و وسیلهٔ تمدن است؛ بخش دوم، بدنه و حقیقت تمدن است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد و برخی از آنها عبارت‌اند از: سبک زندگی، مسئلهٔ ازدواج، خانواده، الگوی مصرف، تفریحات، نوع کسب‌وکار، رفتار در محل کار، رفتار در دانشگاه، رفتار در فعالیت سیاسی، رفتار در ورزش، رفتار در رسانه‌های در اختیار، رفتار ما با پدرومادر، رفتار با

---

۱. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیرالقرآن، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۳۹۰ق، ج۱۶، ص۱۵۶.

۲. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در دیدار با جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۴، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21246.

رئیس، رفتار با مرئوس، رفتاربا پلیس، رفتار با دشمن، رفتار با بیگانه و... از چیزهایی است که بخش اصلی تمدن را تشکیل می‌دهند.[۱]

تحلیل کلام امام خامنه‌ای دام‌ظله در هر دو بخش تمدن نوین اسلامی ما را به این نتیجه رهنمون می‌کند که برای پیمودن مسیر و دستیابی به حقیقت تمدن، به مکتب شهیدسلیمانی نیازمندیم تا بتوانیم نخست، ابزار را برای تحقق تمدن نوین اسلامی فراهم کنیم؛ یعنی علم را روزآمد سازی نماییم، صنعت و تکنولوژی را تقویت، در پویایی اقتصاد نقش ایفا کنیم و برای اقتدار سیاسی و نظامی بکوشیم و...؛ دوم، انسان‌هایی را تربیت کنیم که بتوانند با راه‌اندازی سبک زندگی اسلامی، فعالیت‌های جهادی و... به تحقق تمدن نوین اسلامی سرعت بخشند.

۱-۳-۲. زمینه‌سازی ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

هدف دیگر مکتب شهیدسلیمانی، زمینه‌سازی ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است. زمینه‌سازی یعنی همراه شدن با امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، هم‌افق شدن با اهداف بلند، و میثاق با آرمان‌های متعالی ایشان؛ ازاین‌رو همهٔ شیعیان وظیفه دارند زمینه و شرایط را برای ظهور آن حضرت فراهم کنند. البته شاید همهٔ شیعیان چنین توفیقی نیابند تا زمینه‌ساز جدی ظهور باشند؛ زیرا بسیاری از آنها به عهدی که بستند وفادار نمی‌مانند، چنان‌که امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در توقیع خود به شیخ مفید رحمه‌الله می‌فرماید:

> اگر شیعیان ما، که خداوند توفیق طاعتشان دهد، در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، هم‌دل می‌شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به

---

۱. همان.

تأخیر نمی‌افتاد، و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می‌گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما؛ علت مخفی شدن ما از آنان چیزی نیست جز آنچه از کردار آنان به ما می‌رسد و ما توقع انجام این کارها را از آنان نداریم[۱].

از این روایت می‌توان دریافت که برای ظهور حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه زمینه‌سازی و مقدمه‌چینی لازم است و پیروان و منتظران آن حضرت باید با تلاش و کوشش همراه با اخلاص و ایثار شرایط را برای ظهور فراهم کنند. بنابراین هرکس می‌خواهد در مسیر زمینه‌سازی ظهور گام بردارد، باید شجاع، ایثارگر و ازخودگذشته باشد. چنان‌که امام کاظم علیه‌السلام در وصف چنین افرادی می‌فرماید: «آنان را تندبادها نمی‌لرزاند، از نبرد دلتنگ و ملول نمی‌شوند و نمی‌هراسند، و بر خدا توکل می‌کنند و عاقبت [نیک] از آن پارسایان است.[۲]

اگر بخواهیم برای معنای این روایت مصداقی بیابیم، شهیدسلیمانی و مکتب او از مصادیق بارز و روشن این روایت است؛ زیرا در این مکتب، هراسی از دشمن وجود ندارد و انسان‌هایی تربیت می‌شوند که در تراز زمینه‌سازان ظهورند. یاران تربیت‌شده در این مکتب هرگز از نبرد خسته و دلتنگ نمی‌شوند و تندبادها آنها را تکان نمی‌دهد؛ ازاین‌رو تهدید امریکا و مزدورانش مانند داعش و همدستانشان

---

۱. وَلَوْ اَنَّ اشْیاعَنا ـ وَفَّقَهُمُ اللّهُ لِطاعَتِهِ ـ عَلَی اجْتِماعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِی الْوَفاءِ بِالْعَهْدِ عَلَیْهِمْ لَما تَاَخَّرَ عَنْهُمُ الْیُمْنَ بِلِقائِنا، وَلَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعادَةُ بِمُشاهَدَتِنا عَلی حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِها مِنْهُمْ بِنا، فَما یَحْبِسُنا عَنْهُمْ اِلاّ ما یَتَّصِلُ بِنا مِمّا نَکْرَهُهُ وَلا نُؤْثِرُهُ مِنْهُمْ.(احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، نجف اشرف، النعمان، ۱۳۸۶ق، ج۲، ص۳۲۵)

۲. م لَا تُزِلُّهُمُ الرِّیَاحُ الْعَوَاصِفُ وَ لَا یَمَلُّونَ مِنَ الْحَرَبِ وَ لَا یَجْبُنُونَ وَ عَلَی اللَّهِ یَتَوَکَّلُونَ وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِینَ.(حمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، بیروت، داراحیاءالتراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج۵۷، ص۲۱۶)

هرگز نتوانست کمترین تردیدی در شهیدسلیمانی و یاران تربیت‌شده در مکتبش ایجاد کند، بلکه آنها با توکل به خدا و توسل به اهل بیت علیهم‌السلام توانستند دشمنان را ناامید و شکست‌خورده برانند و آنان را به عقب‌نشینی وادار کنند؛ به بیان دیگر تربیت‌شدگان مکتب شهیدسلیمانی مصداق کسانی‌اند که امام کاظم علیه‌السلام آنها را «**قَوْمٌ كَزُبَرِ الْحَدِيدِ**»[1] توصیف کرده است.

اگر چه یاران و تربیت‌شدگان مکتب شهیدسلیمانی در سینه‌شان دلی لبریز از محبت دارند، و طبیعت دل، نرمی و رأفت است، این دل‌ها در رویارویی با طاغوت‌ها و ستمگران، به تکه‌های آهن بدل می‌شوند و دیگر نرمی و رقت نمی‌شناسند[2] و موانع ظهور را از مسیر برمی‌دارند و جامعهٔ انسانی را به موعود همهٔ ادیان الهی نزدیک می‌کنند. صلابت، قدرت، تدبیر و نیرومندی معنوی نیز از ویژگی‌های زمینه‌سازان ظهور است که تربیت‌شدگان مکتب شهیدسلیمانی واجد آنهایند.

۱-۴. منابع مکتب شهیدسلیمانی

یکی از مسائل بسیار مهم در شناخت مکتب شهید سلیمانی، شناخت منابع این مکتب است که در اینجا به آنها پرداخته می‌شود.

۱-۴-۱. گفتار شهیدسلیمانی

یکی از منابع شناخت مکتب شهید سلیمانی، گفتار و سخنان مختلف آن شهید

---

۱. قومی‌اند به صلابت پاره‌های فولاد (همان).

۲. طبیعی است که نرمی و رأفت دل مؤمن در رویارویی با دوستان است؛ اما دل آنان در مواجهه با دشمن بسیار سخت می‌شود و این الهام‌یافته از آیهٔ شریفه‌ای است که می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسولُ اللَّهِ وَالَّذينَ مَعَهُ أَشِدّاءُ عَلَى الكفّارِ رُحَماءُ بَينَهُم (فتح:۲۹)؛ محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله فرستاده خداست؛ و کسانی که با اویند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربان‌اند.»

عزیز است. با کنکاش مختصر در سخنان و گفتار شهیدسلیمانی در طول هشت سال دفاع مقدس و همچنین در جبههٔ مقاومت و... این نتیجه حاصل می‌شود که وی دریایی از معرفت، معنویت، تدبیر، عقلانیت و خداباوری است. سخنرانی‌های شهیدسلیمانی حکایت از آن دارند که ظرفیت‌های تربیتی شگرفی در او وجود داشت که صادقانه از عمق جانش سرازیر می‌شد و بر دل دوستان و حتی مخالفانش می‌نشست. شهیدسلیمانی در تکلم و گفتار از قرآن کریم الهام می‌گرفت چنان‌که قرآن می‌فرماید: «**وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا** (بقره:۸۳)؛ وبا مردم [به زبان] خوش سخن بگویید»؛ برای مثال عشق شهیدسلیمانی به اهل بیت علیهم‌السلام به‌خصوص امام‌حسین علیه‌السلام، و همچنین عشق به شهادت در راه خدا را می‌توان از همین جملهٔ صادقانه او فهمید که در سخنرانی‌ای می‌فرمود: «ما ملت شهادتیم، ما ملت امام‌حسینیم.»[۱] شهیدسلیمانی با این کلام شهادت‌طلبی و حسینی شدن را به همه آموزش می‌دهد و ملت ایران اسلامی با شنیدن این جمله، دوباره هویت حسینی بودن را در خود احساس می‌کند و بر آن افتخار می‌کند.

شهیدسلیمانی در کلامی به‌جای دیپلمات‌ها در عرصهٔ سیاست خارجی از آبروی ملت و رئیس‌جمهورش دفاع می‌کند و خطاب به ترامپ می‌گوید: «شما نباید به ملت ما اهانت کنید، نباید به رئیس‌جمهور ما اهانت بکنید.»[۲]

اثر تربیتی این کلام شهیدسلیمانی آن است که هرگاه سیاستمداران و دیپلمات‌ها نتوانند به وظایفشان عمل کنند و به یاوه‌گویان پاسخ دهند، باید این نقص در دیپلماسی را جبران کرد و به‌صورت آتش‌به‌اختیار به‌جای آنها از حیثیت نظام دفاع کرد.

---

۱. علی‌اکبر مزدآبادی، ذوالفقار، تهران، یازهرا علیهاالسلام، ۱۳۹۸، ص۱۵۳.
۲. همان.

توسل و تضرع به اهل بیت‌ﷺ از واژگان کلیدی گفتارهای شهیدسلیمانی است. وی در بسیاری از سخنرانی‌هایش توسل به اهل بیت‌ﷺ، به‌خصوص توسل به حضرت‌زهراﷺ را در موفقیت عملیات‌های دفاع مقدس دخیل می‌دانست. وی لطف و عنایت حضرت‌زهراﷺ را در عملیات کربلای ۵ به رزمندگان چنین بیان می‌نماید: «وقتی مضطر شدیم، نگاهی به آب‌های بوبیان کردیم؛ آن‌وقت هم سر خود را بر دژ گذاشتیم و عاجزانه حضرت زهراﷺ را صدا کردیم.» سپس ادامه می‌دهد:

> من قدرت و محبت مادری حضرت زهراﷺ را در هور، غرب کانال ماهی، وسط میدان مین دیدم. وقتی شما مادرها[1] نبودید و فرزندانتان در خون دست‌وپا می‌زدند، من حضرت زهراﷺ را دیدم.[2]

این کلمات به همگان می‌آموزد که توسل به اهل بیت‌ﷺ، به‌خصوص حضرت زهراﷺ را نباید فراموش کرد. گفتار و سخنان حکیمانه شهیدسلیمانی در عرصه‌های مختلف بوی خدا می‌دهد[3] و از مکتب و مدرسه‌ای حکایت می‌کند که شهیدسلیمانی واجد آن است؛ زیرا عظمت و شکوهمندی آدمی برخاسته از صداقت در گفتار اوست؛ چنان‌که امام علیﷺ می‌فرماید: «**مَنْ صَدَقَ فِی اَقْوالِهِ جَلَّ قَدْرُهُ**؛[4] کسی‌که سخنانش راست باشد، مقامش شکوهمند گردد.» چون شهیدسلیمانی در گفتار صداقت داشت و با مردم صادقانه حرف می‌زد، خداوند هم او را بزرگ گردانید و در جوار خود جایش داد.

---

۱. این سخنرانی درجمع مادران شهدا ایراد شده است.

۲. عالمه طهماسبی و دیگران، سلیمانی عزیز، قم، حماسه یاران، ۱۳۹۹، ص۴۱.

۳. محمدجواد رودگر، همان، ص۹۱.

٤. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، قم، دارالحدیث، ۱۳۷٦، ص۳۳۳.

۱-۴-۲. سیره و سلوک رفتاری شهیدسلیمانی

منبع دیگر شناخت مکتب شهیدسلیمانی رفتار ایشان در طول دوران زندگی است. رفتار وی نیز مانند گفتارش، نشان‌دهنده وحکایتگر مکتب و مدرسه‌ای است که انسان‌هایی عاشق و باوجدان پرورش می‌دهد و به اوج کمال می‌رساند.

برای مثال رفتار متواضعانهٔ وی با خانواده‌های شهدا،[۱] مردم،[۲] جانبازان[۳] و... یا برعکس رفتار سختگیرانهٔ او با دشمن درکمین‌نشسته[٤] و... . همچنین رفتارهای عبادی، سلوکی، ولایی، سیاسی، دفاعی وی از عناصری‌اند که منابع مکتب شهیدسلیمانی را شکل می‌دهند و هریک از آنها برای مجاهدان و همهٔ انسان‌های آزاده درس است. به‌طور خلاصه رفتار حکیمانهٔ شهیدسلیمانی در عرصه‌های مختلف، نمایانگر مکتب انسان‌سازی است که با عنایت خدای متعال به وی عطا شده است و البته این نوع رفتار نیز مرهون خودسازی‌ها، ازخودگذشتگی‌ها و اخلاص‌ورزی‌هایی بود که شهیدسلیمانی در طول زندگی خود، به‌خصوص در میدان جهاد، اعم از دفاع مقدس و جبههٔ مقاومت از خود نشان داده،که همگی از مکتب امامین الهام گرفته شده، و انقلاب براساس کلام امام صادق﵇ شکل گرفته است. چنان که آن حضرت﵇ فرمود:

کُونُوا دُعَاةً للنّاسِ بِالخَیرِ بَغَیْرِ اَلْسِنَتِکُمْ، لِیَرَوُا مِنْکُمْ اَلاِجْتِهادَ والصِّدقَ والوَرَعَ.[۵]

---

۱. محمدرضا حسنی سعدی، «راز موفقیت شهیدسلیمانی از زبان هم رزمش»، دسترسی در: https://www.irna.ir/news/83635123، ۲۵ دی ۱۳۹۸.

۲. محمدجواد رودگر، همان، ص۱۰۵.

۳. سیدعلی بنی‌لوحی، این‌مرد پایان ندارد (زندگی جهادی سرباز اسلام قاسم سلیمانی)، اصفهان، راه بهشت، ۱۳۹۸، ص۱۲۹.

٤. علی‌اکبر مزدآبادی، ذوالفقار، همان، ص۱۵۳.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، اصول‌کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱٤۰۷ق، ج۲، ص۱۰۵.

مردم را با غیر زبانتان به کار نیک فرا بخوانید تا کوشش، راستی و پرهیزکاری را از شما مشاهده کنند.

شهیدسلیمانی نیز با رفتار و عمل خداپسندانهٔ خود توانست محبوب همگان شود و ازاین‌رو باعث تربیت و پرورش مجاهدانی شود که می‌توانند در زمینه‌سازی ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه و تحقق تمدن نوین اسلامی نقش داشته باشند.

۱-۴-۳. نوشتار شهیدسلیمانی

منبع دیگر شناخت مکتب شهیدسلیمانی نوشتار او است که اعم ازنامه‌ها، وصیت‌نامهٔ الهی ـ سیاسی و مانند آن است که جلوه‌های مکتبش را به‌خوبی می‌نمایانند و هرکس بخواهد به مکتب شهیدسلیمانی پی ببرد، به‌ناچار باید به آنها به خصوص وصیت‌نامه‌اش رجوع کند؛ اگر چه حجم وصیت‌نامهٔ شهیدسلیمانی به‌ظاهر کم است، دلالتش بسیار و محتوایش حکیمانه است.

وصیت‌نامهٔ شهیدسلیمانی صحیفه‌ای است که بسیاری از راه و رسم زندگی جهادی یا حتی فراتر از زندگی جهادی، اعم از اعتقادی، مدیریتی، دفاعی، سیاسی و... را در خود جمع کرده است.

وصیت‌نامهٔ شهیدسلیمانی منشوری است برای همگان که باید آن را غنیمت دانست و هرازچندگاهی آن را مطالعه کرد تا نخست در درونمان ملکه شود و سپس عملیاتی گردد.

شهیدسلیمانی عزیز در وصیت‌نامهٔ خود، اعتقاد عملی به ولایت فقیه را به سیاسیون مملکت گوشزد می‌کند.[1] حتی متواضعانه از مراجع معظم تقلید نیز می‌خواهد که ولی‌فقیه را تنها نگذارند و با او همراهی کنند؛ زیرا مسؤلیت سنگین این انقلاب برعهدهٔ ولی‌فقیه است و اگر ولی‌فقیه ضربه ببیند یا تنها

---

۱. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص۲۴۳.

بماند، انقلاب و اسلام ضربه خواهند دید.[۱] شهیدسلیمانی در فراز دیگری از وصیتش خطاب به مجاهدان در راه خدا می‌نویسد:

> برای نجات اسلام خیمهٔ ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمهٔ رسول‌الله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش‌زدن و ویران‌کردن این خیمه است. دور آن بچرخید. والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت‌الله الحرام و مدینه، حرم رسول‌الله، و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی‌ماند؛ قرآن آسیب می‌بیند.[۲]

ایشان در عبارت دیگری به ملت ایران اسلامی خطاب می‌کند: «از اصول مراقبت کنید، اصول یعنی ولی‌فقیه خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت، خامنه‌ای عزیز را جان خود بدانید.»[۳]

این نوع وصیت حکایت می‌کند که شهیدسلیمانی نه فقط ولایتمدار بود، بلکه فراتر از آن، ولایتمدارساز بود و می‌تواند ولایتمداران بسیاری را تربیت کند تا از انقلاب اسلامی در جهان محافظت نمایند.

شهیدسلیمانی در وصیت‌نامهٔ خود بر حفظ نظام به همگان، مخصوصاً به مراجع سفارش مؤکد می‌کند و در عبارتی خطاب به آنان می‌نویسد:

> سربازتان (سلیمانی) از یک برج دیده‌بانی دید که اگر این نظام آسیب ببیند، دین و آنچه از ارزش‌های آن [که] شما در حوزه‌ها استخوان خرد کرده‌اید و زحمت کشیده‌اید، از بین می‌رود.[٤]

---

۱. همان، ص۲٤٥.
۲. همان، ص۲۳۸
۳. همان، ص۲۳۸.
٤. همان، ص۲٤٥.

همچنین شهیدسلیمانی در وصیت به برادران و خواهران مجاهدش دربارهٔ حفظ نظام جمهوری اسلامی می‌نویسد:

> خواهران و برادران مجاهدم در این عالم، ای کسانی‌که سرهای خود را برای خداوند عاریه داده‌اید و جان‌ها را بر کف دست گرفته، و در بازار عشق‌بازی به سوق فروش آمده‌اید، عنایت کنید: جمهوری اسلامی مرکز اسلام و تشیع است. امروز قرارگاه حسین بن علی﵇ ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها هم می‌مانند. اگر دشمن این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدیﷺ.[۱]

خلاصه اینکه نوع وصیت شهیدسلیمانی به خانواده‌های شهدا، نیروهای مسلح، رزمندگان و مردم کرمان و همهٔ ملت ایران، مجاهدان و هم رزمان حتی علما و مراجع معظم تقلید، حکایت می‌کند که شهیدسلیمانی فقط یک شخص و فرد نبود، بلکه مکتب و مدرسه‌ای بود که در خود هزاران نکتهٔ درس‌آموز تربیتی داشت؛ ازاین‌رو بر همگان لازم است برای شناخت مکتبش وصیت‌نامه‌اش را بارها و بارها بخوانند و در آن تدبر کنند.

---

۱. همان، ص۲۳۷.

فصل دوم

ویژگی‌های شخصیتی شهیدسلیمانی

در این فصل دربارهٔ ویژگی‌های شخصیتی شهیدسلیمانی در سه بُعد فردی، اجتماعی و مدیریتی ـ فرماندهی بحث می‌شود.

۲-۱. ویژگی‌های فردی

برخی ویژگی‌های برجستهٔ فردی شهیدسلیمانی عبارت است از:

۲-۱-۱. تدین و تقوا

از ویژگی‌های شهیدسلیمانی، حفظ روحیهٔ تدین و تقوا در همهٔ عمر بود. رهبر معظم انقلاب‌دام‌ظله، در اردیبهشت سال ۱۳۸۴ به همراه شهیدحاج‌قاسم سلیمانی در منزل خانوادهٔ شهیدمحمدرضا عظیم‌پور[1] در کرمان حضور یافت.

---

۱. «شهیدمحمدرضا عظیم‌پور ۲۸مرداد ۱۳٤٤، چشم به جهان گشود. او در جبهه عکاس بسیجی بود و در هشتم مرداد ۱۳٦۲، در منطقهٔ مهران بر اثر اصابت ترکش نیروهای عراقی به شهادت رسید، اما اثری از پیکرش به دست نیامد. مزار یادبود وی در شهرستان کرمان واقع است» (پایگاه اطلاع رسانی بنیاد شهید و امورایثارگران، دسترسی در: http://www.isaar.ir/fa/news/127659، ۳۱ تیر ۱۳۹٤).

در این دیدار یکی از اعضای خانوادهٔ شهیدعظیم‌پور از رهبر معظم انقلاب‌دام‌ظله، شفاعت در قیامت را درخواست کرد. رهبر معظم انقلاب‌دام‌ظله با اشاره به سردار آسمانی، شهیدسلیمانی می‌فرماید: «این آقای حاج‌قاسم هم از آنهایی است که شفاعت می‌کند ان‌شاءالله.»[۱] سپس برای حفظ مقام شفاعت سردارسلیمانی شرطی را بیان می‌کند و می‌فرماید:

> سردارسلیمانی چهل، پنجاه‌سالی که از خدا عمر گرفته‌اند، تدین و تقوای الهی را حفظ کرده‌اند، اگر در ادامهٔ حیات نیز روحیهٔ تدین، تقوا و مجاهدت را حفظ کنند، مقام شفاعت دارند.[۲]

این شرط در ادامهٔ حیات سردار سلیمانی همچنان پایدار باقی ماند و سردار دل‌ها تا لحظهٔ شهادت این روحیه را داشت. گواه این ادعا سخنان حضرت آیت‌اللّه خامنه‌ای‌دام‌ظله است که پس از شهادت سپهبد، حاج‌قاسم سلیمانی، و در منزل این شهید والامقام فرمود:

> بالاخره هرکسی از این مرحلهٔ زندگیِ این نشئه به نشئهٔ بعد عبور خواهد کرد... آن کسی‌که در راه خدا شهید می‌شود، برای خدا با اخلاص عمل می‌کند [به بهترین وجه عبور می‌کند]. حاج‌قاسم... به بهترین وجه عبور کرد.[۳]

---

۱. «در آرزوی شفاعت»، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/photo-album?id=44906، ۲۶ بهمن ۱۳۹۸.

۲. خبرگزاری تسنیم، «روایت حضور رهبر انقلاب به‌همراه حاج‌قاسم در منزل شهیدعظیم‌پور»، دسترسی در: https://www.tasnimnews.com/fa/news/2188619، ۸ بهمن ۱۳۹۸.

۳. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در منزل سپهبد شهید حاج‌قاسم سلیمانی، ۱۳۹۸/۱۰/۸۳، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44574.

۲-۱-۲. زهد و پارسایی

«زهد» در اصل به معنای ترک و اعراض از چیزی و متضاد رغبت و علاقه داشتن به چیزی است.[۱] زاهد کسی است که از چیزی روی گردان و بی میل باشد و به اندك آن خشنود می باشد.[۲]

شهیدسلیمانی تجسم زاهد واقعی در زمان ما بود. او بر همهٔ کسانی که او را از نزدیک می‌شناختند یا با فعالیت‌هایش در عرصه‌های مختلف آشنا بودند، اثرگذار و همهٔ این اثرگذاری بر انسان‌ها با زهد و پارسایی و دل‌بسته نبودن به دنیا و مظاهرش حاصل شده بود. زهد و پارسایی سردار دل‌ها را می‌توان از دل‌نوشته‌هایش دریافت. او در دل‌نوشته‌ای به دخترش می‌نویسد:

> من دیدم هرکس در این عالم راهی برای خود انتخاب کرده است؛ یکی علم می‌آموزد و دیگری علم می‌آموزاند؛ یکی تجارت می‌کند، کسی دیگر زراعت می‌کند و میلیون‌ها راه... من دیدم چه راهی را می‌بایست انتخاب کنم؟ با خود اندیشیدم و چند موضوع را مرور کردم و از خود پرسیدم اولاً طول این راه چقدر است؟ انتهای آنها کجاست؟ فرصت من چقدر است؟ و اساساً مقصد من چیست؟ دیدم من موقتم و همه موقت هستند. چند روزی می‌مانند و می‌روند.... دیدم تجارت بکنم، عاقبت آن عبارت است از مقداری سکه براق‌شده و چند خانه و چند ماشین؛ اما آنها هیچ تأثیری بر سرنوشت من در این مسیر ندارد.[۳]

---

۱. فخرالدین بن حمد طریحی، مجمع البحرین، تهران، مرتضوي، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۵.

۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دار القلم، ۱٤۱۲ق، ج ۱، ص ۳۸٤.

۳. خبرگزاری ایسنا، «نامهٔ شهید حاج‌قاسم سلیمانی به فرزندشان/ چرا می‌جنگم؟»، دسترسی در: https://snn.ir/fa/news/911727، ۲۳ بهمن ۱۳۹۹.

در ادامه این دل‌نوشته ایشان یگانه راه نجات را در اتصال به خداوند می‌داند و می‌نویسد:

چگونه می‌توانم حلال این خوف و نگرانی‌هایم باشم؟ دیدم من باید به کسی متصل شوم که این مهم مرا علاج کند و او جز خدا نیست. این ارزش و گنجی که شما گل‌های وجودم هستید با ثروت و قدرت، قابل حفظ‌کردن نیست، وگرنه باید ثروتمندان و قدرتمندان از مردن خود جلوگیری کنند و یا ثروت و قدرتشان مانع مرض‌های صعب‌العلاجشان شود و از دربسترافتادگی جلوگیری نماید. من خدا را انتخاب کرده‌ام و راه او را.[۱]

شهیدحاج‌قاسم به پست و مقام، اموال و دارایی‌ها و دیگر مظاهر دنیوی نگاهی زاهدانه داشت. فردی از دوستان و هم‌شهریانش می‌گوید:

حاج‌قاسم زمانی که برای ادامهٔ فعالیت‌هایش مجبور به جابه‌جاکردن خانه‌اش از کرمان به تهران شد، تنها خانه‌اش در کرمان را به محلی برای عزاداری حضرت زهراﷺ تبدیل کرد. حاج‌قاسم اصرار داشت که نامی از وی روی این خانه نباشد و به همین دلیل خانه را وقف حضرت زهراﷺ کرد و نامش را هم بیت‌الزهرا گذاشت. حاجی در کرمان هیچ خانه و ملک دیگری نداشت.[۲]

شهیدسلیمانی فردی نظامی با جایگاه بالا بود و حقوق مناسبی داشت، اما در بسیاری موارد، از حقوق حلال خود صرف‌نظر می‌کرد. یکی از نزدیکان حاج‌قاسم سلیمانی می‌گوید:

---

۱. همان.

۲. مهدی صدفی، «حکایت خانه‌ای که تبدیل به بیت‌الزهرا شد»، دسترسی در: https://sayeb.ir، ۲۱ مهر ۱٤۰۰.

[شهید] پورجعفری از طریقی فهمیده بود حاجی مشکل مالی دارد. بی‌سروصدا و دور از چشم حاج‌قاسم موضوع را با سردار قاآنی در میان گذاشته بود. سردار قاآنی هم به معاون اداری مالی دستور داده بود یکی از مأموریت‌های حاجی را حساب کنند و پولش را بریزند به حساب. حاج‌قاسم تا فهمید ماجرا از چه قرار است، اول پول را برگرداند، بعد هر سه نفر را توبیخ کرد؛ پورجعفری، سردار قاآنی و معاون اداری مالی را... یاد ندارم توی این همه سال، حاجی برای یک روز مأموریت خارج از کشورش ریالی گرفته باشه.[۱]

فردی از همکاران سردار می‌گوید:

سردارسلیمانی در تمامی طول خدمت، یک ریال یا یک دلار حق مأموریت یا اضافه‌کاری نگرفت. به من می‌گفت اگر هدایای مردم نباشد، نمی‌توانم زندگی‌ام را اداره کنم.[۲]

شهیدسلیمانی نه فقط خود رغبتی به دنیا نداشت، بلکه اطرافیانش را نیز به زهد و دوری از دنیاگرایی دعوت می‌کرد. چنان‌که فرزند سپهبد شهید، حاج‌قاسم سلیمانی، تعریف می‌کند:

روزی که بابا مدال ذوالفقار را از حضرت آقا گرفتند، به ایشان تبریک گفتم. گفتند: «این‌ها همه دنیوی‌است! دعا کن یک روز مدال اخروی‌ام را از خدا بگیرم.» گفتند: «مبادا مغرور شوید پدرتان فلان

---

۱. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص ۱۲۵.

۲. ویژه‌نامهٔ روزنامه اطلاعات، به مناسبت اربعین شهادت سپهبد حاج‌قاسم سلیمانی، سردار دل‌ها، پنج‌شنبه ۱۳۹۸/۱۱/۲۴، س ۹۴، ش ۲۷۴۹۹، ص ۲۳.

مقام و مدال را دارد! در ذهنتان باشد پدرتان فقط یک سرباز و خادم مردم است و شما هم از مردم و خادم مردمید.»[۱]

۲-۱-۳. بصیرت

از دیگر ویژگی‌های برجستهٔ شهیدسلیمانی بصیرت او در شناخت جبههٔ حق و باطل بود. بصیرت در نگاه سردار شهید عبارت است از:

شناخت به‌موقع از دشمن و اهداف و سیاست‌های او و اخذ تصمیم به‌موقع و عمل به‌موقع؛ هریک از اینها اگر در غیر وقت خود صورت گیرد، بر پیروزی شما اثر جدی دارد.[۲]

سردارسلیمانی بر این باور بود:

بصیرت فقط بُعد سیاسی ندارد. اگر فردی دارای پایهٔ اعتقادی ضعیف باشد، هر حرکت سیاسی او را درگیر می‌کند؛ اما آنهایی که پایه‌های اعتقادی قوی دارند، نمی‌لرزند.[۳]

بصیرت سردار آسمانی ما به‌خوبی در وصیت‌نامهٔ ایشان به نمایش گذاشته شده است. او در فرازی از وصیت‌نامه‌اش می‌نویسد:

بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی ﷺ.[٤]

---

۱. زینب سلیمانی، «خاطرهٔ زینب سلیمانی از روزی که حاج‌قاسم مدال ذوالفقار را دریافت کرد»، پایگاه خبری ـ تحلیلی مشرق نیوز، دسترسی در: https://www.mashreghnews.ir/news/1067799، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۹.

۲. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص ٢٤٤.

۳. ابوذر مهروان‌فر، برادر قاسم، قم، امیرالمومنین ﷺ، ۱۳۹۷، ص ٤٣.

٤. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص ۲۳۷.

این فراز از وصیت‌نامهٔ حاج‌قاسم بصیرت نافذ او را در شناخت جبههٔ حق به تصویر کشیده است.

در اندیشهٔ شهیدسلیمانی با بی‌بصیرتی نمی‌توان گام در راه حق گذاشت و پای ستون خیمهٔ نظام، یعنی ولایت و رهبری ایستاد. ایشان حضور مؤثر ملت ایران در صحنه را رمز پیروزی بر فتنه‌ها می‌دانست؛ فتنه‌هایی همچون فتنهٔ سال ۱۳۸۸ و ۱۳۹۶ که در آنها ضد انقلاب برای براندازی نظام جمهوری اسلامی وارد عمل شدند.[۱]

شهیدسلیمانی نه فقط دربارهٔ رویدادهای داخلی کشور بصیر بود، بلکه دربارهٔ وقایع منطقه و جهان اسلام نیز بصیرتی کامل داشت. او با شناختی که از جریان‌های مخالف اسلام اصیل در منطقه داشت، و نیز با توجه به وظیفه‌اش از سوی ولی نایب امر مسلمانان، حضرت امام خامنه‌ای دام‌ظله، ادامهٔ خط انقلاب و مبارزه با دشمنان را به بیرون از مرزهای ایران و کنار دریای مدیترانه کشاند و دشمنان نظام را در بیرون از مرزها زمین‌گیر کرد و پیروزی را برای جبههٔ مقاومت و کشورش به ارمغان آورد که این کار سردار شهید، عین بصیرت بود.

۲-۱-۴. خستگی‌ناپذیری

خستگی‌ناپذیری و پشتکار از اوصاف بارز شهیدسلیمانی بود. ایشان در طول زندگی‌اش هیچ‌گاه به مشکلات پشت نکرد و همواره با روحیهٔ مقاوم به استقبال سختی‌ها می‌رفت. خستگی‌ناپذیری شهیدسلیمانی الهام گرفته از کلام امام علی علیه‌السلام است که حضرت فرمود:

---

۱. خبرگزاری تسنیم، «سخنرانی سردار سلیمانی در کرمان»، دسترسی در: https://www.tasnimnews.com/fa/news/1653838، ۲۲ بهمن ۱۳۹۶.

در راه خدا آن‌گونه که شایسته است تلاش کن، و هرگز سرزنش ملامت گران تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد. برای حق در مشکلات و سختی‌ها شنا کن، شناخت خود را در دین به کمال رسان، خود را برای استقامت برابر مشکلات عادت ده، که شکیبایی در راه حق عادتی پسندیده است.[۱]

سیدمحسن حکیم، نائب‌رییس جریان حکمت ملی عراق که سابقه دوستی و نزدیکی زیادی با سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی داشته است، می‌گوید:

حاج قاسم تنها یک ویژگی نداشت، بلکه دارای خصوصیات متعددی بود. اگر بخواهیم شخصیت کاری ایشان را تجزیه و تحلیل کنیم، یکی از آنها، فعالیت‌های شبانه‌روزی ایشان بود. بنده یادم هست که یک‌بار جلسه‌مان با سردار ساعت ۵ صبح شروع شد. من به همراه آقای سیدعادل عبدالمهدی بودیم، که در آن مقطع معاون رییس جمهور عراق بود؛ در تابستان‌ها عموماً جلسات ایشان ساعت ۵ صبح آغاز می‌شد و در زمستان‌ها که شب‌ها طولانی‌تر بود، ساعت ۶ صبح. ایشان بعضاً فعالیت‌های ورزشی از جمله کوه‌پیمایی و راهپیمایی هم داشتند که ساعت ۳:۳۰ صبح انجام می‌گرفت و برمی‌گشتند، لذا آدم پرکار و فعالی بود و این یکی از ویژگی‌های مهم جناب آقای سردارسلیمانی بود.[۲]

---

۱. وَ جَاهِدْ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ لَا تَأْخُذْکَ فِی اللَّهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ وَ خُضِ الْغَمَرَاتِ [إِلَی الْحَقِ] لِلْحَقِّ حَیْثُ کَانَ وَ تَفَقَّهْ فِی الدِّینِ وَ عَوِّدْ نَفْسَکَ [الصَّبْرَ] التَّصَبُّرَ عَلَی الْمَکْرُوهِ وَ نِعْمَ الْخُلُقُ التَّصَبُّرُ فِی الْحَقِّ.(محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، ترجمهٔ محمد دشتی، قم، مشهور، ۱۳۷۹، نامهٔ ۳۱، ۵۲۱)

۲. سیدمحسن حکیم، «حاج‌قاسم شخصیتی جامع الاطراف بود»، پایگاه خبری شفقنا، دسترسی در: https://fa.shafaqna.com/news/1074344/، ۱۴ دی ۱۳۹۹.

فردی از هم‌رزمان شهیدسلیمانی می‌گوید:

من طی ۳۷ سال آشنایی و رفاقت با شهیدسلیمانی هیچ‌وقت حاج‌قاسم را پشت میز ندیدم و ایشان مدام در عرصه‌های مختلف مأموریت خود کف میدان حضور داشت.[۱]

شهیدحاج‌قاسم در کشاکش نبرد سنگین با گروه‌های تکفیری سوریه درحالی‌که آثار جانبازی‌اش شدید شده بود و گاه به او اکسیژن وصل می‌کردند، هیچ‌گاه صحنه را ترک نمی‌کرد و تا پای جان به انجام دادن تکلیف مشغول بود. فردی دیگر از هم‌رزمان شهیدسلیمانی دربارهٔ تلاش‌های او در نبرد با گروه‌های تکفیری در سوریه می‌گوید:

حضور مؤثر همراه با روحیه عالی، سرکشی مداوم حاج‌قاسم در خطوط مقدم و دیدار با فرماندهان میدانی و رزمندگان در دل صحرا و مقابل دشمن غدار تأثیر معنوی و روحی فزاینده داشت. حاجی مدام در حال رفت‌وآمد بود و گاهی مستقیم فرماندهی عملیات‌ها را به عهده می‌گرفت. روزی با زبان روزه در آن صحرای سوزان، زیر آفتاب داغ بر بلندای تلی تا غروب ماند و جبهه را مدیریت و رهبری می‌کرد.[۲]

همت والا و خستگی‌ناپذیری، ویژگی ناب سردار دل‌ها بود، به‌ویژه آن‌گاه که مسئلهٔ کمک به مردم عادی و قشر ضعیف پیش می‌آمد. فردی از دوستان سردار می‌گوید:

هیچ موقع آخ‌آخ و وای‌وای گفتنش برای کودکان خردسال و

---

۱. خبرگزاری ایسنا، «اخلاص در عمل، در رفتار شهیدسلیمانی موج می‌زد»، دسترسی در: https://www.isna.ir/news/16471، ۲۲ دی ۱۳۹۸.

۲. محمدرضا فلاح‌زاده (ابوباقر)، «ناگفته‌های سرداری که همپای حاج‌قاسم با داعش جنگید»، دسترسی در: https://www.mashreghnews.ir/news/1077698، ۲۶ آذر ۱۳۹۹.

پیرمردان و زنان سالخورده و دلسوزی او و از همه مهم‌تر کمک مستقیم شخص خودش و پیگیری جدی تا اتمام کار را فراموش نمی‌کرد. تاآنجاکه می‌توانست، حاجت مردم را روا می‌کرد. یک روزی از کرمان برگشته بود، خیلی خسته بود. گفت انگار از زیر غلتک خارج شدم؛ سؤال شد: «چرا؟» گفت: «از بس مراجعه‌کننده داشتم. این مردم چشمشان به کمک امثال ماست. من هم تا جایی که بتونم کمک می‌کنم.» رنج مردم، درد و رنج او بود و واقعاً سردار دل‌ها بود چون بر قلب‌ها و دل‌ها حکومت می‌کرد.[۱]

۲-۱-۵. اخلاص

از دیگر ویژگی‌های برجستهٔ شهیدحاج‌قاسم، اخلاص وی بود. همگان در تشییع جنازهٔ شهیدقاسم سلیمانی، حضور چشمگیر اقشار مختلف مردم را با سلیقه‌ها و افکار گوناگون مشاهده کردند. این استقبال کم‌نظیر، که در شهرهای کاظمین، بغداد، نجف، کربلا، اهواز، مشهد، تهران، قم و کرمان انجام شد و حیرت جهانی را برانگیخت، چنان بود که برخی رسانه‌ها تعداد شرکت‌کنندگان در مراسم تشییع را میلیونی خواندند.[۲] آنچه دراین‌باره مطرح می‌شود این است که چگونه مردی این‌چنین در سرزمین خود و نیز در مقیاس فراسرزمینی، عاشق و شیفتهٔ حق‌طلب می‌یابد تا در مراسم تشییع پیکرش، میلیون‌ها انسان رخت عزا به تن کنند و اشک بریزند. پاسخ این پرسش را باید در اخلاص سردار جست‌وجو کرد؛ اخلاصی که

---

۱. خبرگزاری فارس، «حاج‌قاسم در مذاکره هم حریف نداشت»، دسترسی در: https://www.farsnews.ir/news/000737، ۱۱ خرداد ۱۳۹۹.

۲. «واکنش‌ها به تشییع پیکر سردار قاسم سلیمانی؛ حیرت جهانی»، تارنما جام جم آنلاین، دسترسی در: https://jamejamonline.ir/fa/news/1244200، ۱۶ دی ۱۳۹۸.

مردم آن را در گفتار و عمل سردار دل‌ها دیدند، باورش کردند و در فراقش سوختند. درحقیقت راز ماندگاری شهیدحاج‌قاسم سلیمانی، اخلاص وی بود که در شخصیتش موج می‌زد. او ویژگی‌های ناب دیگری نیز داشت؛ اما این اخلاص بود که او را محبوب دل‌ها کرد. امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در دیدار با خانوادهٔ شهید فرمودند:

> می‌بینید مردم چه کار دارند می‌کنند برای حاج قاسم؛ این برای شما تسلا است... بدانید که مردم قدر پدر شما را دانستند و این ناشی از اخلاص است؛ این اخلاص است. اگر اخلاص نباشد، این‌جور دل‌های مردم متوجه نمی‌شود؛ دل‌ها دست خداست؛ اینکه دل‌ها این جور همه متوجه می‌شوند، نشان‌دهندهٔ این است که یک اخلاص بزرگی در آن مرد وجود داشت.[۱]

جالب است حتی معظم له در اقامهٔ نماز بر پیکر مطهر به اخلاص ایشان اشاره کرد، فرمود:

> **اللهُم اِنَّک تَوَفَّیتَهُم مُتَلَطِّخِینَ بِدِمائِهِم فِی سَبیلِ رِضاک، مُستَشهَدینَ بَینَ اَیدیهِم، مُخلِصینَ فِی ذلک لِوَجهِک الکریمِ.**[۲]
>
> خداوندا! تو آنان را در حالی قبض روح کردی که در راه خشنودی‌ات، به خون غلتیده بودند و در برابر یکدیگر به شهادت رسیدند. آنان انسان‌هایی بودند که در مسیر شهادت، خود را برای ذات بزرگوارت خالص گردانیده بودند.

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در منزل شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی، ۱۳۹۸/۱۰/۱۳، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=44618.

۲. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در اقامه نماز بر پیکر شهید سپهبد قاسم سلیمانی و یاران مجاهد او، ۱۳۹۸/۱۰/۱۶، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/video-content?id=44605.

۲-۱-۶. توسل به اهل بیت

شهیدسلیمانی دلباختهٔ اهل بیت بود و همواره در مصائب و مشکلات به آنان متوسل می‌شد. سراسر زندگی این سردار شهید سپاه اسلام، در ارتباط وثیق با ائمهٔ اطهار بود. شهیدسلیمانی همهٔ موفقیت‌هایش را مرهون اتصال به اهل بیت، به‌ویژه بانوی مکرم اسلام حضرت زهرا می‌دانست.[۱]

آنچه این توسلات را در مکتب شهیدسلیمانی، برجسته می‌کند، آن است که این شهید بزرگوار نه فقط توسل به اهل بیت را در مشکلات شخصی به کار می‌بست؛ بلکه این شیوهٔ پسندیده را راهکاری برای حل بحران‌های اجتماعی ترویج می‌کرد. هنر سردار دل‌ها آن بود که اعتقاد به حل مشکلات از طریق توسل به حضرات معصوم را از بُعد شخصی به راهکاری برای برون‌رفت از مشکلات جمعی تبدیل کرد.

هرگاه در جبهه برای این شهید بزرگوار مشکلی پیش می‌آمد، می‌گفت: «بگردید روضه خوانی پیدا کنید که با نام فاطمه گرهٔ ما را برطرف کند.»[۲] شهیدسلیمانی عنایت‌های حضرت فاطمهٔ زهرا را در دوران دفاع مقدس چنین گزارش می‌کند:

> هرموقع در جنگ فشارها بر ما حادث می‌شد و هیچ‌کاری از دست‌مان بر نمی‌آمد، پناهگاهی جز حضرت زهرا نداشتیم. در عملیات والفجر ۸ وقتی چشممان به آب‌های پرطوفان، خشمگین و ترسناک اروند افتاد، آنجا هیچ نامی آشناتر از نام حضرت زهرا نداشتیم؛ بنابراین در کنار اروند ایشان را در تلألؤ اشک‌های غریبانه و مظلومانهٔ بسیجی‌ها صدا زدیم و اروند را با یا زهرا کنترل، و از آن

---

۱. ر.ک. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص۲۳۵.

۲. علی شیرازی، شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی، قم، خط مقدم، ۱۳۹۹، ص ۳۲.

عبور کردیم. وقتی دشمن، آتش مسلسل‌ها، خمپاره‌ها و توپ‌های خود را مستانه بر ساحل باز کرد و جوی‌هایی از خون به اروند روانه شد، آن‌وقت هم همهٔ تدابیر از کار افتاده بود و نامی جز نام حضرت زهراؑ بر زبان‌ها جاری نمی‌شد. وقتی هم که عراقی‌ها در کنار اروند ایستاده بودند و رزمندگان را با تیر می‌زدند، آن زمان هم سلاح کارگر ما حضرت زهراؑ بود. در عملیات کربلای ۵ وقتی مضطر شدیم، نگاهی به آب‌های بوبیان کردیم؛ آن‌وقت هم سر خود را بر دژ گذاشتیم و عاجزانه حضرت زهراؑ را صدا کردیم. من قدرت و محبت مادری حضرت زهراؑ را در هور، غرب کانال ماهی، وسط میدان مین دیدم.[۱]

وی دربارهٔ جنگ ۳۳ روزهٔ لبنان نیز بیان می‌کند:

با امداد و عنایت حضرت زهراؑ بود که حزب‌الله در نبرد ۳۳ روزه با رژیم اشغالگر قدس، پیروز شد و این پیروزی باعث شد استراتژی جنگ پیش‌دستانهٔ رژیم صهیونیستی ـ معروف به طرح بن‌گورین ـ به استراتژی دفاعی تغییر کرده و این رژیم دیگر نتواند به لبنان حمله کند.[۲]

۲-۱-۷. عشق به شهادت

شهیدحاج‌قاسم، شوق بسیار به شهادت داشت و شیفتهٔ آن بود. وی در داغ فراق یاران هم‌رزمش می‌سوخت و در نجواهای شبانه‌اش پیوسته از حضرت حق

---

۱. خبرگزاری دفاع مقدس، «عنایات حضرت زهراؑ در دفاع مقدس از زبانِ سردارِ شهید قاسم سلیمانی»، دسترسی در: https://defapress.ir/fa/news/381704، ۹ بهمن ۱۳۹۸.

۲. قاسم سلیمانی، «گفت‌وگویی مطبوعاتی با نشریهٔ مسیر»، تارنمای جام جم آنلاین، دسترسی در: https://jamejamonline.ir/fa/news/1297954، ۸ دی ۱۳۹۹.

شهادت طلب می‌کرد. وی با ذره‌ذرهٔ وجودش خواهان شهادت بود که سخنان و دست‌نوشته‌های شهید سلیمانی به‌خوبی موج‌زدن این اشتیاق را به مخاطب می‌نمایاند؛ برای حاج‌قاسم سلیمانی، شهادت، رسیدن به مقصد، و فوز عظیم و حیات طیبه‌ای بود که سال‌ها مشتاقانه انتظارش را می‌کشید.

شوق دیدار خدا و نیز پیوستن به قافلهٔ شهدا در این سخنان عارفانهٔ شهیدسلیمانی به‌خوبی آشکار می‌شود:

> خداوند، ای عزیز! من سال‌هاست از کاروانی به جا مانده‌ام و پیوسته کسانی را به‌سوی آن روانه می‌کنم، اما خود جا مانده‌ام، اما تو خود می‌دانی هرگز نتوانستم آنها را از یاد ببرم. پیوسته یاد آنها، نام آنها، نه در ذهنم، بلکه در قلبم و در چشمم، با اشک و آه یاد شدند. عزیز من! جسم من در حال علیل شدن است. چگونه ممکن [است] کسی را که چهل سال بر درت ایستاده است، نپذیری؟ خالق من، محبوب من، عشق من، که پیوسته از تو خواستم سراسر وجودم را مملو از عشق به خودت کنی؛ مرا در فراق خود بسوزان و بمیران.[1]

سرانجام شهیدحاج‌قاسم، آسمانی، و با ارواح طیبهٔ شهیدانی همنشین شد که سال‌ها از فراقشان می‌سوخت.[2]

۲-۲. ویژگی‌های اجتماعی

منش اجتماعی شهیدسلیمانی الگوی مناسبی برای جامعهٔ امروز، و نیز نسل آیندهٔ ماست. شهیدسلیمانی در جایگاه فردی صاحب سَبک و مکتب، تصویر

---

۱. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص۲۳٦.

۲. پیام تسلیت امام خامنه‌ای دام‌ظله درپی شهادت سردار شهید سپهبد قاسم سلیمانی و شهدای همراه او، ۱۳۹۸/۱۰/۱۳، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=44554.

شفافی از ارزش‌های اجتماعی را به ما نمایاند. شخصیت موفق وی جمع میان خداگرایی و جامعه‌گرایی ـ به معنای اعتقاد به اصالت ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی ـ بود و توانست در نوع سلوک و رفتارش عرفان معنوی را با مسائل روزمرهٔ جامعه گره زند.[1] از تحلیل صحیح جنبه‌های اجتماعی مکتب شهیدسلیمانی، یافته‌هایی به‌دست می‌آید که در تحقق تمدن نوین اسلامی کاربرد دارد. برای آشنایی بیشتر، برخی ویژگی‌های اجتماعی مکتب این شهید گرامی را برمی‌شماریم.

۲-۲-۱. ولایی بودن

شهیدسلیمانی، چه در زمان رهبری امام خمینی﵀، و چه در زمان رهبری امام خامنه‌ای﵀ باور، فهم، اطاعت و استقامت ولایی داشت. وی در نهایت ولایت‌مداری بود و به رهبر و مقتدایش عشق می‌ورزید. دیدگاه وی، در جایگاه افسر رشید لشکر اسلام، نسبت به مقام معظم رهبری﵀ و فرماندهی معظم کل قوا فقط از حیث رعایت سلسله‌مراتب نظامی نبود؛ بلکه نگاهی بس فراتر داشت و از جنبهٔ اعتقادی بدین امر می‌نگریست؛ سخنان، نوشته‌ها، تصمیم‌ها، فعالیت‌ها و اعمالش همه و همه تعقیب‌کنندهٔ خط ولایت بود.

شهیدسلیمانی اطاعت از ولایت فقیه را جزء اصول می‌دانست؛ ازاین‌رو در وصیت‌نامهٔ خویش خطاب به ملت ایران می‌نویسد:

> برادران و خواهران عزیز ایرانی من، ...از اصول مراقبت کنید. اصول یعنی ولی فقیه. خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه،

---

۱. حسین دهقانی پوده و امین پاشایی هولاسو، «تدوین الگوی فرماندهی شهید قاسم سلیمانی»، نشریه مدیریت اسلامی، س ۲۸، ش ۲، تابستان ۱۳۹۹، ص ۱۹.

عرفان، معرفت؛ خامنه‌ای عزیز را عزیز جان خود بدانید. حرمت او را حرمت مقدسات بدانید.[1]

حاج‌قاسم سلیمانی از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی با درک صحیح از همین اصل اساسی، اصل ولایت فقیه را شناخت، دغدغه‌های رهبرش را لمس کرد و با همهٔ وجود کوشید منویات او را عملی کند.

در زمان حضرت امام خمینی﵀ مانند صدها هزار جوان شیفتهٔ رهبر در جبهه‌های دفاع مقدس حضور یافت، زخمی شد و بارها تا سر حد شهادت رفت و تا آخرین روز دفاع مقدس، جبهه‌های جنگ را ترک نکرد؛

درپی جنگ ۳۳ روزهٔ لبنان، زمانی که همهٔ شواهد از شکست حزب‌الله لبنان در برابر ارتش صهیونیستی حکایت می‌کرد، مقام معظم رهبری﵀ با وعدهٔ پیروزی، به سردار سلیمانی فرمان می‌دهد که به حزب‌الله کمک کند. شهیدسلیمانی بی‌معطلی لباس رزم می‌پوشد و به خط مقدم جنگ با رژیم صهیونیستی می‌رود. درنهایت وعدهٔ رهبری محقق می‌شود و حزب‌الله لبنان با کمک شهیدسلمانی در جنگ ۳۳ روزه با صهیونیزم‌ها پیروز می‌شود؛[2]

هنگام وقوع فتنه‌ها در جامعه، وقتی امام خامنه‌ای﵀ از نخبگان و خواص می‌خواهند که عمارگونه، حقایق را برای مردم تبیین کنند تا سایهٔ غبارآلود فتنه کنار رود، آحاد جامعه بصیرت یابند و در مقابل فتنه‌گران بایستند،[3] از خواصی که به این فرمان رهبر لبیک گفتند، سردار شهیدسلیمانی بود که در

---

۱. قاسم سلیمانی، «وصیت‌نامه»، دسترسی در: https//jzal.ir/post/7668، ۲۷ آذر ۱۴۰۰.

۲. «ناگفته‌های جنگ ۳۳روزه در گفت‌وگو با سرلشکر حاج‌قاسم سلیمانی»، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=43598، ۹ مهر ۱۳۹۸.

۳. بیانات امام خامنه‌ای﵀ در دیدار با اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر، ۱۳۸۸/۵/۵، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7770.

سخنرانی‌هایش، همچون عمار، مقابل فتنه‌گران می‌ایستاد و برای مردم بصیرت‌افزایی می‌کرد.

سردارسلیمانی با بیان اینکه دشمن وقتی دید از تهدید نظامی و اعمال تحریم، جواب نمی‌گیرد، از راه فتنه‌گری قصد دارد میان ملت ایران نفوذ کند، هشدار می‌دهد: «ما باید مراقبت کنیم. هم از خودمان مراقبت کنیم و هم از اطرافیانمان، باید همدیگر را در مقابل فتنه حفظ کنیم.»[۱]

ایشان به تبعیت از رهبر و مقتدایش، معتقد بود همگان، به‌ویژه خواص باید در مقابل فتنه‌گران موضعشان را مشخص کنند و با فریاد و افشاگری در برابر آنان بایستند:

> فتنه مثل تاریکی است؛ ... ما در تاریکی شب چه می‌کنیم؟ وقتی که می‌خواهیم خودی را از دشمن تشخیص بدهیم، چه می‌کنیم، صدا می‌زنیم... آیا ما نباید در تاریکی فتنه داد بزنیم؟ ... همهٔ ما انگشت اشاره‌مان را نسبت به فتنه بالا ببریم، رودربایستی نکنیم. ممکن است تا دیروز بنا بر ملاحظه‌ای به کسی رأی و نگاه دیگری داشتیم؛ اما امروز داد می‌زنیم فلانی بدان من اگر به فلان کس رأی دادم، موضع و خط قرمز من در مسئلهٔ ولایت فقیه و جمهوری اسلامی این هست. این را باید همه بدون تعارف بگویند.[۲]

۲-۲-۲. انقلابی بودن

از دیگر ویژگی‌های اجتماعی شهیدسلیمانی، انقلابی بودن اوست. مقام معظم رهبری دام‌ظله نیز بر این رابطه تأکید دارند:

---

۱. ابوذر مهروان‌فر، همان، ص ۳۷.
۲. همان، ص ۳۷-۳۸.

شهید سلیمانی به‌شدت انقلابی بود؛ انقلاب و انقلابی‌گری خط قرمزِ قطعیِ او بود؛ این را بعضی‌ها سعی نکنند کم‌رنگ کنند، این واقعیتِ اوست؛ ذوب در انقلاب بود، انقلابی‌گری خط قرمز او بود. در این عوالمِ تقسیم به احزاب گوناگون و اسم‌های مختلف و جناح‌های مختلف و مانند اینها نبود؛ اما در عالَم انقلابی‌گری چرا، به‌شدت پایبند به انقلاب، پایبند به خط مبارک و نورانیِ امام راحل﵀ بود.[۱]

در مکتب شهیدسلیمانی، دفاع از جمهوری اسلامی مترادف با دفاع از بیت‌الله الحرام و قرآن است و خالی‌کردن جبههٔ نظام به‌آسیب‌دیدن آرمان‌ها و ارزش‌ها منتهی می‌شود؛ زیرا مدل اسلام انقلابی و اسلام سیاسی بیشترین تهدید را برای منافع استکبار و نظام سلطه دارد؛ ازاین‌رو ایشان در وصیت‌نامه‌اش می‌نویسد:

خواهران و برادران مجاهدم در این عالم، ای کسانی‌که سرهای خود را برای خداوند عاریه داده‌اید و جان‌ها را بر کف دست گرفته، و در بازار عشق‌بازی به سوق فروش آمده‌اید، عنایت کنید جمهوری اسلامی، مرکز اسلام و تشیع است. امروز قرارگاه حسین‌بن‌علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدیﷺ.[۲]

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای﵀ در دیدار با مردم قم، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44628.

۲. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص۲۳۷.

همهٔ رفتارها و گفتارهای انقلابی شهیدسلیمانی که در زندگی او نمود یافت، متکی و برخاسته از باورهای انقلابی ایشان بود. باورهایی همچون شناخت تفاوت‌های اسلام ناب محمدی ﷺ با اسلام امریکایی؛ شناخت خط امام خمینی ﷺ؛ اعتقاد به اینکه ما مکلف به وظیفه‌ایم نه مکلف به نتیجه؛ باور به جهانی دانستن انقلاب؛ اعتقاد به شعار نه شرقی و نه غربی در همهٔ عرصه‌ها؛ مدیون دانستن خود به انقلاب، امام خمینی ﷺ و شهدا؛ اعتقاد به شعار ما می‌توانیم و... .

این شهید والامقام براساس همین باورها، عمل انقلابی‌اش را شکل می‌داد و در خط امام و رهبری بر محور اسلام ناب محمدی حرکت می‌کرد و در همهٔ صحنه‌ها در کنار معنویت، عنصر عقلانیت و برنامه‌ریزی را مهم می‌شمرد. ایشان دراین‌باره می‌گوید:

> یک عمل انقلابی موفق چیست؟ برخی مفهوم مدیریت انقلاب و انقلابی بودن را به بی‌برنامگی، هرج‌ومرج و بی‌انضباطی تفسیر می‌کنند، که تعبیری ناجوانمردانه است، مهم‌ترین مشخصهٔ مدیریت انقلابی، معنویت است و امام راحل ﷺ مصداق حقیقی عمل و مدیریت انقلابی است.[۱]

سپهبد شهید، قاسم سلیمانی، برای توضیح بیشتر عمل انقلابی می‌افزاید:

> عمل‌انقلابی، عملی است که منافع ملت و اسلام را بر شخص خود ترجیح داده، و در سختی‌ها و شدت‌ها، گوش به فرمان‌ترین بوده، و عذر نتراشیده، و سینه خود را سپر می‌کند.[۲]

---

۱. ابوذر مهروان‌فر، همان، ص ۴۰-۴۱.
۲. همان، ص ۴۳.

شهیدسلیمانی نه‌فقط همواره با رفتار و گفتار مدافع آرمان‌های انقلاب بـود، بلکه شهادت او، زنده بودن انقلاب را به رخ همهٔ دنیا کشید؛ زیرا شکوه حضـور مردم با سلایق و افکار متفاوت در تشییع پیکر پاک او، به جهانیان نشان داد کـه انقلاب در ایران از بین نرفته است و همچنـان زنـده اسـت و بـه حرکـت رو بـه جلوی خود ادامه می‌دهد.

۲-۲-۳. مردمی بودن

از مردم بودن، در مردم بودن، با مردم بودن، عاشق مردم بودن، خدمت‌گزار مردم بودن، متواضع و فروتن بودن با مـردم و در یـک کـلام مردمـی بـودن، از دیگـر ویژگی‌های برجستهٔ شهیدسلیمانی بود.

شهیدحاج‌قاسم سلیمانی به مردم عشق می‌ورزید و عمیقاً بر این باور بود که مردم ولی‌نعمت مایند و این انقلاب و نظام حاصل تلاش آنان و متعلق بـه آنـان است و پیوسته تأکید می‌کرد که ما مدیون و وامـدار ایـن مـردم عزیـزیم و بایـد خدمت به آنان را افتخاری بزرگ بدانیم. ایشان در حوادث گوناگون میـان مـردم حضور می‌یافت و به یاری آنها می‌شتافت.

در مکتب شهیدسلیمانی، خود را ندیدن و برای مردم خود فدا شدن اصـلی انکارناپذیر است. سردارسلیمانی به مردم کشورش عشق مـی‌ورزیـد و خـود را وقف خدمتگزاری به آنان کرده بود؛ چنـان‌کـه در وصـیت‌نامـه‌اش مـی‌نویسـد: «برادران و خواهران عزیز ایرانی من، مردم پر افتخار و سربلند که جان من و امثال من، هزاران بار فدای شما باد.»[۱]

این‌گونه سـخن‌گفـتن بـا مـردم از بـرای خودنمـایی و کسـب موقعیـت‌هـای سیاسی ـ اجتماعی نیست؛ زیرا همگان اذعان دارند، سـردار در مسـائل سیاسـی،

۱. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص ۲۳۸.

فـردی میانـه‌رو بـود و تعلـق بـه جنـاح‌هـای سیاسـی نداشـت و همچنـین بـرای عافیت‌طلبی و سودای قدرت نیز نبـود؛ زیـرا شهیدسـلیمانی دائـم میـان معرکـه و میدان نبرد با دشمنان بود و هر لحظه احتمال شهادت او می‌رفت؛ چنان‌کـه خـود بارها آرزوی شهادت کرده بود. بنابراین، یگانه دلیل رفتار و گفتار مهربانانه و پدرانه با مردم، عشق او به مردم بود که چنین شخصیت اثرگذاری را از او ساخته بود.

در دیدگاه شهیدسلیمانی جامعـه از اقشـار مختلـف مـردم بـا گـرایش‌هـای متفاوت قوام یافته است که نمی‌شود هیچ‌کدام را نادیده گرفت. او کسی بـود کـه با درجهٔ بالای نظامی، به جامعه نگاه مهربانانه و پدرانـه داشـت؛ او معتقـد بـود وجود برخی نارسایی‌ها و ضعف‌ها در افـراد، دلیـل طـرد آنـان از هـم‌گرایـی و همدلی نیست؛ بلکه راه صحیح جذب ایـن افـراد و ارشـاد از طریـق ارتبـاط و اخوت است. ایشان دراین‌باره بیان می‌کند:

> من و آدم‌های خودم؛ من و رفقای خـودم؛ مـن و مریـدهای خـودم... این بی‌حجاب است؛ این باحجـاب اسـت... خـب، چـه مـی‌خواهیـد حفظ کنید؟ جامعه ما، خانواده ماست. اینها همه مـردم مـا هسـتند. اینها بچه‌های ما هستند.[۱]
>
> همان دختر کم‌حجاب، دختـر مـن اسـت؛ دختـر مـا و شماسـت؛ نـه دختر خاص من و شما؛ اما جامعهٔ ماست. فقط رابطهٔ حـزب‌اللهـی بـا حزب‌اللهی معنا ندارد. رابطهٔ حزب‌اللهی با کسی‌که دینش ضعیف‌تـر است، موضوعیت دارد.[۲]

---

۱. باشـــگاه خبرنگـــاران، «ســـخنرانی ســـردار قاســـم ســـلیمانی»، دسترســـی در: https://www.yjc.ir/fa/news/6598891، ۲۵ تیر ۱۳۹۷.

۲. قاسم سلیمانی، «سخنرانی حاج‌قاسم سلیمانی»، پایگاه خبری ـ تحلیلی مشرق نیوز، دسترسی در: https://www.mashreghnews.ir/news/1027072، ۱۵ دی ۱۳۹۸.

شهیدسلیمانی اهل مهرورزی و تعامل با همهٔ اقشار مردم بود و روحیهٔ مردم‌داری ایشان سبب جذب افراد بسیار به مکتب ایشان، در ایران و منطقه شده بود. فردی از هم‌رزمان شهیدسلیمانی می‌گوید:

> آن‌قدر روح حاج‌قاسم بالا بود و ذهنش وسیع بود، با افرادی در خارج از کشور کار می‌کرد و آنها برای حاج‌قاسم کار می‌کردند که واقعاً در ایران با این روحیاتی که مخصوصاً نیروهای حزب‌اللهی دارند، عمراً با اینها کار نمی‌کنند. سپاه سلیمانی، دامنه‌اش خیلی وسیع بود. فقط این نبود با نیروهای حزب‌اللهی و ارزشی و مدافعین حرم کار کند؛ که البته حساب اصلی‌اش، روی این‌ها بود، ولی من می‌خواهم با قاطعیت بگویم حاج‌قاسم توانست خیلی‌ها را در دنیا به سپاه خودش جذب کند.[۱]

سپهبدقاسم سلیمانی عشق‌ورزی و مهر و محبت به مردم را در صحنه‌های اجتماعی نیز به اثبات رسانده بود؛ چنان‌که در سیل خوزستان در سال ۱۳۹۸ با همهٔ وجود و بی‌توجه به بزرگی نام و مقام و منصبش برای کمک به مردم سیل‌زدهٔ خوزستان در صحنه حضور یافت و خدمات شایانی انجام داد. فردی از فرماندهان نظامی تعریف می‌کند:

> تصور مردم از سردارسلیمانی یک فرمانده ارشد جنگی و چهرهٔ نظامی بود، اما او با یک چهرهٔ فوق‌العاده مهربان و مردمی بین سیل‌زدگان حضور یافت. رفتار و منش خود حاج‌قاسم با مردم سیل‌زده آن‌قدر خوب بود که باعث شد بعد از شهادتش، کودک تا پیرمرد عشایری در تشییع پیکرش در اهواز شرکت کنند. حتی یک

---

۱. علی شیرازی، شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی، همان، ص ۸۷.

پیرمرد با تن رنجور و نابلد بودن راه، با پای پیاده از شادگان به اهواز آمد تا در مراسم تشییع حاضر باشد. قاسم سلیمانی در قلب‌های مردم ورود کرد و بر قلب‌های مردم حکومت می‌کرد.[۱]

۲-۲-۴. عدالت‌خواهی

در مکتب شهیدسلیمانی تحقق عدالت اجتماعی اصلی بنیادین است. شهیدسلیمانی همواره بر عدالت اجتماعی تأکید داشت و با شیوهٔ خاصش، یعنی بدون طعنه‌زدن و براساس حس دلسوزی، مسئولان اجرایی را به عدالت‌محوری توصیه می‌کرد که نقش دولت‌ها، نقش خدمتگزاری است. ایشان معتقد بود:

شاید مسئولان در مدیریت خود نتوانند معجزه کنند، اما می‌توانند عدالت‌محور باشند ... اگر مدیری با چنین رویکردی عمل کند، خودبین نمی‌شود و خدابین و خادم مردم خواهد شد، چنان‌که امام خمینی﵀ می‌فرمود: «من خادم مردم هستم» و انتظار ایشان از مدیران جامعهٔ اسلامی نیز همین بود.[۲]

شهیدسلیمانی از مشخصه‌های مهم اسلام ناب را در نظریهٔ رهبری ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، دفاع از مظلومان، امیدبخشی و ازبین‌بردن ترس و جهل از جامعه می‌دانست.[۳] خود او نیز در طول زندگی در همین مسیر حرکت

---

۱. ویژه‌نامهٔ روزنامهٔ اطلاعات، به مناسبت اربعین شهادت سپهبد حاج‌قاسم سلیمانی، سردار دل‌ها، همان، ص ۶۳.

۲. خبرگزاری فارس، «سخنان سردار قاسم سلیمانی در یادواره عملیات رمضان در همدان»، دسترسی در: https://www.farsnews.ir/news/000386، ٤ مرداد ۱۳۹۷.

۳. علیرضا مقدسی، «جهاد یک دریچهٔ خاص برای اولیای خداست»، خبرگزاری جمهوری اسلامی، دسترسی در: https://www.irna.ir/news/84174615، ۱۶ دی ۱۳۹۹.

می‌کرد. زندگی‌اش مملو از کوشش برای نفی ظلم، دفاع از مظلوم، و رشد عدالت اجتماعی بود. او رفتار مدیران در دوران مقدس را بهترین الگوی مدیریتی برای استقرار عدالت اجتماعی می‌دانست:

> مدیران یک استان از فرماندار گرفته تا فرمانده سپاه و استاندار و فرمانده نیروی انتظامی و...، جزو اشخاص عادی نیستند و رفتار و گفتار آنها بر جامعه اثرگذار است؛ بنابراین باید مدیریت آنها نیز مانند دوران دفاع مقدس باشد.[۱]

فرمانده شهید نیروی قدس سپاه، که از فرماندهان موفق در حیطهٔ مأموریتی خود بود، اساس فساد و تبعیض اجتماعی را انتخاب مسئولان با نگاه جناحی و حزبی می‌دانست؛ زیرا غلبهٔ چنین دیدگاهی در جامعه باعث می‌شود پوشش و منطقهٔ امنی برای افراد منحرف درست شود و این افراد مقابله با خود را مقابله با جناح، شخصیت و گروه بدانند و با این بهانه خود را از زیر تیغ قانون برهانند.[۲]

۲-۲-۵. فراجناحی بودن

چپ و راست، و اصلاح‌طلب و اصول‌گرا در مکتب شهیدسلیمانی معنا نداشت؛ برای او نظام اسلامی و ولایت فقیه مهم بود. شهیدسلیمانی معتقد بود هرکس در این دایره باشد، خودی است. بنابراین، مکتب شهیدسلیمانی درخصوص جریان‌های اجتماعی، وابسته به گروه و جریان نیست؛ چنان‌که ما

---

۱. پایگاه خبری اسلام تایمز، «شهید القدس؛ حاج‌قاسم سلیمانی»، دسترسی در: https://www.islamtimes.org/fa/article/906472، ۷ دی ۱۳۹۹.

۲. خبرگزاری فارس، «سخنان سردار قاسم سلیمانی در یادواره عملیات رمضان در همدان»، همان.

وحدت جامعه را در تشییع جناره‌اش دیدیم؛ گروه‌ها و جریان‌های مختلف با سلیقه‌های متفاوت در فراق او گریستند؛ حتی اقشار مختلف مردم که برخی ظاهر انقلابی نیز نداشتند، در تشییع جنازهٔ سردار دل‌ها گرد آمدند و علیه دشمن مشترک شعار مشترک دادند. این تبلور ندای وحدت به سبب آن شهید عزیز بود که در سراسر ایران اسلامی طنین‌انداز شد. فرمانده شهید سپاه قدس با بیان این نکته که حلقهٔ اتصال مدیران و مردم در محبت و خدمت به مردم است، نه حزب‌بازی و درگیر گروه سیاسی شدن، مخاطبانش را به تبعیت از سیرهٔ جاری در دوران دفاع مقدس ارجاع می‌دهد و بیان می‌کند:

> سراغ ندارید در دوران دفاع مقدس برای گزینش افراد سؤالی از چپی یا راستی و اصلاح‌طلب یا اصول‌گرا بودن شخص شده باشد، در دفاع مقدس به لیاقت‌ها، قابلیت‌ها و تطبیق فرد یا مسئولیت‌ها نگاه می‌کردند، نه خط و جناح سیاسی او.[۱]

۲-۳. ویژگی‌های فرماندهی و مدیریتی

سردارشهیدسلیمانی در امر فرماندهی و مدیریتی ویژگی‌های برجسته‌ای دارد که عبارت است از:

۲-۳-۱. تدبیر در فرماندهی

از ویژگی‌های برجستهٔ فرماندهی سردارسلیمانی، تدبیر ایشان در فرماندهی بود. آثار و نشانه‌های تدبیر شهید را می‌توان در دوره‌های مسئولیتی ایشان مشاهده کرد؛ زیرا مرور عملکرد ایشان چه در دفاع مقدس، چه در دوران فرماندهی امنیت شرق کشور و چه در سپاه قدس نشان می‌دهد در همهٔ

---

۱. همان.

بخش‌ها و حوزه‌هایی که فرماندهی، هدایت و رهبری صحنه‌های نظامی بر عهدهٔ شهیدسلیمانی بود، ایشان بدون استثنا پیروز میدان بوده است. امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در وصف شهیدسلیمانی می‌فرماید:

> شهید سلیمانی، هم شجاع بود، هم با تدبیر بود؛ صِرف شجاعت نبود؛ بعضی‌ها شجاعت دارند، اما تدبیر و عقل لازم برای به‌کاربردن این شجاعت را ندارند. بعضی‌ها اهل تدبیرند، اما اهل اقدام و عمل نیستند، دل و جگر کار را ندارند. این شهید عزیزِ ما، هم دل و جگر داشت، به دهان خطر می‌رفت و ابا نداشت؛ نه‌فقط در این حوادث این روزها، [بلکه] در دوران دفاع مقدس هم، در فرماندهی لشکر ثارالله همین جوری بود؛ خودش و لشکرش هم با تدبیر بود؛ فکر می‌کرد، تدبیر می‌کرد، منطق داشت برای کارهایش. این شجاعت و تدبیرِ توأمان، فقط در میدان نظامی هم نبود، در میدان سیاست هم همین‌جور بود؛ بنده بارها به دوستانی که در عرصهٔ سیاسی فعّال‌اند این را می‌گفتم؛ رفتار او را، کارهای او را [می‌دیدم]. در عرصهٔ سیاست هم، هم شجاع بود، هم با تدبیر بود؛ سخنش اثرگذار بود، قانع‌کننده بود، تأثیرگذار بود.[۱]

همین ویژگی‌هاباعث شد تا ایشان از آن زمان تا لحظهٔ شهادت، نقش کلیدی در تقویت جایگاه ایران در غرب آسیا، به‌ویژه در ناآرامی‌های منطقه‌ای معروف به بیداری اسلامی (بهار عربی) ایفا کند. سیری که ایشان از آغاز فعالیت در جایگاه فرمانده و مدیر طی کرد، او را به نوعی شکوفایی در شیوهٔ

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در دیدار با مردم قم، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44628.

عملکرد رساند، تاجایی‌که در بسیاری تصمیم‌گیری‌ها پیش از آنکه دیگران بخواهند صحبتی کنند، ایشان نظر خود را مطرح می‌کرد و جالب آنکه دقیق‌ترین تحلیل‌ها و دیدگاه‌ها متعلق به ایشان بود. در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و همچنین در مواردی که طرف مشورت قرار می‌گرفت، بسیار دقیق و مدبرانه نظر می‌داد. ایشان دارای توان ذاتی و تجربه در مدیریت بود و به آزمون و خطا چندان نیاز نداشت. در مسائل منطقه و مسائل داخلی و حتی مسائل خانوادگی پرسنل نیز دیدگاه‌های سنجیده‌ای داشت که جز عامل توانمندی‌های ذاتی، از دیگر دلایل این توانمندی، قطعاً طی‌کردن فرایند تصمیم‌گیری‌های کلان در جایگاه فرماندهی‌ها و مدیریت‌های مختلف بوده است. شجاعت و تدبیر در عمل از این سردار سپاه اسلام، فرماندهی بسیار خوش‌فکر، تحلیل‌گر، راهبردساز و استراتژیست کم‌نظیر ساخته بود.

آقای سیدمحسن حکیم، نائب‌رئیس جریان حکمت ملی عراق که سابقه دوستی و نزدیکی بسیاری با سردار شهید، حاج‌قاسم سلیمانی، داشته است، دربارهٔ ویژگی‌های فرماندهی این شهید والامقام می‌گوید:

> در هر زمینه‌ای که با هم جلسه می‌گذاشتیم یا صحبت و هم‌فکری می‌کردیم، همواره ایده، نظریه، تئوری و طرح برای حل مشکلات داشت، این‌طور نبود که فقط مشکل را مطرح کند، طرح‌های عملیاتی و میدانی هم برای حل مشکلاتی که بروز می‌کرد، داشت. ویژگی دیگر، حرکت سریع و قدرت جمع‌بندی ایشان بود، یعنی تصمیم‌گیری سریع و اجرا، خیلی‌ها زود تصمیم می‌گیرند، اما قدرت اجرایی سریع ندارند.[۱]

---

۱. خبرگزاری شفقنا، «سیدمحسن حکیم نائب‌رئیس جریان حکمت ملی عراق»، دسترسی در: https://fa.shafaqna.com/news/1074344/، ۱۴ دی ۱۳۹۹.

در کل او در جایگاه فرماندهی و مدیریتی شخصیتی چند وجهی داشت و فقط یک فرمانده نظامی نبود. از نظر سیاسی نیز از بزرگ‌ترین تحلیل‌گران سیاسی و بلکه می‌توان گفت اندیشمندی سیاسی بود؛ یعنی او صاحب فکر بود، نه اینکه فقط اخبار و اطلاعات را بخواند و تحلیل کند. او متفکری سیاسی بود و در فهم سیاسی، مشاهده اوضاع، پیش‌بینی آینده و طرح راهکار خلاقیت و تدبیر داشت. سیدحسن‌نصرالله، دبیر کل حزب الله لبنان، به تحلیل‌های صحیح و بکر شهیدسلیمانی معتقد بود و می‌فرمود:

> به علت اینکه وی تمام منطقه را رصد می‌کرد و با همه در ارتباط بود، ازسویی اطلاعاتی که در اختیار داشت، اطلاعاتی گسترده و بزرگ و همه‌جانبه بود، و ازسوی‌دیگر عقل، خلاقیت، اندیشه و تحلیلش نیز صحیح بود. لذا اینها او را دائماً به سمت نتایج مهمی هدایت می‌کرد. بنابراین به نظر من شخصیت سیاسی حاج‌قاسم مهم‌تر از جنبهٔ نظامی‌اش بود یا لااقل اهمیتش کمتر از جنبهٔ نظامی‌اش نبود. وی از عقل و فهم و فکر سیاسی برخوردار بود و یک استراتژیست بود؛ یعنی تنها فکر چند روز بعدش را نمی‌کرد. هر وقت با او جلسه می‌گذاشتیم، دربارهٔ حوادثی که در سال‌های بعد با آن مواجه خواهیم شد، حرف می‌زد و وقتی برنامه‌ریزی می‌کرد، برای چند سال بعدش برنامه‌ریزی می‌کرد.[۱]

۲-۳-۲. فرمانده میدانی و عملیاتی

شهیدسلیمانی فرماندهی نبود که در اتاق فرماندهی و مدیریت خود بنشیند و فرمان بدهد؛ بلکه خود در میدان حاضر بود. ایشان جلودار و قافله‌سالار نیروها

---

۱. خبرگزاری ایسنا، «سردارسلیمانی از نگاه سید حسن نصرالله»، دسترسی در: https://www.isna.ir/news/98112317625، ۲۳ بهمن ۱۳۹۸.

بود و امور را از نزدیک رصد می‌کرد. شهیدسلیمانی به کـار کارشناسـی، یعنـی کاری که در محیط عملیاتی به دست آمده باشد، اعتقاد داشت و براسـاس کـار کارشناسی میدانی تصمیم می‌گرفت. در اندیشهٔ شهیدسلیمانی:

> اگر مدیری در کاخ نشست، اگر وزیری در سـاختمان‌هـای بلندمرتبـه نشست و فرمان صادر کرد، این دستور تا از طبقهٔ دوازدهـم یـا بیسـتم بـه طبقـه اول برسـد و در جامعـه جـاری بشـود، نَفَـس ایـن ملـت را مـی‌گیـرد؛ امـا اگرکسـی جلـو افتـاد و بـا مـردم بـود، مشـکلات حـل می‌شود.[۱]

مقام معظم رهبری‌دام‌ظله در وصف شهیدسلیمانی می‌فرماید:

> سردارشهیدسلیمانی کسی بود که با شجاعت مثال‌زدنـی در صـفوف مقـدّم و در خطرنـاک‌تـرین جایگـاه‌هـا حضـور مـی‌یافـت و شـجاعانه می‌جنگید و او یکی از مؤثرترین عوامل در شکست عناصـر تروریسـت داعش و اشباهش در سوریه و عراق بود.[۲]

به گفتهٔ هم‌رزمان شهیدسلیمانی ایشان، چه در زمان دفاع مقدس، و چه نبرد با تکفیری‌ها در سوریه و عراق، همواره فرمانده میدان و پیشـتاز در عملیـات‌هـا بود. فردی از هم‌رزمان شهیدسلیمانی دربارهٔ حضور او در خط مقـدم در دوران دفاع مقدس می‌گوید:

> یکی از ویژگی‌هـای حـاج‌قاسـم شـجاعت و جسـارت میـدانی او بـود. حاج‌قاسم در نیروهای دوران دفاع مقدس در طریـق‌القـدس تـا قلـب

---

۱. ابوذر مهروان‌فر، همان، ص ۴۳.

۲. بیانـات امـام خامنـه‌ای‌دام‌ظله در خطبـه‌های نمازجمعـهٔ تهـران، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷، دسترسـی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44695.

منطقهٔ ویل سابلر هجوم کرد و خودش به‌شدت مجروح شد. در عملیات فتح‌المبین تا ابوقریب پیشروی کرد و مجروح شد. در بیت‌المقدس به قلب دشمن یورش برد و تا پادگان حمیمه و سپس مرز کوشک در والفجر ۸ پهنهٔ اروند را درنوردید و شاهد حضور دلاورانهٔ او در شدیدترین آتش‌های دریاچهٔ نمک بودیم. در کربلای ۵ در قرارگاه تاکتیکی او در غرب کانال پرورش ماهی زیر آتشفشان خمپاره‌ها، توپخانه، و آتش‌های مستقیم دشمن در صدمتری خط مقدم بودیم، همچنین تا آخر جنگ این جسارت و شجاعت را ادامه داد.

این هم‌رزم شهیدسلیمانی دربارهٔ حضور میدانی شهیدسلیمانی در خط مقدم نبرد با تکفیری‌ها می‌گوید:

در سوریه در تمامی خطوط عملیاتی هجومی و دفاعی حاضر شد و در باشکوی حلب مورد هجوم تیرهای مستقیم داعش قرار گرفت. در سابقیه، در جنوب حلب، ماشین او را به رگبار بستند. در قلعهٔ حلب مورد هجوم تیر قناسهٔ دشمن قرار گرفت. در شمال حماه انتحاری دشمن در نزدیکی حاج‌قاسم منفجر شد. موشک مسلحین نزدیک او منفجر شد. اولین نفری بود که با هلی‌کوپتر وارد حلب، که محاصره شده بود، شد و مورد هجوم ضدهوایی دشمن قرار گرفت. اولین نفری بود که با هواپیما به‌صورت شبانه وارد فرودگاه حلب شد؛ این در حالی بود که تیر مستقیم توپ ۲۳ النصره کُل باند را زیر آتش داشتند و بعد از آن دیگر نیروها را آوردند. اولین نفری بود که در روز روشن با هواپیما وارد فرودگاه حلب شد و این در حالی بود که

هواپیما زیر برد موشک‌های ضدهوایی دشمن بود و باند فرودگاه زیر موشک‌ها و راکت‌های کاتیوشا و توپخانه تروریست‌ها قرار داشت و بعد از این فرودگاه حلب شبانه‌روزی شد. اولین فردی بود که فرودگاه تدمر را با فرودش بازگشایی کرد. اولین نفری بود که با توجه به حضور امریکا در جناح راست و داعش در جناح چپ او با هلی‌کوپتر به جبل‌الغراب، سنجری و بئر طیاریه رفت و باعث تقویت روحیهٔ رزمندگان و فرماندهان میدانی شد و با بررسی جبهه، طرح‌ریزی ادامهٔ عملیات را داشت. اولین نفری بود که با هلی‌کوپتر از بالای سر داعش به سدالوعر رفت و آنجا به نیروهای دفاع مردمی سنی و شیعه سوریه و فاطمیون سرکشی کرد. او در ابوکمال مورد هجوم تیر قناسهٔ داعش قرار گرفت که با خطارفتن گلولهٔ داعش و اصابت تیر به بلوک دیوار، پشت‌بام، تکه‌های خردشدهٔ بلوک به سر، صورت و چشم حاجی ریخته بود.[۱]

فردی دیگر از هم‌رزمان سردارسلیمانی از اثرگذاری حضور میدانی او در میان رزمندگان می‌گوید:

ما در حلب هنگامی‌که در حال جنگیدن با دشمن بودیم، دشمن آمد پشت سر ما را بَست و در منطقهٔ جنوب حلب جاده خَناسر به اَسقیا را هم بست. به‌این‌ترتیب همهٔ نیروهای جبههٔ مقاومت در منطقهٔ حلب محاصره شدند، به‌گونه‌ای که دیگر نه غذا می‌آمد، نه آذوقه، نه مهمات، نه سوخت، نه نیرو. یک هلی‌کوپتری با همهٔ مشکلات در

---

۱. محمدرضا فلاح‌زاده (ابوباقر)، «ناگفته‌های سرداری که همپای حاج‌قاسم با داعش جنگید»، همان.

تاریکی شب می‌آمد یک سری امکانات می‌آورد و می‌رفت، در این شرایط حاج‌قاسم آمد در منطقهٔ محاصره، فرماندهی منطقه را بر عهده گرفت، ابواحمد را به منطقه فرستاد، او از منطقهٔ اثریا و خودش هم از منطقهٔ خناسر در حلب جنگید. البته یک ماه طول کشید تا توانست این محاصره را بشکند. حاج‌قاسم در این مدت یک ماه از منطقه بیرون نرفت، چرا؟ می‌دانست با رفتنش همهٔ منطقه می‌فهمند حاج‌قاسم رفته، روحیه‌شان را از دست می‌دادند و ممکن بود منطقه فرو بپاشد.[۱]

حضور سردارسلیمانی در خط مقدم، گویای نگاه تکلیف‌مدار به جایگاه فرماندهی و مدیریت در حکومت اسلامی است. از نظر او فرماندهان و مدیران باید در جایی بایستند که بتوانند به دیگران بگویند شما هم بیایید. ایشان با الگو قراردادن حضرت علی﵇ با خطاب؛ فرماندهان سپاه را می‌گوید:

حضرت علی﵇ در جنگ‌ها با زخم‌های فراوان در جلوی سپاه می‌تاختند و به سربازان می‌گفتند جلو بیایید و همیشه مردم را با خود همراه می‌کردند. فرماندهان سپاه همیشه باید در جلوی سپاه باشند بگویند بیا، دستور برو در سپاه معنا ندارد.[۲]

به تعبیر سردارسلیمانی فرمانده و مدیر اسلامی نباید برای افراد تحت امر خود از واژهٔ برو استفاده کند؛ زیرا مفهوم این واژه آن است که در پیشِ رو

---

۱. خبرگزاری دانشجو، «روایت‌های سردار چهارباغی از شهیدسلیمانی»، دسترسی در: https://snn.ir/fa/news/850409، ۶ خرداد ۱۳۹۹.

۲. خبرگزاری دفاع مقدس، «سرلشکر سلیمانی در جمع دانشجویان دانشگاه امام حسین﵇»، دسترسی در: https://defapress.ir/fa/news/248420، ۲۷ تیر ۱۳۹۶.

خطری در کمین است و من همراهتان نمی‌آیم، شما باید به‌تنهایی بروید و آن را تحمل کنید. حال آنکه فرمانده و مدیر اسلامی خود پیش از همه به استقبال خطر می‌رود. وقتی مسئول، خود در قلب خطر ایستاد، افراد تحت امر او فرمانش را اجابت خواهند کرد و همگان این خصوصیت شهیدسلیمانی را در نبرد با جریان تکفیری مشاهده کردند.

۲-۳-۳. فرماندهی و مدیریت جهادی

فرماندهی و مدیریت جهادی از ویژگی‌های فرماندهی و مدیریتی شهیدسلیمانی است که امروزه در سطح کلان کشور بدان نیازمندیم. عبارت مدیریت جهادی، برگرفته از بیانات عالمانهٔ مقام معظم رهبری‌دام‌ظله است که در نخستین سال‌های دههٔ نود وارد ادبیات مدیریتی جامعه شد.[۱]

مدیریت جهادی را می‌توان فرایند کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت، در به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی جهت مبارزه با دشمن و رفع موانع حرکت به جلو در همهٔ عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، علمی، اقتصادی، سیاسی با هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت و کنترل جهت نیل به اهداف، براساس فرهنگ جهادی اسلام تعریف کرد.[۲]

---

۱. ر.ک. «مدیریت جهادی»، ۱۳۹۱/۲/۹، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=20035؛ بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در دیدار با شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر تهران، ۱۳۹۲/۱۰/۲۳، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=24963.

۲. اصغر افتخاری، محمد علی زرگرزاده و مهدی شمشیری، «مؤلفه‌های مدیریت جهادی در بیانات امام خامنه ای‌دام‌ظله»، فصلنامه مدیریت نظامی، س ۱۸، ش ۲، تابستان ۱۳۹۷، ص ۶۷.

براین‌اساس، بی‌تردید سردارشهیدقاسم سلیمانی در طول حیاتش، خود کـه بیشتر آن در جایگاه فرماندهی و مدیریتی گذشت، از موفق‌ترین مدیران جهادی دوران پس از انقلاب است.

زندگی سراسر جهادی سردارسلیمانی حقیقت آشکاری بود که رهبر معظـم انقلاب‌دام‌ظله هنگام اعطای نشان ذوالفقار[1] به سردارسلیمانی، بدان اشاره می‌کند و می‌فرماید:

> ایشان بارها، بارها، بارها جان خودشان را در معـرض تهـاجم دشـمن قـرار داده‌انـد، در راه خـدا، بـرای خـدا و مخلصـاً لِلّـه؛ و مجاهـدت کرده‌اند. ان‌شاءالله خدای متعال به ایشان اجـر بدهـد و تفضـل کنـد و زنـدگی ایشـان را بـا سـعادت، و عاقبـت ایشـان را بـا شـهادت قـرار بدهد.[2]

شهیدسلیمانی در نامه‌ای خطاب به دخترش می‌نویسد:

> عزیزم! من متعلق به آن سپاهی هستم که نمی‌خوابد و نباید بخوابـد تا دیگران در آرامش بخوابند. بگـذار آرامـش مـن فـدای آرامـش آنـان بشود و بخوابند. دختر عزیزم! شما در خانهٔ مـن در امـان و بـا عـزت و

---

۱. «سردارقاسم سلیمانی نخستین فرماندهی است که پس از انقلاب نشـان ذوالفقـار را دریافـت می‌کند. فرمانده نیروی قدس سپاه پیش‌تر نیز سه نشان فتح دریافت کرده است. نشان ذوالفقار، عالی‌ترین نشان نظامی است که فرمانده معظم کل قوا آن را اعطاء می‌کند. فرمانده معظم کـل قوا این نشان را، که عالی‌ترین نشان نظامی اسـت، بـه کسـانی اعطـاء مـی‌کنـد کـه رشـادت و موفقیـــت در فرمانـــدهی داشـــته باشـــند» (خبرگـــزاری میـــزان، دسترســـی در: https://www.mizanonline.com/fa/news/501663، ۲۰ اسفند ۱۳۹۷).

۲. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در مراسم اعطای نشان عالی ذوالفقار به فرمانده نیروی قدس سـپاه، ۱۳۹۷/۱۲/۱۹، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=41943.

افتخار زندگی می‌کنید. چه کنم برای آن دختر بی‌پناهی که هیچ فریادرسی ندارد و آن طفل گریان که هیچ چیز... که هیچ چیز ندارد و همه‌چیز خود را از دست داده است؟... دخترم خیلی خسته‌ام. سی سال است که نخوابیده‌ام، اما دیگر نمی‌خواهم بخوابم. من در چشمان خود نمک می‌ریزم که پلک‌هایم جرئت برهم‌آمدن نداشته باشد تا نکند در غفلت من، آن طفل بی‌پناه را سر ببرند. وقتی فکر می‌کنم آن دختر هراسان تویی، نرجس است، زینب است و آن نوجوان و جوانِ در مسلخ خوابانده، که در حال سربریده‌شدن است، حسینم و رضایم است، از من چه توقعی دارید؟ نظاره‌گر باشم، بی‌خیال باشم، تاجر باشم؟ نه من نمی‌توانم این‌گونه زندگی بکنم.[1]

شهیدسلیمانی شخصیتی بین‌المللی در جمهوری اسلامی و مدیری راهبردی در عرصهٔ نظامی بود که بسیاری از توطئه‌های دشمنان در منطقهٔ غرب آسیا و علیه جهان اسلام را خنثا کرد و در وضعیت پیچیده و خطیر کنونی، مدیریت جهادی را به منصهٔ ظهور و بروز رساند.[2]

برای نمونه می‌توان از ناکام‌گذاردن غرب در رسیدن به اهدافشان در منطقهٔ جنوب غرب آسیا نام برد. با حملهٔ امریکا به عراق در سال ۲۰۰۳م و بالتبع حضورش در منطقه، نیروهای این کشور به ایران نزدیک‌تر، و درنتیجه تهدیدش

---

۱. «چرا می‌جنگم»؟ دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=47306، ۲۰ دی ۱۳۹۹.

۲. حسین جلیلیان، «الگوی تفکر راهبردی مدیران جهادی براساس وصیت‌نامهٔ الهی ـ سیاسی شهیدقاسم سلیمانی»، نشریهٔ مدیریت اسلامی، س ۲۸، ش ٤، زمستان ۱۳۹۹، ص ۱۰۸.

نیز بیشتر شد. در این هنگام حضرت امام خامنه‌ای دام‌ظله به این جمع‌بندی رسیدند که در منطقه خلأ قدرت وجود دارد؛ ازاین‌رو، و با توجه به مدیریت جهادی و تدابیر نظامی شهیدسلیمانی، این سردار نامدار ایرانی را، که به لحاظ ایدئولوژیک، تاکتیکی، عملیاتی و راهبردی بسیار با فرمانده کل قوا هماهنگ بود، به فرماندهی نیروی قدس انتخاب کرد. مدیریت و مجاهدت و تلاش سپهبدسلیمانی باعث شد پس از چند سال، ایران تبدیل به قدرتی منطقه‌ای شود؛ تاجایی‌که یکی از فرماندهان ارشد رژیم وابستهٔ پهلوی، اعتراف کند و ضمن تمجید از سردارسلیمانی او را افتخار خود و ایران بنامد؛ زیرا توانست در مقابل هیمنهٔ امریکا بایستد.[1]

۲-۳-۴. جاذبهٔ مدیریتی

جاذبهٔ قوی، از ویژگی‌های مدیر موفق است که شهیدسلیمانی، به‌خوبی از آن برخوردار بود. مدیر موفق قادر است با دارا بودن این صفت، کشش و جذابیتی از خود نشان دهد که در دل‌ها نفوذ کند و افراد را به شور و فداکاری وادارد. مقام معظم رهبری دام‌ظله در کنار صفت‌های پسندیده‌ای همچون شجاعت و تدبیر، صفت اثرگذاری و قانع‌کننده بودن سخن را نیز از ویژگی‌های برتر شهیدسلیمانی می‌داند.[2]

اگرچه شهیدحاج‌قاسم سلیمانی عملکرد خوب را وظیفهٔ هر مدیری می‌داند، افزون بر آن، برای رضای خدا، رابطهٔ انسانی و دینی را نیز از وظایف و

---

۱. سعدالله زارعی، «کنکاشی مقدماتی در مکتب سلیمانی»؛ مجلهٔ مطالعات راهبردی جهان اسلام، ش ۷۹، پاییز ۱۳۹۸، ص ۵–۲۵.

۲. بیانات امام خامنه‌ای دام‌ظله در دیدار با مردم قم، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44628.

تکالیف مدیریتی برمی‌شمارد. آنچه در مکتب شهیدسلیمانی آموختنی است، این است که هرگاه مدیری وظیفه و تکلیف خود را بشناسد و رضای خداوند را در امور در نظر بگیرید،رابطه‌اش با مردم اصلاح می‌شود؛ زیرا براساس سنت الهی اگر رابطه با خداوند اصلاح شود، خداوند هم رابطهٔ انسان را با مردم، سازمان و محیط زندگی اصلاح می‌کند. حضرت علی﵇ می‌فرماید: «**مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاس**؛[1] کسی‌که میان خود و خدا اصلاح کند، خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد.»

سردارسلیمانی به‌دنبال تحقق اهداف والا و تکلیف‌گرایی بود؛ رضایت خداوند را اصل می‌دانست و وظایفش را فراتر از وظایف سازمانی تلقی می‌کرد. در این صورت انسان اثرگذار می‌شود و می‌تواند هزاران نفر را سازماندهی کند و در نتیجه هرکدام از این افراد قدرتی تولید می‌کنند که آن قدرت همهٔ معادلات را تغییر می‌دهد.

اصل اولی در رفتار ایشان با زیردستانش تشویق همراه اجرای دستورها بود؛ اگر فردی از دستورها تخلف می‌کرد، با رفتاری مناسب اشتباهش را به او گوشزد می‌کرد. فردی از همکاران شهیدسلیمانی دراین‌باره می‌گوید:

> ایشان اغماض زیادی داشت و از روحیهٔ پدرانهٔ بالایی برخوردار بود، ولی درعین‌حال شخصیت نظامی سردار در برخورد با نظامیان متخلف بر روحیهٔ اغماض ایشان می‌چربید و ازآنجاکه برخوردهای ایشان از حب و بغض تهی بود، سبب ایجاد رضایت در شخص مقابل هم می‌شد؛ زیرا نیروهای حاج‌قاسم اعتقاد راسخ داشتند که ایشان

---

١. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغة، ترجمهٔ محمد دشتی، همان، ص ٦٤٣.

فقط از روی علاقه، تذکر می‌دهد یا برخورد می‌کند. حاج‌قاسم اگر برخوردی با نیروهایش در لشکر ثارالله داشت، پس از مدتی طوری عمل می‌کرد که ناراحتی را از دل طرف مقابل بیرون بیاورد و او را نسبت به خودش راضی می‌کرد.[۱]

سردارسلیمانی نگاه ابزاری به زیردست نداشت؛ نتیجهٔ این نوع نگاه مدیریتی آن بود که نیروی تحت امر او دیگر نگران پست، مقام و موقعیت سازمانی خود نبود، بلکه تمام تلاشش را برای تحقق اهداف مقدس به کار می‌برد. همچنین نیروها هنگام تحقق این اهداف مقدس احساس رضایتمندی، استغنا، مفید بودن و مؤثر بودن می‌کردند که برترین دستمزد برای فرد، مجموعه یا سازمان احساس غنای درونی و بیرونی است و این به معنای جاذبهٔ رفتاریِ مدیریتی است که با عمکردش چنین احساسی را در افراد زیرمجموعه خود ایجاد می‌کند. فردی از هم‌رزمان شهیدسلیمانی تعریف می‌کند:

یادم هست در منطقهٔ فاو، که بسیار حساس بود و باید کنترل می‌شد، ایشان به یک بسیجی که وظیفهٔ دژبانی از مقری را داشت، گفته بود: «هیچ‌کس را به داخل راه نمی‌دهی.» شب بعد من و حاج‌قاسم با خودرویی رفتیم منطقه را ببینیم. رسیدیم به این دژبانی و کلاه‌هایمان را پایین کشیدیم تا ما را نشناسد. گفتیم می‌خواهیم برویم داخل. قبول نکرد. نیم ساعت اصرارکردیم، نشد. حتی گفتیم ما از طرف حاج‌قاسم سلیمانی نامه داریم، اجازه بده وارد شویم؛

---

۱. ویژه‌نامهٔ روزنامهٔ اطلاعات، به مناسبت اربعین شهادت سپهبدحاج‌قاسم سلیمانی، همان، ص ۸.

اجازه نداد که نداد. سرانجام کلاه را کنار زدیم و مأمور بسیجی تا ما را دید، اجازه داد عبور کنیم. این نشانهٔ حرف‌شنوی نیروها از سردار از یک طرف و دقت سردار در مسائل حفاظتی از طرف دیگر بود. آن شب سردار از ماشین پیاده شد، مأمور دژبان را بوسید و از او تشکر کرد. این مدل رفتاری ویژه، مختص سرداربود.[۱]

شخصیت پُرجاذبهٔ شهیدسلیمانی فقط برای ایرانیان نبود، بلکه در سطح منطقه و حتی جهان، بسیاری را تحت تأثیر منطق و قدرت تدبیر خود قرار داده بود؛ ازاین‌رو در کشورهای دیگر عاشقان و شیفتگان فراوان داشت. در لبنان و سوریه، با اینکه بسیاری افراد ایشان را ندیده بودند، سلوک مدیریتی او را شنیده بودند و به او عشق می‌ورزیدند. جذبهٔ شخصیتی و منطق او چنان بود که حتی سران و سیاسیون کشورهای دیگر را نیز تحت تأثیر قرار می‌داد. چنان که در نبرد با تکفیری‌ها توانست رئیس‌جمهور روسیه را متقاعد کند که به نفع کشورش است تا در راستای اهداف جبههٔ مقاومت در سوریه نقش‌آفرینی کند. سیدحسن‌نصرالله دراین‌باره می‌گوید:

روسیه در ابتدای امر مردد بود که وارد جنگ در سوریه شود و حاج‌قاسم سلیمانی با استدلال و شخصیت کاریزماتیک خود آن هم روی نقشه و توضیحاتی واقعی در جلسه‌ای که با رئیس‌جمهور روسیه داشت، او را متقاعد کرد که برای مقابله با تروریست‌ها و جلوگیری از سقوط دولت سوریه، به مسئلهٔ این کشور ورود کند. در آن جلسهٔ دوساعته، پوتین به حاج‌قاسم گفت من قانع شدم. این چیزی بود که

---

۱. همان، ص ۱۱.

از حاج‌قاسم شنیدم. حاج‌قاسم توانست با استدلال و تشریح واقعیت پوتین را قانع کند.[۱]

۱. «چگونه سردار سلیمانی پوتین را متقاعد کرد؟»، تارنما همشهری‌آنلاین، دسترسی در: https://www.hamshahrionline.ir/news/576332، ۹ دی ۱۳۹۹.

فصل سوم

مبانی فکری شهید سلیمانی

فکر و اندیشه شهیدسلیمانی مبتنی بر سلسله پیش‌فرض‌ها و پیش‌انگاره‌هایی است که هریک از آنها در شکل‌گیری مکتب شهیدسلیمانی نقش دارند. البته باید توجه داشت که مبانی فکری شهیدسلیمانی همان مبانی فکری امامین انقلاب است؛ زیرا شهیدسلیمانی تربیت‌شدهٔ مکتب امام خمینی﵀ و امام خامنه‌ای﵀ است. منظور از مبانی در این پژوهش، به زیرساخت‌ها و بنیان‌های فکری اطلاق می‌گردد که افکار و اندیشهٔ شهیدسلیمانی بر آن استوار است و براساس آنها شکل یافته است. با این نگاه در اینجا برخی مبانی فکری شهیدسلیمانی آورده می‌شود.

۳-۱. مبانی هستی‌شناختی

زیرساخت‌های هستی‌شناختی که در این بحث به وجود خدا و راهنمایان الهی اطلاق می‌گردد، بن‌مایهٔ فکری شهیدسلیمانی محسوب می‌شوند که با بهره‌گیری از آنها ایشان توانست خود را از هر قید و بند این‌جهانی برهاند و به خدای متعال متصل شود و درنتیجه مکتب تربیتی را شکل دهد که نسل‌های آینده بتوانند از آن درس خداشناسی و راهنماشناسی بگیرند.

برخی مبانی هستی‌شناختی شهیدسلیمانی عبارت است از:

۳-۱-۱. خداشناسی

میان همهٔ معارف مربوط به هستی‌شناختی، شناخت و معرفت خدا از همه مهم‌تر وبافضیلت‌تر است؛[۱] زیرا موضوع آن دربارهٔ شناخت پروردگار عالم است و راه رسیدن به کمال نیز به آن وابسته است. خداشناسی یعنی انسان این حقیقتی را دریابد که خداوند خالق او و همهٔ عالم هستی است و او عین نیاز و تعلق به خداوند است. شهیدسلیمانی افزون بر اینکه باور داشت خدا خالق و سرپرست او و همهٔ موجودات عالم است، با الهام از آیهٔ شریفه: «**يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنتُمُ الْفُقَرَاء إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ**» (فاطر:۱۵)،[۲] بر این باور بود که خودش و همهٔ موجودات عالم هر آن و کمتر از آن به خدا نیازمند و در عمل و رفتار بر آن اصرار داشت.

خداشناسی شهیدسلیمانی را باید در تراز خداشناسی یاران امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تحلیل کرد؛ امام‌علی علیه‌السلام در توصیف یاران حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف فرمود: «**رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ**؛[۳] [یاران ایشان] مردانی‌اند که خدا را به شایستگی شناخته‌اند.» همچنین فرمود: «**هُمُ الّذينَ وحَّدوا اللهَ حقَّ تَوحيدِهِ**؛[۴] آنان به

---

۱. امام علی علیه‌السلام: «مَعْرِفَةُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَعْلَى الْمَعَارِف؛ شناخت و معرفت خداوند والاترین و برترین شناخت‌هاست» (عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳٦٦، ص۸۱).

۲. «ای مردم! شما (همگی) نیازمند به خدایید، تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایستهٔ هرگونه حمد و ستایش است.»

۳. علی بن عیسی اربلی، کشف‌الغمه فی معرفه‌الائمه علیهم‌السلام، تبریز، بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱، ج۲، ص٤٧٨.

٤. علی حائری یزدی، الزام‌الناصب فی‌اثبات‌الحجه الغائب عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، بیروت، مؤسسة‌الاعلمی، ١٤٢٢ق، ج۲، ص١٦٥.

وحـدانیت خداونـد، آن‌چنـان‌کـه حـق وحـدانیت اوسـت، اعتقـاد دارنـد.»
امام‌صادق﵇ نیز می‌فرماید:

رِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبَرُ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ؛[1]

[یاران امام زمان﵇] مردانی‌اند که گویی دل‌هایشان چون پاره‌های آهـن اسـت و از سـنگ سـخت‌ترنـد و هـیچ تردیـدی در ذات خداونـد ندارند.

خدا در متن زندگی شهیدسلیمانی حضور داشت و ایشان هر لحظه خـدا را با علم حضوری و چشم دل می‌دید. چنان نبود که برای شهیدسلیمانی خـدا در دور دست و غایب باشد و فقط در زمان گرفتاری و مشکل به او رجوع کنـد.[2] او با علـم حضـوری و بـا شـهود و رؤیـت دل مـی‌توانسـت بـه‌راحتـی خـدا را در زندگی‌اش حس کند و در وصیت‌نامهٔ خود به آن شهادت می‌دهد.[3]

جلوه‌هایی از خداشناسی و توحیدمحوری شهید را با هم مرور می‌کنیم:

۱. ایشان در فرازی از وصیت‌نامهٔ خود می‌نویسد:

عزیـزم! مـن از بـی‌قـراری و رسـواییِ جامانـدگی، سـر بـه بیابـان‌هـا گذارده‌ام؛ من به امیدی از این شهر به آن شهر و از ایـن صـحرا بـه آن صحرا در زمسـتان و تابسـتان مـی‌روم. کـریم، حبیـب، بـه کَرَمـت دل بسـته‌ام، تـو خـود میـدانی دوسـتت دارم. خـوب میـدانی جـز تـو را نمی‌خواهم. مرا به خودت متصل کن.![4]

---

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، همان، ج۵۲، ص۳۰۸.
۲. محمدجواد رودگر، همان، ص۱٤٤.
۳. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص۲۳۳.
٤. همان، ص۲۳۷.

شهیدسلیمانی در این فراز از وصیت‌نامهٔ خود جلوه‌ای از توحید در محبت را به نمایش گذاشته است؛

۲. توحید در استعانت در زندگی شهیدسلیمانی بسیار نمود داشته است و ایشان به غیر از خدا از کسی استمداد نمی‌طلبید و ایمان عمیق به مفهوم آیهٔ ۵ سورهٔ مبارکهٔ حمد یعنی «**اِیّاکَ نَسْتَعین**»[۱] داشت؛ زیرا این آیهٔ شریفه، بیانگر انحصار کمک‌خواستن از خداوند است و نتیجهٔ آن این خواهد بود که هیچ‌کس و هیچ‌چیز جز ذات خدا شایستهٔ کمک خواستن نیست و فقط باید به یاری او امید داشت؛ فقط قوانین او را باید به رسمیت شناخت و باید از هر نوع بندگی و تسلیم در برابر غیر ذات پاک او پرهیز کرد.[۲] شواهد نشان می‌دهد آنچه شهیدسلیمانی را برای همه عزیز کرد، خدامحوری او بود که ریشهٔ اصلی‌اش استمدادنطلبیدن از غیرخدا بود؛

۳. جلوه دیگر خداشناسی و توحید شهیدسلیمانی با الهام از آیهٔ شریفه: «**یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ وَأُوْلِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ**»[۳] (نساء: ۵۹) توحید در اطاعت بود. سردار شهید برهمین‌اساس فقط گوش به فرمان ولی‌فقیه زمان خود، یعنی امامین انقلاب؛ امام خمینی﵀ و امام خامنه‌ای﵀ بود؛ زیرا ولی‌فقیه از طرف خدا اذن ولایت دارد و می‌توان به این نتیجه رسید که اطاعت از ولی‌فقیه اطاعت از خداست. بنابراین، شهیدسلیمانی به هیچ جریان سیاسی وابسته نبود و فقط مطیع ولی‌فقیه زمان بود؛

---

۱. تنها از تو یاری می‌جوییم.

۲. ر.ک. بیانات امام خامنه‌ای﵀ در دیدار با هزاران نفر از ائمهٔ جماعات مساجد استان تهران، ۱۳۹۵/۵/۳۱، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34109.

۳. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و از پیامبر و کسانی‌که امر شما را در اختیار دارند و از خودتان هستند، پیروی نمایید.»

۴. توحید در توکل جلوهٔ دیگر خداشناسی شهیدسلیمانی است. او می‌گوید: «از ابتدا که وارد جنگ شدم، دو ابزار مهم در کوله‌پشتی‌ام بود: یکی خلوص، یکی هم توکل. همیشه با این دو خودم را آماده خدمت کردم.»[۱]

ابوباقر، از هم‌رزمان شهید، می‌گوید: «حاج قاسم توکل عجیبی به خداوند و نصرت الهی داشت.»[۲]

موارد فراوانی در زندگی جهادی شهیدسلیمانی مشاهده می‌شوند که نشان می‌دهد وی پس از اندیشیدن و مشورت با اهل‌فن، به خدا توکل، و انجام وظیفه می‌کرد. چنان‌که ایشان دربارهٔ شب عملیات والفجر۸ و عبور از رودخانهٔ وحشتناک اروند نقل می‌کند که در آن شب وقتی رزمندگان می‌خواستند از آن عبور کنند، گفتیم:

> خدایا تو باید همان‌طور که موسی﵇ را از نیل عبوردادی، ما را از اینجا عبور دهی ... خدایا خودت فرمودی: «**وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُم سُبُلَنَا**» (عنکبوت: ۶۹)[۳] خدایا خودت گفتی حرکت کنید، من هدایت می‌کنم. خدایا کمکمان کن.[٤]

عقل معاش و عرفی، عبور از اروند را با آن خصوصیاتش غیرممکن می‌داند؛ مگر اینکه انسان با توسل و توکل به خدای متعال و اعتماد به او بتواند از آن عبور کند. شهیدسلیمانی و هم‌رزمانش با اعتمادی که به خدا داشتند، دل به دریا زدند و از آن عبور کردند.

---

۱. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص۴۳.

۲. محمدرضا فلاح‌زاده (ابوباقر)، «ناگفته‌های سرداری که همپای حاج‌قاسم با داعش جنگید»، همان.

۳. و آنها که در راه ما (با خلوص نیّت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد.

٤. علی‌اکبر مزدآبادی، «حاج قاسم»، تهران، یا زهرا، ۱۳۹۹، ص۷۵.

۳-۱-۲. راهنماشناسی

همهٔ معارف مربوط به هستی‌شناختی، معرفت و باور به راهنمایان الهی مانند پیامبرﷺ و امامان معصومؑ،[۱] و همچنین ولایت فقیه در زمان غیبت امام معصومؑ است. شهیدسلیمانی در حوزهٔ راهنماشناسی افزون بر اینکه از جایگاه اصل نبوت، امامت و ولایت فقیه شناخت، و به آن باوری عمیق داشت، به استمرار ولایت در عصر غیبت نیز باور داشت و در عمل آن را اثبات کرده است.

اگر دیده می‌شود شهیدسلیمانی در طول زندگی جهادی‌اش سخت‌ترین مسؤلیت‌ها و موقعیت‌ها را با عشق و علاقه می‌پذیرفت و با جدیت کامل آن را پیگیری می‌کرد، به دلیل فرمانبری از نایب امام معصومؑ است؛ ازاین‌رو می‌توان گفت شهیدسلیمانی حرکت در مسیر ولایت فقیه را همان حرکت در مسیر پیامبرﷺ و امامان‌معصومؑ و در دایرهٔ راهنماشناسی الهی می‌دانست.

جلوه‌ای از این شناخت و باور، که از بن‌دندان تا عمق جانش رسوخ کرده بود، این‌گونه در وصیت‌نامهٔ شهید به نمایش گذاشته شده است، آنجا که می‌نویسد:

> برای نجات اسلام، خیمهٔ ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمهٔ رسول‌الله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش‌زدن و ویران‌کردن این خیمه است. دور آن بچرخید. والله والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت‌الله‌الحرام و مدینهٔ حرم رسول‌الله و

---

۱. شهیدسلیمانی در وصیت‌نامهٔ خود پس از شهادت به یگانگی خدا این‌چنین می‌گوید: «اشهد أنّ محمداً رسول الله و اشهد أنّ امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب و اولاده المعصومین اثنی عشر ائمتنا و معصومیننا حجج الله» (عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص۲۳۳).

نجف، کربلا، کاظمین سامرا و مشهد باقی نمی‌ماند؛ قرآن آسیب می‌بیند.[۱]

سیره و روش شهیدسلیمانی در حوزهٔ ولایتمداری الگوی تربیتی خوبی است برای مجاهدان و همهٔ انسان‌های مؤمن و انقلابی که با عمل به وصیت شهیدسلیمانی بتوانند خود را در آن مسیر پرورش دهند.

۳-۲. مبانی انسان‌شناختی

مکتب شهیدسلیمانی مدرسه‌ای است که محتوای وجودی آن را دین اسلام و آرمان‌های امامین انقلاب شکل می‌دهد و بر پیش‌انگاره‌ها و زیرساخت‌هایی استوار است؛ ازجمله آنها پیش‌انگارهٔ انسان‌شناختی است؛ زیرا انسان از مهم‌ترین آفریده‌هایی است که خداوند در قرآن بر ارزش ذاتی و هستی‌شناختی وی تأکید می‌کند[۲] و امامین انقلاب نیز به‌تبع آن بر حقوق ذاتی و ارزشی آن پامی‌فشارد؛[۳] ازاین‌رو شهیدسلیمانی بر کرامت و ارزش انسان توجه ویژه دارد.

در انسان‌شناسی شهیدسلیمانی، دفاع شهیدسلیمانی از انسانیت و احترام به آن با نگاه و نگرش اسلامی و تأسی از امامین انقلاب اسلامی است؛ نه با نگاه و نگرش برخاسته از غرب که انسان را خدای انسان[٤] می‌دانند و او را تا حد

---

۱. همان، ص۲۳۸.

۲. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء، ۷۰)؛ و به‌راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشاندیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.»

۳. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفهٔ امام، تهران، مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی﵀، ۱۳۷۸، ج٤، ص۸.

٤. تونی دیویس، اومانیسم، ترجمهٔ عباس مخبر، تهران، کوثر، ۱۳۷۸، ص۳۸.

خدایی بالا می‌برند. تکریم فوق‌العاده شهیدسلیمانی از انسان، مکتبی تربیتی را بنا نهاده است که می‌توان انسان‌دوستی اسلامی را در آن آموخت و به دیگران عرضه کرد.

در تکریم انسان و انسان‌دوستی شهیدسلیمانی مهم نبود آن انسان از نظر مذهبی با وی موافق است یا مخالف.[۱] برای او، شیعه، سنی، حتی مسیحی بودن ملاک نبود؛ بلکه معیار وی دفاع از مظلوم در چنگال ظالم بود؛ چنان‌که امیرمؤمنان﵇ خطاب به فرزندانش فرمود: «**كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْماً، وَلِلْمَظْلُومِ عَوْناً**؛ همواره خصم ظالم و یار و یاور مظلوم باشید.»[۲] بنابراین مشاهده می‌شود بسیاری از مردم عراق و سوریه، که شهیدسلیمانی آنان را از محاصره داعشی‌ها نجات داد از اهل سنت[۳] یا حتی مسیحی بودند. آقای سیامک مره‌صدق، نمایندهٔ کلیمیان ایران، در مجلس شورای اسلامی می‌گوید:

> سردار سلیمانی در ایامی که مسیحیت شرقی در خطر قرار گرفته بود و وقتی که حتی ایزدی‌ها مورد تهاجم قرار گرفته بودند، تنها کسی در جهان بود که به‌صورت سیستماتیک و تشکیلاتی با داعش می‌جنگید و از حمایت مردم اجتناب نمی‌کرد. کمک‌هایی که سردار سلیمانی به دوستان ارمنی و آشوری در عراق و سوریه کرد، به‌نحوی بود که من در یک جلسهٔ پارلمانی در بروکسل به آن اشاره کردم و گفتم اروپایی‌ها باید از این خجالت بکشند که تنها کسی‌که از مسیحیان شرقی دفاع می‌کند، سردار سلیمانی به‌عنوان یک

---

۱. سیدعلی بنی‌لوحی، همان، ص۱۳٤.
۲. علی احمدی میانجی، مکاتیب‌الائمه﵇، قم، دارالحدیث، ۱٤۲٦ق، ج۲، ص۲۵۵.
۳. نرجس شکوریان‌فرد، حاج‌قاسم، قم، عهدما، ۱۳۹۸، ص٦۸-٦۹.

مسلمان است؛ درحالی‌که نمایندگان پارلمان اروپا پاروی‌پا انداخته بودند و آب معدنی‌شان را میل می‌کردند.[۱]

شهیدسلیمانی افزون بر اینکه با تأسی از قرآن کریم[۲] و کلام اهل بیت﵈[۳] به ارزش و کرامت ذاتی انسان اهمیت می‌داد و برای نجات آنها از چنگال ظالمان از هیچ کاری دریغ نمی‌ورزید، در موقعیت عادی و معمولی نیز برای همهٔ انسان‌ها، به‌خصوص زیردستان احترام ویژه‌ای قائل بود و هیچ‌گاه خود را فرماندهی برتر از دیگران نمی‌دانست.

۳-۳. مبانی دین‌شناختی

باور به دین مبتنی بر اسلام ناب از زیرساخت‌های فکری مکتب شهیدسلیمانی، و همهٔ آنچه ـ از اخلاق، احکام و عقاید ـ است که دین مقدس اسلام به ارمغان آورده، و در این مکتب به آنها عمل می‌شود. با توجه به مبانی دینی، مکتب، سبک، روش و منش شهیدسلیمانی نیز دینی و براساس شریعت اسلام ناب خواهد بود؛ ازاین‌رو شهیدسلیمانی، مسلمانی متدین بود که به آموزه‌های دین به شکل درست و براساس تشیع ناب عمل می‌کرد و هیچ‌یک از اعمال و رفتار او برخلاف دین و مذهب تشیع نبوده است. بنابراین می‌توان مبانی دینی شهیدسلیمانی را در سه حوزهٔ عقاید، اخلاق و احکام می‌توان بررسی کرد.

---

۱. سیامک مره‌صدق، دسترسی در: https://www.tasnimnews.com/fa/news/2181961، ۲۴ دی ۱۳۹۸.

۲. اسراء (۱۷)، آیهٔ ۷۰.

۳. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل‌الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت﵈، ۱۴۰۹ق، ج۱۵، ص۱۴۸؛ علی احمدی میانجی، همان، ج۲، ص۲۵۵.

۱. یکی از عناصر تشکیل‌دهندهٔ دین، مربوط به اعتقادات دینی است؛ یعنی باور قلبی به خدا و وحدانیتش، و به نبی مکرم اسلامﷺ و اهل بیت‌علیهم‌السلام او و همچنین باور به معاد و لوازمش جزو دین محسوب می‌شوند. شهیدسلیمانی در فرازی از ابتدای وصیت‌نامه‌اش به این موارد شهادت می‌دهد و چنین بیان می‌کند:

اشهد أن لا اله الّا الله و اشهد أنّ محمداً رسول الله و اشهد أنّ امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب و اولاده المعصومین اثنی عشر ائمتنا و معصومیننا حجج الله.

شهادت می‌دهم که قیامت حق است؛ قرآن حق است؛ بهشت و جهنم حق است؛ سؤال و جواب حق است؛ معاد، عدل، امامت، نبوت حق است.[۱]

شهیدسلیمانی در این فراز از وصیت‌نامهٔ خود به مجموعهٔ جامع عقاید دینی شهادت داده است.

۲. شهیدسلیمانی اخلاق اسلامی را، در جایگاه بخشی از آموزه‌های دین، چه در حوزهٔ فردی، و چه در حوزهٔ اجتماعی مراعات می‌کرد. ایشان مصداق روشن انسانی خوش‌خو و خوش‌رو بود و لبخند ملیح و دل‌نشینش، جذابیت چهره‌اش را دو چندان می‌کرد. با مغناطیس اخلاق نیکوی خویش، دل‌های انسان‌های بی‌شماری را مجذوب خود می‌ساخت. دوست‌داشتنی بود و به همان میزان که در برابر دشمن با صلابت بود و لرزه بر اندام او می‌افکند، در مقابل آحاد مردم متواضع و فروتن بود؛

۳. عنصر دیگر تشکیل‌دهندهٔ دین، رعایت احکام شرعی و دینی است که شهیدسلیمانی در اوج جنگ و جهاد به آن توجه داشت و هرگز از آن غافل نبود.

---

۱. همان، ص۲۳۳.

چنان که رهبر معظم انقلاب‌دام‌ظله دراین‌باره می‌فرماید:

> [شهید سلیمانی] در میدان جنگ نیز حدود شرعی را کاملاً رعایت می‌کرد تا به هیچ‌کس ظلم و تعدی نشود، آن هم درحالی‌که خیلی‌ها در عرصهٔ نظامی اهل احتیاط و رعایت حدود شرعی نیستند.[۱]

شهیدسلیمانی آن چنان به رعایت حلال و حرام مقید بود که در ماجرای آزادسازی بوکمال در سوریه، شبی را در خانه‌ای که صاحبش شاید داعشی بود و آنجا را ترک کرده بود، مقر قرار داد و اقامت کرد و پس از آن درصدد شد نامه‌ای به صاحب‌خانه بنویسد و از او حلالیت گیرد و این کار را هم انجام داد و خود را معرفی کرد و حتی شمارهٔ تلفن منزل شخصی‌اش را نیز نوشت که اگر خواهان خسارت شد، به او بپردازد؛[۲]

۳-۴. مبانی ارزش‌شناختی

منظور از مبانی ارزش‌شناختی مکتب شهیدسلیمانی، عناصر و مؤلفه‌های ارزش‌های دینی‌اند که مکتب شهیدسلیمانی براساس آنها شکل یافته است و تاروپود آن را تشکیل می‌دهند که برخی از آنها آورده می‌شود.

۳-۴-۱. درد قرب الهی

قرب الهی و شوق دیدار با خدا از ارزش‌های الهی است. درد قرب الهی، دغدغهٔ همهٔ عارفان و سالکان الی‌الله است و ایشان همهٔ همتشان بر این است تا در جوار خداوند متعال قرار گیرند و مشمول این آیهٔ شریفه شوند:

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در دیدار با مردم قم، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=44622.

۲. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص۱۹۳.

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِی إِلیٰ رَبِّکِ رَاضِيَةً مَرْضِيَةً فَادْخُلِی فِی عِبَادِی وَادْخُلِی جَنَّتِی (فجر: ۲۷-۳۰).

ای انسان اطمینان‌یافته! به سوی پروردگارت بازگرد درحالی‌که هم تو از خدا راضی هستی، و هم خدا از تو راضی است، پس داخل بندگانم شو و به بهشتم درآی.

دلتنگی‌های شهیدسلیمانی از غم فراق خدا، برگرفته از کلام نورانی امام سجاد﵇ در مناجات المفتقرین خطاب به خداوند است که عرض می‌کند:

الهی وَ غُلَّتِی لَا يبَرِّدُهَا إِلَّا وَصْلُک وَ لَوْعَتِی لَا يطْفِئُهَا إِلَّا لِقَاؤُک وَ شَوْقِی إِلَيک لَا يبُلُّهُ إِلَّا النَّظَرُ إِلَی وَجْهِک وَ قَرَارِی لَا يقِرُّ دُونَ دُنُوِّی مِنْک... وَ غَمِّی لَا يزِيلُهُ إِلَّا قُرْبُک.[1]

خدایا جز حصول تو سوز دلم را خنک نمی‌کند؛ جز دیدار تو آتش دلم را فرو نمی‌نشاند و جز دیدار تو اشتیاق من را سیراب نمی‌کند و جز با قرب تو قرار نمی‌گیرم و اندوه مرا جز قرب تو برطرف نمی‌سازد.

به‌سبب درد قرب و شوق رسیدن به خدا بود که شهیدسلیمانی به هرکسی می‌رسید، می‌گفت: «دعا کنید من شهید شوم»؛ گویی خواستهٔ بسیار مهمی دارد، این‌چنین دنبال شهادت بود و این همان درد قرب است، همان خواسته‌ای که امام سجاد﵇ داشت و با خدا گفت‌وگو می‌کرد.

شهیدسلیمانی برای رسیدن به این ارزش الهی عزمش را جزم کرده، و سال‌ها از این بیابان به آن بیابان و از این سنگر به آن سنگر دویده بود تا بتواند رضایت الهی را به دست آورد و به او نزدیک، و نزدیک‌تر شود تا در جوارش قرار گیرد. درد قرب الهی و دلتنگی از فراق حضرت احدیت در فرازی از وصیت‌نامهٔ شهیدسلیمانی به وضوح نمایان است:

---

۱. محمدباقرمجلسی، زادالمعاد، بیروت، مؤسسةالاعلمی، ۱۴۲۳ق، ص۴۱۴.

عزیزم! من از بی‌قراری و رسوایی جاماندگی، سر به بیابان‌ها گذارده‌ام؛ من به امیدی از این شهر به آن شهر و از این صحرا به آن صحرا در زمستان و تابستان می‌روم. کریم! حبیب! به کرمت دل بسته‌ام، تو خود می‌دانی دوستت دارم. خوب می‌دانی جز تو را نمی‌خواهم. مرا به خودت متصل کن... معبود من! عشق من و معشوق من! دوستت دارم. بارها تو را دیدم و حس کردم، نمی‌توانم از تو جدا بمانم. بس است، بس. مرا بپذیر، اما آنچنان‌که شایستهٔ تو باشم.[۱]

افزون بر آنچه دربارهٔ درد قرب و دلتنگی شهیدسلیمانی از فراق حق‌تعالی بیان شد، نامهٔ این شهید عزیز به دخترش، فاطمه، پرده از حس غربت این شهید والامقام در این دنیا و بی‌تابی طاقت‌فرسایش برای رسیدن به جوار خدا برمی‌دارد که به فرازی از آن اشاره می‌شود:

فاطمهٔ عزیزم! این چند صفحه را برای تو می‌نویسم، چون می‌دانم مقدسانه مرا دوست داری؛ نمی‌دانم چرا این حرف‌ها را برایت می‌نویسم، اما احساس می‌کنم در این تنهایی و غربت عمرم نیاز دارم با کسی عقدهٔ دل باز کنم. آه! مرگ خونین من! عزیز من! زیبای من! کجایی؟ مشتاق دیدارت هستم... وقتی بوسهٔ انفجار تو، تمام وجود مرا در خود محو می‌کند، دود می‌کند و می‌سوزاند. چقدر این لحظه را دوست دارم. آه... چقدر این منظره زیباست. چقدر این لحظه را دوست دارم. در راه عشق جان دادن خیلی زیباست...خدایا! سی سال برای این لحظه تلاش کردم. برای این لحظه با تمام رقبای

---

۱. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص۲۳۶-۲۳۷.

عشق در افتاده‌ام. زخم‌ها برداشته‌ام، واسطه‌ها فرستاده‌ام. چقدر این منظره زیباست! چقدر این لحظه را دوست دارم.[۱]

در این نامه چند نکته جالب وجود دارد:

۱. شهیدسلیمانی زندگی در این دنیا را زندگی غریبانه می‌داند و به‌شدت از غربت حق‌تعالی رنج می‌برد؛

۲. شهیدعزیز، سلیمانی، به‌شدت برای استقرارش در جوار خدای خود دلتنگی می‌کرد؛

۳. دعا می‌کرد تا راه رسیدن به جوار حق از طریق شهادت میسر گردد که خدا هم دعای او را مستجاب کرد و او را با شهادت پذیرفت.

۳-۴-۲. عبادت و بندگی خدا

عبادت و بندگی خالصانهٔ شهیدسلیمانی از عوامل شکل‌گیری مکتب شهیدسلیمانی است.

شهیدحاج‌قاسم سلیمانی عبد واقعی خدا بود و روحی بزرگ داشت و هرگز برای اینکه اسمش مطرح شود، به این کشور و آن کشور سفر نمی‌کرد؛ بلکه به هر جا فقط برای احیای احکام خدا. شهیدسلیمانی از کسانی بود که با دشمنان دین و انسانیت، شجاعانه مبارزه می‌کرد، اما در مقابل خدای متعال، عبدی متواضع، ذلیل و خاکی بود و با حضور قلب خدا را عبادت می‌کرد.[۲] نماز

---

۱. قاسم سلیمانی، «نامهٔ سردارسلیمانی به دخترش فاطمه»، دسترسی در: https://www.aparat.com/v/PUAJI، ۵ دی ۱۳۹۹.

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، آداب‌الصلاة، تهران، مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی﵀، ۱۳۷۸، ص۳۷-۳۸.

شب شهیدسلیمانی همواره مستمر و با حالت خاص اقامه می‌شد؛ چنان که نقل شد:

> حاجی روز، درگیر مبارزه با اشرار شرق بود، دل شب هم بلند می‌شد. از آخر شب که وقت استراحت بود تا اذان صبح چندبار بیدار می‌شد. دو رکعت نافله شب می‌خواند و می‌خوابید. دوباره بلند می‌شد وضو می‌گرفت، دو رکعت نماز می‌خواند و می‌خوابید. یازده رکعت را یک‌جا نمی‌خواند، بخش‌بخش می‌کرد مثل پیامبرﷺ که نیمه‌های شب چندین بار برای نماز از خواب بر می‌خاست.[۱]

عبادت و تهجد شهیدسلیمانی برای همگان الگوی خوبی است تا با خلوص نیت بندگی کنند و عبدالله بودن را عملاً به اثبات برسانند.

۳-۴-۳. خدمت به خلق خدا

اسلام دربارهٔ به خدمت‌رسانی به انسانیت سفارش‌های فراوانی دارد. نبی مکرم اسلامﷺ می‌فرماید: «مردم عائله و جیره‌خواران خداوندند. محبوب‌ترین آنها نزد خدا کسی است که سودش به عائلهٔ خدا برسد و خانواده‌ای را خوشحال کند.»[۲] مقام معظم رهبری‌دام‌ظله نیز در کلامی خدمت‌رسانی به انسان‌ها را از ارزش‌های الهی می‌داند و می‌فرماید: «شاید هیچ عبادتی بالاتر از عبادت مسئولی نیست که به خاطر تلاش و خدمت به مردم، از راحت و آسایش و امنیت خود صرف‌نظر می‌کند.»[۳]

---

۱. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص۳۱.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج۲، ص۱٦٤.

۳. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری، ۱۳۸٤/٥/۱۲، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3300.

دستگیری و خدمات‌رسانی به خلق‌الله از دغدغه‌های جدی شهیدسلیمانی بود و لحظه‌ای از آن دریغ نمی‌ورزید.

برای شهیدسلیمانی مهم نبود که خدمت‌رسانی به مردم در کجا و برای چه اقشار و مذهبی باشد؛ در ایران باشد؛ مانند خدمت به مردم شرق کشور و تأمین امنیت و آسایش برای آنها یا کمک به سیل‌زدگان در خوزستان و... یا خارج از مرزهای جغرافیایی چنان که مردم سوریه، لبنان، عراق و... هرگز خدمات شهیدسلیمانی را فراموش نخواهند کرد. آنچه برای شهیدسلیمانی مهم بود، رضایت خدا و رضایت فرمانده و امامش بود.

۳-۴-۴. شجاعت

شهیدسلیمانی، در رویارویی با دشمنان، فردی شجاع، باتدبیر و مقتدر بود. امام خامنه‌ای دام‌ظله دراین‌باره می‌فرماید:

> شهیدسلیمانی، هم شجاع بود، هم با تدبیر بود؛ صِرف شجاعت نبود؛ بعضی‌ها شجاعت دارند، اما تدبیر و عقل لازم برای به‌کاربردن این شجاعت را ندارند. بعضی‌ها اهل تدبیرند، اما اهل اقدام و عمل نیستند، دل و جگر کار را ندارند. این شهید عزیزِ ما، هم دل و جگر داشت ـ به دهان خطر می‌رفت و ابا نداشت؛ نه‌فقط در این حوادث این روزها، [بلکه] در دوران دفاع مقدس هم در فرماندهی لشکر ثارالله همین جوری بود؛ خودش و لشکرش ـ هم با تدبیر بود؛ فکر می‌کرد، تدبیر می‌کرد، منطق داشت برای کارهایش. این شجاعت و تدبیرِ توأمان، فقط در میدان نظامی هم نبود، در میدان سیاست هم همین‌جور بود؛ بنده بارها به دوستانی که در عرصهٔ سیاسی فعال‌اند این را می‌گفتم؛ رفتار او را، کارهای او را [می‌دیدم]. در عرصهٔ

سیاست هم، هم شجاع بود، هم با تدبیر بود؛ سخنش اثرگذار بود، قانع‌کننده بود، تأثیرگذار بود.[۱]

شجاعت شهیدسلیمانی را می‌توان مصداق آیهٔ ۳۹ سورهٔ احزاب دانست:

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (احزاب:۳۹).

همان کسانی که پیام‌های خدا را ابلاغ می‌کنند و از او می‌ترسند و از هیچ‌کس جز خدا بیم ندارند.

زیرا او رسالتی الهی را بر گُرده خویش داشت و پیوسته در خشیت الهی به سر می‌برد؛ ولی شجاعتی مثال‌زدنی داشت، از احدی جز خدای واحد نمی‌ترسید و در مقابل دشمن هیچ هراسی به خود راه نمی‌داد، بلکه برعکس دشمن بود که همواره از او و شنیدن نام او لرزه بر اندامش می‌افتاد.

۳-۴-۵. نعمت ولایت و رهبری

نعمت ولایت و رهبری از مصادیق ارزش‌های اسلامی است که شکل‌دهندهٔ مکتب شهیدسلیمانی می‌باشد؛ زیرا ولایت و رهبری همچون نخ تسبیح است که امت با آن کنار هم قرار می‌گیرند؛[۲] ازاین‌رو، شهید عزیز، سلیمانی، بر مدار ولایت حرکت می‌کرد؛ ازاین‌رو ولایت فقیه و رهبری از برجسته‌ترین فرازهای وصیت‌نامهٔ آن شهید عزیز محسوب می‌شود و ازاین‌رو تأکید بر نعمت ولایت از سطور آغازین وصیت‌نامه شروع می‌شود و تا خطوط نهایی آن استمرار می‌یابد و این بیانگر عظمت نعمت ولایت و رهبری در فکر و سلوک او به حساب

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای دام‌ظله در دیدار با مردم قم، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44628.

۲. محمد بن حسن الشریف الرضی، نهج‌البلاغه، ترجمهٔ محمد دشتی، همان، خطبهٔ ۱۴۶، ص۲۰۳.

می‌آید.[۱] شهیدسلیمانی وصیت‌نامهٔ خود را با تأکید بر نعمت ولایت فقیه چنین آغاز می‌کند:

> خداوندا! تو را شکرگزارم که پس از عبد صالحت، خمینی عزیز، مرا در مسیر عبد صالح دیگری که مظلومیتش اعظم است بر صالحیتش، مردی که حکیم امروز اسلام و تشیع و ایران و جهان سیاسی اسلام است، خامنه‌ای عزیز، که جانم فدای او باد، قرارداده‌ای![۲]

شهیدسلیمانی عزیز در انتهای وصیت‌نامهٔ خود نیز خطاب به علما و مراجع معظم تقلید دام‌ظلهم دربارهٔ ولایت فقیه و رهبری چنین وصیت می‌کند:

> من حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای را خیلی مظلوم و تنها می‌بینم. او نیازمند همراهی و کمک شماست و شما حضرات با بیانتان و دیدارهایتان و حمایت‌هایتان با ایشان می‌بایست جامعه را جهت دهید. اگر این انقلاب آسیب دید، حتی بازگشت به زمان شاه ملعون هم نخواهد بود، بلکه سعی استکبار بر الحادگری محض و انحراف عمیق غیرقابل بازگشت خواهد بود.[۳]

از تعابیر پرمعنای شهیدسلیمانی دربارهٔ رهبری مانند «خامنه‌ای عزیز که جانم فدای او باد»، «حکیم»، «مظلوم»، «تنها نجات‌بخش امت»، «خیمهٔ رسول الله» و... در وصیت‌نامه، بیانگر این است که ایشان نعمت ولایت و رهبری را از نعمت‌های بسیار مهم و ستودنی می‌داند. چنین کلماتی در

---

۱. سعدالله زارعی، «ولایت فقیه در وصیت‌نامه سردار سلیمانی»، دسترسی در: https://www.tasnimnews.com/fa/news.

۲. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص۲۳۴.

۳. همان، ص۲۴۵.

وصیت‌نامه‌اش این پیام را می‌رساند که همه باید با قدر و منزلت ولی‌فقیه آشنا باشند و اگر جایی نیاز شد، عزیزترین سرمایهٔ خود را که جان است، در مسیر هدف او نثار کنند.

۳-۴-۶. مصاحبت با خوبان و بهترین بندگان خدا

از جمله ارزش‌ها و نعمت‌های بزرگ الهی که باید قدردان آن بود، مصاحبت و همراهی با خوبان و بهترین بندگان خدا همچون شهدا و اولیای الهی است؛ چنان‌که در اخبار اهل بیت‌ﷺ دوست و همنشین خوب از نعمت‌های الهی شمرده شده است.[۱]

شهیدسلیمانی نیز بر مصاحبت و همراهی با خوبانی همچون شهیدان افتخار می‌کرد و خدا را برای آن نعمت بزرگ، سپاس‌گزار بود. او در فرازی از وصیت‌نامه‌اش به این نعمت اشاره می‌کند و می‌نویسد:

> پروردگارا! تو را سپاس که مرا با بهترین بندگانت درهم آمیختی و درک بوسه بر گونه‌های بهشتی آنان و استشمام بوی عطر الهی آنان را یعنی مجاهدین و شهدای این راه به من ارزانی داشتی.[۲]

شهیدسلیمانی در عبارت دیگری می‌فرماید:

> وقتی احمد در جمع ما بود، تداعی همهٔ زندگی‌مان را می‌کرد؛ هر چیزی که در زندگی به آن خوش بودیم؛ چهرهٔ باکری را در احمد می‌دیدیم، خرازی را در احمد می‌دیدیم؛ زین‌الدین را در احمد می‌دیدیم؛ همت را در احمد می‌دیدیم. خیلی از شهدا را ما در احمد

---

۱. امام علی‌ﷺ: «جَلیسُ الخَیرِ نِعمَةٌ؛ همنشین خوب نعمت است» (علی بن محمد لیثی واسطی، همان، ص۲۲۱).

۲. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص۲۳۴.

خلاصه می‌دیدیم. شما وقتی یک کسی یادگار همهٔ یادگاری‌هایت است، یادگار همهٔ دلبستگی‌هایت است، یادگار همهٔ بهترین دوران عمرت است، این را از دست می‌دهی، این یک ازدست‌دادن معمولی نیست. احمد با رفتن خودش، همهٔ ما را آتش زد. مدت‌ها از زمان جنگ گذشته بود، دلخوشی‌مان به هم بود، نه اینکه پشتوانهٔ خاصی برای همدیگر باشیم، قوت قلب معنوی برای هم بودیم. در بیان‌کردن موضوعات، نصیحت‌کردن هم و سطوح مختلف دیگری با هم رودربایستی نداشتیم.[۱]

همراه بودن شهیدسلیمانی با خوبان و بزرگان عرصهٔ شهادت مانند شهید باکری، همت، کاظمی، زین‌الدین و... موجب شد تا مکتب و مرام تربیتی شهیدسلیمانی شکل بگیرد و بر برکات آن افزوده شود. شهیدسلیمانی از هم‌نشینی با این دسته از شهیدان بسیار دلخوش بود و این مسئله از بزرگ‌ترین مصادیق ارزش‌شناختی است که باید قدر آن را دانست.

۳-۴-۷. امیدواری به عفو الهی

شهیدسلیمانی به عفو و بخشش الهی بسیار امیدوار بود و در وصیت‌نامه‌اش به آن تأکید می‌کرد و از خدا می‌خواهد:

خدایا! به عفو تو امید دارم. ای خدای عزیز و ای خالق حکیم بی‌همتا! دستم خالی است و کوله‌پشتی سفرم خالی، من بدون برگ و توشه‌ای به امید ضیافتِ عفو و کرم تو می‌آیم.[۲]

راز امیدواری شهیدسلیمانی به عفو الهی نخست این است که ایشان خود را در مقابل عظمت خداوند و نعمت‌های فراوانش بسیار ناسپاس می‌داند؛ و دوم

---

۱. علی‌اکبر مزدآبادی، ذوالفقار، همان، ص ۱۲۳-۱۲۴.

۲. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص۲۳۴-۲۳۵.

اینکه همهٔ امیدش برای جبران ناسپاسی و ناسپاس‌بودنش به رحمت واسعهٔ خداست و این خصوصیت مصداق بارز گردن کج‌کردن در برابر خدا و امید بخشش داشتن از اوست که دعاهای امام سجاد﵇ به یاد می‌آورد؛ آنجا که به خدا عرض می‌کند:

> و من از تو می‌خواهم گناهانم را، که زیر سنگینی بارشان مانده‌ام، از دوش من برداری، و از تو برای آنچه سنگینی آن مرا به زانو درآورده، یاری می‌طلبم، پس بر محمد و آلش درود فرست، و نَفس مرا به جهت ستم بر خویش مورد بخشایش قرار ده، و رحمتت را به تحمل بار گران من بگمار، چه آنکه رحمتت فراوان به فریاد بدکرداران رسیده، و چه‌بسا که عفوت شامل ستمکاران شده است.[۱]

گفتنی است که امام سجاد﵇، امام معصوم است و هیچ گناه و خطایی را مرتکب نمی‌شود؛ اگر مطالبی را در قالب دعا در جایگاه فردی گناه‌کار احتمالی بیان می‌کند برای آموزش و تذکر ما انسان‌های معمولی و غیر معصوم است، تا اگر مرتکب خطاهایی شدیم، به امید عفو الهی توبه، و از خدا طلب مغفرت کنیم.

البته گفتنی است که شهیدسلیمانی خود را در مقابل خدا بسیار ناتوان و سست می‌داند، اما به فضل خدا و به عمل خود، که در حرم خدا و حرم اهل بیت پیامبرﷺ پا گذارده است و از آنها دفاع کرده است، امیدوار است و با توجه به آنها به عفو الهی امید دارد؛ چنان‌که در وصیت‌نامه‌اش آمده است:

---

۱. وَ اَسْتَحْمِلُکَ مِنْ ذُنُوبِی مَا قَدْ بَهَظَنِی حَمْلُهُ، وَ اَسْتَعِینُ بِکَ عَلَی مَا قَدْ فَدَحَنِی ثِقْلُهُ. فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ هَبْ لِنَفْسِی عَلَی ظُلْمِهَا نَفْسِی، وَ وَکِلْ رَحْمَتَکَ بِاحْتِمَالِ إِصْرِی، فَکَمْ قَدْ لَحِقَتْ رَحْمَتُکَ بِالْمُسِیئِینَ، وَ کَمْ قَدْ شَمِلَ عَفْوُکَ الظَّالِمِینَ.(علی بن الحسین امام چهارم﵇، الصحیفةالسجادیه، قم، الهادی، ۱۳۷۶، ص۱۷۰.)

خداوندا! پاهایم سست است؛ رمق ندارد؛ جرئت عبور از پلی که از جهنم عبور می‌کند، ندارد. من در پل عادی هم پاهایم می‌لرزد، وای بر من و صراط تو که از مو نازک‌تر است و از شمشیر برنده‌تر؛ اما یک امیدی به من نوید می‌دهد که ممکن است نلرزم، ممکن است نجات پیدا کنم؛ من با این پاها در حَرَمت پا گذارده‌ام و دورِ خانه‌ات چرخیده‌ام و در حرم اولیائت در بین‌الحرمین حسین و عباست آنها را برهنه دواندم و این پاها را در سنگرهای طولانی، خمیده جمع کردم و در دفاع از دینت دویدم، جهیدم، خزیدم، گریستم، خندیدم و خنداندم و گریستم و گریاندم؛ افتادم و بلند شدم. امید دارم آن جهیدن‌ها و خزیدن‌ها و به حُرمت آن حریم‌ها، آنها را ببخشی.[۱]

۳-۴-۸. دفاع از مظلومان و یتیمان

دفاع از مظلومان و ایتام از ارزش‌های الهی است؛ چنان‌که پیامبر اسلام ﷺ دراین‌باره می‌فرماید:

مَنْ اَخَذَ لِلْمَظْلُومِ مِنَ الظَّالِمِ کانَ مَعی فی الجنّة مُصاحِباً.[۲]

کسی‌که حق مظلوم را از ظالم بگیرد [چه مظلوم، مسلمان باشد، و چه غیر مسلمان] در بهشت با من خواهد بود.

از اهداف مهم شهیدسلیمانی در جبههٔ مقاومت، که برایش ارزش بسیاری داشت و امیدش نیز به آن بود، دفاع از مظلوم بود؛ چنان‌که در وصیت‌نامه‌اش اشک دفاع از مظلوم و یتیم را در کنار گوهر اشک بر فاطمه ﷺ و اهل بیت ﷺ قرار می‌دهد و چنین می‌گوید:

---

۱. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص۲۳۵-۲۳۶.

۲. محمدعلی کراجکی، کنزالفوائد، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۰ق، ج۱، ۱۳۵.

سارُق، چارُقم پر است از امید به تو و فضل و کرَم تـو؛ همـراه خـود دو چشم بسته آورده‌ام که ثروت آن در کنار همهٔ ناپاکی‌هـا، یـک ذخیـره ارزشمند دارد و آن گوهر اشک بر حسین فاطمه اسـت؛ گـوهر اشـک بر اهل بیـت‌ﷺ اسـت؛ گـوهر اشـک دفـاع از مظلـوم، یتـیم، دفـاع از محصورِ مظلوم در چنگ ظالم.[۱]

برای شهیدسلیمانی مهم نبود که مظلوم چه مـذهب و دینـی داشـته باشـد. ایـن نگرش شهیدسلیمانی برگرفته از نگـاه و نگـرش امـام خامنـه‌ای‌دام‌ظله اسـت کـه می‌فرماید: «ما در حمایت از مظلوم نگاه به مذهب طـرف مقابـل نمـی‌کنـیم و نکردیم»[۲] و این نگرش در جبههٔ مقاومت نیز به‌روشنی مشاهده می‌شود؛ یعنـی اصل بر دفاع از مظلوم است، نه مذهب یـا گـرایش خـاص. دفـاع از مظلـوم از ارزش‌هایی اسـت کـه توانسـت در شـکل‌گیـری مکتـب شهیدسـلیمانی سـهم چشمگیری داشته باشد.

۳-۴-۹. دفاع از دین

برای بیان اهمیت دفاع از دین همین بس که امـام حسـین‌ﷺ و اصـحابش بـرای دفاع از دین جانشان را فدا کردند. اگر زنـدگی جهـادی شهیدسـلیمانی بررسـی شود درمی‌یابیم که همهٔ اهداف حضورش در عرصهٔ جهاد ـ اعم از هشـت‌سـال دفاع مقدس و پس از آن تا لحظهٔ شهادت ـ دفاع از دین اسلام بوده است.

شهیدسلیمانی در فرازی از وصیت‌نامه‌اش می‌نویسد:

وصیت می‌کنم اسلام را در این برهه، که تداعی‌یافته در انقـلاب اسـلامی

---

۱. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص۲۳۵.

۲. بیانات امـام خامنـه‌ای‌دام‌ظله در دیـدار بـا اعضـای مجمـع جهـانی اهـل بیـت‌ﷺ و اتحادیـهٔ رادیـو و تلویزیـــون‌هـــای اســـلامی، ۱۳۹۴/۵/۲۶، دسترســـی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30524.

و جمهوری اسلامی است، تنها نگذارید. دفاع از اسلام نیازمند هوشمندی و توجه خاص است. در مسائل سیاسی، آنجاکه بحث اسلام، جمهوری اسلامی، مقدسات و ولایت‌فقیه مطرح می‌شود، اینها رنگ خدا هستند؛ رنگ خدا را بر هر رنگی ترجیح دهید.[۱]

شهیدسلیمانی حتی به مراجع معظم تقلید نیز یادآوری می‌کند که مواظب باشند تا به دین ضربه وارد نشود و خطاب به آن بزرگواران می‌نویسد:

سربازتان از یک برج دیدبانی دید که اگر این نظام آسیب ببیند، دین و آنچه از ارزش‌های آن [که] شما در حوزه‌ها استخوان خُرد کرده‌اید و زحمت کشیده‌اید، از بین می‌رود. این دوره‌ها با همهٔ دوره‌ها متفاوت است. این بار اگر مسلط شدند، از اسلام چیزی باقی نمی‌ماند. راه صحیح، حمایت بدون هرگونه ملاحظه از انقلاب، جمهوری اسلامی و ولی‌فقیه است.[۲]

از آنچه گذشت می‌توان دریافت که دغدغهٔ دین و دفاع از آن از اهداف شهیدسلیمانی بود و مکتب سلیمانی نیز این عنصر ارزشمند را دربرمی‌گیرد.

---

۱. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص۲۴۱.

۲. همان، ص۲۴۵.

فصل چهارم

مکتب، راه و خط‌مشی شهیدسلیمانی

مکتب شهیدسلیمانی، که برگرفته از مکتب امامین انقلاب است، جنبه‌های معنوی، عقلانی و عاطفی دارد؛ ازاین‌رو شناخت راه و خط مشی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های این مکتب، امری ضروری است؛ به‌ویژه آنکه بدانیم کاربرد این مکتب عمومیت زمانی و مکانی دارد؛ ازاین‌رو، در این فصل نخست راه و خط‌مشی مکتب شهیدسلیمانی و نسبت آن با مکتب امامین انقلاب را بررسی می‌کنیم و سپس مؤلفه‌های اصلی مکتب این شهید عزیز بیان خواهد شد و از درون این مؤلفه‌ها، شاخص‌های مهم این مکتب معرفی می‌شوند.

۴-۱. راه و خط‌مشی شهیدسلیمانی

مکتب شهیدسلیمانی الگویی فکری و عملی، برخاسته از نوع نگرش آن شهید عزیز به عالم هستی است. بی‌تردید آنچه این مکتب را به الگویی بی‌بدیل تبدیل کرده است، برخورداری شهیدجبهه مقاومت از راه و خط مشی اصیل و بی‌نقص از آموزه‌های دینی است که در اینجا به برخی از نشانه‌های راه و خط و مشی پرداخته می‌شود.

۴-۱-۱. مکتب شهیدسلیمانی برگرفته از مکتب امامین انقلاب

با بررسی چیستی و ماهیت مکتب این شهید عزیز به دست می‌آید که این شهید والا مقام، در طول زندگی خود هیچ‌گاه اعلام نکرده بود که جهان‌بینی و ایدئولوژی مختص به خود دارد؛ بلکه به دفعات اعلام کرده بود راه و روش او برگرفته از راه و روش امام خمینی‌ؒ و امام خامنه‌ای‌دام‌ظله است؛ ازاین‌رو چیزی غیر از مبانی و اصول مکتب امامین انقلاب را بر نمی‌تافت؛ چنان‌که خود می‌نویسد:

> خداوندا! تو را سپاس که مرا صلب‌به‌صلب، قرن‌به‌قرن، از صلبی به صلبی منتقل کردی و در زمانی اجازهٔ ظهور و وجود دادی که امکان درک یکی از برجسته‌ترین اولیائت را، که قرین و قریب معصومین است، عبد صالحت خمینی کبیر را درک کنم و سرباز رکاب او شوم. ... خداوندا! تو را شکرگزارم که پس از عبد صالحت خمینی عزیز، مرا در مسیر عبد صالح دیگری که مظلومیتش اعظم است بر صالحیتش، مردی که حکیم امروز اسلام و تشیع و ایران و جهان سیاسی اسلام است، خامنه‌ای عزیز، که جانم فدایِ جان او باد، قرار دادی.[۱]

با این وصف، اگر گفته می‌شود مکتب شهیدسلیمانی، مراد مکتب مستقل نیست، بلکه برآیندی از مکتب امامین انقلاب است؛ چنان‌که مقام معظم رهبری‌دام‌ظله در پی شهادت سردارسلیمانی می‌فرماید:

> او نمونه برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود، او همهٔ عمر خود را به جهاد در راه خدا گذرانید. شهادت پاداش تلاش بی‌وقفهٔ او در همهٔ این سالیان بود.[۲]

---

۱. همان، ص ۲۳۳.

۲. پیام تسلیت امام خامنه‌ای‌دام‌ظله به مناسبت شهادت سپهبد قاسم سلیمانی و شهدای همراه او، ۱۳۹۸/۱۰/۱۳، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44554.

این جملهٔ رهبر فرزانه انقلاب‌دام‌ظله دو حقیقت مهم را دربارهٔ مکتب این شهید عزیز آشکار می‌کند: نخست آنکه مکتب شهیدسلیمانی چیزی جدای از مکتب امام خمینی‌ره نیست و چون امام خامنه‌ای‌دام‌ظله خود را ادامه‌دهندهٔ راه امام خمینی‌ره می‌داند، پس این مکتب چیزی غیر از مکتب امام خامنه‌ای‌دام‌ظله نیز نمی‌باشد؛ دوم آنکه میان همهٔ مبانی مکتب امامین انقلاب، آنچه در مکتب شهیدسلیمانی بیشترین ظهور و بروز را یافته است، صبغهٔ جهادگری در راه خدا و مبارزهٔ مستقیم با دشمنان دین است.[۱] این واقعیت در وصیت‌نامهٔ سردار دلها نیز مشهود است؛ چنان‌که در خطاب به علمای عظیم الشأن و مراجع گران‌قدر، خود را سربازی می‌داند که چهل سال در میدان جهاد با دشمن خدمت می‌کند.[۲]

البته بیان جلوهٔ جهادگری در مکتب شهیدسلیمانی، به معنای انکار بروز دیگر مبانی مکتب امامین انقلاب در مکتب شهیدسلیمانی نیست، بلکه به معنای برجستگی جهادگری در شخصیت این شهید بزرگوار است؛ ازسویی به دلیل ابعاد مختلف مکتب امامین انقلاب، بدیهی است هریک از شاگردان مکتب امامین انقلاب، در بُعدی رشد و نمو یابند؛ همچون شهیدسلیمانی که در بُعد جهادگری رشد کرد یا شهید محسن فخری‌زاده که از دانشمندان هسته‌ای کشور بود و تجلی‌گر بُعد پیشرفت علم و فناوری مکتب امامین انقلاب بود.

۴-۱-۲. ماهیت مکتب امامین انقلاب

وقتی به‌طورعمیق ماهیت مکتب امامین انقلاب بررسی می‌شود، این پرسش مطرح می‌شود این مکتب که خود قابلیت بازتولید مکاتب پایین دست را دارد،

---

۱. گروه نویسندگان، همان، ص ۲۸.

۲. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص ۲۴۵.

مکتبی مستقل با مبانی و اصول خاص است یا آنکه مکتب امامین انقلاب نیز ماهیت خود را از مکاتب بالادستی گرفته؟

با ملاحظهٔ ماهیت مکتب امامین انقلاب، آشکار می‌شود که مکتب این بزرگواران نیز در گسترهٔ وسیع‌تر، وابسته به مکاتب بالادست همچون مکتب پیامبر اعظمﷺ، و مکتب اهل بیت پیامبرﷺ است؛ به عبارت دیگر امام خمینی‌ؒ و امام خامنه‌ای‌دام‌ظله با اقتدا به مکتب حضرات معصومﷺ و پیوند معرفتی و معنوی شگفتی که با ایشان برقرار کردند، مکتب خود را بنا نمودند. معصومانﷺ انسان‌های کاملی‌اند که سراسر زندگی‌شان برای عموم مسلمانان جهان الگو و درس است. قرآن کریم دربارهٔ رسول اکرمﷺ، که انسان کامل و نمونه در عالم خلقتِ بشر است و همهٔ خصوصیات انسان، رهبر، حاکم و مدیر جامعه را از همهٔ ابعاد دارد، می‌فرماید:

لَقَدْ كانَ لَكُمْ فی رَسُولِ اللَّهِ اسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْاخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيراً (احزاب: ۲۱).

قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست، برای آنکه به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.

امام خمینی‌ؒ خود نیز به این حقیقت معترف است و دراین‌باره می‌فرماید: «اعتقادات من و همهٔ مسلمین همان مسائلی است که در قرآن کریم آمده است و یا پیامبر اسلامﷺ و پیشوایان بحق پس از آن حضرت بیان فرموده‌اند.»[۱]

خودسازی و اصلاح درون، مبارزه با ظلم و حاکمان ستمگر، استقامت و پایداری در راه ابلاغ رسالت الهی، هدایت مردم به سوی حق، تحمل رنج‌ها و سختی‌ها، نهراسیدن از دشمنان اسلام، دخالت در سیاست، تلاش برای تشکیل

---

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفهٔ امام، همان، ج ۵، ص ۳۸۷.

حکومت و اجرای احکام الهی از مسائلی است که می‌توان نام مکتب حضرات معصوم‌ﷺ را بر آن نهاد که خواص حق، خود را به پیروی از آن ملزم می‌دانند و با تأسی به سیرهٔ آن بزرگواران به انجام دادن این عمل‌ها روی آوردند. مقام معظم رهبری‌دام‌ظله نیز دراین‌باره می‌فرماید:

> ما که مفتخر به پیروی از فقه اهل بیت مکرم هستیم و دین را اصولاً و فروعاً از آنها آموخته‌ایم، نباید گمان کنیم که محبت اهل بیت‌ﷺ، مخصوص ماست و نباید اشتباه کنیم و فکر کنیم که اهل بیت‌ﷺ، فقط متعلق به ما هستند. اهل بیت‌ﷺ متعلق به اسلام‌اند؛ همچنان که جدشان نبی اکرم‌ﷺ، متعلق به اسلام بود. اهل بیت‌ﷺ متعلق به جهان و تاریخ‌اند؛ همچنان که جدشان نبی‌اکرم‌ﷺ، متعلق به بشریت و تاریخ بود.[۱]

گفتنی است که مکتب حضرات معصوم‌ﷺ نیز صاحب مکتب مستقل به معنای مصطلح آن نبودند؛ بلکه آنچه در طول حیات عزت‌آفرین خود بدان عمل کردند، برگرفته از مکتبی به‌مراتب گسترده‌تر و عام‌تر بوده است و آن مکتب اسلام است که از سوی خداوند تبارک و تعالی، یعنی برترین موجود عالم هستی، فرستاده شده است و از آن بالاتر مکتبی نمی‌توان یافت. بنابراین مکتب اسلام فقط منظومهٔ فراگیری است که همهٔ مکاتب پایین‌دست خود را با حفظ قدر و منزلت هر مرتبه‌ای نسبت به مرتبه پایین‌تر، پوشش می‌دهد و یگانه مکتبی است که فوق آن، مکتب ارزشمند دیگری وجود ندارد. قرآن کریم می‌فرماید:

وَمَن يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِيناً فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ (آل عمران: ۸۵).

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در دیدار با میهمانان و شرکت‌کنندگان کنفرانس جهانی اهل‌بیت‌ﷺ، ۱۳۶۹/۳/٤، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2314.

و هرکس غیر از دین اسلام را، که کامل‌ترین و آخرین شریعت الهی است، قبول کند، به‌هیچ‌وجه در نزد خداوند از او پذیرفته نیست.

مکتب اسلام یگانه مجموعه‌ای از جهان‌بینی و ایدئولوژی و مبانی و اصولی است که هویت مستقل دارد؛ زیرا از ناحیهٔ خالق هستی مقرر شده است. پس دیگر مکاتب ارزشی همهٔ مبانی و اصول خود را مشروط به سعهٔ وجودیشان، وامدار آن‌اند. براین‌اساس می‌توان ادعا کرد که مکتب شهیدسلیمانی به واسطهٔ اتصال به مکتب امامین انقلاب و سپس اتصال به مکتب امامان معصوم﵇ و پیامبر اکرمﷺ، به مکتب اسلام وصل است و مبانی خود را از آموزه‌های دین اسلام اخذ کرده.

۴-۱-۳. مکتب اسلام منظومه‌ای تحول‌پذیر

مکتب اسلام مؤلفه‌های مختلفی دارد که نمی‌توان به‌صورت انتزاعی و مجرد از دیگر مؤلفه‌ها به آن توجه کرد. همچنین نمی‌توان بدون توجه به موقعیت و اقتضائات زمانه از آنها استفاده کرد. پس هر مؤلفه در مکتب اسلام باید با دو شاخصه سنجیده شود:

الف) جایگاه آن مؤلفه میان دیگر مؤلفه‌ها؛

ب) نسبت آن مؤلفه با نیازهای زمان.

با این توضیح چه‌بسا مؤلفه‌ای در مقطعی زمانی جایگاه مهم‌تر بیابد و به آن بیشتر نیاز باشد که تشخیص اهمیت جایگاه و نیاز زمان را اجتهاد مستمر در مکتب مشخص می‌کند. پس در هر زمانی لزوم اجتهاد دائمی در مکتب اسلام آشکار می‌شود؛ به عبارت دیگر، مکتب اسلام منظومه‌ای تحول‌پذیر است که در هر دوره‌ای با حفظ جهان‌بینی و ایدئولوژی ثابت خود و ناظر بر اقتضائات زمانه، ظهور و بروز می‌یابد. نام این ظهور و بروز را در هر دوره می‌توان مکتب

نامید، اما نه به معنای مکتب با اصطلاح عام، بلکه مکتب به معنای خاص که ماهیتش را به شکل طولی از مکاتب بالادست و درنهایت از مکتب اسلام گرفته است. براین‌اساس مکتب اسلام حکم مَقَسم دارد برای اقسام مختلف مکاتب جزئی‌تر که مکاتب پایین‌دست، براساس ارزش و جایگاهشان، به شکل طولی نسبت به هم در دوران مختلف جلوه‌گر می‌شوند؛ مثلاً مکتب حضرات معصوم‌ﷺ تحت مکتب اسلام و فوق مکتب امامین انقلاب قرار می‌گیرد. چنان‌که مکتب امامین انقلاب فوق مکتب شهیدسلیمانی قرار دارد. البته گاه مکتبی می‌تواند در عرض مکتب دیگر قرار گیرد که در این صورت هر دو آنها تحت مکتب بالادست قرار می‌گیرند؛ مانند مکتب شهیدسلیمانی که می‌توان آن را هم‌عرض مکتب شهید مهندس ابومهدی قرار داد و هر دو آنها را تحت مکتب امامین انقلاب دانست.[۱]

در تکمیل بحث مکتب، گفتنی است که درواقع، مکتب ـ یعنی همان روح دین ـ یگانه است؛ زیرا دین حقیقی نیز یگانه است. قرآن کریم می‌فرماید: «**إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ** (آل عمران: ۱۹)؛ دین در نزد خدا، اسلام است.»

این مکتب واحد در سیر تحولی، جلوه‌های مختلف، متناسب با نیازهای بشریت و نیازهای زمانه دارد. ممکن است جامعهٔ اسلامی، در دورانی خاص بیشتر به رویکرد جهاد، شهادت، مقاومت و صبر توجه داشته باشد؛ ازاین‌رو فضای جامعه نیز بیشتر متوجه این بخش از مکتب اسلام خواهد شد. در دورهٔ دیگر موضوع فرهنگ مطرح می‌شود، پس جنبه‌های فرهنگی مکتب اسلام ظهور و بروز می‌یابد. در دورهٔ دیگر مسائل اقتصادی نیاز روز جامعه است که

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در خطبه‌های نماز جمعهٔ تهران، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44695.

آموزه‌های اقتصادی مکتب اسلام مدنظر قرار می‌گیرد. در هر عصر و دوره، افرادی به واسطهٔ تلاش خود، نماد هریک از مؤلفه‌های مکتب اسلام خواهند شد و هرقدر سعهٔ وجودی افراد وسیع‌تر باشد و تلاششان گسترده‌تر، نماد ابعاد مختلف مکتب خواهند شد. چنان‌که حضرات معصوم﵈ آیینهٔ تمام‌نمای مکتب اسلام بودند.

این همان معنای جلوه‌های مختلف از مکتب اسلام است که درحقیقت ناشی از اجتهاد در اسلام می‌باشد و اصل اجتهاد در اسلام به همین معناست. نوآوری در اسلام به معنای ایجاد مسئلهٔ جدیدی که در اصل وجود نداشته، نیست؛ بلکه به معنای طراحی، بازتولید، چینش و صورت‌بندی جدیدی از اسلام، متناسب با نیازها و پیش‌کشیدن عناصر مورد نیاز و اولویت نداشتن عناصر دیگر در هر زمان است.

از آنچه گذشت می‌توان دریافت که ما برای ارزش‌گذاری افراد و جریان‌ها، پیش از ورود به هر موضوعی، باید تلاش آن فرد یا جریان را برای تحقق مؤلفه‌های مورد نیاز زمان در منظومهٔ مکتب اسلام بررسی کرد.[۱]

البته پررنگ شدن بخشی از مکتب اسلام در یک دوره، به معنای بی‌توجهی به بخش‌های دیگر مکتب در آن دوره نیست. بلکه بدان معناست که ضمن حفظ همهٔ بخش‌های مکتب اسلام و توجه به آن اجتهاد و توجه ویژه به یکی از بخش‌ها، آن هم به دلیل نیاز روز، ضروری است.

نکتهٔ دیگر آنکه هر مکتب بالادست، نسبت به مکتب پایین‌دست خود، عناصر و مؤلفه‌های کامل‌تر و شامل‌تری دارد؛ یعنی رابطهٔ دو مکتب، عموم و

---

۱. احمدرضا هدایتی، «آشنایی اجمالی با مفهوم مکتب»، دسترسی در: http://rahtooshe.com/?p=2383، ٤ اسفند ۱۳۹۳.

خصوص من وجه است؛ بدین معنا هر مؤلفه‌ای که در مکتب پایین‌تر هست، در مکتب بالاتر نیز وجود دارد، اما همهٔ مؤلفه‌هایی که در مکتب بالاتر هست، در مکتب پایین‌تر وجود ندارد، بلکه برخی از آنها در مکتب پایین‌تر موجود است. این برتری در مکتب اسلام نسبت به مکتب حضرات معصوم﵇ و نیز مکتب حضرات معصوم﵇ نسبت به مکتب امامین انقلاب و مکتب امامین انقلاب نسبت به مکتب شهیدسلیمانی مشهود است؛ برای نمونه عناصر و مؤلفه‌های برتری در مکتب امامین انقلاب وجود دارد که در مکتب شهیدسلیمانی وجود ندارد؛ مانند چگونگی حسن انجام‌دادن وظایف ولایت فقیه که در مکتب امامین انقلاب وجود دارد، اما در مکتب شهیدسلیمانی نیست؛ نمونه دیگر عنصر عصمت، نصب از ناحیهٔ خداوند و علم لَدُنّی است که از مبانی اصلی مکتب امامان شیعه﵇ است، اما در مکتب امامین انقلاب نیست یا دریافت و ابلاغ وحی الهی که در مکتب پیامبر خداﷺ هست، اما در مکتب امامان شیعه﵇ چنین وظیفه‌ای نهاده نشده است.

تحلیل پیشین مبنی بر ارتباط مکاتب پایین‌دست با مکاتب بالادست، در منظومهٔ تحول‌پذیر مکتب اسلام را می‌توان از آیات قرآن نیز برداشت کرد؛ قرآن‌کریم می‌فرماید:

اَلَمْ تَرَ کَیْفَ ضَرَبَ اللّهُ مَثَلاً کَلِمَةً طَیِبَةً کَشَجَرَةٍ طَیِبَةٍ اصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِی السّمَاء (ابراهیم: ۲۴).

آیا ندیدید خداوند چگونه کلمهٔ طیبه و گفتار پاکیزه را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشهٔ آن در زمین ثابت و شاخهٔ آن در آسمان است، میوه‌های خود را هر زمان به اذن پروردگارش می‌دهد و خداوند برای مردم مثل‌ها می‌زند شاید متذکر شوند.

خداوند در این آیه، اصل و ریشه را به کلمهٔ طیبه‌ای تشبیه کرده است که ما آن را مکتب اسلام می‌نامیم؛ سپس این ریشه، که اصل آن ثابت است، فرع‌هایی دارد که در آسمان پراکنده‌اند و هرگاه کسی هدایت‌یافتن را اراده کند، به اذن پروردگار می‌تواند از میوه‌هایش استفاده کند. در تفسیر این آیه، حدیثی وجود دارد که به شکل روشن‌تری موضوع بحث را بیان می‌کند و ما نیز می‌توانیم تحلیلمان را به سرانجام برسانیم. امام صادق﵇ به فردی که معنای شجرهٔ طیبه را پرسید، چنین پاسخ فرمود:

> پیامبرﷺ ریشهٔ این درخت است و امیر مؤمنان، علی﵇، شاخهٔ آن، و امامان که از ذریهٔ آنهایند، شاخه‌های کوچک‌تر، و علم امامان میوهٔ این درخت است، و پیروان باایمان آنها برگ‌های این درخت‌اند. سپس امام﵇ فرمود: «آیا چیز دیگری باقی ماند؟» راوی می‌گوید: «عرض کردم: نه، به خدا سوگند!» فرمود: «به خدا قسم! هنگامی که فرد باایمانی متولد می‌شود، برگی در آن درخت ظاهر می‌گردد و هنگامی‌که مؤمن راستین می‌میرد، برگی از آن درخت می‌افتد.[۱]

وقتی این آیه و حدیث بادقت بررسی می‌شود، می‌توان آنها را با سلسلهٔ طولی مکاتب تطبیق داد؛ یعنی مکتب رسول‌اللهﷺ، که همان مکتب اسلام است، ریشهٔ این درخت طیبه، مکتب امامان معصوم﵈، شاخه‌های آن، مکتب امامین انقلاب، که به‌مثابهٔ علم ناطق امامان﵈اند، میوه‌ها و مکتب

---

۱. «رَسُولُ اللَّهِﷺ أَصْلُهَا وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ﵇ فَرْعُهَا وَ الْأَئِمَّةُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا أَغْصَانُهَا وَ عِلْمُ الْأَئِمَّةِ ثَمَرَتُهَا وَ شِيعَتُهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَرَقُهَا هَلْ فِيهَا فَضْلٌ قَالَ قُلْتُ لَا وَ اللَّهِ قَالَ وَ اللَّهِ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُولَدُ فَتُورَقُ وَرَقَةٌ فِيهَا وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَمُوتُ فَتَسْقُطُ وَرَقَةٌ مِنْهَا» (محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج۱، ص ۴۲۸).

شهیدسلیمانی و امثال او، که پیروان باایمان شمرده می‌شوند، به‌مثابهٔ برگ‌های این درخت طیبه‌اند. بنابراین وقتی محتوای مکتب شهیدسلیمانی را بررسی می‌کنیم، درمی‌یابیم که مکتب وی حکم برگ‌ها و ثمرهٔ این درخت تنومند را دارد که افراد دیگر و مشتاقان می‌توانند از این ثمره، بهره برند.

اکنون با این دیدگاه می‌توان مدعی شد که مکتب شهیدسلیمانی برآیند و برون‌داد مکتب امامین انقلاب است و مکتب امامین انقلاب نیز برآیند و برون‌داد مکتب حضرات معصوم‌ﷺ است که آن نیز در سلسلهٔ طولی به مکتب اسلام ختم خواهد شد.

۴-۲. مؤلفه‌های مکتب شهیدسلیمانی

به اجزاء و عناصر قوام دهنده مکتب شهید سلیمانی، مؤلفه اطلاق می‌گردد که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت است از:

۴-۲-۱. اسلام ناب

نخستین جزء قوام دهندهٔ مکتب و راه شهیدسلیمانی اسلام ناب محمدی‌ﷺ در مقابل اسلام امریکایی است. هرکس بخواهد مکتب شهیدسلیمانی را بشناسد و در راه ایشان گام بردارد، باید تفکر اسلام ناب محمدی‌ﷺ را در اندیشه و عمل داشته باشد و همهٔ حرکات و سکنات زندگی‌اش را بر مبنای همین تفکر بنا کند.

دین اسلام در فراز و فرودهای تاریخی همواره با دشمنانی روبه‌رو بوده است که برای انحراف و تحریف آن می‌کوشیدند و با حربه‌های سیاسی، فرهنگی، اعتقادی و... سعی می‌کردند بین جامعهٔ اسلامی رسوخ، و پایه‌های معرفتی و ایمانی مسلمانان را متزلزل کنند؛ ازاین‌رو، در تاریخ اسلام تفسیرهای گوناگون از آموزه‌های دین، باعث ظهور و بروز نحله‌های فکری متفاوتی شده است. این

نحله‌ها، که در بسیاری موارد، از آبشخور اعوجاج فکری یا تحریک بیگانگان، تغذیه می‌شدند، با گزارش‌های غیراصیل از دین اسلام، باعث بروز اختلافات شدید میان مسلمانان شده‌اند. قدمت تفکرات انحرافی از تعالیم دین اسلام، در همان سال‌های صدر اسلام رخ نمود.[۱] اما اوج این برداشت‌های غلط در قرون معاصر، به قرن دوازده قمری برمی‌گردد که محمد بن عبدالوهاب برپایهٔ نظریه‌های احمد بن حنبل و ابن‌تیمیه تصویر مدوّنی از فهم انحرافی دین معرفی و ترویج کرد.[۲] در دهه‌های اخیر و با شروع موج بیداری اسلامی، نظام سلطه، به فکر مهار این موج افتاد؛ ازاین‌رو بهترین گزینه برای به‌انحراف‌کشاندن بیداری اسلامی را تقویت بیشتر برداشت‌های نادرست از آموزه‌های دین یافت.[۳] آخرین نمونهٔ تقویت این تفکرات ناصواب، حمایت استکبار جهانی از گروه تکفیری ـ سلفی داعش بود.[٤]

دراین‌میان، همواره عالمان و مجاهدان دلسوزی در طول تاریخ اسلام، کوشیده‌اند با هدایت‌گری، دامن اسلام را از ناخالصی فکری و عملی پاک کنند.

---

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی، مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۱، ص۱۰.

۲. محمود فلاح، اسلامِ سیاسی و تمایز آن با سلفی‌گری در دورهٔ معاصر: زمینه‌ها، فرصت‌ها و چالش‌ها، کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، به کوشش مهدی فرمانیان، قم، دار الاعلام لمدرسة اهل البیت، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۳۳٤.

۳. راغده محمد المصری، «گروه‌های تکفیری و مسئله فلسطین»، مجموعه مقالات کنگرهٔ جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه اسلام، به کوشش مهدی فرمانیان، قم، دار الإعلام لمدرسة اهل البیت، ۱۳۹۳، ج ٤، ص ۵۷۸.

٤. محمدتقی رکنی لموکی، بازخوانی پرونده داعش (چرایی تأسیس، چگونگی عملکرد)، قم، زمزم هدایت، ۱۳۹۹، ص ۱۳۳-۱٤۳.

در قرن اخیر، بی‌تردید امام خمینی﵀ بزرگ‌ترین احیاگر دین اسلام پس از ائمهٔ معصوم﵈ است که هم در ابعاد معرفتی، و هم در ابعاد عملی اسلام اصیل را معرفی کرد. ایشان با مطرح‌کردن دو گونه اسلام، کوشید اسلام ناب را از اسلام غیر ناب بازشناسی کند و فرمود:

> ما یک اسلام نداریم؛ بلکه اسلام‌های متفاوتی داریم و همهٔ این اسلام‌ها از اعتبار برخوردار نیستند؛ یکی در خدمت قدرت‌های استعماری، تحجر، پولدارها، جهان سرمایه‌داری، پرخورها و یکی در جهت حمایت از توده‌های میلیونی، مستضعفین، شلاق‌خوردگان زمین، کسانی‌که بر آنها غضب شده، کسانی‌که زیر سلطهٔ استعمار می‌باشند.[۱]

ایشان برای معرفی اسلام حقیقی، اصطلاح اسلام ناب محمدیﷺ و برای معرفی اسلام‌های انحرافی، اصطلاح اسلام امریکایی را به کار برد.[۲] اسلام امریکایی را می‌توان با برخی از ویژگی‌ها و مؤلفه‌ها شناسایی کرد که برخی از آنها عبارت‌اند از؛ تأکید بر جدایی دین از سیاست (اسلامِ منهای سیاست)، سازش با قدرت‌های استکباری و ظلم‌پذیری، تجملاتی و تشریفاتی بودن دین، اعتقاد به آزادی‌های بی‌قیدوبند (تأکید بر آزادی بدون توجه به موازین شرعی)، گام‌نهادن در مسیر قدرت‌های غربی مانند امریکا و انگلیس، منطبق بودن با سیاست‌های نظام سرمایه‌داری و... .[۳]

---

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی، همان، ص۲۳۶.

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفهٔ امام، همان، ج ۲۱، ص۱۲۰.

۳. ملیحه نیک‌روش، تفاوت «اسلام آمریکایی» و «اسلام ناب محمدیﷺ» از منظر امام خمینی﵀، پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی، دسترسی در: https://www.irdc.ir/fa/news/5666، ۵ فروردین ۱۳۹۹.

از آن تاریخ اصطلاح اسلام ناب محمدی‌ﷺ در جایگاه برداشت صحیح از دین مبین اسلام در مقابل با اسلام امریکایی در جایگاه قرائت انحرافی از اسلام معرفی شد. رهبر معظم انقلاب‌دام‌ظله دراین‌باره می‌فرماید:

> ازجمله چیزهایی که امام به مردم ارائه مـی‌کـرد، اسـلام بـود؛ اسـلام ناب، اسلام ناب محمدی‌ﷺ. اسلام ناب یعنی اسلامی که نه اسـیر و پابند تحجر است، نه اسیر و پابند التقاط است.[۱]

ایشان در جایی دیگر در معرفی اسلام ناب محمدی‌ﷺ می‌فرماید:

> اولین و اصلی‌ترین نقطه در مبانی امام و نظرات امـام، مسـئلهٔ اسـلام ناب محمدی‌ﷺ است؛ یعنی اسلام ظلم‌ستیز، اسلام عـدالت‌خـواه، اسـلام مجاهـد، اسـلام طرفـدار محرومـان، اسـلام مـدافع حقـوق پابرهنگـان و رنجدیـدگان و مستضـعفان... فکـر اسـلام نـاب، فکـر همیشگی امام بزرگوار بود.[۲]

شهیدحاج‌قاسم سلیمانی از شخصیت‌های برجسته‌ای بود که بـه‌شـدت بـه اسلام ناب محمدی‌ﷺ اعتقاد داشت؛ ازایـن‌رو مـی‌تـوان یکـی از مؤلفـه‌هـای مکتـب او را اسـلام نـاب محمـدی‌ﷺ نامیـد. ایشـان اجـرای اسـلام نـاب محمدی‌ﷺ در ایران را از دسـتاوردهای امـام خمینـی‌ﷺ مـی‌دانـد و درایـن‌بـاره می‌گوید:

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینـی‌ﷺ، ۱۳۹۶/۳/۱۴، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36745.

۲. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در خطبه‌های نمازجمعهٔ تهران در بیست و یکمـین سـالگرد رحلـت امـــام خمینـــی‌ﷺ، ۱۳۸۹/۳/۱۴، دسترســـی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9524.

مهم‌ترین هنر خمینی عزیز، این بود که اول اسلام را به پشتوانهٔ ایران آورد و سپس ایران را در خدمت اسلام قرار داد. اگر اسلام نبود و اگر روح اسلامی بر این ملت حاکم نبود، صدام چون گرگ درنده‌ای این کشور را می‌درید؛ امریکا چون سگ هاری همین عمل را می‌کرد، اما هنر امام این بود که اسلام را به پشتوانه آورد؛ عاشورا و محرم، صفر و فاطمیه را به پشتوانهٔ این ملت آورد.[۱]

این شهید عزیز در بیانی عمیق، اسلام تداعی‌یافته در انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را اسلام اصیل می‌داند و خواستار حمایت از آن می‌شود:

وصیت می‌کنم اسلام را در این برهه، که تداعی‌یافته در انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است، تنها نگذارید. دفاع از اسلام نیازمند هوشمندی و توجه خاص است. در مسائل سیاسی، آنجاکه بحث اسلام، جمهوری اسلامی، مقدسات و ولایت فقیه مطرح می‌شود، اینها رنگ خدا هستند؛ رنگ خدا را بر هر رنگی ترجیح دهید.[۲]

۴-۲-۲. انقلاب اسلامی

دومین عنصر قوام دهندهٔ مکتب و راه شهیدسلیمانی انقلاب اسلامی است. شهیدسلیمانی در دامن انقلاب شکوهمند اسلامی ایران پرورش یافت و مکتب و راه شهید، همان راه انقلاب اسلامی با همان اصول و مبانی مستحکم و استوار آن است؛ به عبارت واضح‌تر اگر کسی بخواهد مکتب شهیدسلیمانی را بشناسد، باید انقلاب اسلامی را بشناسد. این انقلاب، اصول و مبانی، اهداف و

---

۱. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص ۲۳۹.
۲. همان، ص ۱۴۱.

آرمان‌هایی دارد. اصول و مبانی و آرمان‌های مکتب شهیدسلیمانی همان اصول و مبانی و آرمان‌های انقلاب اسلامی است و از آن جدا نیست.

شهیدسلیمانی خود را سرباز پا به رکاب اسلام ناب و انقلاب اسلامی می‌دانست؛ سربازی که باید از این انقلاب، که آرمان و آرزوی همهٔ انبیا و اولیا بود، پاسداری کند. او پاسدار همین انقلاب اسلامی بود. به تعبیر زیبای مقام معظم رهبری‌دام‌ظله او ذوب در انقلاب و به‌شدت پایبند به انقلاب بود.[۱] او معتقد بود اگر این انقلاب آسیب دید، حتی زمان شاه ملعون هم بر نخواهد گشت، بلکه سعی استکبار بر الحادگری محض و انحراف عمیق برگشت‌ناپذیر خواهد بود.[۲]

۴-۲-۳. ولایت

سومین جزء قوام دهندهٔ مکتب شهیدسلیمانی، ولایت است. شهیدسلیمانی در مکتب و مدرسهٔ ولایت پرورش یافت و به رشد و تعالی ولایی خود افتخار می‌کرد و به سبب آن خداوند متعال را سپاسگزار بود؛ ازاین‌رو، هرکه می‌خواهد مکتب شهیدسلیمانی را بشناسد، باید ولایت را بشناسد و بر محور ولایت حرکت کند و خیمهٔ ولایت را رها نکند.

شهیدسلیمانی خیمهٔ ولایت را، که امروز در ایران بر پا شده است، خیمهٔ رسول الله‌ﷺ می‌داند.[۳] مدرسه و راه شهیدسلیمانی یعنی همان مدرسه و راه امامان معصوم‌علیهم‌السلام که بر جامعه ولایت امر داشتند؛ یعنی همان راه و خط‌مشی امام خمینی‌ره و امام خامنه‌ای‌دام‌ظله که جانشینان امام معصوم‌علیه‌السلام‌اند.

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در دیدار با مردم قم، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44628.

۲. عاطفه طهماسبی و دیگران، همان، ص۲۴۵.

۳. همان، ص ۲۳۸.

۴-۳. شاخص‌های مکتب شهیدسلیمانی

منظور از شاخص در اینجا علامت و نشانه‌ای است که مکتب شهید سلیمانی از آن برخوردار است و با آن می‌توان این مکتب را توصیف کرد. از این‌جهت در این قسمت از بحث شاخص‌های مهم مکتب شهیدسلیمانی بررسی می‌شود.

۴-۳-۱. جامعیت

مکتب شهیدسلیمانی مکتبی جامع‌الاطراف، و برخوردار از همهٔ خوبی‌هاست. جامع‌الاطراف بودن این مکتب را به‌آسانی با رجوع به آن می‌توان درک کرد و همین جامعیت باعث اثرگذاری روزافزون این مکتب در منطقه و جهان شده است؛ زیرا صاحب این مکتب، یعنی حاج‌قاسم سلیمانی، فقط مظلوم نبود، بلکه او مقتدر و قدرت‌آفرین در عرصه‌های مختلف بود. ایشان فردی عملگرا بود و فقط با سخنرانی محبوبیت نیافته بود. او به کسی وعده نداد، بلکه فقط عمل کرد و با عمل خود میان مردم محبوب شد که باعث جامعیت مکتب او گردید؛ ازاین‌رو می‌توان گفت که مکتب شهیدسلیمانی سیاست، مدیریت، ظلم‌ستیزی... وعرفان و اخلاق را به نحو احسن یک‌جا جمع کرده است.

۴-۳- ۲. عقلانیت

از دیگر شاخص‌های مکتب شهیدسلیمانی، عقلانیت است؛ به این معنا که درون‌مایه این مکتب بر عقل و خرد بنا نهاده است و هرگز جهالت و خودمحوری را در آن راهی نیست. نمود آشکار وجود عنصر عقلانیت در مکتب شهیدسلیمانی همواره پیرو حق‌بودن شهیدسلیمانی است که از کمال عقل ایشان بود؛ زیرا به فرمودهٔ امام حسین﵇: «کمال عقل در پیروی از حق است.»[1] مراد از حق نیز پیروی

---

۱. حسن‌بن‌محمد دیلمی، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم، مؤسسة آل البیت﵈، ۱٤۰۸ق، ص ۲۹۸.

از دستورهای خداوند است؛ همان‌طور که در قرآن می‌خوانیم، خداوند حق است[۱] و حقیقت همواره از ناحیهٔ اوست.[۲] بنابراین باید اذعان کرد که کمترین نیاز انسان به عقل در قلمرو دین و ایجاد مسئولیت، تشخیص حق و باطل را از هم، و بهره بردن برای کسب فضایل و معنویت است؛ چنان‌که حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «**فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبادَ اللَّهِ تَقِيَةَ ذی لُبٍّ شَغَلَ التَّفَكُّرُ قَلْبَهُ**؛[۳] از خدا چون خردمندان بترسید که دل را به تفکر مشغول داشته‌اند.»

پس در پیروی از حق، عقل به کمال می‌رسد و شهیدسلیمانی این‌چنین بود و نظام امور خود را بر مدار حق استوار کرده بود. ایشان اهمیت عنصر عقلانیت را در مکتب امامین انقلاب آموخته بود. امام خمینی﵀ دراین‌باره می‌فرماید:

> اسلام تز دارد، برنامه دارد، اسلام. اسلام می‌خواهد انسان را یک انسانی بسازد جامع؛ یعنی رشد به آن‌طور که هست، بدهد. حظ طبیعت دارد، رشد طبیعی به او بدهد؛ حظ برزخیت دارد، رشد برزخیت به او بدهد؛ حظ روحانیت دارد، رشد روحانیت به او بدهد؛ حظ عقلانیت دارد، رشد عقلانیت به او بدهد؛ حظ الهیت دارد، رشد الهیت به او بدهد. همهٔ حظوظی که انسان دارد و به‌طور نقص است، الآن نرسیده است؛ ادیان آمده‌اند که این میوهٔ نارس را رسیده‌اش کنند؛ این میوهٔ ناقص را کاملش کنند.[٤]

اگر بخواهیم جلوه‌های عقلانیت را به‌طور گذرا در مکتب شهیدسلیمانی

---

۱. لقمان (۳۱)، آیهٔ ۳۰.

۲. آل عمران (۳)، آیهٔ ٦۰.

۳. محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغة، ترجمهٔ محمد دشتی، همان، ص ۱۳۷.

٤. سید روح الله موسوی، صحیفهٔ امام، همان، ج ٤، ص ۹.

بررسی کنیم باید به تدبیر در امور، سرسختی و انعطاف‌ناپذیری در مقابله با دشمن، اعتمادنداشتن به دشمنان و مستکبران، روح اعتماد به نفس، تفهیم و اقناع مخاطب و جدیت، هدفمند بودن تصمیمات و مشاوره و استفاده از دیدگاه‌های دیگران در کارها اشاره کرد. این امور از به‌کارگرفتن خرد، تدبیر، فکر و محاسبات در مکتب شهیدسلیمانی حکایت می‌کند که در عملِ این شهید گران‌قدر آشکار بود. همان‌طور که مقام معظم رهبری‌دام‌ظله در توصیف روحیات ایشان به عنصر تدبیر و استفاده از عقل اشاره کرد.[۱]

باید متذکر شد وقتی از شاخص عقل در مکتب شهیدسلیمانی سخن می‌گوییم، مراد، عقل جزئی و حسابگر نیست؛ زیرا عقل جزئی و حسابگر آن عقلی است که فقط قادر است گره مشکلات دنیایی را بگشاید و کاری به حلال و حرام و امور اخروی ندارد. در تاریخ مصداق بارز عقل‌گرایی دنیاگرا، تفکر اموی معاویه است؛ همان‌طور که از امام صادق‌علیه‌السلام دربارهٔ عقلانیت معاویه پرسیده شد و امام‌علیه‌السلام فرمود:

تِلْکَ النَّکْرَاءُ تِلْکَ الشَّیْطَنَةُ وَ هِیَ شَبِیهَةٌ بِالْعَقْلِ وَ لَیْسَتْ بِالْعَقْلِ.[۲]

آن گونه عقلانیت نیرنگ است، شیطنت است، نمایش عقل را دارد، ولی عقل نیست.

اما عقلانیت تعریف شده در مکتب شهیدسلیمانی، عقلانیت شکوفا شده در پرتو وحی است که اموری همچون ایثار، ازخودگذشتگی، شهادت، انفاق و ایمان به غیب و هزاران واقعیت بنیادین اسلامی دیگر را تحسین می‌کند و به آنها

---

۱. سیدعلی خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم قم، ۱۸ دی ۱۳۹۸، قابل دسترسی در:
https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id44628

۲. محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۱، ص ۱۱.

پایبند است؛ ازاین‌رو می‌توان آن را عقلانیتِ خدامحور نامید و همچنین عقلانیتِ خدامحور، با وهمیات و تخیلات نیز تفاوت دارد؛ گاهی وهم به جای عقل می‌نشیند؛ ازاین‌رو چیزهای بدلی را به جای امور حقیقی می‌نشاند. مانند گروه‌های افراطی تکفیری که طبق آیهٔ شریفه: «... **وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا** (کهف: ۱۰۴)؛ می‌پنداشتند کاری نیکو می‌کنند» اما درحقیقت پندار و اندیشهٔ آنان، سراسر توهم و باطل بود. آنان با قرائتی ناقص، تمثیل‌های غیر منطقی و انحای مغالطه متون مقدس فهمیدند؛ ازاین‌رو غبار توهم و توحش مانند هاله‌ای بر گرد محتوای ذهنی‌شان نشست و اعمالشان از مدار اسلام خارج شد.

اما عقلانیت در مکتب شهیدسلیمانی از جنس فهم دقیق اسلام ناب، فهم مقتضیات زمان و مکان و تطبیق عمل با این فهم است. اثبات این ادعا، سخن شهید بزرگوار است، زمانی که انگیزهٔ جهاد خود را نه براساس هوا و هوس، بلکه با شعور و درک بالا مبتنی بر احساس تکلیف چنین بیان می‌کند:

> این راه را انتخاب نکردم که آدم بکشم. تو می‌دانی من قادر به دیدن بریدن سر مرغی هم نیستم. من اگر سلاح به دست گرفته‌ام، برای ایستادن در مقابل آدم‌کشان است، نه برای آدم‌کشتن. خود را سرباز درِ خانه هر مسلمانی می‌بینم که در معرض خطر است... عزیزم! من متعلق به آن سپاهی هستم که نمی‌خوابد و نباید بخوابد تا دیگران در آرامش بخوابند. بگذار آرامش من فدای آرامش آنان بشود و بخوابند.[۱]

۴-۳-۳. معنویت

مراد از «معنویت»، معنوی بودن و با عالم معنا ارتباط داشتن، است. اگرچه واژهٔ

---

۱. «چرا می‌جنگم؟»، ۱۳۵۹/۱۰/۲۰، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=47306.

معنویت و مشتقات آن در منابع اصیل اسلامی، یعنی قرآن کریم و سنت پیامبرﷺ و امامان معصومعلیهم‌السلام، به کار نرفته است، در ادبیات مسلمانان، هم در زبان عربی، و هم در زبان فارسی، رواج دارد.[۱] در فرهنگ اسلامی، معنویت از استوارترین عناصر دینی است و داشتن این عنصر نشان‌دهندهٔ ارتباط وثیق فرد با خداوند و عالم غیب است. درواقع داشتن این عنصر انسان را شایسته رسیدن به قرب الهی می‌کند.

برای داشتن معنویت و زندگی معنادار، نخستین شرط آن است که فرد در زندگی همهٔ اعمالش را در راستای هدفی واحد، که مطلوبیت ذاتی دارد، تنظیم کند. در اسلام، خداوند متعال منبع و سرچشمهٔ وجود و همهٔ کمالات معرفی شده است، که مطلوبیت ذاتی دارد، و نزدیک شدن به او هدف اصلی آفرینش انسان دانسته شده است؛ ازاین‌رو هدف غایی از فعالیت و سلوک انسانی و عالی‌ترین کمال انسانی، والاترین نقطهٔ ممکن در مراتب قرب به خداوند است.

شهیدسلیمانی معتقد بود در دیدگاه‌های امام خامنه‌ای‌دام‌ظله درست شدن امور در گرو درست شدن فکر انسان است و رکن اصلی برای همگان، عناصر معنوی همچون اخلاق، تربیت و تزکیه و سپس تعلیم است.[۲]

مصداق‌های به‌کاربرده‌شده در این سخن سردارسلیمانی از باور ایشان به امور معنوی برای تعالی انسان حکایت می‌کند. اگرچه سردار دلاور سپاه اسلام

---

۱. علی مصباح، «واکاوی مفهومی معنویت و مسئله معنا»، فصلنامهٔ اخلاق پزشکی، س ٤، ش ١٤، زمستان ١٣٨٩، ص ٢٦.

۲. دانشگاه شهیدباهنرکرمان، همایش نظام فکری حضرت آیت الله خامنه‌ای‌دام‌ظله در توسعه فرهنگ، فایل صوتی، دسترسی در: https://uk.ac.ir/fa، ۲۲ دی ۱۳۹۸.

در حدود چهل‌سال مجاهدت خود، هر روز حالات معنوی‌تری از روز پیش می‌یافت و در این مسیر سیر صعودی را می‌پیمود، بن‌مایهٔ معنوی را از همان دوران جوانی و در زمان دفاع مقدس در عمق وجود خود داشت. فردی از هم‌رزمان دوران دفاع مقدس سردارسلیمانی دربارهٔ غلبه بُعد معنوی سردار رشید اسلام بر بُعد فرماندهی ایشان می‌گوید:

> شاید هیچ‌کس حاج‌قاسم را، چه در دوران دفاع مقدس، و چه پس از آن، به عنوان یک فرمانده فرمان بده، نشناسد. همهٔ دوستان دوست داشتند نزدیک ایشان شوند تا از معنویت ایشان بهره ببرند.[۱]

شهیدسلیمانی معنویت خود را مرهون فضای معنوی جبهه‌های دوران دفاع مقدس می‌دانست و دربارهٔ این فضا بیان می‌کرد:

> قلهٔ تربیت دینی و اخلاقی ما دفاع مقدس بود. من اعتقاد دارم امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف که ظهور بکنند، حکومتی را که ایجاد می‌کنند، قلهٔ آن حکومت، آن دوره‌ای است که ما در دفاع مقدس شاهد آن بودیم. آن حالات روحانی و معنویتی که در جبهه‌ها ایجاد شده بود.[۲]

نمونه‌هایی از معنویت سرداری بیان شد که توانست مکتبی را خلق کند تا آیندگان با تمسک و الگوگیری از مکتب او راه زندگی با عزت و سعادت را بیاموزند و بدان عمل کنند.

۴-۳-۴. عدالت

عدالت، شاخصی است که خداوند سبحان برپایی آن را در عرصه‌های مختلف

---

۱. ویژه‌نامه روزنامه اطلاعات، به مناسبت اربعین شهادت سپهبد حاج‌قاسم سلیمانی، همان، ص ٤١.
۲. ابودر مهروان‌فر، همان، ص ٧٤.

زندگی، به انسان سفارش کرده است؛[۱] از جمله در سورهٔ مائده، خداوند به مؤمنان دستور داده، که حتی با دشمنان خود به عدالت رفتار کنید؛ زیرا عمل با عدالت به تقوا نزدیک‌تر است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَى أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (مائده: ۸).

ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید، برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که به تقوا نزدیک‌تر است و از خدا پروا دارید که خدا از آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

در این آیه مؤمنان به برپایی قسط مأمور شده‌اند و انحراف از مسیر عدالت نیز برابر با تبعیت از هواهای نفسانی شمرده شده است. قرآن کریم نه فقط مؤمنان را در رفتار، بلکه در گفتار هم به عدالت سفارش کرده است: «**وَ اِذا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا...**» (انعام: ۱۵۲).

مکتب اسلام عدالت را هم‌سنگ عقلانیت و معنویت می‌داند و به میزان آن دو، به عدالت اهمیت داده است؛ همان‌طور که رهبر معظم انقلاب‌دام‌ظله می‌فرماید:

اسلام با سه‌گانهٔ عدالت، عقلانیت و معنویت معنا می‌شود. این سه با هم محقق می‌شوند و از یکدیگر غیرقابل انفکاک‌اند.... در فرایند جامعه‌سازی اسلامی، معنویت روحِ کار، عقلانیت مهم‌ترین ابزار کار و عدالت جهت‌دهندهٔ و ارزش‌گذار کارها در نظام اسلامی است.[۲]

---

۱. ر.ک. نحل (۱۶)، آیهٔ ۹۰.

۲. «نگاهی گذرا به «عقلانیت انقلابی» در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای‌دام‌ظله»، ۱۳۹۶/۳/۱۷، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36756.

عدالت، شاخص اصلی مؤلفه اسلام ناب در مکتب شهیدسلیمانی است و هر مکتبی که عدالت‌محوری را گفتمان اصلی خود قرار دهد، می‌تواند الگـویی باارزش برای حقیقت‌جویان باشد.

ایشان باور به عدالت را از رهبر و مقتدایش آموخته بود؛ چنـان‌کـه در تبیـین دیدگاه‌های مقام معظم رهبری‌دام‌ظله می‌گوید:

> از مشخصه‌هـای مهـم اسـلام نـاب در نظریـهٔ رهبـری، ظلـم‌سـتیزی، عدالت‌خواهی، دفاع از مظلومان، امیدبخشی، و ازبین‌بـردن تـرس و جهل از جامعه است.[۱]

به اعتقاد شهیدسلیمانی، مقام معظم رهبری‌دام‌ظله جامعهٔ مطلـوب را جامعـهٔ عدالت‌خواه می‌داند: «رهبـری، جامعـه‌ای را مطلـوب مـی‌داننـد کـه هـدف آن ملت‌زنده، بیدار، باهوش و عدالت‌خواه باشد.»[۲]

گفتنی است که اگرچه عدالت اجتماعی مهم‌ترین بـروز و ظهـور شـاخص عدالت است، عدالت در مکتب شهیدسلیمانی، که از آموزه‌هـای دیـن برگرفتـه شده، افزون بر عدالت اجتماعی، همهٔ ابعاد عدالت را شامل می‌شود؛ از جملـه در رفتار فردی و مدیریتی، خانوادگی، سیاسی و نظامی؛ برای نمونه سردار دل‌ها دربارهٔ عدالت در عرصهٔ مدیریت می‌گوید:

> ممکن است در مدیریت نتوانیم معجزه کنیم، اما می‌توانیم رضـایتمندی، عدالت‌محوری، هم‌زیستی، اخوت و مثل هم بودن را ایجاد کنیم.[۳]

---

۱. خبرگزاری فارس، «سردار سلیمانی در همایش ملی نظـام فکـری آیـت‌اللـه خامنـه‌ای‌دام‌ظله در گسترهٔ فرهنگ»، دسترسی در: https://www.farsnews.ir/news/000586، ۷ آذر ۱۳۹۷.

۲. همان.

۳. خبرگـــزاری فـــارس، «بـــازخوانی یـــک اتفـــاق بـــزرگ در همـــدان»، دسترســـی در: https://www.farsnews.ir/hamedan/news/001059، ۸ دی ۱۳۹۹.

شهیدسلیمانی به آنچه می‌گفت، ایمان داشت و خودش در همهٔ عرصه‌های زندگی عدالت‌محور بود و هیچ‌گاه از مسیر عدل و عدالت خارج نمی‌شد. همین حرکت در مسیر عدالت، او را به شخصیتی بین‌المللی تبدیل، و مکتب او را فراگیر و فرامرزی کرد تا جایی که سردار سپاه اسلام، امروز شخصیتی ممتاز میان عدالت‌خواهان جهان، به‌ویژه ملت‌های منطقه و جبهه مقاومت شناخته می‌شود.

۴-۳-۵. اطاعت

از دیگر شاخص‌های مکتب شهیدسلیمانی، اطاعت از نایب صاحب امر است. شهیدسلیمانی براساس همین شاخص، گوش به فرمان نایب ولی امر زمان خود بود و سعادت خود و جامعه خود را در این مهم می‌دانست. اهمیت اطاعت از ولایت را می‌توان از آیات و روایات دریافت؛ چنان که امام علی﵇ می‌فرماید: «**مَنْ نَامَ عَنْ نُصْرَةِ وَلِيِهِ انْتَبَهَ بِوَطْأَةِ عَدُوِّه**؛[1] هرکس به وقت یاری رهبرش در خواب باشد، با لگد دشمنان از خواب بیدار می‌شود.»

شهیدسلیمانی در وصیت‌نامهٔ حدود یازده صفحه‌ای خود، بیش از بیست‌بار، و با جملات مختلف جایگاه اصل ولایت، به‌ویژه ولایت فقیه را نام برده، و همگان را به تبعیت از این اصل، که در زمان ما در وجود امام خمینی﵀ و امام خامنه‌ای﵀ تبلور یافته است، سفارش می‌کند؛ مثلاً خداوند را برای زندگی در عصری شکر می‌کند که امکان درک یکی از برجسته‌ترین اولیائش را، که قرین و قریب معصومان﵈ است یعنی عبد صالح، خمینی کبیر﵀ را درک می‌کند و سرباز رکاب او شده است. سپس بی‌درنگ خداوند را شکر می‌کند که پس امام خمینی﵀ در مسیر عبد صالح دیگری،

---

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۴۲۲.

که مظلومیتش اعظم است بر صالحیتش، مردی که حکیم امروز اسلام و تشیع و ایران و جهان سیاسی اسلام است، یعنی خامنه‌ای عزیز را درک می‌کند و آمادگی خود را برای جان‌فشانی در راه او اعلام می‌دارد.[۱] شهیدسلیمانی درواقع با این‌گونه تعبیرها در وصیت‌نامه خود، درصدد است درس ولایتمداری را به همگان بیاموزد. ایشان در بیانی آشکار و واضح جایگاه ولایت فقیه را در عصر کنونی تشریح، و خطاب به همهٔ مسلمانان ـ اعم از شیعه و سنی ـ بیان می‌کند:

> برادران و خواهرانم! جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ رهبری متصل و منصوب شرعی و فقهی به معصوم. خوب می‌دانید منزه‌ترین عالِم دین که جهان را تکان داد و اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخهٔ نجات‌بخش این امت قرار داد؛ لذا چه شما که به عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید، و چه شما که به عنوان سنی اعتقاد عقلی دارید، بدانید باید به دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمهٔ ولایت را رها نکنید.[۲]

ایشان سپس خیمهٔ ولایت را خیمهٔ رسول الله ﷺ می‌نامد که باید حول محور آن چرخید و تأکید می‌کند اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش‌زدن و ویران‌کردن این خیمه است. سپس سه بار به اسم جلاله الله، قسم یاد می‌کند که اگر خیمهٔ ولایت آسیب ببیند، قرآن کریم، بیت‌الله الحرام و مدینه، حرم رسول الله ﷺ، عتبات عالیات و مشهد مقدس آسیب می‌بینند.[۳]

---

۱. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص ۲۳٤.
۲. همان، ص ۲۳۸.
۳. همان.

سپهبدشهیدسلیمانی در تذکری مهم، شیوهٔ اطاعت از ولی فقیه را به عموم ملت، به‌ویژه سیاسیون و مسئولان کشور می‌آموزد و بیان می‌کند که باید اعتقاد عملی به ولایت فقیه داشته باشند و صرف گفتار کفایت نمی‌کند. او اعتقاد عملی را چنین توصیف می‌کند که نصیحت رهبر او را بشنوید، با جان و دل به توصیه و تذکرات او به عنوان طبیب حقیقی شرعی و علمی، عمل کنند. او تبعیت سیاسیون و مسئولان از ولایت را با شعارهای تند اما کم‌مغز (ولایت تنوری) یا فقط به دلیل تبعیت از قانون، کافی نمی‌داند؛ بلکه معتقد است تبعیت از ولایت فقیه باید در مقام عملی ظهور و بروز داشته باشد.[۱]

ایشان دربارهٔ حمایت و تبعیت از ولی فقیه، سفارش ویژه‌ای هم به علما و مراجع عظام دارد و این قشر اثرگذار در جامعه را به گردآمدن تحت پرچم ولی فقیه فرا می‌خواند و می‌نویسد:

> من حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای را خیلی مظلوم و تنها می‌بینم. او نیازمند همراهی و کمک شماست و شما حضرات معظم با بیانتان و دیدارهایتان و حمایت‌هایتان با ایشان می‌بایست جامعه را جهت دهید.[۲]

شهیدسلیمانی افزون بر وصیت‌نامه، در زمان حیات نیز هیچ‌گاه از پشتیبانی و اطاعت از ولی فقیه، کوتاه نیامد. ایشان میان اساتید و نخبگان حوزهٔ علمیهٔ قم بیان می‌کند:

> من در مسائل سیاسی به طرف کسی نمی‌روم و خط من خط رهبری است و آنهایی که می‌گویند ما پیرو خط امام و رهبری هستیم، باید

---

۱. همان، ص ۲۳٤.

۲. همان، ص ۲٤٥.

بدانند که این دو از یکدیگر جدا نیستند... . کسانی که مدعی خط امام هستند، بدانند حمایت از خط امام، همان مسیری است که رهبر معظم انقلاب ترسیم می‌کنند و ما باید از آن تبعیت کنیم و خط ایشان خط امام راحل است.[۱]

این شهید والامقام فقط در گفتار پشتیبان ولی فقیه نبود، بلکه اطاعت‌پذیری و ولایتمداری او در عمل، زبانزد همهٔ نزدیکان و دوستانش بود؛ چنان‌که یکی از هم‌رزمان شهیدسلیمانی می‌گوید:

از ویژگی او، ولایتمداری ایشان است. واقعاً ایشان خود را تربیت‌شدهٔ مکتب ولی فقیه حضرت امام خمینی﵀ و رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی می‌دانست و هیچ کار و مأموریتی را بدون اذن و موافقت ایشان انجام نمی‌داد. یادم نمی‌رود که خود ایشان در دمشق عنوان کردند که برای من ملاک، اوامر آقاست و غیر از خواستهٔ ایشان هیچ کاری را انجام نمی‌دهم. فراموش نمی‌کنیم که حضرت آقا آخرین پیروزی‌ها را در شرق سوریه مقابل با داعش و رسیدن رزمندگان در مرز عراق را پیگیری می‌کردند و او دنبال اجرای این مهم بود. او مبلّغ ولایت در حوزهٔ نظری و عامل به اوامر ولایت فقیه در حوزهٔ عملی بود، واقعاً ولایتمدار عملی بود و این در وصیت‌نامهٔ او کاملاً مصداق دارد و برخورد رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی در پیامشان به ملت ایران، در گریهٔ نماز، در دیدار با مردم قم و همچنین در خطبه‌های نماز جمعه نشان از پیوند عملی و ارادت حاج‌قاسم به ولی فقیه و محبت تمام حضرت آقا با اوست.[۲]

---

1. https://www.mehrnews.com/news/4554913.

۲. محمدرضا فلاح‌زاده (ابوباقر)، «ناگفته‌های سرداری که همپای حاج‌قاسم با داعش جنگید»، همان.

۴-۳-۶. مردم‌دار بودن

شاخص مردم‌دار بودن و توجه به مردم، از آموزه‌های دین اسلام است که در متون دینی، بدان تصریح شده. قرآن مجید از علت‌های اساسی گرایش مردم به اسلام را مدارای رسول الله ﷺ و اخلاق زیبا و برخورد خوب ایشان با مردم می‌داند و می‌فرماید:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (آل عمران: ۱۵۹).

پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پُرمِهر] شدی، و اگر تندخو و سختدل بودی، قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس، از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه، و در کار[ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد.

از آیهٔ پیشین چند نکتهٔ مهم به‌دست می‌آید؛

۱. نرمخو بودن اصلی مهم در اصول اخلاق اسلامی است؛ همان‌گونه که پیامبر اکرم ﷺ در همهٔ عمر پایبند این اصل بود؛

۲. تندخویی و سخت‌دلی پیامدهای ناگواری دارد که پراکندگی مردم از حول پیامبر ﷺ از جمله آنهاست؛

۳. خداوند مصداق‌های مردمداری را گذشت و طلب آمرزش پیامبر ﷺ برای مردم معرفی کرده است؛ اگرچه مردم با او نامهربان باشند؛

۴. از دیگر مصداق‌های مردمداری، مشورت با مردم در امور مختلف

است. جالب آنکه خداوند عزم و توکل برای اجرای امور را پس از مشورت با مردم آورده است.

افزون بر آیات قرآن، سیرهٔ عملی و روایات متعدد از پیامبر گرامی اسلامﷺ و امامان معصومعلیهم‌السلام نیز از اعتقاد ایشان به مردمداری و ارتباط با عامهٔ مردم حکایت می‌کند؛ برای نمونه پیامبر اسلامﷺ در الگودهی عملی و در قالب راهکاری کلی به مسئولان و زمامداران چنین سفارش می‌کند:

انَّکُمْ لَنْ تَسَعُواالنَّاسَ بِامْوالِکُمْ فَسَعُوهُمْ بِاخْلاقِکُمْ.[1]

شما هرگز نمی‌توانید با اموالتان، مردم را زیر پوشش بگیرید، پس با اخلاقتان آنها را پوشش دهید.

امام علیعلیه‌السلام نیز دراین‌باره می‌فرماید:

وَ اعْلَمْ انَّ رَأْسَ الْعَقْلِ بَعْدَ الْایمانِ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مداراةُ النَّاسِ وَ لا خَیْرَ فی مَنْ لایُعاشِرُ بِالْمَعْرُوفِ مَنْ لابُدَّ مِنْ مُعاشَرَتِهِ.[2]

بدان که پس از ایمان به خدای بزرگ، رأس خردمندی مدارا کردن با مردم است و کسی‌که با مردم، به نیکی معاشرت نکند، خیری در او نیست.

امام خمینیره در جایگاه پرنفوذترین رهبران قرن، در سبک مدیریت و نیز سبک زندگی فردی خود، مردم‌دار بود. ایشان در خوانش مردم‌داری حکومتی خود به ایجادنکردن نارضایتی در مردم، عمل به موازین شرعی دربارهٔ مردم [نه براساس مصلحت‌های سلیقه‌ای]، سخت‌گیری‌نکردن با مردم و مشارکت‌دادن

---

۱. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۸، ص ۵۱۳.
۲. همان، ج ۱۲، ص ۲۰۲.

مردم در کارها باور داشت.[۱] امام راحل﵀ در سبک زندگی نیز می‌کوشید مردم‌دار باشد و زندگی بدون تجملات و مشابه مردم را می‌توان نمونهٔ بارز مـردم‌داری او نامید. مرحوم سیداحمد خمینی﵀ تعریف می‌کند:

یـک روز بعـد از ظهـر، حـدود هفـت الـی هشـت موشـک بـه اطـراف جماران اصابت کرد. خدمت امام رفتم و عرض کردم: «اگر یک مرتبـه یکی از موشک‌های ما به کاخ صدام بخورد و صـدام طـوری بشـود مـا چقـدر خوشـحال مـی‌شـدیم، اگـر موشـکی بـه نزدیکـی‌هـای اینجـا ـ جماران ـ بخورد و سقف اینجا پایین بیاید و شما یک طـوری بشـوید چه؟» امام در پاسخ گفتند: «والله قسم، من بین خودم و آن سـپاهی که در سه‌راه بیت است، هیچ امتیاز و فرقی قائل نیستم. والله قسـم، اگر من کشته شوم یا او کشته شود، برای من فرقـی نمـی‌کنـد.» مـن گفتم: «ما که می‌دانیم شما این‌گونـه هسـتید، امـا بـرای مـردم فـرق می‌کند.» امام فرمودند: «نه، مردم باید بدانند اگر من در یـک جـایی بروم که بمب، پاسداران اطراف منزل مرا بکشد و مرا نکشد، من دیگر به درد رهبری این مردم نخواهم خورد. من زمانی می‌تـوانم بـه مـردم خدمت کنم که زندگی‌ام مثل زنـدگی مـردم باشـد. اگـر مـردم یـا ایـن پاسداران یا کسانی‌که در این محل هسـتند یـک طـوری‌شـان بشـود، بگذارید به من هم بشود تا مردم بفهمند همـه درکنـار هـم هسـتیم.» گفـتم: «پـس تـا کـی مـی‌خواهیـد اینجـا بنشـینید؟» بـه پیشـانی

---

۱. عباس شفیعی، «مردم داری در رهبری امـام خمینـی﵀»، پژوهشـنامه متـین، س۸، ش ۳۱ و ۳۲، تابستان و پاییز ۱۳۸۵، ص ۱۵۶.

مبارکشان اشاره‌کردند و فرمودند: «تا زمانی که (ترکش) موشک به اینجا بخورد.»[۱]

مقام معظم رهبری‌دام‌ظله نیز مردم‌داری و گشاده‌رویی در رویارویی با مردم را شرط لازم مسئولیت و خدمتگذاری در نظام اسلامی می‌داند.[۲] معظم له در توضیح شاخص‌های انقلاب اسلامی می‌فرماید:

در کنار ایستادگی بر شعارها و اصول انقلاب اسلامی، مردم‌داری، کار برای مردم، دل‌سوزاندن برای مردم، اهمیت‌دادن به آرا و احساسات مردم از مسائل مهمی است که مسئولان باید به آن توجه جدی کنند.[۳]

مکتب شهیدسلیمانی نیز، که مؤلفه‌های مکتب امامین انقلاب را دارد، دارای شاخص مردم‌داری است. همهٔ کسانی که با سردار دل‌ها ارتباط داشتند، به سیرهٔ ارتباط وثیق همراه با محبت او به مردم گواهی می‌دهند. عشق و علاقهٔ سردارسلیمانی به مردم، در چگونگی مخاطب قراردادن مردم توسط او به‌خوبی آشکار است. آنجاکه در وصیت‌نامهٔ خود می‌نویسد: «برادران و خواهران عزیز ایرانی من، مردم پر افتخار و سربلند که جان من و امثال من، هزاران بار فدای شما باد.»[٤]

---

۱. خبرگزاری دانشجویان ایران، «واکنش امام‌ﷺ به اصابت موشک در اطراف جماران»، دسترسی در: https://www.isna.ir/news/15482، ۲۳ آبان ۱۳۹۹.

۲. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در جلسه با هیئت وزیران در کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۷، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=17689.

۳. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در دیدار با رؤسای سه قوه و مسئولان و مدیران بخش‌های مختلف نظام، ۱۳۸۷/٦/۱۹، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=3782.

٤. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص ۲۳۸.

ایشان در بخش دیگری از وصیت‌نامهٔ خود، احترام و خدمت به مردم را به سیاسیون گوشزد می‌کند و می‌نویسد:

در دورهٔ حکومت و حاکمیت خود در هر مسئولیتی، احترام به مردم و خدمت به آنان را عبادت بدانند.[۱]

خدمت‌رسانی شهیدسلیمانی حد و حصر نداشت؛ برای نمونه از خدمات ماندگار ایشان، که خواستهٔ مردم ایران و آرزوی دیرین آنان بود، فراهم شدن مقدمات زیارت اربعین است و این خواسته با مجاهدت و تلاش سردارسلیمانی و به دلیل اجابت به خواست مردم ایران انجام شد.[۲]

۴-۳-۷. حمایت از مظلومان و مستضعفان

از دیگر شاخص‌های مکتب شهیدسلیمانی، دفاع از مظلومان و مستضعفان است. بستر اصلی این شاخص به شعارهای کلیدی انقلاب اسلامی ایران برمی‌گردد که شهیدسپهبدحاج‌قاسم سلیمانی با نگاه فراملی خود، نقش ارزنده و بی‌نظیری را در اجرای این شعار ایفا کرد.[۳]

در مقدمهٔ قانون اساسی آمده است:

قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی

---

۱. همان، ص ۲٤٤.

۲. «گفت‌وگو با حسن کاظمی‌قمی، سفیر اسبق جمهوری اسلامی در عراق»، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=47302، ۲۰ دی ۱۳۹۹.

۳. سیداصغر جعفری، «شهید سلیمانی و تاثیرگذاری در دفاع از عمق راهبردی انقلاب اسلامی»، دومین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی را با موضوع «مکتب شهید حاج‌قاسم سلیمانی»؛ الگوی تربیت مدیران جهادی تمدن ساز»، دوره ۲، شماره پیاپی ۲، ۱۳۹۹، ص ۱-۲۷، دسترسی در: https://ic2.ihu.ac.ir/article_205943.html.

برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند، به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند: «**إِنَّ هذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً واحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فاعبُدُونَ** (انبیاء: ۹۲)؛ این است امت شما که امتی یگانه است و منم پروردگار شما، پس مرا بپرستید.»[۱]

امام خامنه‌ای دام‌ظله، دراین‌باره می‌فرماید:

ما در حمایت از مظلوم نگاه به مذهب طرف مقابل نمی‌کنیم و نکردیم؛ خط امام بزرگوار این بود. امام همان رفتاری را که با مقاومت شیعه در لبنان داشت، همان رفتار را با مقاومت سنی در فلسطین هم داشت؛ بدون هیچ تفاوتی. ما همان حمایتی را که از برادرانمان در لبنان کردیم، از برادرانمان در غزه هم کردیم؛ بدون هیچ تفاوتی. آنها سنی بودند، اینها شیعه‌اند. مسئله برای ما، دفاع از هویت اسلامی است، حمایت از مظلوم است... مسئله، مسئلهٔ سنی و شیعه و مذهب و مانند اینها نیست؛ مسئله، مسئلهٔ اصول اسلام است: «**کونوا لِلظّالِمِ خَصمًا وَ لِلمَظلُومِ عَونًا**»؛[۲] این دستور اسلام است؛ این راه ماست؛ این خط ماست.[۳]

---

۱. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، دسترسی در: https://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution.

۲. نهج‌البلاغه، همان، نامهٔ ۴۷، «ظالم را دشمن و مظلوم را یار باشید»؛ البته گفتنی است که در نهج‌البلاغه: «کُونَا لِلظّالِمِ خَصْماً وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْناً» ثبت شده است.

۳. بیانات امام خامنه‌ای دام‌ظله در دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹٤/٥/۲٦، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30524.

انتخاب سپهبدسلیمانی در مقام فرمانده سپاه قدس، بهترین گزینه برای عملیاتی‌کردن راهبرد دفاع از مستضعفان بود. مقام معظم رهبری‌دام‌ظله دراین‌باره می‌فرماید:

همهٔ نیروهای مسلح ما از ارتش، سپاه، بسیج زیربنای فکری‌شان هدف‌های الهی است، بدون تردید. امروز در کشور ما مسئله این است. زیربنای فکری همهٔ نیروهای مسلح ما، همین اهداف الهی و بلند است. سپاه قدس یک نیرویی است که با سعهٔ صدر به همه‌جا و همه‌کس نگاه می‌کند. رزمندگان بدون مرزند؛ رزمندگان بدون مرز. رزمندگانی که هرجا نیاز باشد، آنها در آنجا حضور پیدا می‌کنند؛ کرامت مستضعفان را حفظ می‌کنند.[۱]

شهید دلاور سپاه حق، در وصیت‌نامهٔ خود می‌نویسد:

دوست دارم خداوند این قدرت را به من بدهد که بتوانم از تمام مظلومان عالم دفاع کنم. نه برای اسلام عزیز جان بدهم، که جانم قابل آن را ندارد، نه برای شیعه مظلوم که ناقابل‌تر از آنم، نه نه ... بلکه برای آن طفل وحشت‌زدهٔ بی‌پناهی که هیچ ملجئی برایش نیست، برای آن زن بچه به سینه چسباندهٔ هراسان و برای آن آواره در حال فرار و تعقیب، که خطی خون پشت سر خود بر جای گذاشته است، می‌جنگم.[۲]

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در خطبه‌های نماز جمعهٔ تهران، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44695.

۲. «چرا می‌جنگم؟»، ۱۳۹۹/۱۰/۲۰، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=47306.

شهیدسلیمانی، برای عملیاتی کردن این شاخص، اقدام به ایجاد ارتش چند ملیتی متشکل از لشکر فاطمیون، لشکر حیدریون، حشدالشعبی و... کرد که پس از شهادتش همچنان استوار و پابرجاست.

فصل پنجم
تبیین نقش‌های مکتب شهیدسلیمانی

تبیین نقش‌های مکتب تربیتی شهیدسلیمانی از مباحث مهم، کاربردی و راه‌گشا است؛ به این معنا که مکتب شهیدسلیمانی در موقعیت فعلی و آیندهٔ نظام جمهوری اسلامی و حتی جهان اسلام، چه نقش‌های سازندهٔ تربیتی می‌تواند داشته باشد و جهان اسلام، به‌خصوص کشور جمهوری اسلامی چگونه می‌توانند از این مکتب استفاده و بهره‌برداری کنند؟

۵-۱. نقش مکتب شهید سلیمانی در معرفی الگوی سبک زندگی اسلامی

واژهٔ سبک مترادف با کلمهٔ اسلوب درزبان عربی به معنای؛ شیوه، روش، رسم، عادت و... است[۱] و «زندگی» مترادف است با واژگانی مانند زندگانی، زیستن، معاش و حیات که نقیض مرگ و ممات می‌باشد.[۲]

سبک زندگی را می‌توان با رویکردهای مختلفی تحلیل و بررسی کرد.

سبک زندگی با رویکرد جامعه‌شناختی به ابزار و مفهومی که مربوط به رفتار اجتماعی گروه‌ها مانند گروه سرمایه‌داران، دانشمندان، کارگران و... تحلیل می‌شود، اطلاق می‌گردد. سبک زندگی با این رویکرد با طبقات اجتماعی و

---

۱. حسن عمید، همان، ج۲، ص۱۱۶۲.

۲. همان، ص۱۱۱۸.

گروه‌ها و منزلت اجتماعی آنها پیوند دارد.[۱] در رویکرد روان‌شناختی، سبک زندگی به رفتار و هویت فردی تحلیل می‌شود، نه جمعی.[۲]

سبک زندگی در رویکرد اقتصادی براساس نوع مصرف کالاهای مصرفی تک‌تک انسان‌ها یا جامعه تحلیل می‌شود.[۳]

هیچ‌یک ازاین‌رویکردها در مسئلهٔ سبک زندگی تحلیل جامعی به نظر نمی‌رسند؛ زیرا این تحلیل‌ها تک‌بُعدی‌اند و سبک زندگی کامل آن است که به‌صورت نهادینه‌شده و مستمر، هم ابعاد فردی انسان را دربر بگیرد، و هم ابعاد اجتماعی او را؛ ازاین‌رو، به رفتارهای فردی یا اجتماعی موقت و زودگذر، سبک زندگی اطلاق نمی‌شود؛ بلکه به رفتارهای نهادینه‌شدهٔ فردی و اجتماعی و نسبتاً پایدار سبک زندگی گفته می‌شود.

بنابراین مثلاً اگر کسی برای مناسبتی کراوات بزند نمی‌شود گفت سبک پوشش او در زندگی چنین است. بلکه اگر کسی بیشتر اوقات کراوات بزند و آن را نوعی پوشش بداند و به آن پایبند باشد، می‌توان گفت سبک پوشش چنین کسی استفاده از کراوات است. برپایهٔ این توضیح، سبک زندگی اسلامی نیز عبارت است از شیوه و روش نهادینه‌شده و نسبتاً پایدار و مستدام زیستن براساس اسلام و آموزه‌هایش. امام خامنه‌ای دام‌ظله، سبک زندگی را بخش حقیقی تمدن نوین اسلامی می‌داند و در توضیح آن می‌فرماید:

> بخش حقیقی [تمدن نوین اسلامی] آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است...؛ مثل

---

۱. حمید مهدی‌زاده، «بازتبیین سبک زندگی در گستره روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و اسلام»، مجموعه مقالات چهارمین کنگرهٔ بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، تهران، آفتاب توسعه، ۱۳۹۸، ص۴۹.

۲. احمدحسین شریفی، سبک زندگی و هنرهای بی‌زبان انتقال پیام، قم، حسینیه الغدیر، ۱۳۹۸، ص۶.

۳. همان، ص۷.

مسئلهٔ خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئلهٔ خط، مسئلهٔ زبان، مسئلهٔ کسب‌وکار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، [و مانند آن].[۱]

بیانیهٔ گام دوم انقلاب نیز برای چهل سال دوم انقلاب، هفت تکلیف مهم بر دوش ملت و آحاد مردم گذاشته است؛ از علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد گرفته تا سبک زندگی اسلامی و در توضیح سبک زندگی اسلامی آمده است:

تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌هاست.[۲]

وقتی از سبک زندگی اسلامی بحث می‌شود، منظور این است که فرد یا خانواده یا اجتماع زندگی خود را براساس آموزه‌های اسلام پایه‌ریزی، و به‌طور مستدام بر آن روش پافشاری کنند.

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای دام‌ظله در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۴، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252.

۲. بیانات امام خامنه‌ای دام‌ظله در بیانیهٔ گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673.

شهیدسلیمانی سبک زندگی خاصی داشت که برگرفته از سبک زندگی اسلام ناب بود و مکتب او برای سعادت انسان‌ها در سبک زندگی الگو معرفی می‌کند. اکنون سبک زندگی شهید را در سه حوزهٔ فردی، خانوادگی و اجتماعی بررسی می‌کنیم.

۵-۱-۱. حوزهٔ فردی

شهیدسلیمانی در حوزهٔ فردی و مربوط به خود، که از خصوصیات فردی ایشان بود، سبک و روشی مبتنی بر دین اسلام دارد که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود:

الف) سبک زندگی عبادی: همهٔ حرکات و سکنات شهیدسلیمانی از نماز و عبادتش و تلاش‌های شبانه‌روزی و مرگ و زندگی‌اش، همه برای خدا بود و این شیوهٔ زندگی‌کردن الهام‌گرفته از آموزه‌های قرآنی و روایی است که خداوند متعال و اولیای گرامی او فرموده‌اند؛ آنجا که خداوند به عبد صالحش، حضرت ابراهیم﵇، این‌گونه آموخت:

قُلْ إِنَّ صَلَاتِی وَنُسُکِی وَمَحْیَایَ وَمَمَاتِی لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ (انعام: ۱۶۲).

بگو: «درحقیقت، نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من، برای خدا، پروردگار جهانیان است.»

همچنین خداوند در برخی آیات بهترین شیوهٔ زندگی را به انسان می‌آموزد و می‌فرماید:

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (آل‌عمران: ۱۰۲).

ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! آن‌گونه‌که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا بپرهیزید! و از دنیا نروید، مگر اینکه مسلمان باشید! (باید گوهر ایمان را تا پایان عمر، حفظ کنید).

رسول گرامی اسلامﷺ نیز اصحابشان را با این سبک زندگی تربیت می‌کرد، چنان‌که در موعظه‌ای به صحابی صدیق خود، ابوذر غفاری، می‌فرمود:

يَا أَبَا ذَرٍّ لِيَكُنْ لَكَ فِي كُلِ شَيْءٍ نِيَةٌ صَالِحَةٌ حَتَّى فِي النَّوْمِ وَ الْأَكْل.[۱]

ای ابوذر! باید در هر کاری نیتی پاک داشته باشی حتی در خوابیدن و خوردن؛ یعنی به همه کارهایت رنگ خدایی بده؛ چون هیچ رنگی به پای رنگ خدایی نمی‌رسد.[۲]

شهیدحاج‌قاسم سلیمانی نیز چنین تربیت شده بود. او در سلوک فردی خود در همهٔ مراحل زندگی‌اش همهٔ دستورهای شرع از قبیل حرام و حلال را مراعات می‌کرد. همهٔ کارهایش رنگ عبادی داشت؛ همهٔ کارها را مخلصانه برای خدا انجام می‌داد و درپی نام و نشان نبود. او می‌گفت: «باید به این بلوغ برسیم که نباید دیده شویم. آن کس‌که باید ببیند، می‌بیند.»[۳]

ب) سبک زندگی جهادی: الگوی دیگری از سبک زندگی شهیدسلیمانی برای معرفی به جهانیان سبک زندگی جهادی ایشان بود. شهیدسلیمانی عمری در حال جهاد بود و در همهٔ میدان‌ها با اتکای بر خدای متعال پیروز و سربلند بیرون آمد. پیروزی او در جنگ با دشمن بیرونی، مرهون موفقیت او در جهاد با دشمن درون بود.[٤] او در درجهٔ نخست با جهاد اکبر بر دشمن درون پیروز شده،

---

۱. حسن بن فضل طبرسی، مکارم‌الاخلاق، قم، الشریف الرضی، ۱٤۱۲ق، ص٤٦٤.

۲. «صِبْغَةَ اللّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللّهِ صِبْغَةً (بقره: ۱۳۸)؛ این است نگارگری الهی؛ و کیست خوش‌نگارتر از خدا؟»

۳. سایت جهان‌نیوز، «دست‌نوشته‌ای از شهید سلیمانی»، دسترسی در: http://www.jahannews.com/news/746173، ۱٤ اردیبهشت ۱٤۰۰.

٤. امام علیؑ: «مُجَاهَدَةُ النَّفْسِ شِيمَةُ النُّبَلَاء؛ مبارزه کردن با نفس خصلت بزرگ‌منشان است»، (عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، همان، ص۲٤۳).

و سپس با آن پشتوانه در مقابل دشمنان بیرونی شجاعانه ایستادگی می‌کرد و می‌جنگید. درواقع منطق شهدا چنین است: «اگر چنانچه از سیم خاردار می‌خواهی رد شوی، اول باید از سیم خاردار نفْست عبور کنی.»[1] عبور از سیم‌خاردار نفس، همان مبارزه با نفس و جهاد اکبر است که شهیدسلیمانی در آن پیروز شد و از آن عبور کرد.

سبک شهیدسلیمانی در عرصهٔ جهاد، سبک مسلمان ناب و الگوگرفته از مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام بود. او هرگز به سبک ژنرال‌های بیگانه با اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام مبارزه نمی‌کرد، بلکه سبک او الهام‌یافته از سبک زندگی جهادی امام حسین علیه‌السلام بود که در ظهر روز عاشورا نماز را بر جنگ مقدم، و نماز را در اول وقت اقامه می‌کرد.[2]

پ) سبک زندگی شهدایی: الگوی دیگر از سبک زندگی شهیدسلیمانی برای مجاهدان در راه خدا، زندگی به سبک شهداست. شهیدسلیمانی عاشق شهادت بود و در انتظار آن شب و روز را می‌گذراند و همواره مشتاقانه در پی آن بود و مصداق بارز آیهٔ شریفهٔ قرآن بود که می‌فرماید:

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا (احزاب: ۲۳).

از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آنچه با خدا عهد بستند، صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیده خود را] تبدیل نکردند.

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای دام‌ظله در دیدار با دست‌اندرکاران راهیان نور، ۱۳۹۵/۱۲/۱۶، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=35917.

۲. علی بن موسی ابن طاووس، الملهوف علی قتلی الطفوف، دارالاسوه، ۱٤۱۷ق، ص۱٦۵.

شهید سلیمانی شهیدانه زیست. زیست شهیدانه؛ یعنی انسان مثل شهدا بر دنیا و مظاهر آن پوزخند بزند و با زهد و پارسایی و بی‌رغبتی به مظاهر دنیا و با تلاش خستگی‌ناپذیر و ساده‌زیستی و اسیر لذات دنیا نشدن زندگی کند و سربلند بیرون آید و ایشان این‌گونه بود. منطق شهیدسلیمانی چنین بود:

> شرط شهید شدن، شهید بودن است. اگر امروز بوی شهید از رفتار و اخلاق کسی استشمام شد، شهادت نصیبش می‌شود. تمام شهدا دارای این مشخصه بودند.[۱]

برادر شهیدسلیمانی دربارهٔ عشق‌ورزی این شهید عزیز به شهادت می‌گوید:

> حاجی عاشق شهادت بود و برای رسیدن به این آرزو ضجه می‌زد. خدا می‌داند که چقدر عاشق إرباً إرباً شدن بود و دوست داشت در آتش کینهٔ دشمنان دین خدا بسوزد، اینها در دل‌نوشته‌هایش برای دوستان و فرزندانش موجود است.[۲]

فرازی از آخرین دست‌نوشتهٔ شهیدسلیمانی پیش از شهادت مؤید شهیدانه زیستن اوست:

> خداوندا، مرا بپذیر! خداوندا، عاشق دیدارتم، همان دیداری که موسی را ناتوان از ایستادن و نفس کشیدن نمود. خداوندا، مرا پاکیزه بپذیر! الحمدلله رب العالمین. خداوندا، مرا پاکیزه بپذیر![۳]

---

۱. قاسم سلیمانی، «سخنرانی کوتاه از سپهبد شهید حاج‌قاسم سلیمانی با موضوع شرط شهید شدن»، دسترسی در: http://sokhanrani.iranseda.ir/detailsAlbum/?VALID=TRUE&g=295956، ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۰.

۲. سهراب سلیمانی، «ناگفته‌های سبک زندگی «حاج قاسم» از زبان برادرش»، دسترسی در: https://www.mashreghnews.ir/news/1163317، ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۰.

۳. قاسم سلیمانی، «آخرین دست نوشته سردار سلیمانی»، دسترسی در: https://parstoday.com/dari/news/iran-i102521، ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۰.

افزون بر اینکه سبک زندگی شهیدسلیمانی سبک شهیدانه بود، ایشان عاشق شهدا نیز بود. او تأکید می‌کرد: «اگر هر روز صد تا صلوات برای شهدا نفرستیم، به آنها جفا کردیم و ایشان خودش پایبند بود بر اینکه برای شهدا صلوات بفرستد.»[۱] این عمل شهیدسلیمانی درس بزرگی برای همه ماست تا بتوانیم شهیدانه زندگی کنیم و احترام به شهدا را جزو زندگی شخصی خود قرار دهیم و قدردان آنان باشیم و زندگی خود را براساس آن تنظیم کنم.

ت) سبک زندگی ولایی: شهیدسلیمانی انسانی ولایی بود؛ به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام ارادت قلبی وافری داشت و اهل ذکر و توسل و اشک و آه بود. او خود را مرید اهل بیت علیهم‌السلام و ریزه‌خوار سفرهٔ آن بزرگواران می‌دانست.

شهیدسلیمانی مصداق این سخن امام صادق علیه‌السلام است که می‌فرماید: «[شیعیان ما] با خوشی ما شادمان، و با ناراحتی ما اندوهگین‌اند.»[۲] منزل شخصی شهید در کرمان سال‌ها محل عزاداری اهل بیت علیهم‌السلام، به‌خصوص حضرت زهرا علیهاالسلام بود.[۳] او هرساله ایام فاطمیه در منزل خود ده شب روضه می‌گرفت.

وقتی وارد مجلس عزای اهل بیت علیهم‌السلام می‌شد، بی‌کار نمی‌نشست؛ بلکه در تدارکات و پشتیبانی کمک می‌کرد و می‌کوشید کارهای سخت یا کارهایی را که

---

۱. سعدالله زارعی، «جنبه‌های انسانی مکتب شهید سلیمانی»، گفتار پژوهی مکتب شهید سلیمانی، ۱۳۹۹، ص٤.

۲. علی استرآبادی، تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، قم، مؤسسة‌النشرالاسلامی، ١٤٠٩ق، ص٦٤١.

۳. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ١٤٢.

دیگران انجام نمی‌دادند، انجام دهد؛ چنان‌که گاهی سرویس‌های بهداشتی را تمیز می‌کرد و یک بار پس از ۴۵ دقیقه آمد و نفس راحتی کشید و گفت: «آخیش منم تونستم به عزاداری حضرت زهراؑ یه خدمتی بکنم.»[۱]

شهیدسلیمانی در راستای عشق‌ورزی به اهل بیتؑ به ولایت فقیه نیز عشق می‌ورزید و بر مدار ولایت فقیه حرکت می‌کرد، او خیمهٔ ولایت فقیه را خیمهٔ رسول‌الله می‌دانست. در وصیت‌نامه‌اش نیز سفارش می‌کند:

> برادران و خواهرانم! جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ رهبری متصل و منصوب شرعی و فقهی به معصوم. خوب می‌دانید منزه‌ترین عالِم دین، که جهان را تکان داد و اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخهٔ نجات‌بخش این امت قرار داد؛ لذا چه شما که به عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید، و چه شما که به عنوان سنی اعتقاد عقلی دارید، بدانید [باید] به دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمهٔ ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمهٔ رسول‌الله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش‌زدن و ویران‌کردن این خیمه است. دور آن بچرخید. والله والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت‌الله الحرام و مدینه، حرم رسول الله، و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی‌ماند؛ قرآن آسیب می‌بینند.[۲]

شهیدسلیمانی در فراز دیگری از وصیت‌نامهٔ خود ولی‌فقیه را از اصول می‌داند و می‌نویسد:

---

۱. همان، ص۱۷۶.
۲. همان، ص۲۳۸.

از اصول مراقبت کنید. اصول یعنی ولی فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه‌ای عزیز را عزیزِ جان خود بدانید. حرمت او را حرمتِ مقدسات بدانید.[۱]

۵-۱-۲. حوزهٔ خانواده

سبک زندگی خانوادگی شهیدسلیمانی برپایهٔ بندگی، ساده‌زیستی و دوری از تجملات و اشرافی‌گری، ولایت‌محوری و ارادت به اهل بیت علیهم‌السلام استوار بود که در اینجا به برخی از ابعاد سبک زندگی خانوادگی شهید، اشاره می‌شود:

الف) ساده‌زیستی:

زندگی ساده‌ای داشت با حداقل امکانات؛ می‌توانست از راه مشروع بسی بیشتر داشته باشد، اما نمی‌خواست، از تجملات به دور بود و از تشریفات بیزار؛ به‌راحتی در مجالس مختلف حضور می‌یافت؛ رسم خاکساری پیشه کرده بود؛ در وجود باصفا و نورانی‌اش هیچ نشانه‌ای از تکبر و تبختر و خودبزرگ‌بینی یافت نمی‌شد.[۲]

برادر شهیدسلیمانی دربارهٔ ساده‌زیستی ایشان می‌گوید:

وسایل منزل او شاید مربوط به بیست سال قبل باشند و افرادی که به منزل این شهید عزیز آمدند، این را تأیید می‌نمایند. حتی مبل‌های منزل در دو مرحله تعمیر شدند؛ زیرا ایشان هرگز حاضر به تغییر وضعیت و سبک زندگی در سطح معمولی و رو به بالا نبود. با حقوق

---

۱. همان.

۲. دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور، «حاج‌قاسم را با این ۲۵ ویژگی بشناسید»، دسترسی در: https://www.mashreghnews.ir/news/1039839، ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۰.

سپاه زندگی می‌کرد و هرگز هیچ درآمدی خارج از حقوق سپاه نداشت و خانواده هم به این شرایط قانع بودند.[۱]

شهیدسلیمانی نقل می‌کند: «قبل از اینکه به تهران بیایم، در منزل مبل نداشتیم. وقتی خواستم مبل تهیه نمایم، رفتم منطقهٔ یافت‌آباد تهران یک دست مبل سیصدهزارتومانی خریدم.»[۲]

او درس ساده‌زیستی را از مکتب امیرمؤمنان﵇ آموخته بودچنانکه آن حضرت می‌فرماید:

اگر می‌خواستم هر آینه می‌توانستم به عسل مصفا، و مغز این گندم، و بافته‌های ابریشم راه برم؛ اما چه بعید است که هوای نفسم بر من غلبه کند، و حرصم مرا به انتخاب غذاهای لذیذ وادار کند؛ درحالی‌که شاید در حجاز یا یمامه کسی زندگی کند که برای او امیدی به یک قرص نان نیست و سیری شکم را به یاد نداشته باشد.[۳]

ب) صیانت از خانواده: شهیدسلیمانی در پاسداری از حریم خانواده بسیار دقت می‌کرد. حتی دربارهٔ مهدکودک نوه‌هایش نیز احساس مسئولیت می‌کرد.

---

۱. سهراب سلیمانی، «ناگفته‌های سبک زندگی «حاج قاسم» از زبان برادرش»، همان.

۲. سهراب سلیمانی، «سبک ساده زندگی حاج قاسم سلیمانی»، دسترسی در: https://fa.alkawthartv.com/news/263343، ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۰.

۳. لَوْ شِئْتُ لَاهْتَدَيتُ الطَّرِيقَ إِلَى مُصَفّى هَذَا الْعَسَلِ وَ لُبَابِ هَذَا الْقَمْحِ وَ نَسَائِجِ هَذَا الْقَزِّ وَ لَكِنْ هَيهَاتَ أَنْ يغْلِبَنِي هَوَايَ وَ يقُودَنِي جَشَعِي إِلَى تَخَيرِ الْأَطْعِمَةِ وَ لَعَلَّ بِالْحِجَازِ أَوْ الْيَمَامَةِ مَنْ لاطَمَعَ لَهُ فِي الْقُرْصِ وَ لاعَهْدَ لَهُ بِالشِّبَعِ.(محمد بن حسین شریف الرضی، نهج‌البلاغه، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق، نامهٔ ۴۵، ص ۴۱۷)

برادرش می‌گوید:

به یاد دارم چند ماه قبل از شهادت، سرزده به مهدکودکی که نوه‌های دوقلویش حضور داشتند، مراجعه کرد و از مربیان مهد، احوال بچه‌ها را جویا شد و ازآنجایی‌که همه ایشان را می‌شناسند، این اقدام باعث تعجب مربیان آن مهد شد.[۱]

حتی اگر نوه‌هایشان احیاناً به درمان در بیمارستان نیاز داشتند، خودش همراهی‌شان می‌کرد و در بیمارستان حاضر می‌شد. چنان‌که پزشک معالج نوه‌های دوقلویشان می‌گوید:

حال بچه‌ها خوب شد و از بیمارستان مرخص شدند؛ اما من توفیق پیدا کردم که یک‌بار دیگر در مطب، پذیرای سردار باشم. خانواده‌دوستی حاج‌قاسم برای من خیلی جالب بود. با مشغلهٔ فراوانی که داشتند و مسئولیت‌های مهم و سنگینشان، برای اطمینان از سلامت نوه‌ها چندبار به بیمارستان آمدند و وقتی هم که بچه‌ها از بیمارستان مرخص شدند، همراه دوقلوها به مطب آمدند. آن روز مطب خیلی شلوغ بود، شلوغ‌تر از همیشه. بعد از ورود سردار به مطب، منشی من را خبردار کرد و از اتاق بیرون آمدم. سلام و احوال‌پرسی و راهنمایی‌شان کردم به داخل اتاق؛ ایشان یکی از نوه‌ها را در آغوش گرفته بودند و بفرمای من را قبول نکردند و گفتند: «به خانم منشی سپردم اسم ما را در نوبت ویزیت بگذارد. منتظر می‌مانیم تا نوبتمان بشود.» من شرمنده شدم و حرفی برای گفتن باقی نماند. سردار مثل بقیهٔ بیماران در مطب نشستند تا نوبتشان

---

۱. سهراب سلیمانی، «ناگفته‌های سبک زندگی «حاج قاسم» از زبان برادرش»، همان.

شود. دوقلوها را ویزیت کردم و لحظهٔ آخر اجازه خواستم عکس یادگاری با ایشان داشته باشم.[۱]

شهیدسلیمانی برای تربیت فرزندان نیز بسیار احساس مسئولیت می‌کرد. برادرش دراین‌زمینه می‌گوید:

برادر من به فرزندان خود عشق می‌ورزید و آنها را ولایی و دوستدار اهل بیت‌ﷺ تربیت کرد، نسبت به مسائل و اوضاع روز بسیار حساس بود و مراقبت می‌کرد که خدای نکرده آسیبی به بچه‌ها نرسد، حتی در زمان تحصیل از دبستان تا اتمام دانشگاه سعی می‌کرد حداقل سالی دوبار شخصاً به محل تحصیل بچه‌ها برود و در جریان وضعیت تحصیلی فرزندانش قرار گیرد.[۲]

اینکه انسان در اوج داشتن مسئولیتی چنین خطیر، که ذهن، وقت و توان انسان را مصروف خود می‌کند، مراقب باشد تا به خواسته‌های عاطفی خانواده، بستگان و خویشاوندان و دوستان و آشنایان بی‌توجه نباشد، حقیقتاً بسیار ستودنی، و الگوی بی‌بدیل برای الگوبرداری است. البته شهیدسلیمانی فقط درپی تأمین خواسته‌های عاطفی خانواده نبود، بلکه به سلامت مالی خانواده نیز توجه داشت. برادرِ شهیدسلیمانی دراین‌باره می‌گوید:

حاج‌قاسم خیلی وقت نمی‌کند به خانواده برسد؛ اما بسیار آدم عاطفی است و حتی تا زمانی‌که نسبت به مسائل زندگی من اطمینان پیدا نکرد، مرا رها نکرد، مدام من را کنترل می‌کرد چون

---

۱. محمد ترکمن، «روزی که سردار سلیمانی صاحب نوه‌های دوقلو شد»، دسترسی در: https://www.khabaronline.ir/news/1340050، ۲۳ اسفند ۱۳۹۹.

۲. سهراب سلیمانی، «ناگفته‌های سبک زندگی «حاج قاسم» از زبان برادرش»، همان.

من در سازمان زندان‌ها کار می‌کردم و با زندانیان در ارتباط بودم، حتی اگر یک موتور می‌خریدم تا اطمینان پیدا نمی‌کرد که چگونه آن را تهیه کرده‌ام، راحت نمی‌شد، شاید به نوعی تمام زندگی اطرافیان ما را زیر نظر داشت تا خدای ناکرده به راه کج و آلوده کشیده نشویم.[۱]

پ) تکریم والدین: شهیدسلیمانی احترام خاصی برای پدر و مادر قائل بود. نقل می‌کنند زمانی که شهیدسلیمانی در سوریه یا لبنان بود؛ هر شب با پدر و مادرش تماس می‌گرفت و از پشت تلفن جویای احوالشان بود و با این تماس‌ها پدر و مادر خود را دلخوش می‌کرد.[۲] شاید رمز موفقیت وی همین باشد. فردی از هم‌رزمانش دراین‌باره می‌گوید:

امروز سردار سلیمانی اگر اجازه سخن داشته باشد، به من و شما می‌گوید احترام پدر و مادر خود داشته باشید و ایشان در همین دو سه سال اخیر (پس از رحلت مادر) پدر عزیز خود را با این همه مشغله حمام می‌برد و خشک می‌کرد و لباس ایشان را می‌پوشید و پتو و بالشت می‌گذاشت تا پدر خود را بخواباند و پیشانی و دست‌وپای پدر خود را می‌بوسید.[۳]

شهیدسلیمانی بسیار به مادرش علاقه‌مند بود و از آرزوهایش بود که پای مادرش را ببوسد. خودش نقل می‌کرد:

---

۱. سهراب سلیمانی، «سردار سلیمانی چگونه زندگی می‌کند؟»، دسترسی در: https://nahad.qiau.ac.ir/index.aspx?key=docs&id=2536، ۲۵ بهمن ۱۳۹۹.

۲. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص۱۰٦.

۳. محمدرضا حسنی سعدی، همان.

همیشه دلم می‌خواست کف پای مادرم را ببوسم و نمی‌دانم که چرا این توفیق نصیبم نمی‌شد. آخرین بار قبل از مرگ مادرم که اینجا(خانه پدری) آمدم بالاخره سعادت پیدا کردم و کف پای مادرم را بوسیدم. با خودم فکر می‌کردم که حتماً رفتنی‌ام که خدا توفیق داد و این حاجتم برآورده شد.[۱]

همچنین می‌گوید: «نمی‌دانستم دیگر این پاهای خسته را نخواهم دید تا فرصت بوسیدن داشته باشم.»[۲]

برادر شهیدسلیمانی نیز دربارهٔ تکریم این شهید عزیز به والدین می‌گوید:

حاجی به لحاظ حل مشکلات اقتصادی مجبور به مهاجرت به کرمان شد؛ اما نسبت به پدر و مادر عشق می‌ورزید و سعی می‌کرد علی‌رغم مشغله‌های کاری از اوضاع و احوال اقوام و پدر و مادر غافل نشود. همیشه در اولین فرصتی که به دست می‌آورد به پدر و مادر سر می‌زد و احترام خاصی برای آنان قائل بود و معتقد بود که یکی از دلائل اینکه خداوند روزیش را خدمت به اسلام و مسلمین و مظلومان جهان قرار داده، دعای پدر و مادر، لقمهٔ حلال و دینداری آنها بوده است.[۳]

ت) ارتباط با اقوام و خویشان: شهیدسلیمانی برای اقوام و خویشان احترام خاصی قائل بود و هرگاه فرصتی به دست می‌آورد، حتماً به آنها سرکشی می‌کرد و جویای حالشان بود و به صلهٔ ارحام بسیار اهمیت می‌داد. برادر شهیدسلیمانی می‌گوید: «معمولاً [شهید سلیمانی] جمعه‌ها اگر منزل بود، همهٔ

---

۱. سیدعبدالمجید کریمی، رفیق خوشبخت ما، مشهد، زائر رضوی، ۱۳۹۹، ص۴۸.

۲. همان.

۳. سهراب سلیمانی، «ناگفته‌های سبک زندگی «حاج قاسم» از زبان برادرش»، همان.

اقوام نزدیک، که در تهران ساکن هستند، در منزل ایشان جمع می‌شدند تا ناهار را با هم صرف کنند.»[1]

۵-۱-۳. حوزهٔ اجتماعی

شهیدسلیمانی طوری میان مردم زندگی کرد که مولایش فرمود:

خَالِطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنْ مِتُّمْ مَعَهَا بَكَوْا عَلَيْكُمْ، وَ إِنْ عِشْتُمْ حَنُّوا إِلَيْكُمْ.[2]

با مردم به‌گونه‌ای بیامیزید، که اگر بمیرید، بر شما بگریند و اگر بمانید با شما دوستی کنند.

کلام امیرمؤمنان﵇ این نکته را بیان می‌کند که پیوند محبت و دوستی را از طریق رفتار خوب و خدمت به مردم چنان محکم کنید که شما را به‌منزلهٔ نزدیک‌ترین عزیزان خود بدانند؛ هرگاه از میان آنها بروید، جای شما میان آنها خالی باشد؛ ولی همواره در دل از شما یاد کنند و بر عواطف و محبت‌هایی که به آنها داشتید، اشک بریزند و در حال حیات پروانه‌وار گرد شما بگردند و از معاشرت با شما لذت ببرند.

در اینجا برخی ابعاد سبک زندگی اجتماعی شهیدسلیمانی را بررسی می‌کنیم.

الف) تواضع: اگرچه شهیدسلیمانی جامع همهٔ صفات خوب بود، اما تواضع ایشان بارزترین ویژگی میان دیگر ویژگی‌های اجتماعی ایشان بود. ایشان بسیار ساده و خاکی بود؛ با همهٔ مردم، به‌خصوص همکاران و زیردستان در سازمان، برادرانه، دوستانه و دلسوزانه رفتار می‌کرد و همیشه می‌کوشید راحتی

---

۱. همان.

۲. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج‌البلاغه، تحقیق صبحی صالح، همان، نامهٔ ۷۹.

همکارانش را بر راحتی خود ترجیح دهد[۱] و برای سلامتی و حفظ جان آنان از جان، آبرو و حیثیت خود مایه بگذارد.[۲] رفتار او با دیگران به جایگاه اجتماعی افراد ربطی نداشت؛ همان رفتاری که با مردم عادی داشت، با مسئولان نیز همان‌گونه رفتار می‌کرد.

شهیدسلیمانی به دوستان خود می‌گفت: «اگر به من قاسم بگن، از حاج‌قاسم راحت‌ترم. به من سردار نگید، قاسم صدام بزنید. من چوپان بودم، بچه عشایری بودم، یادم نره!»[۳]

یکی از هم‌رزمانش می‌گوید:

> تواضع و افتادگی این سرباز فداکار اسلام زبانزد خاص و عام بود؛ به عنوان مثال هر زمانی که نیرویی قصد ملاقات با سردار را داشتند، بلند می‌شد، دست او را می‌گرفت و به داخل چادر یا سنگر فرماندهی هدایت می‌کرد.[٤]

ب) خدمت صادقانه: شهیدسلیمانی همیشه عاشق خدمت بود و هرگز بر قدرت تکیه نکرد و به آن دل نبست. هرجا نیاز به خدمت‌رسانی بود، صادقانه و بدون‌هیچ چشم‌داشتی آنجا حضور می‌یافت. خواه مبارزه و جنگ با تکفیری‌ها در سوریه یا عراق باشد یا کمک‌رسانی به زلزله‌زدگان بم یا دستگیری از سیل‌زدگان خوزستان یا هرجای دیگر. تحقیقات میدانی نشان می‌دهد او دفتر و میز کار ثابت نداشت، بلکه هرجا به او نیاز بود، همان‌جا دفتر کارش بود. فردی

---

۱. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص۳۳.

۲. همان، ص۳٦.

۳. همان، ص۹۸.

٤. محمدرضا فلاح زاده، «ناگفته‌های معاون هماهنگ کننده سپاه قدس از شهید سلیمانی»، همان.

از هم‌رزمان شهیدسلیمانی دربارهٔ خدمت‌رسانی این شهید عزیز در ماجرای زلزلهٔ بم می‌گوید:

> من از نزدیک شاهد ایثارگری حاج‌قاسم بودم که مجروحانی را که از زیرآوار بیرون آورده بودند، روی دست و شانه خود با سختی و مشقت از پله‌های هواپیما بالا می‌برد، حتی شب نمی‌خوابید و خدمت بزرگ و ماندگاری به بازماندگان زلزله بم داشت.[۱]

همچنین دیده می‌شود که سردارسلیمانی در بحبوبهٔ تحولات منطقه و درگیری با تکفیری‌های داعش، برای کمک به مردم گرفتار در سیل صادقانه در خوزستان حضور یافت و با بسیج نیروهای حشدالشعبی، برای کمک به مردم وارد میدان شد که مرهمی بود بر زخم‌های مردم خوزستان که بیشتر دارایی‌شان را در این حوادث از دست دادند.[۲]

سیدحسن نصرالله نقل می‌کند که شهیدسلیمانی هیچ‌گاه به زبان نیاورده بود که ما به شما (حزب‌الله لبنان) کمک کردیم؛ بلکه همیشه می‌گفت:

> من خدمتگزار شما هستم و این عبارت در میان همگان اعم از لبنانی‌ها، عراقی‌ها و سوری‌ها معروف است که می‌گفت: «من خدمتگزار شما هستم. چه خدمتی می‌توانیم بکنم.»[۳]

شهیدسلیمانی با این همه خدمات ارزشمند و صادقانه به ملت‌ها، هرگز

---

۱. محمد رئوفی، «روایتی شنیدنی از استاندار اسبق کرمان از حاج قاسم»، دسترسی در: https://www.borna.news، ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۰.

۲. خبرگزاری تسنیم، «راز محبوبیت حاج‌قاسم در خوزستان»، دسترسی در: https://www.tasnimnews.com/fa/news/2422570، ۱۲ دی ۱۳۹۹.

۳. سیدحسن نصرالله، «سخنرانی در هفتمین روز شهادت شهید سلیمانی»، دسترسی در: https://www.iribnews.ir/fa/news/2619716، ٤ بهمن ۱۳۹۹.

خود را طلبکار آنها ندانست؛ بلکه این کمک‌ها را وظیفهٔ خود می‌دانست.

پ) سرباز رهبر و حامی نظام‌بودن: شهیدسلیمانی خود را سرباز رهبر و ولی‌فقیه می‌دانست و همواره حامی و پشتیبان نظام جمهوری اسلامی بود.

حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی برای شهیدحاج‌قاسم در اولویت، و برای آن دغدغه‌مند بود؛ چنان‌که در وصیت‌نامهٔ خود دربارهٔ نظام جمهوری اسلامی ایران می‌نویسد:

> امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمّدی.

در فراز دیگری رهبری و ولایت فقیه را خیمهٔ رسول الله می‌داند و می‌گوید:

> اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش‌زدن و ویران‌کردن این خیمه است؛ دور آن بچرخید؛ والله والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت‌الله الحرام و مدینه، حرم رسول‌الله، و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی‌ماند؛ قرآن آسیب می‌بیند.[1]

شهیدسلیمانی در بخش دیگری از وصیت‌نامه‌اش خطاب به مراجع معظم تقلید، حفظ نظام جمهوری اسلامی را یادآوری می‌کند و می‌نویسد:

> سربازتان از یک برج دیدبانی دید که اگر این نظام آسیب ببیند، دین و آنچه از ارزش‌های آن [که] شما در حوزه‌ها استخوان خُرد کرده‌اید و زحمت کشیده‌اید، از بین می‌رود. این دوره‌ها با همهٔ دوره‌ها

---

۱. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص۲۳۷.

متفاوت است. این بار اگر مسلط شدند، از اسلام چیزی باقی نمی‌ماند. راه صحیح، حمایت بدون هرگونه ملاحظه از انقلاب، جمهوری اسلامی و ولی فقیه است.[۱]

شهیدسلیمانی به جریان‌های سیاسی اعم از اصلاح‌طلب و اصول‌گرا هشدار می‌دهد که در منازعات سیاسی و مناظراتشان مواظب باشند تا به اصول انقلاب و ارزش‌های دینی آسیب نرسانند؛ زیرا آسیب به ارزش‌ها و اصول موجب تأذی نبی مکرم اسلامﷺ و شهدا می‌شود و اگر می‌خواهید با هم باشید، شرطش توافق و بیان صریح حول اصول است و اصول نیز چند چیز بیشتر نیست:

۱. اعتقاد عملی به ولایت فقیه؛ یعنی اینکه نصیحت ولی فقیه را بشنوید، با جان و دل به توصیه و تذکرات او، یعنی طبیب حقیقی شرعی و علمی، عمل کنید؛

۲. اعتقاد حقیقی به جمهوری اسلامی و آنچه مبنای آن بوده است، از اخلاق و ارزش‌ها تا مسئولیت‌ها؛ چه مسئولیت در قبال ملت، و چه در قبال اسلام؛

۳. به‌کارگیری افراد پاک‌دست و معتقد و خدمتگزار به ملت، نه افرادی که حتی اگر به میز یک دهستان هم برسند، خاطرهٔ خان‌های سابق را تداعی می‌کنند؛

۴. مقابله با فساد و دوری از فساد و تجملات را شیوه خود قرار دهند؛

۵. در دورهٔ حکومت و حاکمیت خود در هر مسئولیتی، احترام به مردم و خدمت به آنان را عبادت بداند و خود خدمتگزار واقعی و توسعه‌گر ارزش‌ها باشد، نه با توجیهات واهی، ارزش‌ها را بایکوت کند.[۲]

ت) حافظ امنیت: شهیدسلیمانی پس از دفاع مقدس هشت‌ساله علیه

---

۱. همان، ص۲۴۵.

۲. همان، ص۲۴۳.

بعثی‌ها، امنیت را در منطقهٔ جنوب شرق کشور برقرار، و آن منطقه را از اشرار پاک‌سازی کرد و سپس به فرماندهی نیروی قدس منصوب شد و در رأس جبههٔ مقاومت قرار گرفت. شهیدسلیمانی در این برهه از خدمت، با داعشی‌های تکفیری مواجه شد که جز با کشتن انسان‌های بی‌گناه راضی نمی‌شدند که باعث شد این شهید عزیز برای تأمین امنیت در منطقه، مردم آن دیار را بسیج کند تا مقابل این جریان بایستند و مبارزه کنند. اگر ایشان و نیروهای تحت امرشان با داعشی‌های تکفیری در آن‌سوی مرزها نمی‌جنگیدند، قطعاً داعش وارد کشور جمهوری اسلامی می‌شد و امنیت ما را به خطر می‌انداخت و مجبور می‌شدیم در داخل کشور با آنها مبارزه کنیم و فرمودهٔ رهبر معظم انقلاب‌دام‌ظله، دربارهٔ شهدای مدافعان حرم مؤید آن است. ایشان می‌فرماید:

> اگر اینها مبارزه نمی‌کردند، این دشمن می‌آمد داخل کشور... اگر جلویش گرفته نمی‌شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استان‌ها با اینها می‌جنگیدیم و جلوی اینها را می‌گرفتیم.[۱]

براساس گفتهٔ زینب سلیمانی، دختر آن شهید والامقام، در عملیات آزادسازی شهر آمرلی و در پاسخ به این پرسش که چرا در میادین جنگ حضور دارد و این مسئله خطرناک است، گفته بود: «نمی‌تواند نسبت به زنان و کودکانی که در محاصره‌اند و جانشان در خطر است، بی‌اعتنا باشد.» او می‌گفت: «چگونه از من می‌خواهید که نروم؟! این جوانان مظلوم، گرفتار شده‌اند. آنها بعد از خدا امیدشان به من است. چگونه نروم؟» همچنین شهیدسلیمانی می‌گفت:

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم، ۱۳۹٤/۱۱/۵، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=32186.

آنها منتظرند من بروم و به آنها کمک کنم. وقتی می‌بینم هر زن آواره‌ای از این جنگ رنج می‌برد، یاد دخترم زینب می‌افتم ... اینها مثل فرزندان من هستند. وظیفهٔ من است که بروم، و من نمی‌توانم بمانم.[۱]

درمجموع سبک زندگی شهیدسلیمانی در حوزهٔ اجتماعی را می‌توان براساس جذب حداکثری همراه با مردم‌داری و تکریم آنان جمع‌بندی کرد؛ زیرا سبک شهیدسلیمانی در این حوزه همراه رویش و زایش بود و موجب ازدیاد یاران می‌شد.

۵-۲. نقش مکتب شهید سلیمانی در سلوک جهادی و عرفانی

شیوهٔ رفتاری مکتب شهیدسلیمانی در عرصهٔ جهاد و عرفان می‌تواند در رفتار و سلوک جهادی و عرفانی نسل کنونی و آیندهٔ به خصوص آنهایی که از نظر زمان نتوانستند این خصوصیات شهیدسلیمانی را درک کنند، اثرگذار باشد. البته باید توجه داشت که جهاد شهیدسلیمانی همراه با عرفان توأمان بود؛ زیرا انگیزهٔ جهاد و دفاع در پرتو اعتقاد و عشق صادقانه به خدای متعال بارور می‌شود؛ جوهر مقاومت و حماسه نیز با تجلی قدرت در اراده و قلب انسان مجاهد تکوّن می‌یابد. باید پذیرفت که هویت جهادی در فرهنگ اسلام فقط در مدار عرفان، ایمان و توکل به خدا تحقق می‌یابد و شهیدسلیمانی این‌گونه بود.

اکنون برخی مظاهر سلوک جهادی و عرفانی شهیدسلیمانی را بیان می‌کنیم.

۵-۲-۱. مظاهر سلوک جهادی شهیدسلیمانی

در این کتاب منظور از سلوک جهادی، رفتار و روشی است که شهیدسلیمانی در عرصهٔ جهاد و میدان دفاع آن را به کار می‌برد.

---

۱. زینب سلیمانی، «پدرم خود را سرباز مردم ایران و رهبری می‌دانست»، دسترسی در: https://www.mehrnews.com/news/5108249، ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۰.

برخی مظاهر سلوک جهادی شهیدسلیمانی عبارت است از:

الف) حضور در خط‌مقدم: معمولاً در دنیا رسم است که فرماندهان بالادستی و ژنرال‌ها در خط مقدم جبهه، و نبرد تن‌به‌تن با دشمن حضور نمی‌یابند؛ بلکه از فرسنگ‌ها دورتر از خط مقدم جنگ را فرماندهی می‌کنند، اما شهیدسلیمانی برخلاف فرماندهان متعارف دنیا عمل می‌کرد و خود پیش از دیگر مجاهدان حرکت می‌کرد و در میدان جهاد حضور می‌یافت:[۱]

«هیچ وقت نشد که حاج‌قاسم سلیمانی، به نیروهایش بگوید جلو بروید. اول خودش جلو می‌رفت و بعد به رزمنده‌ها می‌گفت بیایید.»[۲]

بر مجاهدان و فرماندهان جهادی اسلام لازم است که این‌گونه رفتار جهادی را سرمشق خود قرار دهند تا بتوانند مجاهدانی در تراز شهیدسلیمانی باشند.

ب) استفاده از دانش دفاعی: از دیگر مظاهر سلوک جهادی شهیدسلیمانی استفاده از دانش دفاعی بود؛ شهیدسلیمانی به دانش رزم و جهاد در میدان نبرد، به‌صورت کاربردی و عملیاتی نیز مسلط بود. فردی از هم‌رزمان شهیدسلیمانی می‌گوید:

> شهیدسلیمانی صاحب تفکر و نظر در حوزهٔ استراتژیک بود. او مباحث حوزهٔ نظامی، سیاسی و اقتصادی را خیلی خوب تجزیه، تحلیل و نتیجه‌گیری، و براساس آن برنامه‌ریزی می‌کرد. در عین اینکه یک استراتژیست بود، در حوزهٔ تاکتیک واقعاً صاحب‌نظر و از تجربه چهل‌سالهٔ جهاد و نبرد برخوردار بود که در هر جبهه‌ای حاضر

---

۱. سعدالله زارعی، «جنبه‌های انسانی مکتب شهید سلیمانی»، همان، ص۱۱٤.
۲. همان، ص۱۱٦.

می‌شد، با بررسی وضعیت زمین، دشمن و توانمندی خودش، بهترین نظر و طرح و جمع‌بندی عملیاتی را ارائه می‌کرد؛ به عنوان مثال در جبهه‌های غوطهٔ شرقی و غربی حلب حاضر شد و عملیات‌های دفاعی ـ هجومی را طرح‌ریزی کرد و با آزادسازی مناطق مختلف حران عوامید، ملیحه و فروسیه، دیر عصافیر، عذرا، دوما و دیگر مناطق باعث توقف پیشروی دشمن و جلوگیری از سقوط دمشق شد. در جبههٔ حماه حاضر شد و با شناخت دقیق تکِ اصلی دشمن، باعث توقف منجر به تأمین راه، دسترسی به حلب و آزادسازی منطقهٔ شمال حماه مانند معروس، صوران، خطاب، لطامنه، طیبه‌الامام، زین‌العابدین، حلفایا و ... شد.[۱]

راز موفقیت شهیدسلیمانی دراین‌زمینه کسب تجربه در دست‌کم سه میدان اصلی رزم است؛ هشت سال دفاع مقدس، میدان مبارزه با اشرار و همچنین در جبههٔ مقاومت. این پیشینه و تعهد و دلدادگی به اسلام توانست، از شهیدسلیمانی فرماندهی بسازد که در قلب‌های امت اسلامی جا داشته باشد و دشمن به احترام او از جا برخیزد.[۲] نقل شده است فردی از مسئولان خارجی می‌گفت:

سلیمانی فرماندهی بود که مثل الماس می‌درخشید. در تاکتیک‌های جنگی بی‌نظیر بود. ما افتخار می‌کردیم که یکی از ژنرال‌های ما بود. مشکل حاج‌قاسم این بود که او از ما نبود.[۳]

---

۱. محمدرضا فلاح‌زاده(ابوباقر)، «ناگفته‌های سرداری که همپای حاج‌قاسم با داعش جنگید»، همان.
۲. سعدالله زارعی، «جنبه‌های انسانی مکتب شهید سلیمانی»، همان، ص۹۳.
۳. دکتر امین‌زاده، «دستاوردهای شهیدسلیمانی در جبهه جنوب شرق کشور»، گفتارپژوهی مکتب شهیدسلیمانی، ۱۳۹۹، ص۱۲.

این سبک و رفتار شهیدسلیمانی به رزمندگان و مجاهدان در راه خدا چنین پیامی می‌دهد، افزون بر تعهد دینی و اعتقادی، لازم است از علم و دانش در رزم و جهاد استفاده کنند تا بر دشمن غلبه یابند.

پ) داشتن روحیهٔ سلحشوری: سلحشوری به معنای دلاوری، جنگندگی و شجاعت[۱] از خصوصیات و رفتار جهادی شهیدسلیمانی بود. این خصوصیت شهیدسلیمانی افزون بر اینکه در قرارگاه‌ها برای فرماندهی و هدایت عملیات‌ها به اثبات رسید، در خطوط مقدم جبهه نیز اثبات شده بود؛ ایشان در خطوط مقدم حاضر می‌شد بدون اینکه هیچ‌گونه رعب و ترسی از دشمن در دل خود داشته باشد. شهیدسلیمانی سخنان امام علی﵇ را با همهٔ وجود باور داشت و به کار می‌بست:

> اگر کوه‌ها متزلزل شود تو تکان مخور، دندان‌هایت را به هم بفشار و جمجمهٔ خویش را به خدا عاریت ده، قدم‌هایت را بر زمین میخکوب کن، و نگاهت به آخر لشگر دشمن باشد، چشمت را فرو گیر(و مرعوب نفرات و تجهیزات دشمن مشو) و بدان که نصرت و پیروزی از سوی خداوند سبحان است.[۲]

سیدحسن نصرالله می‌گوید:

> سال ۲۰۰۶م که تجاوز به لبنان آغاز شد، حاج‌قاسم تهران بود، به شام (سوریه) آمد و با ما تماس گرفت و گفت: «می‌خواهم به بیروت

---

۱. حسن عمید، همان، ص۱۲۲۱.

۲ . تَزُولُ الْجِبَالُ وَ لَا تَزُلْ عَضَّ عَلَى نَاجِذِكَ أَعِرِ اللَّهَ جُمْجُمَتَكَ تِدْ فِي الْأَرْضِ قَدَمَكَ ارْمِ بِبَصَرِكَ أَقْصَى الْقَوْمِ وَ غُضَّ بَصَرَكَ وَ اعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ سُبْحَانَه.(محمد بن حسین شریف الرضی، نهج‌البلاغه، همان، خطبهٔ ۱۲، ص۵۵.)

بیایم.» گفتیم: «حاجی چگونه می‌خواهی به بیروت بیایی. راه‌ها و پل‌ها بمباران می‌شود و اصلاً امکان ندارد.» گفت: «من این چیزها را نمی‌فهمم، طاقت نمی‌آورم در تهران یا دمشق بمانم. باید پیش شما بیایم.» برادران را فرستادیم تا حاج‌قاسم را به حومهٔ جنوبی نزد ما بیاورند.[۱]

تحقیق میدانی و پرس‌وجو از هم‌رزمان شهیدسلیمانی گواه بر این است که ایشان در صحنه‌های نبرد بسیار شجاع، باتدبیر و سلحشور بوده است.[۲] شهیدسلیمانی همواره شجاعت را، با تدبیر همراه می‌کرد؛ چنان‌که مقام معظم رهبری‌دام‌ظله دراین‌باره می‌فرماید: «شهیدسلیمانی، هم شجاع بود، هم با تدبیر بود.»[۳]

فردی از فضلای حوزهٔ علمیهٔ قم به نقل از شخصی که در جنگ سوریه حضور داشت، نقل می‌کند:

زمانی که حرم مطهر حضرت زینب ﷺ در معرض حملهٔ داعش قرار گرفت و گروه تروریستی داعش از اطراف خود را به حرم نزدیک، و مناطقی از آن را گلوله باران می‌کردند، ما در حرم حدود پانزده نفر بودیم که باید دفاع می‌کردیم. با تمام وجود تلاش و تا صبح مقاومت کردیم و دشمن نتوانست جلو بیاید، اما صبح آن شب، تمام منطقه در حلقهٔ محاصره داعش قرار گرفت و نزدیک بود سقوط کند. در آن

---

۱. سیدحسن نصرالله، «سخنرانی به مناسبت هفتمین روز شهادت حاج‌قاسم سلیمانی»، همان.
۲. سید علی بنی‌لوحی، همان، ص ۱۸۶ و ۲۰۹.
۳. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در دیدار با مردم قم، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44628.

هنگامهٔ جنگ دو ماشین نظامی حلقهٔ محاصره را شکستند و خود را به در رساندند و گفتند: «در را باز کنید.» از شجاعت آنها تعجب کردیم که در میان آتش وارد حرم شده بودند. در را که باز کردیم، سردار سلیمانی را با حدود چهارده نیرو دیدیم که از این حلقهٔ آتش خود را وارد حرم کرده و فرماندهی را به دست گرفتند و تدابیر و برنامه‌ریزی‌هایی کرد که توانستیم حرم را از دست ارتش داعش نجات بدهیم.[۱]

ت) داشتن نظم و انضباط: سبک زندگی شهیدسلیمانی در عرصهٔ جهاد، مبتنی بر نظم و انضباط بود. ایشان در برنامه‌ریزی‌ها بسیار منضبط بودند و در جلسات به‌موقع حضور می‌یافتند.[۲] گاهی برای شرکت در جلسه‌ای مهم از دمشق به تهران می‌آمد و پس از شرکت در آن مستقیماً به فرودگاه می‌رفت و عازم دمشق می‌شد، بسیار دقیق و وظیفه‌شناس بود.

در اهمیت نظم و انضباط همین بس که امام علی﵇ در وصیت به فرزندانش امام حسن﵇ و امام حسین﵇ بر آن تأکید می‌کند، می‌فرماید:

أُوصِيكُمَا وَ جَمِيعَ وَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُم.[۳]

شما و همه فرزندانم و هرکه نامه‌ام بدو رسد، به ترس از خدا و نظم در کارهایتان، سفارش می‌کنم.

امام‌خمینی﵀، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، نیز بر نظم تأکید داشت و

---

۱. محمدحسن زمانی، «روایتی از شجاعت حاج‌قاسم در شکستن محاصرهٔ حرم حضرت زینب﵄»، https://www.mashreghnews.ir/news/10386، ۱۶ بهمن ۱۳۹۸.

۲. علی شیرازی، «سبک زندگی اسلامی در مکتب شهید سلیمانی»، گفتارپژوهی‌های مکتب شهید سلیمانی،۱۳۹۹، ص۷.

۳. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج‌البلاغه، همان، نامهٔ ٤٧، ص٤٢١.

می‌فرمود: «البته باید همهٔ امور بر نظام و نظم باشد،... حفظ نظم از واجبات الهی است.»[۱]

ث) سرعت عمل و به‌هنگام: ماهیت جهاد و مبارزه‌ای که شهیدسلیمانی در آن وارد شده بود، چنان بود که باید چون صاعقه بر سر دشمن غدار فرود می‌آمد. گفت‌وگوی مسئولان منطقه با شهیدسلیمانی و خبر نزدیکی داعش به آنان و استمداد از او و حضور برق‌آسایش در میانهٔ میدان، در کمترین زمان ممکن و شکستن محاصره‌ای که داعش حلقه آن را دمادم تنگ‌تر می‌کرد، فقط یکی از خاطرات ماندگاری است که مسئولان منطقه از آن با شگفتی یاد می‌کنند.[۲]

شهیدسلیمانی هرگز در دفاع از مظلوم و سرکوب ظالم درنگ نکرد و با سرعت عمل و آتش‌به‌اختیار عمل می‌کرد و در وصیت خود خطاب به نیروهای مسلح چنین می‌نویسد:

> شناخت به‌موقع از دشمن و اهداف و سیاست‌های او و اخذ تصمیم به‌موقع و عمل به‌موقع؛ هریک از اینها اگر در غیر وقت خود صورت گیرد، بر پیروزی شما اثر جدی دارد.[۳]

البته سرعت عمل شهیدسلیمانی همواره با تدبیر و عقلانیت همراه بوده است و هیچ‌گاه بدون تدبیر عمل نمی‌کرد که می‌تواند الگوی خوبی برای سرعت عمل داشتن مسئولان و مجاهدان در دستگیری از مردم و دفاع از مظلوم باشد.

۵-۲-۲. مظاهر سلوک عرفانی شهیدسلیمانی

منظور از سلوک عرفانی در این پژوهش، همان رفتار و روش معنوی است که

---

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفهٔ امام، همان، ج۱۳، ص۱۱٤.
۲. سیدعلی بنی‌لوحی، همان، ص۲۱۳-۲۱٤.
۳. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص۲٤٤.

شهیدسلیمانی در همهٔ دوران زندگی خود، به‌خصوص در عرصهٔ جهاد و میدان دفاع آن را به کار می‌برد.

برخی مظاهر سلوک عرفانی شهیدسلیمانی عبارت است از:

الف) یادخدا: شهیدسلیمانی مصداق کسانی است که خداوند دربارهٔ آنان می‌فرماید:

رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ (نور: ۳۷).

مردانی که نه تجارت و نه دادوستدی، آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و دادن زکات، به خود مشغول نمی‌دارد، و از روزی که دل‌ها و دیده‌ها در آن زیرورو می‌شود، می‌هراسند.

ایشان در همه حال به یاد خدا بود و یاد خدا فقط بر زبان او جاری، یا بر قلب او حاکم نبود، بلکه همهٔ حرکات و سکنات او بر مبنای یاد خدا بود؛ ازاین‌رو طمأنینهٔ خاصی داشت؛[1] و هرگز گرفتار اضطراب نمی‌شد. حجت‌الاسلام و المسلمین علی شیرازی، مسئول دفتر نمایندگی ولی‌فقیه وقت سپاه قدس، می‌گوید:

هیچ‌گاه نشد سردارسلیمانی حین عملیات و در مواجهه با بحران‌ها کنترل خود را از دست بدهد و نتواند درست تصمیم بگیرد؛ هیچ بحرانی نتوانست ایشان را دچار مشکل کند، برای همین در اوج بحران‌ها و مشکلات عاقلانه و مدبرانه تصمیم می‌گرفت.[2]

---

۱. «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (رعد: ۲۸)؛ آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد!»

۲. علی شیرازی، «سیرهٔ شهیدسلیمانی تفسیر ناب ولایتمداری است»، دسترسی در: https://www.mehrnews.com/news/5110695، ۱ خرداد ۱۴۰۰.

ب) نماز و تهجد عارفانه: شهیدسلیمانی شور و حالی عارفانه داشت و مصداق رزمندگانی بود که در احادیث از آنها به «**رُهبانٌ باللَّیلِ اُسْدٌ بالنَّهارِ**؛[1] راهبان شب و شیران روز» یاد شده است. او شب‌زنده‌داری را مرکبی رهوار برای رسیدن به لقای الهی می‌دانست؛ چنان‌که امام حسن عسکری﵇ فرمود:

إِنَّ الْوُصُولَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ سَفَرٌ لَا يُدْرَكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ.[2]

رسیدن به خداوند عزوجل سفری است که جز با مرکب راهوار شب‌زنده‌داری به دست نمی‌آید.

فردی از هم‌رزمانش نقل می‌کند:

طی سال‌ها رفاقت با حاج‌قاسم هیچ‌وقت ندیدم نماز شب شهیدسلیمانی قطع شود. آن‌هم نه نماز شبی عادی، نماز شب‌های او همیشه با ناله و اشک و اندوه به درگاه خدا بود. من با شهیدسلیمانی رفت‌وآمد داشتم حتی بارها در منزلشان خوابیدم، اتاق مهمانان با اتاق حاج‌قاسم فاصله داشت؛ اما من با اشک‌ها و صدای ناله‌های او برای نماز بیدار می‌شدم.[3]

تربیت‌شدگان شهیدسلیمانی نیز شور و حالی عارفانه داشتند و اهل تهجد و رازونیاز و اشک و آه بودند؛ چنان‌که مسئول اسبق دفتر نمایندگی ولی‌فقیه در نیروی قدس می‌گوید:

قبل از عملیات کربلای ۵ قبل از عملیات بود که به اتفاق حاج‌قاسم

---

۱. محمدعلی کراجکی، همان، ج۱، ص۸۸.

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، همان، ج۷۵، ص۳۸۰.

۳. حسین معروفی، «ناگفته‌های یک سردار از نماز شب‌های حاج‌قاسم»، دسترسی در: https://www.mashreghnews.ir/news.

رفتیم سری به گردان زدیم که حاج‌قاسم از حاج‌احمد[۱] وضعیت گردان را جویا شد که گفت: «خیلی خوب!» حاج‌قاسم گفت: «چطور؟ گفت: بچه‌ها خوب گریه می‌کنند و نماز شبشان برقرار است و همه‌شان امام حسینی هستند.»... بعد از دوشب از پایان شب عملیات، فرمانده گردان را در منطقه دیدم... گفتم: «دیشب وضعیت بچه‌ها در عملیات چطور بود؟» گفت: «حاج آقا به‌خدا وقتی با بچه‌ها رفتیم داخل آب، یک مقدار که گذشت دقت کردم دیدم بچه‌ها روی آب دارند نماز شبشان رو می‌خوانند، و خیلی از بچه‌ها شب شهادتشان هم و در حین شهادت هم نماز شبشان را فراموش نمی‌کردند.» خاصیت گردان حاج‌قاسم در این نماز شب‌ها بود. این گریهٔ حاج‌قاسم همه‌جا بود، حتی در نماز شب‌ها بود.[۲]

راز توأمانی جهاد و عرفان در مکتب شهیدسلیمانی آن است که وقتی هدف، قرب به خدا باشد، جهاد و عرفان همچون دو بال قدرتمند به مدد انسان می‌آیند و سبب اوج‌گیری وی می‌شوند و او را به مقصدش نزدیک می‌کنند.

پ) ایثار و نثار: «ایثار» به معنای تقدم دیگران در برخورداری از مواهب دنیایی مانند راحتی و آسایش و... است؛ درحالی‌که خود به آن محتاج می‌باشد. «نثار» نیز تقدیم کردن جان برای دیگران جهت رسیدن به محبوب خود اطلاق می‌گردد[۳] که هر دو از جلوه‌های سلوک عرفانی شهیدسلیمانی محسوب می‌شوند.

---

۱. یکی از فرماندهان گردان لشکر ۴۱ ثارالله در دوران دفاع مقدس.

۲. اسماعیل سعادت نژاد، «شاخص‌های فرهنگی در مکتب شهید سلیمانی»، مجموعهٔ گفتارپژوهی‌های مکتب شهید سلیمانی، دسترسی در: http://www.ihu.ac.ir/news/news/1411.

۳ . عبدالله جوادی آملی، حماسه و عرفان، قم، اسراء، ۱۳۷۷، ص۲۴۶.

شهیدسلیمانی در موقعیتی که خود به استراحت نیاز داشت و به حضور در سوریه و عراق ملزم نبود؛ با ایثارگری خود، کمک‌رسانی به ملت‌های در بند منطقه را بر خوشی خود مقدم داشت و وارد عرصهٔ جهاد با تکفیری‌های داعش شد تا مردم از شر آنان در امان باشند.

شهیدسلیمانی برای خوشی دیگران و برقراری امنیت در منطقه، حتی از جان خود نیز مایه گذاشت و آن را نثار کرد. شهید عزیز سلیمانی جان‌نثاری را از اصحاب با وفای امام حسین﵇ آموخته بود.

ت) اخلاص: از دیگر مظاهر عرفانی شهیدسلیمانی اخلاص است. اخلاص، معیار ارزش هرکاری محسوب می‌شود و مقامی از مقامات مقربان الهی و هدف دین است.

همهٔ اعمال و حرکات شهیدسلیمانی همراه با اخلاص بود. بنابراین می‌توان گفت از رفتارهای عرفانی شهیدسلیمانی که می‌تواند بر شکل‌گیری رفتار عرفانی ـ جهادی نسل‌های آینده نقش داشته باشد، دوری ایشان از تظاهر و خودنمایی در عمل است؛ یعنی ایشان اهل خودنمایی نبودند و هیچ‌گاه اعمال جهادی و غیر جهادی خود را برای نشان‌دادن خود در منظر دیگران به نمایش نمی‌گذاشت، بلکه همهٔ اعمال و رفتار جهادی خود را خالصانه و برای رضای خدا انجام می‌داد. ایشان هرگز به خود اجازه نمی‌داد که عملی را برای نشان‌دادن دیگران انجام دهد و همواره تأکید می‌کرد تا من زنده هستم، کسی حق ندارد درباره‌ام صحبت کند.[1] شخصی خطاب به شهیدسلیمانی می‌گوید: «حاجی چیزی برایم بنویس که یادگاری بماند.» حاجی دست به قلم می‌شود و مطالبی

---

۱. احمد کریمخانی، «منطق رفتارسیاسی شهید سلیمانی»، گفتارپژوهی‌های مکتب شهید سلیمانی، ۱۳۹۹، ص۲.

را یادآوری می‌نگارد؛ ازجمله: «اخلاص، اخلاص، اخلاص؛ یعنی گفتن، انجام‌دادن و یا ندادن برای خدا»؛[۱] ازاین‌رو، می‌توان گفت: «هویت اصلی سلوک [عرفانی] مکتب شهیدسلیمانی برای خدا بودن است.»[۲] چون شهیدسلیمانی برای خدا بود، خدا هم با او شد[۳] و او را در جوار خود پذیرفت. شهیدسلیمانی افزون بر اینکه در این دنیا دنبال شهرت و مقام نبود، حتی برای بعد از این دنیا نیز می‌خواست بدون عنوان و جایگاه باشد؛ چنان‌که سفارش کرده بود: «فقط عنوان سربازقاسم سلیمانی روی سنگ قبرم نوشته شود.»[٤] این نوع رفتار خالصانهٔ شهیدسلیمانی الگوی خوبی است برای افرادی که درپی الگوی سلوک عرفانی و معنوی‌اند.

چنان عنصر اخلاص در زندگی حاج‌قاسم حل شده بود که دوست نداشت هیچ کاری را بدون قصد نیت و قرب به محبوب انجام دهد و این شاخص دینی او را چنان کرده بود که هرگز درپی تعریف و تمجید دیگران نبود. کمتر انسانی را می‌توان یافت که چنین بر نفس خود تسلط داشته باشد که در گرو پست و مقام و جایگاه مادی نباشد و فقط به یک افق چشم بدوزد و فقط یک آرزو را در سربپروراند.

این شاخص دینی و اخلاقی برگرفته از زندگی الگوهای صادقی است که خدای متعال ایشان چنین وصف، و از ایشان تمجید فرموده است: «**إِنَّما**

---

۱. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص۱۲۹.

۲. محمدجواد رودگر، همان، ص٦٤.

۳. محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)، شرح اصول‌الکافی، تهران، مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳، ج۱، ص۳۷۲.

٤. خبرگزاری بسیج، دسترسی در: https://basijnews.ir/fa/news، ١٦ آذر ١٣٩٩.

نُطْعِمُکُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لا نُرِیدُ مِنْکُمْ جَزاءً وَ لا شُکُورا (انسان: ۹)؛ ما برای خشنودی خداست که به شما می‌خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم.»

انسان مخلص منتظر تقدیر و تشکر دیگران نیست؛ زیرا او کارش را فقط برای رضایت باری تعالی انجام می‌دهد. هنر سردارسلیمانی ساماندهی همهٔ کارهای زندگی براساس محور اخلاص بود و راز موفقیت در کار تشکیلاتی و جهادی نیز بر مدار و محور اخلاص می‌چرخد.[۱]

ث) توکل: توکل به خدا از دیگر مظاهر سلوک عرفانی شهیدسلیمانی بود. «توکل» به معنای اعتماد و تکیه بر خداست و اینکه انسان به خود و نیروها و توانمندی‌های خود یا دیگران اعتمادی نداشته باشد.[۲]

شهیدسلیمانی به‌شدت به خدا اعتماد داشت و خدا را یگانه تکیه‌گاه خود می‌دانست؛ ازاین‌رو در زندگی او غیر از خدا چیزی وجود نداشت.[۳]

فردی از هم‌رزمان شهیدسلیمانی می‌گوید: «حاج‌قاسم توکل عجیبی به خداوند و نصرت الهی داشت.»[٤]

ج) شوق لقاءالله: شهیدسلیمانی سال‌های طولانی در میدان جهاد به‌دنبال شهادت بود و به هر انسان اهل دلی می‌رسید، سفارش می‌کرد برای شهادتش

---

۱. راسخون، «اصول کار جهادی در سلوک سردار سلیمانی»، دسترسی در: https://rasekhoon.net/article/show/1559179، ۱ خرداد ۱٤۰۰.

۲. عبدالله جوادی‌آملی، حماسه و عرفان، قم، اسراء، ۱۳۷۷، ص ۲٤۹.

۳. محمدرضا فلاح زاده، «توکل، ولایتمداری و اخلاص موجب عزتمندی سردار سلیمانی شد»، دسترسی در: https://yazd.iqna.ir/fa/news/3875245، ۳ خرداد ۱٤۰۰.

٤. محمدرضا فلاح‌زاده (ابوباقر)، «ناگفته‌های سرداری که همپای حاج قاسم با داعش جنگید»، همان.

دعا کنند.[۱] نقل می‌کنند این شهید عزیز چند ماه پیش از شهادتش روی میز خود، یادداشتی به این مضمون نوشته بود: «ان‌شاءالله خداوند شهادتم را به دست بدترین دشمنان دین قرار دهد.»[۲] خداوند نیز دعای او را مستجاب کرد و عامل شهادتش را از شقی‌ترین انسان‌های روی زمین قرار داد. عشق‌ورزی شهیدسلیمانی به شهادت، برگرفته از کلام نورانی امام علی﵇ است که می‌فرمود:

> به خدا سوگند! اگر نبود امید من به شهادت در میدان جنگ با دشمن ـ البته اگر چنین مقدر باشد ـ هر آینه بر مرکب خویش می‌نشستم و تا باد شمال و جنوب می‌وزد، به سراغ شما نمی‌آمدم.[۳]

نهراسیدن شهیدسلیمانی از مرگ در مسیر مبارزه با استکبار و تروریست‌های تکفیری و هر لحظه آرزوی شهادت داشتن را باید نماد آزادمنشی و بندگی مجاهدانه میان نسل کنونی و نسل‌های آینده و نیز کتب درسی ثبت و ضبط کرد تا تاریخ این مرزوبوم از داشتن، چنین اسطوره‌ای بر خود ببالد؛ بر خود ببالد که فردی از پرورش‌یافتگان مکتب امام خمینی﵀ و امام خامنه‌ای﵀ چنین دنیا را تکان داد و در آخرین ساعات عمر با برکتش با دست‌نوشته‌ای کوتاه و مثل همیشه بی‌ریا از سوز دل استغاثه می‌کند: «خداوندا، مرا بپذیر! خداوندا، عاشق

---

۱. سید عبدالمجید کریمی، همان، ص۷۳.

۲. احمد کریمخانی، همان، ص٤.

۳. وَ اللَّهِ لَوْ لَا رَجَائِی الشَّهَادَةَ عِنْدَ لِقَائِی الْعَدُوَّ وَ لَوْ قَدْ حُمَّ لِی لِقَاؤُهُ لَقَرَّبْتُ رِكَابِی ثُمَّ شَخَصْتُ عَنْكُمْ فَلَا أَطْلُبُكُمْ مَا اخْتَلَفَ جَنُوبٌ وَ شَمَال.)محمد بن حسین شریف الرضی، نهج‌البلاغه، همان، خطبهٔ ۱۱۹، ص۱۷٦.)

دیدارتم؛ همان دیداری که موسی را ناتوان از ایستادن و نفس‌کشیدن نمود! خداوندا، مرا پاکیزه بپذیر!»[۱]

۵-۳. نقش مکتب شهید سلیمانی در تربیت مدیران جهادی تمدن‌ساز

مدیر جهادی، مدیری است که بتواند مجموعهٔ تحت امر خود را در عرصه‌های مختلف، اعم از علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، دفاعی و... با انگیزهٔ الهی و خدمت‌رسانی به انسان‌ها و همچنین دستیابی به اهداف والا مانند تحقق تمدن نوین اسلامی و رفع موانع موجود، مدیریت کند. با این وصف، اهمیت تربیت مدیر جهادی برای مدیریت جامعهٔ اسلامی امری عقلایی و بدیهی است؛ چنان‌که مقام معظم رهبری دام‌ظله بر آن تأکید می‌کند و می‌فرماید:

> باید مدیریت جهادی را بر دیوان‌سالاری‌های فرسوده ترجیح بدهیم؛ این یکی از اولویت‌های ماست... مسئولین کشور در قوه مجریه، در قوه قضائیه، در بخش‌های مختلف، مدیریت جهادی را دنبال بکنند. مدیریت جهادی به معنای بی‌انضباطی نیست؛ پُرکاری، باتدبیر حرکت‌کردن، شب‌وروز نشناختن و دنبال کار را گرفتن... است.[۲]

طبیعی است که جهت تربیت مدیر جهادی و تمدن‌ساز و همچنین عملیاتی کردن بیانات امام‌خامنه‌ای دام‌ظله، به الگوی مدیریت جهادی و تمدن‌ساز نیاز است تا با اثرپذیری از او بتوان مدیران جهادی و تراز انقلاب اسلامی تربیت

---

۱. «ماجرای آخرین دست نوشته سردار سلیمانی ساعاتی قبل از شهادت»، دسترسی در: https://www.mehrnews.com/news.

۲. بیانات امام خامنه‌ای دام‌ظله در دیدار بامردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۶/۱۱/۲۹، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=38975.

کرد؛ ازاین‌رو مکتب شهیدسلیمانی با توجه به ویژگی‌هایی که دراین‌زمینه دارد، می‌تواند اثرگذار باشد و برای تربیت مدیران جهادی نقش‌آفرینی کند.

راز اثرگذاری مکتب شهیدسلیمانی در تربیت مدیران جهادی تمدن‌ساز آن است که سبک و روش مدیریتی شهیدسلیمانی، چه در هشت سال دفاع مقدس و، چه پس ازآن و همچنین در جبههٔ مقامت از نوع مدیریت جهادی بود. مدیران جهادی تمدن‌سازِ متأثر از مکتب شهیدسلیمانی، ویژگی‌هایی دارند که برخی از آنها چنین است:

۵-۳-۱. ویژگی‌های ارزشی مدیر جهادی

از معیارهای سنجش و ارزیابی مدیر جهادی و تمدن‌ساز، ویژگی‌های ارزشی اوست که اشاره می‌کنیم.

الف) ایمان عمیق: از ویژگی‌های ارزشی مدیر جهادی داشتن ایمان قوی و عمیق به خدا است. اگر مدیری ایمان راسخ به خدا و قدرت خدا نداشته باشد و به دین خدا پایبند نباشد، نمی‌تواند مدیر جهادی باشد؛ زیرا مدیریت جهادی با آموزه‌های دین ممزوج و همراه است و مدیر جهادی با توجه به باوری که به خدا دارد، عاشق دستورهای دین در خدمت‌رسانی به انسان‌هاست و هرگز برای انجام‌دادن وظیفه احساس خستگی نمی‌کند و همیشه باانگیزه و بانشاط است.

ب) توکل به خدا: مدیر جهادی هنگام انجام‌دادن کارهای سخت، روحیهٔ خود را حفظ می‌کند و در مسیر اجرای فرمان الهی، کار را با توکل و تکیه به خدا انجام می‌دهد و هرگز خسته و افسرده و مأیوس نمی‌شود و سختی‌های بزرگ، او را متزلزل نمی‌کند. امام علی﵇ می‌فرماید:

کسی‌که بر خدا توکل کند، ناهمواری‌ها و سختی‌ها بر او هموار، و

دستیابی به ابزار و امکانات رسیدن به هدف برای او آسان می‌شود.[۱]

مقام معظم رهبری‌دام‌ظله نیز دراین‌باره می‌فرماید:

> هرچه ... توکل ما به خدا بیشتر باشد، کار بهتر پیش خواهد رفت. خطاست اگر تصور کنیم بدون تکیه به قدرت الهی، بدون استمداد از قدرت الهی، خواهیم توانست قدمی از قدم برداریم. کار بابرکت، آن کاری است که همراه باشد با روحیهٔ اخلاص و توان‌طلبی و استغاثه به پروردگار.[۲]

پ) تعهد: تعهد در انجام‌دادن وظیفه از دیگر ویژگی‌های ارزشی مدیر جهادی است. شهیدسلیمانی در انجام‌دادن وظیفهٔ خود بسیار متعهد بود و به شایستگی آن را به سرانجام می‌رساند.

ت) احساس تکلیف: احساس تکلیف از ویژگی‌هایی است که مدیر جهادی باید آن را داشته باشد؛ یعنی وی انجام‌دادن هر کار یا پذیرش هر مسئولیت در حد توانش را وظیفه و تکلیف بداند و خود را در قبال آن مکلف و پاسخگو بداند؛ نه از باب منت و غیر مسئولانه بخواهد کاری انجام دهد یا مسئولیتی را بپذیرد و درنتیجه خود را طلبکار مردم بداند. خلاصه اینکه مدیر جهادی کسی است که اگر انجام‌دادن کاری را سخت و بدون متولی بداند و انجام‌نگرفتن آن نیز برای جامعه خسارت داشته باشد؛ از باب احساس تکلیف و به‌صورت آتش‌به‌اختیار برای انجام‌دادنش داوطلب می‌شود و آن را به سرانجام می‌رساند.

---

۱. علی بن محمد لیثی واسطی، همان، ص۴۲۶.

۲. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در دیدار با سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور، ۱۳۹۰/۱۰/۷، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19872

ث) توجه به آرمان‌های انقلاب: توجه و ایمان داشتن به آرمان‌های انقلاب اسلامی از ویژگی‌های ارزشی مدیر جهادی است. راز لزوم توجه مدیر جهادی به آرمان‌های انقلاب این است که هرگاه در دوراهی منافع شخصی و منافع انقلاب، گرفتار شد، با این ویژگی منافع انقلاب را بر منافع خود مقدم می‌دارد. اما اگر به آرمان‌های انقلاب توجه و ایمان نداشته باشد، درصورت تعارض منافع، ممکن است منافعش را بر منافع انقلاب مقدم بدارد که با مدیریت جهادی تمدن‌ساز سازگاری ندارد. شهیدسلیمانی نیز به ایمان‌مداری و توجه به آرمان‌های انقلاب اسلامی، منافع انقلاب را بر منافع شخصی خود ترجیح داد و در مقام مجاهدی خستگی‌ناپذیر تا آخرین لحظه در بیرون مرزها از انقلاب اسلامی دفاع، و سرانجام جان خود را در این مسیر اهدا کرد.

۵-۳-۲. ویژگی‌های‌شخصیتی مدیر جهادی

از معیارهای سنجش و ارزیابی مدیر جهادی و تمدن‌ساز، ویژگی‌های شخصیتی اوست که نمونه‌هایی از آن بیان می‌شود.

الف) اعتماد به نفس: اعتماد به نفس از ویژگی‌های شخصیتی مدیر جهادی تمدن‌ساز است؛ یعنی مدیر جهادی هنگام انجام‌دادن کارهای مهم هیچ‌گاه اندیشه‌هایی را مانند ما نمی‌توانیم، کار ما نیست یا باید از کشورهای غربی بخواهیم برای ما انجام دهند، نمی‌پذیرد. قرآن کریم دربارهٔ اعتماد به خویش می‌فرماید: «**وَلا تَهِنوا وَلا تَحزَنوا وَأَنتُمُ الأَعلَونَ إِن كُنتُم مُؤمِنينَ** (آل‌عمران: ۱۳۹)؛ و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید.»

امام خامنه‌ای دام‌ظله، دربارهٔ اعتماد به نفس می‌فرماید: «همان‌طور که امام فرمودند ما می‌توانیم، باید عزم داشته باشیم، عزم ملی و مدیریت جهادی

می‌تواند همهٔ این گره‌ها را باز کند.»[۱] مدیر جهادی با توجه به اعتماد بـه نفـس و امیدداشتن به استعدادها و نیروهای کشور و با استمداد از خداونـد متعـال وارد عمل می‌شود.

ب) عزم و همت بزرگ: عزم و همت بزرگ از ویژگی‌های شخصـیتی مـدیر جهادی است؛ به این معنا که مدیر جهـادی هنگـام انجـام‌دادن مأموریـت ارادهٔ قوی دارد و مصمم است و می‌داند ارزش هر فرد به‌قدر اراده و همت اوست. هر قدر فرد بلندهمت‌تر باشد، ارزشش افزون‌تر اسـت و بـرعکس. چنـان‌کـه امـام علی﵇ می‌فرماید: «قدر و ارزش هر انسانی به‌قدر همت اوسـت.»[۲] اگـر مـدیر جهادی با عزم و همت راسخ هر خدمتی را آغاز کند، موفق خواهـد شـد. امـام خامنه‌ای﵀ معتقد است: «تلاش، همت و امید کـه بـود، حتمـاً پیشـروندگی هست.»[۳]

پ) ابتکار و استعداد: «ابتکار» به معنای نوآوری[٤] و «استعداد» بـه معنـای آمادگی و توانایی[٥] است و این دو واژه در این بحث به معنای آن است که مـدیر جهادی اهل نوآوری و خلاقیت است و توانایی دارد تـا وضـعیت سـخت را بـه فرصت تبدیل کند و از آن به‌نحو احسن بهره برد؛ مثلاً مدیر جهادی با ابتکـار و

---

۱. بیانـات امـام خامنـه‌ای﵀ در مراسـم بیسـت و پنجمـین سـالگرد رحلـت امـام خمینـی﵀، ۱۳۹۳/۳/۱٤، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26615.

۲. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج‌البلاغه، همان، حکمت٤٧، ص٤٧٧.

۳. بیانات امام خامنه‌ای﵀ در دیدار با فرماندهان سـپاه پاسـداران، ۱۳۹۰/٤/۱۳، دسترسـی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12857.

٤. فواد افرام بستانی، فرهنگ ابجدی، تهران، اسلامی، ۱۳۷٥، ص٥.

٥. همان، ص۳۲۹.

خلاقیت خود، در موقعیت تحریم اقتصادی می‌تواند از فرصت تحریم استفاده، و نیازمندی‌های کشور را تولید کند تا کشورش را از احتیاج به بیگانگان نجات دهد.

ت) تدبیر لازم: از دیگر ویژگی‌های مدیر جهادی و تمدن‌ساز مدیریت همراه با تدبیر است؛ به این معنا که مدیر جهادی چشم‌بسته، احساسی و سطحی، افراد تحت‌امرش را مدیریت نمی‌کند؛ بلکه برای ادارهٔ مجموعه و افراد تحت امرش با تدبیر عمل می‌کند. شهیدسلیمانی چنین فردی بود؛ یعنی افزون بر شجاعت، تدبیر داشت.[۱]

۵-۳-۳. ویژگی‌های رفتاری مدیر جهادی

از دیگر معیارهای سنجش و ارزیابی مدیر جهادی و تمدن‌ساز، ویژگی‌های رفتاری اوست که بخشی از آنها آورده می‌شود.

الف) مدیریت میدانی: امام خامنه‌ای‌دام‌ظله می‌فرماید: «خیلی از مشکلات را در اتاق اداره و مدیریت و پشت میز نمی‌شود فهمید، باید رفت در صحنه، در عرصه تا مشکلات را بتوان لمس کرد.»[۲]

مدیریت شهیدسلیمانی این‌گونه بود؛ یعنی او همیشه در میدان حضور داشت و مشکلات را لمس می‌کرد و هیچ‌گاه از راه دور فرمان نمی‌داد و هرجای نیاز بود، حضور می‌یافت و صحنه را اداره می‌نمود. او نه فقط با مدیریت میدانی با داعش مبارزه می‌کرد؛ بلکه موقعیت را برای دیپلماسی دیپلمات‌ها نیز فراهم

---

۱. با توجه به اینکه پیش‌تر دربارهٔ تدبیر و شجاعت شهیدسلیمانی بحث شد، اکنون به همین اندک اکتفا کردیم.

۲. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۹۸/۲/۲۴، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42512.

می‌کرد تا آنها بتوانند با قدرت بیشتر مسئولیت‌های دیپلماتیکشان را به سرانجام برسانند.

ب) خستگی‌ناپذیری: از ویژگی‌های رفتاری مدیر جهادی، خستگی‌ناپذیری است. به این معنا که سختی کار او را خسته و زمین‌گیر نمی‌کند و وی همهٔ توانش را برای ادامه و به‌سرانجام‌رساندن مسئولیتش به کار می‌گیرد. شهیدسلیمانی نیز هیچ‌گاه در انجام‌دادن مأموریت‌ها خسته و ملول نمی‌شد، بلکه همواره با نشاط و سرزندگی کارها را دنبال می‌کرد و به سرانجام می‌رساند. نقل می‌کنند:

> گاهی اوقات شهیدسلیمانی ۱۹ الی ۲۰ ساعت در طول شبانه‌روز کار می‌کرد. گاهی یک سفر دو هفته طول می‌کشید، بعد از سفر آقای پورجعفری می‌گفت: در این سفر سردارسلیمانی ده ساعت خوابید، اگر جلسه‌ای بود، حساب کتاب نداشت. بعضی اوقات ساعت یک نیمه‌شب به خانه می‌آمد.[۱]

فردی از هم‌رزمان شهیدسلیمانی می‌گوید:

> قرار بود عملیاتی انجام شود، چند فرمانده گردان برای توجیه به منطقه آمده بودند. پیش از عملیات، حاج‌قاسم با فرمانده گردان‌ها جلسه گذاشتند و در سنگر اطلاعات شام خوردند، جلسه تا نیمه‌شب طول کشید. موقعی که جلسه تمام شد، شهیدسلیمانی از سنگر بیرون رفت و گفت من کاری دارم تا نماز صبح برمی‌گردم. از فرط خستگی همهٔ بچه‌ها خوابشان برد، من خودم به‌ندرت پیش می‌آمد این‌چنین خوابم بگیرد. دم صبح یک دفعه دیدم حاجی وارد سنگر شد و همه‌مان را از

---

۱. علی شیرازی، «سبک زندگی اسلامی در مکتب شهید سلیمانی»، همان، ص۷.

خواب بیدار کرد. دمادم طلوع آفتاب بود، نماز را خواندیم، همهٔ ما از جمله حاج‌قاسم خسته بودیم، اما حاجی با همان وضعیت خستگی، شب به جلسهٔ دیگری رفته بود و نماز صبح برگشت و ما را بیدار کرد. خلاصه بیدار شدیم و بعد از خواندن نماز، رفتم جیپ را روشن کردم، حاج‌قاسم گفت من خودم می‌روم شما بعداً بیایید. حاجی برای شرکت در جلسه دیگر و سرکشی از محور دیگری از ما جدا شد.[۱]

پ) انگیزه و شوق به کار: از دیگر از ویژگی‌های رفتاری مدیر جهادی آن است که برای کار و تلاش شوق و انگیزه داشته باشد؛ به این معنا که با رغبت و میل کار را انجام دهد، نه با اکراه و بی‌میلی. بنابراین مدیر جهادی کار و فعالیتش را با جدیت، شوق و خستگی‌ناپذیری انجام می‌دهد، نه‌فقط برای اسقاط تکلیف؛ ازاین‌رو مدیرانی که فعالیتشان را فقط برای رفع تکلیف انجام می‌دهند، مدیر جهادی نخواهند بود.

شهیدسلیمانی از مدیران جهادی بود که شوق به کار داشت و با عشق و اشتیاق انجام وظیفه می‌کرد و هرگاه کاری را که شروع می‌کرد، با محکم‌کاری آن را به پایان می‌رساند.[۲]

وقتی شهیدسلیمانی برای انجام‌دادن کاری تصمیم می‌گرفت، با شوق و جدیت به آن مشغول می‌شد و فرصت‌سوزی نمی‌کرد و فرصت را از دست نمی‌داد؛ برای مثال وقتی مسعود بارزانی متوجه می‌شود شهر اربیل عراق در آستانهٔ سقوط است و پس از کمک طلبیدن از همهٔ مدعیان مبارزه با تروریسم

---

۱. حسین متصدی، «فرمانده خستگی‌ناپذیر»، دسترسی در: https://farhangesadid.ir/fa/news/4343، ۱۸ خرداد ۱۴۰۰.

۲. سعدالله زارعی، «جنبه انسانی مکتب شهید سلیمانی»، همان، ص۵.

مانند امریکا، انگلیس، فرانسه و... و ناامید شدن از آنها، با جمهوری اسلامی ایران تماس گرفت و از مقامات ایرانی شمارهٔ تماس با شهیدسلیمانی را خواست و پس از تماس با شهید عزیز و شرح اوضاع، شهیدسلیمانی گفت که من فردا بعد از نماز صبح پیش شما هستم و همین اتفاق افتاد و شهیدسلیمانی به‌موقع، خودش و نیروهایش را به آنجا رساند و شهر را از چنگال داعشی‌ها نجات داد[1] که این بیانگر شوق و ارادهٔ قوی او برای انجام‌دادن وظیفه است.

ت) ریسک‌پذیری معقول: برداشتن گام‌های بلند و ریسک‌پذیری، از دیگر ویژگی‌های رفتاری مدیر جهادی است. البته بدیهی است که ضمانت موفقیت و پشتوانهٔ هر گام بلندی، بررسی‌های علمی، عقلانی و داشتن برنامهٔ صحیح است که مدیر جهادی همهٔ این موارد را به کار می‌برد؛ نمونهٔ این گام‌های بلند و ریسک‌پذیری را در مدیریت جهادی شهیدسلیمانی می‌توان مشاهده کرد. ایشان هرگاه احساس می‌کرد جان نیروهایش در خطر است یا بر اثر اتفاقی ضربه‌ای متوجه جمهوری اسلامی می‌شود، به‌صورت آتش‌به‌اختیار عمل می‌کرد تا بتواند جان افراد را نجات دهد یا نظام جمهوری اسلامی را از اتهام ضعف و ناتوانی برهاند؛ مثلاً هنگامی که ایشان در جنوب شرق کشور مسئولیت داشتند، اشرار به سرکردگی امریکا، اسرائیل و عربستان سعودی تقریباً دو اتوبوس از سربازان و درجه‌داران را گروگان گرفتند و درصدد بودند از آنها مصاحبه بگیرند و سپس آنان را بکشند تا در همهٔ جهان با پیچیدن خبر اینکه به‌راحتی نظامی‌های ایران را گروگان گرفتند و ایران نتوانست آنها را نجات دهد، ایران را ضعیف و ناتوان جلوه دهند. وقتی حاج‌قاسم سلیمانی از این موضوع آگاه می‌شود، از کرمان

---

۱. سید عبدالمجید کریمی، همان، ٦٨.

حرکت می‌کند و نصف شب خود را به محل حادثه می‌رساند و با بالگرد به همراه تیمی از نیروهای نظامی خود را به اشرار در ۲۵کیلومتری خاک افغانستان می‌رساند و ابزار و ادوات اشرار را منهدم می‌کند و همهٔ اشرار یا کشته می‌شوند یا فرار می‌کنند و همهٔ نیروهای گروگان‌گرفته‌شده را بی هیچ صدمه‌ای آزاد می‌کند.[۱] این‌چنین ریسک‌پذیربودن از خصوصیات مدیر جهادی و شجاع مانند شهیدسلیمانی است که با درایت و شجاعت، هم جان سربازان را نجات می‌دهد، و هم قدرت نظام جمهوری اسلامی را به رخ دشمنان می‌کشد.

ث) تکیه‌نکردن به بیگانگان: از دیگر ویژگی‌های رفتاری مدیر جهادی آن است که برای انجام‌دادن وظیفه و پیشبرد اهداف، به بیگانگان تکیه نمی‌کند و منتظر نمی‌ماند تا آنها موانع را برطرف کنند، مثلاً مسئول و مدیر جهادی در ماجرای تحریم ظالمانهٔ دشمن منتظر نمی‌ماند تا دشمن از تحریم دست بردارد؛ بلکه با تکیه بر توان و استعداد داخلی می‌کوشد تا تحریم را بی‌اثر کند. تکیه‌نکردن مدیر جهادی به بیگانگان نکته‌ای است که مقام معظم رهبری‌دام‌ظله به آن تأکید دارد و می‌فرماید: «برای اصلاح امور هم چشم به خارج از کشور نداشته باشید؛ دیگران به ما کمکی نخواهند کرد.»[۲]

۵-۴. نقش مکتبی شهید سلیمانی در ارتقای قدرت بازدارندگی جبههٔ مقاومت

«بازدارنده» به معنای جلوگیری‌کننده آمده است[۳] و در اینجا بازدارندگی عبارت است از اینکه دشمن چنان مهار شود که جرئت حمله به کشور مقابل را نداشته باشد.

---

۱. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص۳۴-۳۵.

۲. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۹۸/۲/۲۴، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42512.

۳. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ج۳، ص۳۵۳۸.

جبهۀ مقاومت نیز عبارت است از مجموعه‌ای از کشورها و گروه‌های نظامی مسلمان و شیعه که هدف آنها پایان‌دادن به تسلط غرب در منطقۀ خاورمیانه[۱] و مبارزه با اسرائیل و دفاع از آزادی فلسطین است[۲] که دولت‌های جمهوری اسلامی ایران، سوریه و عراق، حزب‌الله لبنان، گروه‌های مقاومت در فلسطین مانند جهاد اسلامی و حماس و همچنین گروه انصارالله یمن، محور مقاومت را تشکیل می‌دهند.[۳] شکل‌گیری جبهۀ مقاومت با الهام از شعارهای انقلاب اسلامی ایران مبنی بر مقاومت در برابر قدرت‌های جهانی است.[٤]

دشمن در طول سال‌ها هزینه‌های کلان و هنگفتی برای سرکوب جبهۀ مقاومت و به‌نتیجه‌رسیدن اهدافش در منطقه خرج کرده است. اما همۀ این طراحی‌ها بی‌نتیجه بوده، و دشمن دست خالی مانده، و با شکست همراه شده است؛ مثلاً امریکا برای ناامنی منطقه هفت تریلیون دلار خرج کرد، اما هیچ نتیجه‌ای نگرفت.[٥]

تدبیر شهیدسلیمانی در رأس جبهۀ مقاومت توانست قدرت بازدارندگی را برای جبهۀ مقاومت رقم بزند و در نتیجه ادعاهای دشمنان جبهۀ مقاومت پوچ یا

---

۱. حسین محمدی‌سیرت و محمود ترابی اقدم، «الگوی نمایش نقش امنیت‌آفرین شهیدان محور مقاومت در رسانه ملی»، مجله مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹٦، ص٦۳.

۲. ابوالفضل کریمی، «نقش ج.ا.ایران در هویت‌بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت»، مجله پژوهش ملل، ش۲۰، مرداد ۱۳۹۶، ص۲.

۳. حسین محمدی‌سیرت و محمود ترابی اقدم، همان، ص٦۳.

٤. ابوالفضل کریمی، همان، ص٥-٦.

٥. بیانات امام خامنه‌ای دام‌ظله در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۹۷/۳/۲٥، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39933.

بی‌اثر شود. قدرتی که در مکتب شهیدسلیمانی باعث بازدارندگی در جبههٔ مقاومت شد، نتیجهٔ عمل به آیهٔ شریفهٔ قرآن است که می‌فرماید:

وَأَعِدُّوا لَهُم مَا استَطَعتُم مِن قُوَّةٍ وَمِن رِباطِ الخَیلِ تُرهِبونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُم (انعام: ۶۰).

هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد) تا به‌وسیلهٔ آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید.

در این آیهٔ شریفه بر دو چیز تأکید جدی شده است: نخست، قدرتمند شدن و قوی شدن همه‌جانبه که با واژهٔ «**مِن قُوَّةٍ**» نشان داده می‌شود؛ و دوم، تهیهٔ ابزار و ادوات لازم و به‌روز که از «**مِن رِباطِ الخَیلِ**» فهمیده می‌شود. تأکید بر فراهم‌سازی هریک از این دو برای بازدارندگی و ترساندن دشمن است.[۱] شهیدسلیمانی با مجاهدت‌های خود و همکارانش به دو تأکید این آیهٔ شریفه عمل کرد و در نتیجه قدرت بازدارندگی جبههٔ مقاومت ارتقا داد.

اصل قدرت بازدارندگی، سطوح مختلفی دارد که با آشکار شدن آنها می‌توان اطمینان یافت که بازدارندگی اتفاق افتاده است؛ که اکنون نمونه‌هایی آورده می‌شود.

الف) رفع تهدید[۲]: دشمنان اسلام در منطقهٔ غرب آسیا با ترفندهای گوناگون و به‌کارگیری گروه‌های تروریستی و تکفیری داعش، جبههٔ‌النصره و... و با پشتیبانی امریکا و هم‌پیمانانش بخش وسیعی از خاک سوریه و حتی عراق را

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای دام‌ظله در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام‌حسین علیه‌السلام، ۱۳۹۸/۷/۲۱، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43767.

۲ . رفع تهدید یعنی برطرف شدن تهدیدی که وارد شده است.

تصرف، و اعلام حکمرانی کردند و دراین‌راستا توانستند منابع نفتی و غیرنفتی آنان را به غارت ببرند.[۱] اما وقتی شهیدسلیمانی وارد عرصهٔ مبارزه با آنان شد، توانست آنان را فراری و زمین‌گیر کند و شرشان را از ملت‌های مسلمان عراق و سوریه کوتاه، و رفع تهدید کند.

درمجموع می‌توان گفت مکتب شهیدسلیمانی عامل شکست سیاسی ـ نظامی امریکایی‌ها در اشغال افغانستان و عراق برای تشکیل هژمونی قدرت امریکا پس از یازده سپتامبر و عامل شکست این کشور در شکل‌گیری خاورمیانه جدید بود. همچنین عامل شکست صهیونیست‌ها در صحنه‌های عملیاتی جنوب لبنان درجنگ ۳۳ روزه و قبل و بعد از آن نیز مکتب سلیمانی بود و صهیونیست‌ها امروز حتی از ایجاد امنیت در سرزمین‌های اشغالی ناتوان‌اند. صهیونیست‌ها بارها برای تصرف نوار غزه به آنجا حمله کردند، اما شکست خوردند[۲] و راز این شکست‌ها و ناموفق‌بودنشان بعد از توفیقات الهی، مقاومتی بود که با هدایت‌های قهرمانانه شهیدسلیمانی در منطقه شکل گرفت که از بزرگ‌ترین مصداق‌های ارتقای قدرت بازدارندگی در منطقه بود که توسط مکتب شهیدسلیمانی اتفاق افتاده است.

ب) دفع تهدید[۳]: دفع تهدید از طرف دشمن از نقش‌های شهیدسلیمانی در ارتقای سطوح بازدارندگی جبههٔ مقاومت است؛ به این معنا که ادعاها و رجزهای تهدیدآمیز دشمن را قبل از وقوعش بی‌خاصیت و خنثا کرده است؛ زیرا

---

۱. خبرگزاری میزان، «راهزنی نفتی امریکا در سوریه»، دسترسی در: https://www.mizanonline.com/fa/news/644423/، ۱۳ اسفند ۱۳۹۹.

۲. سید یحیی صفوی، «دشمن شناسی و اقدام به موقع علیه دشمنان از جمله اصول مکتب شهیدسلیمانی است»، دسترسی در: https://www.ilna.news، ۱٤ اردیبهشت ۱۳۹۹.

۳ . دفع تهدید یعنی برطرف کردن تهدید قبل از واردشدن.

دشمنان همیشه با رجزخوانی‌هایشان مردم منطقه را با روش‌های مختلف می‌ترساندند و تهدید می‌کردند. اما شهیدسلیمانی روحیه‌ای در مردم ایجاد کرده است که تهدیدهای آنان را بی‌اثر و خنثا نمود؛ مثلاً رژیم اشغالگر قدس همواره مسلمانان منطقه را تهدید می‌کرد که از نیل تا فرات را تصرف می‌کند. با توجه به واکنش‌های شجاعانه مسلمانان، به‌خصوص جبهۀ مقاومت، دشمن نه فقط عمل به این شعارش را فراموش کرد، بلکه فعلاً همۀ تلاشش بر این است که فقط بتواندحریم چهاردیواری رژیم اشغالی خود را محفوظ بدارد و البته فرمانده توانمند نیروی قدس و جانشین صالح شهیدسلیمانی، سردارقاآنی، فرمود: «دیوارهای دور رژیم اشغالگر قدس را خراب خواهیم کرد»[1] که قدرت بازدارندگی جبهۀ مقاومت را می‌رساند.

پ) عجز دشمن: سطح و نوع دیگر قدرت بازدارنگی جبهۀ مقاومت را می‌توان در عجز پاسخ ارتش تروریست امریکا در مقابل دفاع رزمندگان اسلام مانند موشک‌باران پایگاه مهم نظامی عین‌الاسد توسط سپاه پاسداران یا مانند آن مشاهده کرد. در طول تاریخ اتفاق نیفتاده است که کشوری به پایگاه نظامی امریکا حمله کند و امریکا به آن پاسخ نداده باشد؛ ازاین‌رو می‌توان دریافت که قدرت بازدارندگی در جبهۀ مقاومت اسلامی با الهام از قرآن کریم به عواملی وابسته است که داشتن قدرت دفاعی لازم در عرصۀ نظامی و فرهنگی ازآنهاست. شهیدسلیمانی با مدیریت و درایت خود توانست نیروی به ظاهر اندک، اما پرانرژی منطقه را گرد آورد و به قدرت دفاعی پرقدرت و بازدارنده تبدیل کند. وی با توجه به فرامرزی بودن و تعصب‌نداشتن به مذهب خاصی در مبارزه با دشمن،

---

۱. اسماعیل قاآنی، «به وقتش صدای شکستن استخوان دشمنان را خواهید شنید»، دسترسی در: https://www.mashreghnews.ir/news/1191833، ۲۵ اسفند ۱۳۹۹.

توانست ارتش چند ملیتی قدرتمندی مانند لشکرهای فاطمیون، زینبیون، حیدریون، حشدالشعبی و... را در جبهۀ مقاومت تشکیل، و آنها را آموزش دهد تا به عمق دشمن حمله کنند. جبهۀ مقاومت به فرماندهی شهیدسلیمانی به پیام آیۀ «**وَأَعِدّوا لَهُم مَا استَطَعتُم مِن قُوَّةٍ**» عمل کرده است و قدرت بازدارندگی‌اش را به سطح بالایی ارتقا داد و باعث شد دشمنان جبهۀ مقاومت، به‌خصوص رژیم اشغالگر قدس از شعارهای قدیمی خود، مانند تصرف از نیل تا فرات منصرف شوند و همچنین با کمک نظام جمهوری اسلامی به پیام بخش دیگر آیۀ «**وَأَعِدّوا لَهُم مَا استَطَعتُم... وَمِن رِباطِ الخَیلِ**» نیز عمل کرد؛ یعنی با مجهز شدن به موشک‌های دوربرد و مدرن وحشت را در دل سران جریان تکفیری و همچنین رژیم اشغالگر قدس افکند و توان مقابله را از آنان سلب کرد.

۵-۵. نقش مکتب شهید سلیمانی در ایجاد وحدت در جبهۀ مقاومت اسلامی

وحدت و یکپارچگی مسلمانان از عوامل پیروزی جبهۀ اسلام علیه کفر است. قرآن کریم به مسلمانان دستور می‌دهد وحدت را حفظ کند و می‌فرماید: «**وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعاً وَ لَاتَفَرّقُوا** (آل‌عمران: ۱۰۳)؛ همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید.» دشمنان اسلام و در رأس ایشان امریکا همۀ همت و تلاششان بر این است که میان مسلمانان گروه‌بندی و فرقه‌گرایی مانند شیعه و سنی ایجاد، و آنها را با هم درگیر کنند و نخستین هدف نقشه و هدف دشمن در ایجاد جریان تکفیری داعش همین بود؛ یعنی می‌خواست تبلیغ کند که جنگ میان شیعه و سنی است؛ به بیان دیگر یک‌طرف جنگ همۀ اهل سنت قرار دارند و طرف دیگر همۀ اهل‌تشیع. اگر این نقشه دشمن عملیاتی می‌شد، خطر بسیار بزرگی بود و چیزی از اسلام باقی نمی‌ماند.

شهیدسلیمانی با ورود خیرخواهانه و مدبرانهٔ خود، نقشهٔ پیچیده و خطرناک دشمن را خنثا کرد و آن را به نفع جبههٔ مقاومت تغییر داد. ایشان با ایجاد اتحاد و همدلی میان شیعه و سنی اهل سنت واقعی و اهل تشیع را در یک جبهه قرار داد و طرف مقابل آنان فقط تکفیری‌های داعش و... بودند.[۱] شهیدسلیمانی با هنرمندی توانست با ایجاد وحدت میان شیعه و سنی، بخش‌های پراکندهٔ مقاومت را در منطقه به هم پیوند زند و جبههٔ مقاومت را با گسترهٔ وسیعی ایجاد کند؛ چنان‌که آثار و نتایج آن، شکل‌گیری بسیج همگانی است که در کشورهای سوریه، عراق، یمن، لبنان و... دیده می‌شود.

شهیدحاج‌قاسم سلیمانی به وحدت شیعه و سنی بسیار حساس بود و به آن اهمیت می‌داد و حساسیت‌های مذهبی همهٔ افراد، همهٔ گروه‌ها و همهٔ ملیت‌ها را در نظر می‌گرفت و رعایت می‌کرد. مقدسات همه را در نظر می‌گرفت و تکریم می‌کرد؛ چنان‌که سنی‌ها با حاج‌قاسم معاشرت می‌کردند و تصور می‌کردند ایشان سنی است و هنگام معاشرت با شیعه شیعه‌ای به تمام‌معنا بود. با حماس همکاری می‌کرد که جریانی سنی است، و چنان مراقب مذهب اهل سنت بود، که رفتارش هنگام هماهنگی برای روابط و امور و رفت و آمدها باعث شده بود اعضای حماس به حاج‌قاسم عشق بورزند. چنین رفتارهایی حاج‌قاسم را ممتاز می‌کرد و همه او را دوست داشتند. سخن اسماعیل هنیه در تشییع پیکر حاج‌قاسم، واقعاً اعتقاد جدی حماس بود؛ وی گفت ما شهادت می‌دهیم که حاج‌قاسم شهید قدس است و سه بار تکرار کرد.[۲] به‌طور خلاصه می‌توان گفت تلاش برای اتحاد

---

۱. حمیدرضا مقدم‌فر، «ایستادگی در برابر دشمن»، دسترسی در: https://www.mehrnews.com/news/5063180، ۱۴ دی ۱۳۹۹.

۲. اسماعیل سعادت‌نژاد، «برنامه دستخط»، دسترسی در: https://fa.shafaqna.com/news/1071750/، ۱۴ دی ۱۳۹۹.

مسلمانان از اهداف برجسته و مهم شهیدسلیمانی بود و با دیپلماسی وحدت‌آفرین ملاقات‌هایی با سیاستمداران منطقه مانند پوتین، بشار اسد، سیدحسن نصرالله و دیگران داشت و این گونه دیپلماسی سیاسی را شجاعانه رقم زد و ملت‌های منطقه را کنار یکدیگر قرار داد.[۱]

از آنچه گذشت نتیجه می‌گیریم که شهیدسلیمانی در جایگاه برجسته‌ترین فرمانده مقاومت منطقه، پررنگ‌ترین نقش را در استحکام، انسجام و تثبیت این محور داشت و همهٔ اعضای آن را علیه دشمن، متحد و هماهنگ کرد.

۵-۶. نقش مکتب شهید سلیمانی در تغییر موازنهٔ قدرت در منطقه و جهان اسلام

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی یا حتی پیش از ورود شهیدسلیمانی به جبههٔ مقاومت، موازنهٔ قدرت در منطقه به دست دشمنان، به‌خصوص رژیم اشغالگر قدس بود و آنها هرطور که می‌خواستند عمل می‌کردند و به‌راحتی بر کشورهای اسلامی منطقه برتری نظامی داشتند؛ مانند جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷م از تاریخ ۵ ژوئن تا ۱۰ ژوئن میان رژیم اشغالگر قدس و برخی کشورهای عربی مانند مصر، سوریه و اردن اتفاق افتاد و رژیم اشعالگر قدس پیروز قاطع این جنگ شد.[۲] این رویه به اشکال گوناگون ادامه داشت و هرگاه دشمنان اراده می‌کردند به فلسطینی‌ها حمله، و آنها را سرکوب می‌کردند. اما به برکت پیروزی انقلاب اسلامی ایران این حملات فروکش کرده است و موازنهٔ قدرت به‌تدریج

---

۱. مهدی چمران، «نقش سردار سلیمانی در وحدت و امنیت جهان اسلام»، دسترسی در: https://www.isna.ir/news/08615، ۱۳ آبان ۱۳۹۹.

۲. ر.ک. ناصر اسکویی، جنگ اعراب و اسرائیل، تهران، شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران، ص۱۲۶.

به نفع مسلمانان و مقاومت‌کنندگان در مقابل رژیم‌اشغالگر قدس تغییر یافت و با شکل‌گیری جبههٔ مقاومت و حضور سردارسلیمانی در رأس آن، موازنهٔ قدرت به‌صورت جدی، به‌نفع جبههٔ مقاومت تغییر مسیر داد و صهیونیست‌ها دیگر نمی‌توانستند مانند گذشته جنگ تمام‌عیار را به راه بیندازند که مرهون تدبیر فرمانده شهید جبههٔ مقاومت یعنی سردارحاج‌قاسم سلیمانی است. رژیم اشغالگر قدس وعدهٔ امنیت و رفاه به شهرک‌نشینان داده بود؛ اما آنها اکنون نمی‌توانند امنیت ساکنان فلسطین اشغالی را تأمین کنند. صدها موشک جهاد اسلامی تهدید بزرگی برای رژیم صهیونیستی است. اکنون فلسطین و جبههٔ مقاومت به‌سبب فرماندهی مدبرانهٔ شهیدسلیمانی قدرت بازدارندگی دارد و توازن قدرت را به دست آوردند؛ امید است تا ۲۵ سال آینده با استفاده از تجربه‌های مدبرانهٔ شهیدسلیمانی، رژیم صهیونیستی از منطقه محو شود.[۱]

دراین‌میان، نقش جمهوری اسلامی ایران در تغییر موازنهٔ قدرت در منطقه به‌نفع جبهه مقاومت بسیار مهم است؛ تاجایی‌که نوام جامسکی، استاد دانشگاه‌های امریکا، معتقد است کنترل ایران بر هلال شیعی[۲] وحشت‌ناک‌ترین

---

۱. سیدیحیی صفوی، «موازنهٔ قدرت به نفع فلسطینیان تغییر کرده است»، دسترسی در: https://www.irna.ir/news/83100593، ۱۷ دی ۱۳۹۹.

۲. «نخستین بار عبدالله دوم، پادشاه اردن، واژهٔ هلال شیعی را مطرح کرد که در خلال آن خطر قدرت‌گرفتن شیعیان را در منطقه مطرح کرد. پس از او حسنی مبارک در مصر و برخی مقامات عربستان سعودی، از کسانی بودند که خطر هلال شیعی را در منطقه مطرح کردند. به عقیدهٔ آنها جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با اعمال نفوذ طبیعی میان شیعیان عراق، تحولات ژئوپلتیک خاورمیانه را هدایت کند و موازنهٔ قدرت را به‌نفع شیعیان و علیه منافع امریکا، اسرائیل و اهل سنت تغییر دهد» (شهروز ابراهیمی، «عربستان و سیستم قدرت در خلیج فارس»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۷، ش ۳، پاییز ۱۳۸۳، ص۵۵۱-۵۷۳).

کابوس برای امریکاست؛ تحولات دو دهۀ اخیر منطقه، که متأثر از حضور و نفوذ مستقیم شهیدسلیمانی بود، این کابوس را در بدترین شکل خود برای امریکا و هم‌پیمانانش یعنی بزرگ‌ترین دشمنان جمهوری اسلامی به وجود آورد؛ نتیجۀ این کابوس، تغییر موازنۀ قدرت منطقه‌ای به‌نفع جمهوری اسلامی ایران و جبهۀ مقاومت و مهم‌ترین رهاورد استراتژی شهیدسلیمانی بود.[۱]

می‌توان نتیجۀ تغییر موازنۀ قدرت به‌نفع جبهۀ مقاومت را در جنگ ۳۳ روزۀ رژیم اشغالگر قدس با حزب‌الله لبنان به‌خوبی مشاهده کرد. در تابستان سال ۲۰۰۶م با پیش‌دستی رژیم اشغالگر قدس، جنگی میان آنها و حزب‌الله و جبهۀ مقاومت رُخ داد که نتیجۀ این جنگ دقیقاً مخالف پیش‌بینی اشغالگران، و با پیروزی حزب الله به پایان رسید؛ پیروزی که رویای شعار نیل تا فرات صهیونیست‌های افراطی را بر باد داد. پیروزی در این جنگ نشان داد که قدرت ادعایی نظامی صهیونیست‌ها پوشالی است و جز تبلیغات سیاسی فایدۀ دیگری ندارد و طبیعی است که این شکست به کابوس وحشتناکی برای سران و نظامیان رژیم اشغالگر تبدیل شده، کابوسی که لحظه‌ای مقامات صهیونیست را رها نمی‌کند و البته جهش قدرت نظامی و نرم حزب الله در سال‌های اخیر نیز بر این کابوس افزوده، و موجب گردیده شده است که مقاومت فلسطین نیز با پیروی از این جنبش، در سال‌های اخیر پیروزی‌های چشمگیری در نبرد علیه صهیونیست‌ها به دست آورد و در کل موازنۀ قدرت به‌نفع جبهۀ مقاومت تغییر یابد. شیخ‌نعیم قاسم معاون دبیرکل حزب‌الله لبنان دربارۀ حضور و نقش شهیدسلیمانی در جنگ ۳۳ روزه می‌گوید:

---

۱. خبرگزاری فارس، «ویژگی‌های جغرافیایی قلمروهای شیعه‌نشین»، دسترسی در: https://www.farsnews.ir/news/001454، ۲٤ فروردین ۱۳۹٤.

حاج‌قاسم... خروج از لبنـان را در اوج نبـرد و در یکـی از شـدیدترین جنگ‌ها علیه لبنان نپذیرفت. او در جنگ ژوئیـه یکـی از افـرادی بـود که برای مشاوره دربارهٔ برخی طـرح‌هـای نظـامی مقابلـه بـا دشـمن و پاسخ‌گویی به نیازهای مبرم و فوری، به‌طور مستقیم در اتاق عملیـات مرکزی حضور داشت تا نقشهٔ دشمن را نقش بـر آب کنـد و پیـروزی را به ارمغان آورد.[۱]

شهیدسلیمانی که در همهٔ ۳۳ روز جنگ کنار سیدحسن نصرالله بود، نقش حزب‌الله و جبههٔ مقاومت را در زمین‌گیرکردن دشمن چنین بیان می‌کند:

نه‌تنها حزب‌اللّه اثرگذار شد، بـر تصـور هجـوم رژیـم صهیونیسـتی بـه لبنان بلکه بر تصور رژیم صهیونیستی برای هر هجومی اثرگذار شـد و من عرض می‌کنم بعد از جنگ ۳۳ روزه، استراتژی بنگورین در جنگ پیش‌دستانه و در جنگ درواقع قدرت هجومی یا اسـتراتژی هجـومی رژیم صهیونیستی آرام‌آرام تبدیل شد فقط به استراتژی دفاعی و شما دیدید در این اتفاقی که چند هفته قبل اتفـاق افتـاد، کـه حـزب اللـه تهدید کرد به زدن رژیم صهیونیستی و انتقـام ایـن دو شـهید، فاصـلهٔ سه تا پنج کیلومتر رژیم صهیونیستی از نطقه صفر مرکزی فرار کرد به عمق به‌طوری که خبرنگار المیادین رفت کنار آن طرف سـیم خـاردار گفت من از فلسطین اشغالی به شما گزارش می‌دهم ایـن اثـر جنـگ ۳۳ روزه است.[۲]

---

۱. شـیخ‌نعـیم قاسـم، «نقـش سـردار سـلیمانی در جنـگ ۳۳روزه»، دسترسـی در: https://www.mashreghnews.ir/news/1092478، ۲۱ دی ۱۳۹۹.

۲. قاسـم سـلیمانی، «ناگفتـه‌هـای سـردار از جنـگ ۳۳روزه»، دسترسـی در: https://www.mashreghnews.ir/news/997713، ۲۱ دی ۱۳۹۹.

ناصر ابوشریف، نماینده جنبش جهاد اسلامی در تهران، دربارهٔ نقش شهیدسلیمانی در پیروزی‌های جبهه مقاومت علیه رژیم اشغالگر قدس می‌گوید:

> در سال ۲۰۰۰م عقب‌نشینی (صهیونیسیت‌ها) از جنوب لبنان و در سال ۲۰۰۵م عقب‌نشینی آنها از نوار غزه بر اثر ضربات مقاومت رخ داد. شکی نیست که تأثیر حاج‌قاسم در همهٔ این موارد با آگاهی و کمک وی به تمام جنبش‌های مقاومت در منطقه دیده می‌شود.[۱]

از مجموع آنچه گذشت نتیجه می‌گیریم که شهیدسلیمانی و هم‌رزمان و هم‌فکرانش، که مکتب شهیدسلیمانی را شکل دادند، با همت، تلاش و اخلاص توانستند موازنهٔ قدرت را در منطقه به‌نفع جمهوری اسلامی ایران و جبههٔ مقاومت و ملت‌های آزادهٔ منطقه تغییر دهند تا رژیم اشغالگر قدس و یارانش دیگر نتوانند علیه ملت‌های مسلمان منطقه توطئه کنند.

۵-۷. نقش مکتب شهید سلیمانی در ناکامی طرح‌های امریکایی و اسرائیلی در منطقهٔ غرب آسیا

از زمانی که رژیم جعلی اشغالگر قدس، توسط اربابانش در منطقه شکل گرفته است و همچنین پس از آن، امریکا و هم‌پیمانانش، برای رسیدن منافعشان به‌خصوص طرح و استراتژی حفاظت از کشور اشغالگر قدس و گسترش آن از نیل تا فرات، طرح‌هایی را برای دفاع از منافعش در منطقه در نظر گرفته‌اند که هریک از آنها با طراحی و پشتیبانی مکتب شهیدسلیمانی ناکام ماند که برخی از آنها بیان می‌شود:

---

۱. ناصر ابوشریف، «نقش اساسی سردار سلیمانی در ناکامی طرح خاورمیانه بزرگ، تاریخ مراجعه»، دسترسی در: https://iqna.ir/fa/news/3944861، ۲۳ دی ۱۳۹۹.

الف) طرح معاملهٔ قرن: طرح مشهور به معاملهٔ قرن از طرح‌های امریکا در منطقه است که در زمان ترامپ، رئیس‌جمهور وقت امریکا، پیشنهاد داده شد که براساس آن درپی خاتمه‌دادن دفاع هفتادسالهٔ ملت فلسطین علیه اشغالگران قدس بودند که در صورت اجرایی شدن به نتیجهٔ دلخواهشان می‌رسیدند که عبارت بود از:

۱. قدس، پایتخت رژیم اشغالگر قدس اعلام شود و درنتیجه سفارت امریکا از تل‌آویو به آنجا منتقل خواهد شد؛[۱]

۲. بخش‌های بزرگی از کرانهٔ باختری به صهیونیست‌ها واگذار شود؛[۲]

۳. خلع سلاح گروه‌های فلسطینی درزمرهٔ گام‌های آغازین اجرای معامله قرن خواهد بود؛[۳]

۴. زمینهٔ ایجاد انشعاب میان گروه‌های مختلف فلسطینی و کشورهای اسلامی؛[٤]

۵. به‌رسمیت‌شناختن دولت مستقل یهودی بدون هیچ مزاحم و معارض و شاید ده‌ها نتیجهٔ شوم دیگر که می‌توانست بر بیداری اسلامی مردم منطقه، اثر منفی داشته باشند.

ب) طرح ترور شخصیت‌های علمی و اثرگذار در عراق: طرح ترور دانشمندان و شخصیت‌های تاثرگذار عراقی از طرح‌های امریکایی در منطقه

---

۱. ابراهیم متقی، «پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی معاملهٔ قرن»، فصلنامهٔ گفتمان راهبردی فلسطین، س ۱، ش ۲، تابستان ۱۳۹۸، ص٦.

۲. شاهین نعناکار، «الحاق کرانه باختری؛ توطئهٔ صهیونیست‌ها برای عبور از بحران‌ها»، دسترسی در: https://www.irna.ir/news/83837534، ۲۵ خرداد ۱٤۰۰.

۳. ابراهیم متقی، همان، ص۱۰.

٤. همان، ص۱۸.

بود؛ ازاین‌رو ترور دانشمندان و نخبگان علمی عراقی به دست جوخه‌های مرگ موساد رژیم صهیونیستی از همان ابتدای اشغال عراق به دست امریکا آغاز شد و شمار بسیاری از دانشمندان عراقی، به‌ویژه دانشمندان هسته‌ای با همکاری اشغالگران ترور شدند.[۱] طبیعی است هدف از این ترورهای ناجوانمردانه، منع دستیابی عراقی‌ها به تکنولوژی، به‌خصوص انرژی هسته‌ای بوده است و این نقش در دورهٔ اشغال عراق از سوی امریکا کاملاً پررنگ بوده است و این مسئله پس از ناکامی امریکا در متقاعدکردن دانشمندان عراقی برای همکاری با آنان و فعالیت به‌نفع واشنگتن رخ داده است.

پ) طرح تجزیهٔ خاورمیانه: تجزیهٔ خاورمیانه از طرح‌های امریکا در منطقه بود؛ چنان‌که رهبر معظم انقلاب‌دام‌ظله، دراین‌باره می‌فرماید:

> امروز محافل انگلیسی می‌نشینند برای منطقه و برای ایران اسلامی تصمیم‌گیری می‌کنند؛ یکی از تصمیم‌هایشان تجزیه کشورهای منطقه است. این چیزی که عرض می‌کنم، تحلیل نیست، حدس نیست؛ اینها اطلاعات است. می‌گویند دوران یک عراق، یک سوریه، یک یمن، یک لیبی گذشته؛ یعنی عراق تجزیه بشود، سوریه تجزیه بشود، لیبی تجزیه بشود، یمن تجزیه بشود؛ اسم ایران را نمی‌آورند، چون جرئت نمی‌کنند، می‌ترسند.[۲]

---

۱. جامعه خبری تحلیل الف، «سند افشاشده از جزئیات ترور ۷۳۰ دانشمند عراقی توسط موساد»، دسترسی در: https://www.alef.ir/news/3990914075.html، ۲۶ خرداد ۱۴۰۰.

۲. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در دیدار با مردم قم، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=35367.

چنان‌که امام‌خامنه‌ای‌دام‌ظله اشاره کردند، از طرح‌های امریکایی ـ اسرائیلی در منطقهٔ غرب آسیا، تشکیل خاورمیانهٔ جدید است که با تجزیهٔ برخی کشورها مانند عراق، سوریه، یمن و... به حسب دین، مذهب، منابع و قومیت، شکل می‌گیرد. شواهد فراوان نیز این مطلب را اثبات می‌کند؛ چنان‌که:

> سنای امریکا در سال ۲۰۰۷م طرحی را به تصویب رساند که در آن کشور عراق به ۳ منطقه سنی، شیعه و کردنشین تقسیم می‌شد و به این مناطق نیز خودمختاری اعطا می‌گردید. این طرح که توسط جوزف بایدن[1] ارائه شد و یک طرح پیشنهادی برای برون‌رفت از بحران‌های ناشی از اشغال این کشور در سال ۲۰۰۳م است، نشان می‌دهد که تجزیه‌طلبی در منطقه، حتی در نهادهای غیر امنیتی ایالات متحده نیز مورد پذیرش قرار گرفته است.[2]

طبیعی است که امریکا و هم‌پیمانانش افزون بر هدف امنیت‌بخشی رژیم اشغالگر قدس، اهداف دیگری همچون استفاده از ذخائر و منابع انرژی کشورهای تجزیه شده و سلطه‌پذیر منطقه، تضعیف و ازپادرآوردن جمهوری اسلامی ایران را داشتند که از باثبات‌ترین کشورهای منطقه و مدافع ملت فلسطین و جبههٔ مقاومت بود.

مطالب پیشین بخشی از طرح‌های امریکایی در منطقه است. امریکایی‌ها با این طرح‌ها خواستند موانع موجود را از سر راه بردارند و راه رهبری خود را بر

---

۱. جوزف بایدن، رئیس‌جمهور منتخب امریکا در سال ۲۰۲۰م است.

۲. امین دیلمی معزی و مرتضی شجاع، «امریکا و راهبرد بازنگری در مرزهای سرزمینی در خاورمیانه»، فصلنامهٔ اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۲۴۷ و ۲۴۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۷، ص ۱۰۷.

جهان هموار کنند.[۱] اما در مقابل طرح‌های امریکایی ـ اسرائیلی، کشور جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که از مهم‌ترین آرمان‌هایش دفاع و حمایت از مظلومان جهان و کشورهای اسلامی است. جمهوری اسلامی همواره می‌کوشد مرزهای استراتژیک خود را گسترش دهد و مانع غلبهٔ جبههٔ استکبار بر جبههٔ مقاومت شود؛ ازاین‌رو مهم‌ترین و اثرگذارترین فردی که نقشه‌ها و طرح‌های امریکایی ـ صهیونیستی را در منطقه با شکست مواجه کرد، سردار شهید، حاج‌قاسم سلیمانی بود. ایشان با توجه به مأموریت تعریف‌شدهٔ نیروی قدس، همواره می‌کوشید تا مانع اقدامات جبههٔ استکبار در سطح منطقه شود. شهیدسلیمانی با انسجام‌بخشی و سازمان‌دهی رزمندگان در جبههٔ مقاومت، پیروزی‌های بسیاری را رقم زد. حضور مستقیم شهیدسلیمانی در جبهه‌هایی همچون جنگ رژیم اشغالگر قدس علیه لبنان، مبارزه با داعش در سوریه و عراق، حضور در افغانستان و همراهی با رزمندگان افغانستانی همچنین حضور دیپلماتیک در بسیاری کشورها برای بررسی مشکلات و رفع تنش، دعوت رسمی مقامات کشورهای مختلف از ایشان برای بررسی مسائل مختلف از مهم‌ترین اقدامات ایشان در زمان حیاتشان برای مقابله با طرح‌های امریکایی صهیونیستی در سطح منطقه است. مجموعهٔ این اقدامات باعث شکست سیاست‌ها و طرح‌های امریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه شد و همین مسئله منجر شد که رژیم تروریست امریکا برای جلوگیری از شکست بیشتر طرح‌هایش در منطقه، ایشان و دیگر همراهانشان را در جریان سفری رسمی به

---

۱. فاضل شجاعیان و دیگران، «اهداف امریکا از ایجاد بحران در منطقهٔ غرب آسیا»، فصلنامهٔ پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ش ۳۷، زمستان ۱۳۹۷، ص۳۴۸.

عراق ترور کند.[۱] با این اوصاف می‌توان دریافت مکتب شهیدسلیمانی، که متشکل از مرام و مدرسهٔ شهیدسلیمانی است، توانست موجبات ناکامی طرح‌های از پیش طراحی‌شدهٔ امریکا و یارانش در منطقهٔ غرب آسیا را فراهم کند و آنها را به عقب براند.

۱. «نقش شهیدسلیمانی در ناکامی طرح‌های امریکایی ـ اسرائیلی»، دسترسی در: https://www.generalsoleimani.com/fa، ۲۹ دی ۱۳۹۹.

فصل ششم

دستاوردهای مکتب شهیدسلیمانی

مکتب شهیدسلیمانی با توجه به گستردگی فعالیت‌های جهادی و کمک‌رسانی به مظلومان‌عالم قطعاً دستاوردهای چشمگیری اعم از داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی خواهدداشت؛ ازاین‌رو در این قسمت تلاش می‌شود برخی دستاوردهای این مکتب بیان شود.

۶-۱. دستاوردهای داخلی

چون شهیدسلیمانی مجاهد و قهرمان ایرانی بود و از آغاز انقلاب اسلامی در صحنه‌های مهم مانند هشت سال دفاع مقدس، تأمین امنیت جنوب شرق کشور و همچنین حضور در رأس جبههٔ مقاومت در مقام فرمانده سپاه قدس بود، قطعاً دستاوردهای فراوانی را برای داخل کشور به ارمغان آورده است که اکنون نمونه‌هایی از آنها آورده می‌شود.

الف) تقویت امنیت داخلی: انسان در سایهٔ امنیت می‌تواند به زندگی‌اش ادامه دهد و امنیت از بزرگ‌ترین خواسته‌ها و نیازهای هر انسان است که از حاکمیت، جامعه و هم‌نوعان خود توقع دارد. امام علی﵇ دربارهٔ امنیت

مـی‌فرمایـد: «**رَفَاهِیَـةُ الْعَـیْشِ فِـی الْأَمْـن**؛[1] رفـاه زنـدگانی در امنیـت اسـت.» براین‌اساس، فقدان امنیت در هر کشوری، فقدان آسایش مردم آن کشور را درپی خواهد داشت؛ چنان‌که برخی دانشمندان، ظهور تمدن‌هـا را بـر وجـود امنیـت متوقف می‌دانند.[2]

مکتب و اندیشهٔ شهیدسلیمانی توانست امنیت ملت ایران اسلامی را تـأمین کند. گفتنی است که هدف اصلی داعشی‌ها و سلفی‌هـای تکفیـری ـ براسـاس ادعاهای خودشان ـ نابودی امنیت و آرامش ملت ایران بـود؛ زیـرا کشـور ایـران مرکز ثقل و پایگاه تشیع جهـان اسـت و قطعـاً دشـمنان فراوانـی دارد؛ ازایـن‌رو تکفیری‌ها قصد داشتند همان‌گونه کـه سـوریه را بـه آشـوب و ویرانـی و نـاامنی کشاندند، با ایران نیز چنین کنند، اما پیش از اینکه آنها بتوانند به مرزهای ایـران اسلامی برسند، شهیدسلیمانی و مجاهـدان تحـت امـرش آنهـا را در خـارج از مرزهای ایران تعقیب، و با آنها مبارزه کردند. امام خامنه‌ای‌دام‌ظله دربـارهٔ شـهدای حرم می‌فرماید:

> اینها رفتند با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینهـا مبـارزه نمـی‌کردنـد، این دشمن می‌آمد داخل کشور... اگر جلـویش گرفتـه نمـی‌شـد، مـا باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیهٔ استان‌ها با اینها می‌جنگیدیم و جلـوی اینهـا را مـی‌گـرفتیم. درواقـع ایـن شـهدای عزیـز مـا جـان خودشان را در راه دفاع از کشـور، ملـت، دیـن، انقـلاب اسـلامی فـدا کردند.[3]

---

۱. علی بن محمد لیسی واسطی، همان، ص۲۷۲.

۲. ویلیام جیمز دورانت، تاریخ تمدن، ترجمهٔ احمد آرام، تهران، اقبال، ۱۳۳۷، ج۱، ص۵.

۳. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای مـدافع حـرم، ۱۳۹۵/۱۱/۵، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=32186.

با این اوصاف می‌توان دریافت که حاج‌قاسم عزیز برای حفظ امنیت این آب و خاک سال‌ها مبارزه و مجاهدت کرد و اگر وجود مکتب و مرام شهیدسلیمانی و تلاش و مجاهدت‌های شاگردان این مکتب نبود، هرگز آرامش نداشتیم و امنیت کشور ما از کشورهای همسایه کمتر بود.

ب) تقویت وحدت میان مردم: در هر کشوری، مسئلهٔ وحدت و همبستگی مردم آن کشور از مسائل مهم اجتماعی است. تفرقه و دودستگی میان مردم به نابودی جامعه و ازبین‌رفتن جامعه می‌انجامد. کشور اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست و وحدت مردم از ضروریات این کشور عزیز است؛ اگر جمهوری اسلامی بخواهد به بالندگی برسد و بر دنیا اثرگذار باشد، به‌ناچار باید وحدت و یکپارچگی داخلی داشته باشد. امام علی﵇ دربارهٔ وحدت می‌فرماید:

وَ الْزَمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ [عَلَى] مَعَ الْجَمَاعَةِ وَ إِيَاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذِّئْبِ.[1]

و با انبوه مردم همراه گردید که دست خدا با جماعت (حق‌طلب) است و از تفرقه و تکروی بپرهیزید که مردم تکرو بهرهٔ شیطان شوند؛ چنان‌که گوسفند تکرو بهرهٔ گرگ گردد.

شهید عزیز، سلیمانی، با الهام از این حدیث و مانند آن به‌درستی از خطر تفرقه آگاه بود و همواره مردم را بر وحدت همه‌جانبه، به‌خصوص وحدت در اصول مانند دفاع از اسلام ناب، نظام اسلامی و دفاع از ولایت فقیه تأکید می‌کرد. او در وصیت‌نامهٔ خود به سیاسیون کشور خطاب می‌کند: «اگر می‌خواهید با هم باشید، شرط با هم بودن، توافق و بیان صریح حول اصول است.»[2]

---

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج‌البلاغه، همان، خطبهٔ ۱۲۷، ص۱۸٤.
۲. عالمه طهماسبی و دیگران، همان، ص۲٤۳.

بنابراین به‌صراحت می‌توان گفت ایجاد وحدت و یکپارچگی ملت ایران اسلامی از دستاوردهای بسیار مهم داخلی مکتب شهیدسلیمانی است؛ زیرا روش و منش او چنان بود که توانست بسیاری از صاحبان سلیقه‌های گوناگون را کنار هم جمع کند. شهیدسلیمانی پیش از اینکه به شهادت برسد، با توجه به اخلاص و صداقتش همهٔ جریان‌های سیاسی داخل نظام او را قبول داشتند و شهادت او نیز حرارتی در دل‌های دوست‌دارانش ایجاد کرد و باعث شد همه در کنار یکدیگر جمع و یک‌صدا شوند؛ چنان‌که در تشییع جنازهٔ او همهٔ ملت با سلیقه‌های متفاوت یکپارچه به میدان آمدند و از ایشان قدردانی کردند.

پ) تقویت خودباوری میان جوانان: ایجاد خودباوری و اعتماد به نفس میان جوانان کشور از دستاوردهای مکتب شهیدسلیمانی است؛ زیرا این مکتب با تأسی از مکتب امام خمینی﵀ فرهنگ ما می‌توانیم را در نزد مردم نهادینه ساخت و عینیت بخشید؛ چون شهیدسلیمانی با شجاعت و اخلاص خود توانست در جایگاه فرد مسلمان و شیعهٔ ایرانی در مقابل ابرقدرت‌های جهان بایستد و دو کشور عراق و سوریه را از شر اشرار و تکفیری‌های داعشی و... نجات دهد؛ باعث اعتماد به نفس جوانان شد و جوانان متوجه شدند اگر اراده، و به خدا توکل کنند می‌توانند کارهای مهمی را به انجام رسانند و تهدید دشمنان کارساز نخواهد بود.

تأثیر جهاد در راه خدا و فعالیت خالصانهٔ برخاسته از مکتب شهیدسلیمانی بر ارادهٔ جوانان ایرانی، انسان را به یاد آیه‌ای از قرآن کریم می‌اندازد: «**وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ** (آل‌عمران:۱۳۹)؛ و اگر مؤمنید، سستی مکنید، و غمگین مشوید، که شما برترید.»

مکتب شهیدسلیمانی با اعتماد به این آیهٔ شریفه، هرگز مقهور قدرت دشمن نشد و توانست عِدّه و عُدّه دشمن را در هم بشکند و همین موضوع باعث

خودباوری جوانان و حتی نوجوانان شد؛ چنان‌که در ایام شهادت این شهید عزیز بسیاری از جوانان و نوجوانان اعلام می‌کردند که ما همه شهیدسلیمانی هستیم.

ت) افزایش قدرت بازدارندگی: جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های مختلف، به‌خصوص در هشت سال دفاع مقدس نشان داده است که در منطقه قدرتی بازدارنده است و در آن شکی نیست. اما با حضور شهیدسلیمانی در رأس جبههٔ مقاومت و تشکیل ارتش چند ملیتی مانند لشکر فاطمیون، زینبیون، حشدالشعبی و... ، قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی بر همهٔ کشورها ثابت شد و دشمنان به این نکته پی‌بردند که اگر جمهوری اسلامی اراده کند می‌تواند با بسیج ملت‌های منطقه علیه رژیم اشغالگر قدس یا هر نوع تهدید دیگر، موازنهٔ قدرت را به‌نفع خود تغییر دهد. همین‌که شهیدسلیمانی خطاب به ترامپ، رئیس‌جمهور وقت امریکا، می‌گوید:

> ترامپ قمارباز، من حریف تو هستم. شما برای ما خط و نشان می‌کشید؟ ایران را نمی‌خواهد، نیروهای مسلح ایران را نمی‌خواهد، من حریف شما هستم، نیروی قدس حریف شماست.[۱]

این سخنان بیانگر آن است که جمهوری اسلامی کشور قدرتمندی است.

شهیدسلیمانی نه فقط در زمان حیاتش باعث افزون‌شدن قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی بود، بلکه پس از شهادتش نیز بیشتر از زمان حیات توانست بر آن قدرت بیفزاید و نشانه‌اش آن است که جمهوری اسلامی بزرگ‌ترین پایگاه امریکا در منطقه، یعنی عین‌الاسد را موشک‌باران می‌کند؛ اما امریکا به‌صورت

---

۱. علی اکبر مزدآبادی، ذوالفقار، همان، ص۱۵۲-۱۳.

انفعالی سکوت می‌کند و جرئت مقابله ندارد. با این اوصاف می‌توان گفت مکتب شهیدسلیمانی، به‌وضوح توانست قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران را به جهانیان نشان دهد.

ث) تقویت غرور ملی: از دیگر دستاوردهای داخلی مکتب شهیدسلیمانی، تقویت و ارتقای غرور ملی ملت جمهوری اسلامی ایران است. عمل و رفتار شهیدسلیمانی در دفاع از مظلومان و مبارزه با تکفیری‌ها باعث شد غرور و عزت ملی جوانان ایرانی تقویت شود و تقویت غرور ملی می‌تواند در ساختن آیندهٔ مملکت جمهوری اسلامی بسیار مؤثر باشد. مقام معظم رهبری‌دام‌ظله دربارهٔ اهمیت غرور ملی می‌فرماید: «عزت ملی و آنچه را که امروز به آن غرور ملی گفته می‌شود، باید در ملت تقویت کرد تا احساس عزت و توانایی کند.»[1] مکتب شهیدسلیمانی توانست غرور و عزت ملی ملت ما را تقویت کند و ارتقا بخشد.

۶-۲. دستاوردهای منطقه‌ای

مکتب شهیدسلیمانی افزون بر دستاوردهای داخلی، دستاوردهای منطقه‌ای نیز داشت و مردم منطقهٔ غرب آسیا توانستند از آن بهره برند که اکنون برخی از آنها بیان می‌شود.

الف) قوام‌بخشی به جریان مقاومت اسلامی: از دستاوردهای مکتب شهیدسلیمانی در منطقه، قوام‌بخشی جریان جبههٔ مقاومت در منطقه است. اگرچه شاید جبههٔ مقاومت پیش از حضور شهیدسلیمانی در رأس آن شکل

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸٤/٦/۸، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3304.

یافته باشد، شهیدسلیمانی با تدبیر خود توانست آن را فراگیر و تقویت کند که می‌توان نقش این شهید عزیز را در سه‌محور راهبردی خلاصه کرد:

۱. هویت‌بخشی به محور مقاومت؛

۲. پیوند و اتصال جغرافیای اقلیمی و مذهبی محور مقاومت؛ به این معنا که جبههٔ مقاومت را از نظر دینی و اقلیمی توسعه داد و از انزوا، انحصار در دایرهٔ مذهب خاص یا اقلیم خاص بیرون آورد؛

۳. شبکه‌سازی و مردم پایه‌کردن در جریان مقاومت.

سردارسلیمانی تجربه هشت سال دفاع مقدس را داشت و پس از آن تجربه رویارویی و مقابله با عناصر معاند در جنوب کشور، که از این تجارب در جبههٔ مقاومت بهره برد.[۱]

براین‌اساس می‌توان گفت شهیدسلیمانی برای قوام‌بخشی جبههٔ مقاومت توانست از ظرفیت اعتقادی، ایدئولوژی و سیاسی همهٔ مردم منطقه استفاده کند و سردارسلیمانی بر جغرافیای مقاومت و محور مقاومت با هر مذهب و قومیتی تأکید می‌کرد. سردارسلیمانی در جنگ با داعش کوشید از نیروهای شیعهٔ عرب، افغانی، پاکستانی، سوری، و عراقی و... استفاده کند و همهٔ آنها را در حول محور جریان مقاومت قرار دهد.

ب) وحدت میان ملت‌های منطقه: چنان‌که در بخش دستاوردهای داخلی گذشت، وحدت در جهان اسلام، به‌خصوص میان شیعه و سنی و دیگر ادیان بسیار اهمیت دارد و همهٔ نقشه‌های دشمان براساس اختلاف‌انداختن میان

---

۱. حجت الاسلام جلیلی، «سردار سلیمانی مهم‌ترین نقش را در محور مقاومت داشت»، دسترسی در: https://www.iribnews.ir/fa/news/2964362، ۳۰ خرداد ۱۴۰۰.

ملت‌ها است تا بتوانند از رژیم اشغالگر قدس محافظت کنند و به اهداف دیگرشان دست یابند و از اهداف دشمنان ـ از ایجاد جنگ و خون‌ریزی داخلی در منطقه ـ این بود که می‌خواستند اعلام کنند این جنگ میان شیعه و سنی است تا آنها را به جان هم بیندازند. اما با ورود شهیدسلیمانی و مدیریت صحیح او در بسیج عمومی اعم از شیعه، سنی، مسیحی و دیگر ادیان و پای کار آمدن سران قبایل، همهٔ نقشه‌های دشمن ناکارآمد شد و وحدت عمومی در سوریه و عراق شکل گرفته و آشکار شد که فرقهٔ تکفیری داعش فقط با شیعه درگیر نمی‌شود، بلکه با هر گروه یا جریانی که مخالف تفکر و خواسته‌های آنها باشد، درگیر می‌شوند؛ خواه شیعه باشند یا سنی یا حتی مسیحی و... . شهیدسلیمانی باعث وحدت میان شیعه و سنی و دیگر فرق و ادیان در منطقه شد؛ زیرا برای ایشان شیعه بودن، سنی بودن یا هر دین دیگر فرقی نداشت. زمانی که کردستان عراق در محاصرهٔ جدی داعشی‌ها بود، آنان باورشان نمی‌شد حاج‌قاسم سلیمانی به آنجا برود و آنها را نجات دهد. شهیدسلیمانی در کردستان عراق حضور می‌یافت و لرزه در دل داعش می‌انداخت. شهیدسلیمانی در جنگ غزه نیز از اهل سنت حمایت می‌کرد. برای حاج‌قاسم شیعه و سنی مهم نبود، بلکه مجاهدت در راه خدا و آزادی بشریت مهم بود.

پ) توسعه امنیت در منطقه: پیش از اینکه جبههٔ مقاومت با قدرت وارد فاز جدیدی در منطقه شود و همچنین شهیدسلیمانی در رأس آن قرار گیرد، امنیت منطقه به چالش جدی دچار بود و مسئولان برخی کشورها نیز به ثبات و تأمین امنیت منطقه امید نداشتند. نیروهای تکفیری بخش وسیعی از کشور سوریه را در اختیار داشت و بسیاری از مردم بی‌گناه را سربرید. در این موقعیت یگانه

کشوری که برای سرکوب جریان تکفیری و پایان دادن به ناامنی‌ها به یاری سوریه شتافت، ایران اسلامی، و شخص سردار شهید، حاج‌قاسم سلیمانی فرمانده پیروز سپاه قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بود. مدیریت آگاهانه و هوشمند وی نه فقط داعش را در سوریه و آن‌گاه در عراق زمین‌گیر کرد، بلکه به‌تدریج بساط حکومتی آن را با وجود پشتیبانی‌های فروان امریکا و کشورهای پادشاهی عربی، کوتاه و کوتاه‌تر کرد.

نقش بی‌مانند و تاریخی مکتب شهیدسلیمانی در شکست بزرگ‌ترین و خشن‌ترین گروه ناامنی و تروریستی معاصر، حتی به اذعان دشمنان ایران، انکارناپذیر است. بنابراین می‌توان گفت مکتب و مرام شهید حاج‌قاسم سلیمانی نقش ثبات‌ساز و تأمین‌کننده امنیت را در قالب دفاع از حاکمیت کشورها و تمامیت ارضی‌شان در مقابل گروه‌های تروریستی ایفا کرده است. وقتی در سوریه بحران رخ داد و اتباع هشتاد کشور در قالب گروه‌های تروریستی با ملت و نظام سوریه جنگیدند، مکتب شهیدسلیمانی در سوریه حامی نظام سوریه بود و برای حفظ تمامیت ارضی و جغرافیای این کشور کوشید. وقتی در عراق گروه تروریستی داعش یک‌سوم از جغرافیای عراق را اشغال کرد، شهیدسلیمانی و هم‌فکرانش در قالب دفاع از ملت و تمامیت ارضی و جغرافیای عراق نقش خود را ایفا کردند؛ ازاین‌رو با جدیت کامل می‌توان گفت داعش در منطقه درپی نابودی بشریت بود که مکتب حاج‌قاسم آنها را نجات داد. آنها به هیچ‌کس رحم نمی‌کردند و این مکتب حاج‌قاسم بود که شخصیت آنها را به جهانیان شناساند.[۱]

---

۱. سیدرضی عمادی، «سردار سپهبد شهیدسلیمانی معمار امنیت و ثبات منطقه»، دسترسی در: https://www.scfr.ir/fa/300/30102/120556، ۳ بهمن ۱۳۹۹.

ت) بـه اهتـزاز درآوردن پـرچم عـزت و اقتـدار ملـت ایـران در منطقـه: از دستاوردهای مهم منطقه‌ای مکتب شهیدسلیمانی، به اهتزاز درآمدن پرچم عزت و اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران در منطقه بود و باعث شد کشور جمهوری اسـلامی کشـوری قدرتمنـد، مقتـدر و اثرگـذار در منطقـه شـناخته شـود؛ برهمین‌اساس حل‌وفصـل منازعـات سیاسـی ـ امنیتـی منطقـه بـدون حضـور جمهوری اسلامی هیچ گونه رسمیتی ندارد و همهٔ اینها به سـبب رشـادت‌هـای مخلصانهٔ شهیدسلیمانی در منطقـه اسـت کـه بایـد از آن قـدردانی کـرد. ده‌هـا دسـتاورد منطقـه‌ای دیگـر ماننـد ازبـین‌رفـتن حکومـت داعـش، قـوی‌ترشـدن حزب‌الله، ایستادگی در مقابل امریکا و... نیز وجود دارد که بیـان همـهٔ آنهـا در این تحقیق نمی‌گنجد.

۶-۳. دستاوردهای بین‌المللی

مکتب شهیدسلیمانی در سطح بین‌المللی دستاوردهایی دارد که برخـی از آنهـا آورده می‌شود.

الف) شکسته شدن هیمنهٔ استکبار: استکبار بـه رهبـری امریکـا در سـالیان متمادی خود را همه‌کاره و کدخدای جهان می‌دانست و کسی جرئت نمـی‌کـرد در مقابلش بایستد. اما انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینـی﵀ توانسـت به‌تدریج از شکوه و هیمنهٔ ظاهری و پوشالی آن در سطح جهان بکاهد و سـپس با تربیت‌کردن شاگردانی مانند شهیدسلیمانی از دامن مکتب امـامین انقـلاب و قرارگرفتنشان در رأس جبههٔ مقاومت، پایه و اساس همهٔ ادعاهای توخالی حقوق بشری آن رژیم شکسته شده است و اکنون تأثیر مکتب و تفکر شهیدسلیمانی با رویکرد ظلم‌ستیزی در سطح جهان به‌وضوح مشاهده می‌شود و مظلومان عالم،

شهیدسلیمانی را الگوی مبارزه با ظلم می‌دانند و همین بیانگر آن است که هیمنهٔ استکبار در حال فروریختن است؛ به بیان دیگر مکتب شهیدسلیمانی توانست امریکا را رسوا کند، و حقیقت وجودی‌اش را برای همگان آشکار کند؛ زیرا امریکا بزرگ‌ترین مبارز علیه تروریسم را ترور کرد. شهادت شهیدسلیمانی توسط امریکا ملت‌های با وجدان جهان را از خواب غفلت بیدار، و آنان را از ماهیت شعارهای توخالی مدعیان دروغین مبارزه با تروریسم آگاه کرد. همچنین امریکا با اعتراف به ترور سردارسلیمانی و پذیرفتن مسئولیت آن، وجههٔ خود را عملاً در دنیا تغییر داد و امریکا را دولتی نشان داد که رسماً عملیات تروریستی را انجام داده است؛ تصمیم ترامپ، رئیس‌جمهور وقت امریکا، کاملاً غیر عقلانی بود؛ زیرا این تصمیم به هر لحاظ به‌ضرر امریکا تمام شد و او را در سطح جهان و بین‌الملل منفور نشان داد و فروپاشی این کشور را تسریع کرد.

مقام معظم رهبری‌دام‌ظله نیز به‌نحوی به دستاورد مکتب شهیدسلیمانی در زمان حیات و در زمان شهادت اشاره کردند: «شهیدسلیمانی، هم در زمان حیات، و هم با شهادت خود استکبار را شکست داد.»[1] منظور از اینکه شهیدسلیمانی امریکا را در زمان حیات شکست داد این است که امریکا هفت تریلیون در منطقه خرج کرد تا به اهدافش برسد و منطقه را ناامن کند، اما شهیدسلیمانی با درایت خود امریکا را از رسیدن به اهدافش بازداشت. بنابراین، قهرمان این کار بزرگ، سردارسلیمانی بود که این عمل بزرگ در زمان حیاتش،

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای‌دام‌ظله در دیدار با دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج‌قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی، ۱۳۹۹/۹/۲۶، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46944.

انجام گرفت و امریکا را به اندازه‌ای ذلیل کرد کـه رئـیس‌جمهـور وقـت امریکـا مجبور شد برای دیدار با سربازانش در پایگاه نظامی خود در عـراق، از تـاریکی شب استفاده کند؛ ازاین‌رو همهٔ دنیا اذعان دارند که امریکا بـه اهـداف خـود در سوریه، و به‌ویژه در عراق نرسیده است.

اما منظور از اینکه شهیدسلیمانی امریکا را با شـهادتش شکسـت داد یعنـی تشییع میلیونی و فراموش‌نشدنی شهیدسلیمانی و شـهیدابومهدی المهنـدس در عراق و ایران و مراسم‌های بزرگداشـت ایـن دو شـهید، ژنـرال‌هـای جنـگ نـرم استکبار را متحیر کرد و نخستین سیلی سخت به امریکایی‌ها بود[1] و به امریکا و حامیانش فهماند که با شهادت شهیدسلیمانی ملت‌هـا بیـدار شـدند و بـا ایـن بیداری همهٔ رشته‌های آنها پنبه شده است.

ب) ایجـاد امنیـت در جهـان: از دسـتاوردهـای بـین‌المللـی مکتـب شهیدسلیمانی، ایجاد امنیـت در جهـان اسـت. اگـر شهیدسـلیمانی و مکتـب برخاسته از او در جبههٔ مقاومت با داعشی‌های برخاسته از سطح جهان، مبـارزه نمی‌کردند، اکنون مردم دنیا، حتی امریکایی‌ها و اروپایی‌ها امنیت نداشتند و هر روز باید منتظـر انفجارهـا در شـهرهای خـود باشـند. بنـابراین، وجـود مکتـب شهیدسلیمانی باعث تأمین امنیت آنها شده است. بااین‌وصف می‌توان گفت از دستاوردهای بین‌المللی مکتب شهیدسلیمانی، تأمین امنیت جهان است؛ زیـرا شهیدسلیمانی با نقش‌آفرینی در تشکیل محور مقاومت و مقابله بـا گـروه‌هـای تکفیری و تروریستی مانند داعش و نابودی آنها، امنیت را برای منطقـه و جهـان به ارمغان آورد. بنابراین این شهید عزیز فقط به کشور جمهوری اسـلامی ایـران

---

۱. همان.

یا کشورهای منطقه متعلق نبود، بلکه ایـن شخصـیت اثرگـذار متعلـق بـه همـهٔ آزادی‌خواهان جهان بود و تأمین امنیت جهان برای او مهم بود.

پ) ایجاد جریان ضدامریکایی در جهان: از دیگر از دستاوردهای بین‌المللـی مکتب شهیدسلیمانی ایجاد جریان ضد امریکایی در جهـان اسـت. بـا توجـه بـه خدمات و دلسوزی‌های خالصانه و همه‌جانبهٔ شهیدسلیمانی به مظلومـان عـالم، مردم دنیا به این واقعیت رسیدند که امریکـا نـه فقـط دلسـوز آنهـا نیسـت؛ بلکـه درصدد است آنها را به سلطهٔ خود درآورد و این همگان را واداشت تا علیه امریکـا به‌پا خیزند و جریان ضدامریکایی شکل گیرد که نشانه‌هایش را در سال‌های اخیـر در بسیاری از کشورها، حتی در خود امریکا می‌توان مشاهده کرد.

ت) ناامن کردن غرب آسیا برای امریکا: از دستاوردهای بین‌المللـی مکتـب شهیدسلیمانی آن است که غرب آسیا را برای تروریست‌هـای امریکـایی نـاامن کرده، تا جایی که اگر یکی از سران آن رژیم بخواهد به ایـن منطقـه سـفر کنـد، لازم است شبانه وارد منطقه شود؛ زیرا با وجود شهیدسلیمانی در منطقه و دفـاع او از مردم آن دیار، مردم دوست و دشمن خود را بـه‌خـوبی شـناختند و بـه ایـن نتیجه رسیدند که امریکا با آنها دوست نیست؛ بلکه برای منافع خود به دوسـتی تظاهر می‌کند؛ ازاین‌رو دیده می‌شود هرازچندگاهی مردم به نیروهای امریکـایی در منطقه حمله می‌کنند و نشان‌دهندهٔ این مطلب است که مـردم منطقـهٔ غـرب آسیا خواستار خروج فوری نیروهای امریکایی‌اند و به‌شدت از آنها بیزارند.

ث) گفتمان مقاومت در سطح بین‌المللی: از دستاوردهای بـین‌المللـی مکتـب شهیدسلیمانی، جهانی‌شدن گفتمان مقاومت اسـت. ایـن شـهید عزیـز در مقـام شخصـیت بـین‌المللـی مقاومـت، کـه بـیش از دو دهـه فرمانـدهی محـور ضـد صهیونیستی منطقهٔ غـرب آسـیا را بـر عهـده داشـت، تـاثیر فراوانـی بـر گشـترش

ایدئولوژی مقاومت در سطح جهانی ایجاد کرد و باعث افزایش ضدیت با استکبار، نه‌فقط در منطقهٔ غرب آسیا، بلکه در سطح جهانی و بین‌المللی شده است. درواقع شهادت سپهبدسلیمانی را می‌توان نقطهٔ عطف مبارزه آزادی‌خواهان جهان با نظام سلطه، و همچون خون تازه‌ای در رگ‌های رزمندگان بدون مرز دانست که باعث شد مسئلهٔ مقاومت در سطح بین‌المللی به گفتمان تبدیل شود.[۱]

۱. امیرحسین عرب‌پور، «شهیدسلیمانی و تصویر فرامرزی گفتمان مقاومت»، دسترسی در: http://irdiplomacy.ir/fa/news/1998721، ۲ تیر ۱۴۰۰.

کتابنامه

قرآن کریم.

شریف الرضی، محمدبن حسین. نهج‌البلاغه، تحقیق صبحی‌صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.

ـــــــــــ . نهج البلاغة، ترجمهٔ محمد دشتی، قم، مشهور، ۱۳۷۹.

علی بن الحسین﵇ [امام چهارم]. الصحیفةالسجادیه، قم، الهادی، ۱۳۷۶.

ابراهیمی، شهروز. «عربستان و سیستم قدرت در خلیج فارس»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۳، س ۷، پاییز ۱۳۸۳، ص۵۵۱-۵۷۳.

ابن طاووس، علی‌بن موسی. الملهوف علی قتلی الطفوف، دارالاسوه، ۱۴۱۷ق.

ابوشریف، ناصر. «نقش اساسی سردار سلیمانی در ناکامی طرح خاورمیانه بزرگ»، دسترسی در: https://iqna.ir/fa/news/3944861، ۲۳ دی ۱۳۹۹.

احمدی میانجی، علی. مکاتیب‌الائمه﵈، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۶ق.

اربلی، علی بن عیسی. کشف‌الغمه فی معرفةالائمه﵈، تبریز، بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱.

استرآبادی، علی. تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العترة الطاهره، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۹ق.

اسکویی، ناصر. جنگ اعراب و اسرائیل، تهران، شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران.

افتخاری، اصغر، محمدعلی زرگرزاده و مهدی شمشیری. «مؤلفه‌های مدیریت جهادی در بیانات امام خامنه‌ای»، فصلنامه مدیریت نظامی، س ۱۸، ش ۲،

تابستان ۱۳۹۷، ص۶۷.
امین‌زاده. «دستاوردهای شهیدسلیمانی در جبهه جنوب شرق کشور»، گفتارپژوهی‌های مکتب شهیدسلیمانی، ۱۳۹۹.
باشگاه خبرنگاران، «سخنرانی سردار قاسم سلیمانی»، دسترسی در: https://www.yjc.ir/fa/news/6598891، ۲۵ تیر ۱۳۹۷.
بستانی، فواد افرام. فرهنگ ابجدی، تهران، اسلامی، ۱۳۷۵.
بنی‌لوحی، سیدعلی. این‌مرد پایان ندارد (زندگی جهادی سرباز اسلام قاسم سلیمانی)، اصفهان، راه بهشت، ۱۳۹۸.
پایگاه اطلاع رسانی بنیاد شهید و امورایثارگران. دسترسی در: http://www.isaar.ir/fa/news/127659، ۳۱ تیر ۱۳۹۴.
پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری. دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir.
پایگاه خبری ـ تحلیلی مشرق نیوز. «ناگفته‌های سردار از جنگ ۳۳روزه»، دسترسی در: https://www.mashreghnews.ir/news/997713، ۲۱ دی ۱۳۹۹.
پایگاه خبری اسلام تایمز. «شهید القدس؛ حاج‌قاسم سلیمانی»، دسترسی در: https://www.islamtimes.org/fa/article/906472.
ترکمن، محمد. «روزی که سردار سلیمانی صاحب نوه‌های دوقلو شد»، دسترسی در: https://www.khabaronline.ir/news/1340050، ۲۳ اسفند ۱۳۹۹.
تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
جامعه خبری تحلیل الف. «سند افشاشده از جزئیات ترور ۷۳۰ دانشمند عراقی توسط موساد»، دسترسی در: https://www.alef.ir/news/3990914075.html، ۲۶ خرداد ۱۴۰۰.
جعفری، سیداصغر. «شهید سلیمانی و تاثیرگذاری در دفاع از عمق راهبردی انقلاب اسلامی»، دومین همایش بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی را با

موضوع مکتب شهید حاج‌قاسم سلیمانی؛ الگوی تربیت مدیران جهادی تمدن ساز، دوره ۲، شماره پیاپی ۲، ۱۳۹۹، ص ۱-۲۷، دسترسی در: https://ic2.ihu.ac.ir/article_205943.html.

جلیلیان، حسین. «الگوی تفکر راهبردی مدیران جهادی براساس وصیت‌نامهٔ الهی سیاسی شهیدقاسم سلیمانی»، نشریه مدیریت اسلامی، س ۲۸، ش ۴، زمستان ۱۳۹۹، ص ۱۰۸.

جوادی آملی، عبدالله. حماسه و عرفان، قم، اسراء، ۱۳۷۷.

«چگونه سردار سلیمانی پوتین را متقاعد کرد؟»، تارنما همشهری‌آنلاین، دسترسی در: https://www.hamshahrionline.ir/news/576332، ۹ دی ۱۳۹۹.

چمران، مهدی. «نقش سردار سلیمانی در وحدت و امنیت جهان اسلام»، دسترسی در: https://www.isna.ir/news/99081308615، ۱۳ آبان ۱۳۹۹.

حائری یزدی، علی. الزام الناصب فی اثبات الحجه الغائب عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۴۲۲ق.

حجت‌الاسلام‌جلیلی، «سردار سلیمانی مهم‌ترین نقش را در محور مقاومت داشت»، دسترسی در : https://www.iribnews.ir/fa/news/2964362، ۳۰ خرداد ۱۴۰۰.

حر عاملی، محمد بن حسن. وسائل‌الشیعه، قم، مؤسسه‌آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق.

حسنی سعدی، محمدرضا. «راز موفقیت شهیدسلیمانی از زبان هم‌رزمش»، دسترسی در: https://www.irna.ir/news/83635123، ۲۵ دی ۱۳۹۸.

حکیم، سیدمحسن. «حاج‌قاسم شخصیتی جامع الاطراف بود»، پایگاه خبری شفقنا، دسترسی در: https://fa.shafaqna.com/news/1076344، ۱۴ دی ۱۳۹۹.

خبرگذاری دانشجو. «روایت‌های سردار چهارباغی از شهیدسلیمانی»، دسترسی در: https://snn.ir/fa/news/850409/، ۶ خرداد ۱۳۹۹.

خبرگزاری ایسنا. «اخلاص در عمل، در رفتار شهیدسلیمانی موج می‌زد»، دسترسی در: https://www.isna.ir/news/98102216471، ۲۲ دی ۱۳۹۹.

ـــــــــــــ . «سردارسلیمانی از نگاه سیدحسن نصرالله»، دسترسی در:

https://www.isna.ir/news/98112317625، ۲۳ بهمن ۱۳۹۸.
ـــــــــــ . «نامهٔ شهیدحاج‌قاسم سلیمانی به فرزندشان/ چرا می‌جنگم؟»، دسترسی در: https://snn.ir/fa/news/911727، ۲۳ بهمن ۱۳۹۹.
خبرگزاری بسیج. دسترسی در: https://basijnews.ir/fa/news، ۱۶ آذر ۱۳۹۹.
خبرگزاری تسنیم. «راز محبوبیت حاج‌قاسم در خوزستان»، دسترسی در: https://www.tasnimnews.com/fa/news/2422570، ۱۲ دی ۱۳۹۹.
ـــــــــــ . «روایت حضور رهبر انقلاب به‌همراه حاج‌قاسم در منزل شهید عظیم‌پور»، دسترسی در: https://www.tasnimnews.com/fa/news/2188619، ۸ بهمن ۱۳۹۸.
ـــــــــــ . «سخنرانی سردار سلیمانی در کرمان»، دسترسی در: https://www.tasnimnews.com/fa/news/1653838، ۲۲ بهمن ۱۳۹۶
خبرگزاری دانشجویان ایران. «واکنش امام‌ﷺ به اصابت موشک در اطراف جماران»، دسترسی در: https://www.isna.ir/news/99082315482، ۲۳ آبان ۱۳۹۹.
خبرگزاری دفاع مقدس، «سرلشکر سلیمانی در جمع دانشجویان دانشگاه امام حسین‌ﷺ»، دسترسی در: https://defapress.ir/fa/news/248420، ۲۷ تیر ۱۳۹۶.
ـــــــــــ . «عنایات حضرت زهراﷺ در دفاع مقدس از زبان سردار شهید فاسم سلیمانی»، دسترسی در: https://defapress.ir/fa/news/381704، ۹ بهمن ۱۳۹۸.
خبرگزاری شفقنا. «سیدمحسن حکیم نائب رئیس جریان ملی عراق»، دسترسی در: https://fa.shafaqna.com/news/1074344، ۱۴ دی ۱۳۹۹.
خبرگزاری فارس. «بازخوانی یک اتفاق بزرگ در همدان»، دسترسی در: https://www.farsnews.ir/hamedan/news/001059، ۸ دی ۱۳۹۹.
ـــــــــــ . «حاج‌قاسم در مذاکره هم حریف نداشت»، دسترسی در: https://www.farsnews.ir/news/000737، ۱۱ خرداد ۱۳۹۹.
ـــــــــــ . «ویژگی‌های جغرافیایی قلمروهای شیعه‌نشین»، دسترسی در: https://www.farsnews.ir/news/001454، ۲۴ فروردین ۱۳۹۴.

ـــــــــــــ . «سخنان سردار قاسم سلیمانی در یادواره عملیات رمضان در همدان»، دسترسی در: https://www.farsnews.ir/news/000386، ۴ مرداد ۱۳۹۷.

ـــــــــــــ . «سردار سلیمانی در همایش ملی نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای دام‌ظله در گستره فرهنگ»، دسترسی در: https://www.farsnews.ir/news/000586، ۷ آذر ۱۳۹۷.

خبرگزاری میزان. «راهزنی نفتی امریکا در سوریه»، دسترسی در: https://www.mizanonline.com/fa/news/644423، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۹.

ـــــــــــــ . دسترسی در: https://www.mizanonline.com/fa/news/501663، ۲۰ اسفند ۱۳۹۷.

دانشگاه شهید باهنر کرمان، همایش نظام فکری حضرت آیت الله خامنه‌ای دام‌ظله در توسعه فرهنگ، فایل صوتی، دسترسی در: https://uk.ac.ir/fa، ۲۳ دی ۱۳۹۸.

دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور، «حاج‌قاسم را با این ۲۵ ویژگی بشناسید»، دسترسی در: https://www.mashreghnews.ir/news/1039839، ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۰.

دورانت، ویلیام جیمز. تاریخ تمدن، ترجمهٔ احمد آرام و دیگران، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵.

دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.

دهقانی پوده، حسین و امین پاشایی هولاسو. «تدوین الگوی فرماندهی شهید قاسم سلیمانی»، نشریهٔ مدیریت اسلامی، س ۲۸، ش ۲، تابستان ۱۳۹۹، ص۱۹.

دیلمی معزی، امین و مرتضی شجاع. «امریکا و راهبرد بازنگری در مرزهای سرزمینی در خاورمیانه»، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۲۴۷و ۲۴۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۷، ص ۹۶-۱۰۹.

دیلمی، حسن بن محمد. أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ق.

دیویس، تونی. اومانیسم، ترجمهٔ عباس مخبر، تهران، کوثر، ۱۳۷۸.
راسخون. «اصول کار جهادی در سلوک سردار سلیمانی»، دسترسی در: https://rasekhoon.net/article/show/1559179، ۱ خرداد ۱۴۰۰.
رشادتی، محمدمهدی. «حاج قاسم و مکتب مقاومت»، روزنامهٔ کیهان، دسترسی در: https://kayhan.ir/fa/news/182890، ۱۳ شهریور ۱۳۹۹.
رکنی لموکی، محمد تقی. بازخوانی پرونده داعش (چرایی تأسیس، چگونگی عملکرد)، قم، زمزم هدایت، ۱۳۹۹.
رودگر، محمد جواد. سلوک در مکتب سلیمانی، تهران، مؤسسهٔ فرهنگی دانش و اندیشهٔ معاصر، ۱۳۹۹.
رئوفی، محمد. «روایتی شنیدنی از استاندار اسبق کرمان از حاج‌قاسم»، دسترسی در: https://www.borna.news، ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۰.
زارعی، سعدالله. «جنبه‌های انسانی مکتب شهید سلیمانی»، گفتار پژوهی‌های مکتب شهید سلیمانی، ۱۳۹۹.
ـــــــــــ. «کنکاشی مقدماتی در «مکتب سلیمانی»»، مجله مطالعات راهبردی جهان اسلام، ش۷۹، پاییز ۱۳۹۸، ص ۵-۲۵.
ـــــــــــ. «ولایت فقیه در وصیت‌نامهٔ سردار سلیمانی»، دسترسی در: https://www.tasnimnews.com/fa/news.
زمانی، محمدحسن. «روایتی از شجاعت حاج‌قاسم در شکستن محاصرهٔ حرم حضرت زینب، دسترسی در: https://www.mashreghnews.ir/news/10386، ۱۶ بهمن ۱۳۹۸.
سایت جهان نیوز. «دست‌نوشته‌ای از شهید سلیمانی»، دسترسی در: http://www.jahannews.com/news/746173، ۱۴ ادریبهشت ۱۴۰۰.
سعادت‌نژاد، اسماعیل. «شاخص‌های فرهنگی در مکتب شهیدسلیمانی، مجموعه گفتارپژوهی مکتب شهیدسلیمانی، دسترسی در: http://www.ihu.ac.ir/news/news/1411.

ـــــــــــ . «برنامه دستخط»، دسترسی در: https://fa.shafaqna.com/news/1071750، ۱۴ دی ۱۳۹۹.

سلیمانی، زینب. «پدرم خود را سرباز مردم ایران و رهبری می‌دانست»، دسترسی در: https://www.mehrnews.com/news/5108249، ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۰.

ـــــــــــ . «خاطرهٔ زینب سلیمانی از روزی که حاج‌قاسم مدال ذوالفقار را دریافت کرد»، پایگاه خبری-تحلیلی مشرق نیوز، دسترسی در: https://www.mashreghnews.ir/news/1067799، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۹.

سلیمانی، سهراب. «سبک ساده زندگی حاج قاسم سلیمانی»، دسترسی در: https://fa.alkawthartv.com/news/263343، ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۰.

ـــــــــــ . «سردار سلیمانی چگونه زندگی می کند»؟، دسترسی در: https://nahad.qiau.ac.ir/index.aspx?key=docs&id=2536، ۲۵ بهمن ۱۳۹۹.

ـــــــــــ . «ناگفته‌های سبک زندگی «حاج‌قاسم» از زبان برادرش»، دسترسی در: https://www.mashreghnews.ir/news/1163317، ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۰.

سلیمانی، قاسم. «آخرین دست‌نوشته سردارسلیمانی»، دسترسی در: https://parstoday.com/dari/news/iran-i102521، ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۰.

ـــــــــــ . «نامه سردار سلیمانی به دخترش فاطمه»، دسترسی در: https://www.aparat.com/v/PUAJI، ۵ دی ۱۳۹۹.

ـــــــــــ . «گفت‌وگویی مطبوعاتی با نشریه مسیر»، تارنمای جام جم آنلاین، دسترسی در: https://jamejamonline.ir/fa/news/1297954، ۸ دی ۱۳۹۹.

ـــــــــــ . «نامه به فرمانده بسیج در سال ۱۳۷۰»، دسترسی در: http://www.ensafnews.com/257047.

ـــــــــــ . «سخنرانی حاج‌قاسم سلیمانی»، پایگاه خبری ـ تحلیلی مشرق نیوز، دسترسی در: https://www.mashreghnews.ir/news/1027072، ۱۵ دی ۱۳۹۸.

ـــــــــــ . «سخنرانی کوتاه از سپهبد شهید حاج‌قاسم سلیمانی با موضوع شرط شهید شدن»، دسترسی در: http://sokhanrani.iranseda.ir/detailsAlbum/?

VALID=TRUE&g=295956، ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۰.
ـــــــــــ. «وصیت‌نامه»، دسترسی در: https//jzal.ir/post/7668، ۲۷ آذر ۱۴۰۰.
شجاعیان، فاضل و دیگران، «اهداف امریکا از ایجاد بحران در منطقه غرب آسیا، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ش ۳۷، زمستان ۱۳۹۷، ص۲۴۸.
شریفی، احمدحسین. سبک زندگی و هنرهای بی‌زیان انتقال پیام، قم، حسینیه الغدیر، ۱۳۸۹.
شفیعی، عباس. «مردم داری در رهبری امام خمینی﵀»، پژوهشنامه متین، ش ۳۱ و ۳۲، تابستان و پاییز ۱۳۸۵، ص۱۵۶.
شکوریان‌فرد، نرجس. حاج‌قاسم، قم، عهدما، ۱۳۹۸.
شیرازی، علی. «سبک زندگی اسلامی در مکتب شهید سلیمانی»، گفتارپژوهی‌های مکتب شهید سلیمانی، ۱۳۹۹.
ـــــــــــ. «سیرهٔ شهیدسلیمانی تفسیر ناب ولایتمداری است»، دسترسی در: https://www.mehrnews.com/news/5110695، ۱ خرداد ۱۴۰۰.
ـــــــــــ. شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی، قم، خط‌مقدم، ۱۳۹۹.
صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (ملاصدرا). شرح اصول‌الکافی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳.
صدفی، مهدی. «حکایت خانه‌ای که تبدیل به بیت‌الزهرا شد»، دسترسی در: https://sayeb.ir، ۲۱ مهر ۱۴۰۰.
صفوی، سید یحیی. «دشمن شناسی و اقدام به موقع علیه دشمنان از جمله اصول مکتب شهید سلیمانی است»، دسترسی در: https://www.irna.ir/news، ۱۴ اسفند ۱۳۹۹.
ـــــــــــ. «موازنه قدرت به نفع فلسطینیان تغییر کرده است»، دسترسی در: https://www.irna.ir/news/83100593، ۱۷ دی ۱۳۹۹.
طباطبایی، سیدمحمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة

الاعلمی، ۱۳۹۰ق.
طبرسی، احمد بن علی. الاحتجاج، نجف اشرف، النعمان، ۱۳۸۶ق.
طبرسی، فضل بن حسن. مکارم الاخلاق، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
طهماسبی، عالمه و دیگران. سلیمانی عزیز، قم، حماسه یاران، ۱۳۹۹.
عرب پور، امیرحسین. «شهید سلیمانی و تصویر فرامرزی گفتمان مقاومت»، دسترسی در: http://irdiplomacy.ir/fa/news/1998721، ۲ تیر ۱۴۰۰.
عمادی، سیدرضی. «سردار سپهبد شهیدسلیمانی معمار امنیت و ثبات منطقه»، دسترسی در: https://www.scfr.ir/fa/300/30102/120556، ۳ بهمن ۱۳۹۹.
عمید، حسن. فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
فلاح زاده، محمدرضا (ابوباقر). «ناگفته‌های سرداری که همپای حاج‌قاسم با داعش جنگید»، دسترسی در: www.mashreghnews.ir/news/1077698/، ۲۶ آذر ۱۳۹۹.
ـــــــــــ . «ناگفته‌های معاون هماهنگ کننده سپاه قدس از شهید سلیمانی»، دسترسی: https://www.irna.ir/news/83622691.
ـــــــــــ . «توکل، ولایت‌مداری و اخلاق موجب عزتمندی سردارسلیمانی شد»، دسترسی در: https://yazd.iqna.ir/fa/news/3875245.
فلاح، محمود. اسلامِ سیاسی و تمایز آن با سلفی گری در دورهٔ معاصر: زمینه‌ها، فرصت‌ها و چالش‌ها، کنگرهٔ جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، به کوشش مهدی فرمانیان، قم، دار الاعلام لمدرسة اهل البیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۳.
قاآنی، اسماعیل. «به وقتش صدای شکستن استخوان دشمنان را خواهید شنید»، دسترسی در: https://www.mashreghnews.ir/news/1191833، ۲۵ اسفند ۱۳۹۹.
قاسم، شیخ نعیم. «نقش سردار سلیمانی در جنگ ۳۳ روزه»، دسترسی در: https://www.mashreghnews.ir/news/1092478، ۲۱ دی ۱۳۹۹.
کراجکی، محمدعلی. کنزالفوائد، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۰ق.

کریمخانی، احمد. «منطق رفتار سیاسی شهیدسلیمانی»، «گفتارپژوهی‌های مکتب شهید سلیمانی»، ۱۳۹۹.
کریمی، ابوالفضل. «نقش ج.ا.ایران در هویت‌بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت»، مجله پژوهش ملل، ش۲۰، مرداد ۱۳۹۶، ص۲.
کریمی، سیدعبدالمجید. رفیق خوشبخت ما، مشهد، زائر رضوی، ۱۳۹۹.
کلینی، محمد بن یعقوب. اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
گروه نویسندگان. تربیت دینی در جامعهٔ اسلامی معاصر، قم، مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.
لیثی واسطی، علی بن محمد. عیون الحکم والمواعظ، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۶.
«ماجرای آخرین دست نوشته سردار سلیمانی ساعاتی قبل از شهادت»، دسترسی در: https://www.mehrnews.com/news.
متصدی، حسین. «فرمانده خستگی‌ناپذیر»، دسترسی در: https://farhangesadid.ir/fa/news/4343، ۱۸ خرداد ۱۴۰۰.
متقی، ابراهیم. «پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی معامله قرن»، فصلنامه گفتمان راهبردی فلسطین، س ۱، ش ۲، تابستان ۱۳۹۸، ص ۱-۲۶.
مجلسی، محمدباقر. بحارالأنوار، بیروت، داراحیاءالتراث العربی، ۱۴۰۳ق.
ـــــــــــ . زادالمعاد، بیروت، مؤسسةالاعلمی، ۱۴۲۳ق.
محمد المصری، راغده. «گروه‌های تکفیری و مسئله فلسطین، مجموعه مقالات کنگرهٔ جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه اسلام، به کوشش مهدی فرمانیان، قم، دار الاعلام لمدرسة اهل البیت، ۱۳۹۳.
محمدی‌سیرت، حسین و محمود ترابی اقدم. «الگوی نمایش نقش امنیت‌آفرین شهیدان محور مقاومت در رسانه ملی»، مجله مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص۶۳.
مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران. «قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران»، دسترسی در: https://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution.
مره‌صدق، سیامک. دسترسی در: https://www.tasnimnews.com/fa/news/2181961، ۲۴ دی ۱۳۹۸.
مزدآبادی، علی‌اکبر. حاج‌قاسم، تهران، یا زهرا، ۱۳۹۹.
ـــــــــــ . ذوالفقار، تهران، یازهراﷺ، ۱۳۹۸.
مستوفی، حمدالله. تاریخ گزیده، تصحیح عبدالحسین نوائی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
مصباح، علی. «واکاوی مفهومی معنویت و مسئله معنا»، فصلنامهٔ اخلاق پزشکی، س ۴، ش ۱۴، تابستان ۱۳۸۹، ص ۲۶.
مطهری، مرتضی. مجموعه آثار، قم، صدرا، ۱۳۷۲.
ـــــــــــ . یادداشت‌های شهید مطهری، تهران، صدرا.
معروفی، حسین. «ناگفته‌های یک سردار از نماز شب‌های حاج‌قاسم»، دسترسی در: https://www.mashreghnews.ir/news.
مفید، محمدبن محمد بن نعمان. الاختصاص، قم، المؤتمرالعالمی لالفیة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
مقدسی، علیرضا. «جهاد یک دریچه خاص برای اولیای خداست»، خبرگزاری جمهوری اسلامی، دسترسی در: https://www.irna.ir/news/84174615، ۱۶ دی ۱۳۹۹.
مقدم‌فر، حمیدرضا. «ایستادگی در برابر دشمن»، دسترسی در: https://mirnews.ir/KhabarFarhangis/Details/9003، ۱۴ دی ۱۳۹۹.
موسوی خمینی، سیدروح‌الله. ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی، تهران، مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینیﷺ، ۱۳۹۱.
ـــــــــــ . آداب‌الصلاة، تهران، مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام‌خمینیﷺ، ۱۳۷۸.
ـــــــــــ . صحیفهٔ امام، تهران، مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینیﷺ، ۱۳۷۸.
مهدی‌زاده، حمید. «بازتبیین سبک زندگی در گستره روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و اسلام»، مجموعه مقالات چهارمین کنگرهٔ بین‌المللی علوم

انسانی، اسلامی، تهران، آفتاب توسعه، ۱۳۹۸.
مهروان فر، ابوذر. برادر قاسم، قم، مهر امیرالمومنین، ۱۳۹۷.
نصرالله، سید حسن. «سخنرانی در هفتمین روز شهادت شهید سلیمانی»، دسترسی در: https://www.iribnews.ir/fa/news/2619716، ۴ بهمن ۱۳۹۹.
نعناکار، شاهین. «الحاق کرانهٔ باختری، توطئه صهیونیست‌ها برای عبور از بحران‌ها»، دسترسی در: https://www.irna.ir/news/83837534، ۲۵ خرداد ۱۴۰۰.
«نقش شهیدسلیمانی در ناکامی طرح‌های امریکایی ـ اسرائیلی»، دسترسی در: https://www.generalsoleimani.com/fa، ۲۹ دی ۱۳۹۹.
نیک‌روش، ملیحه. «تفاوت در اسلام امریکایی و اسلام ناب محمدی از منظر امام خمینی»، پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی، دسترسی در: https://www.irdc.ir/fa/news/5666، ۵ فروردین ۱۳۹۹.
«واکنش‌هابه تشییع پیکر سردار قاسم سلیمانی؛ حیرت جهانی»، تارنما جام جم آنلاین، دسترسی در: https://jamejamonline.ir/fa/news/1244200، ۱۶ دی ۱۳۹۸.
ویژه‌نامهٔ روزنامه اطلاعات، به مناسبت اربعین شهادت سپهبد حاج‌قاسم سلیمانی. سردار دل‌ها، پنج‌شنبه ۱۳۹۸/۱۱/۲۴، س ۹۴، ش ۲۷۴۹۹، ص۲۳.
هدایتی، احمدرضا. «آشنایی اجمالی با مفهوم مکتب»، دسترسی در: http://rahtooshe.com/?p=2383، ۴ اسفند ۱۳۹۳.
یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب. تاریخ یعقوبی، ترجمهٔ محمدابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

https://www.mehrnews.com/news/4554913.

https://www.tasnimnews.com/fa/news/1653838